دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ • ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۴ آگوست ۲۰۲۶ • سال سی‌ودوم • شماره ۹۱۰۵ • ۱۶ صفحه • قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

ایران

«ایران» عملکرد دو ساله دولت مسعود پزشکیان را بررسی می کند

مرد وفاق و دفاع

مرور مهم‌ترین تحولات دولت و دغدغه‌های رئیس جمهوری
در گفت‌وگو با محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور

پزشکیان استراتژیک عمل می کند

«وفاق» در مسیر اصلاح سیاست‌های حکمرانی
محمود واعظی ،رئیس دفتر رئیس جمهور در دولت دوازدهم

گذار از مدیریت بحران به ساختن آینده
غلامرضا ظریفیان، استاد دانشگاه

کنش میدانی رئیس جمهوری و کاهش اضطراب جمعی
علیرضا شریفی یزدی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

رئیس جمهوری و اعضای دولت به مناسبت هفته دولت
با آرمان‌های امام (ره) و انقلاب اسلامی تجدید میثاق کردند

پزشکیان: پذیرش تفاهمنامه با اجماع همه مسئولین بود

وقتی تصمیم گرفتیم و به تفاهم رسیدیم
همه باید پای آن تصمیم بایستیم

۲

عکس: President.ir

آگهی مزایده شماره ۱۴۰۵/۲۲۶/ هـ. ف
یک سازمان دولتی
در نظر دارد املاک خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.
شرح در صفحه ۸

آگهی شناسایی پیمانکار ساختمانی رسته‌های ابنیه - تأسیسات مکانیکی و الکتریکی
بانک صادرات ایران
شرح در صفحه ۸

آگهی لغو مزایده عمومی
فروش اموال منقول مازاد واقع در استان تهران
به‌شماره ۱۴۰۵/۲
بانک صادرات ایران
پیرو آگهی مزایده عمومی بانک صادرات ایران - مدیریت شعب غرب تهران با موضوع فوق چاپ شده در صفحه اول روزنامه ایران شماره ۹۰۹۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷؛ مزایده مذکور کنسل و کان‌لم‌یکن می‌باشد.

ایران online
www.ion.ir
www.ion.ir
با ایران آنلاین، آنلاین باشید

اخبار

قالیباف: نقشه فشار اقتصادی علیه ایران مثل بومرنگ به صورت آمریکا می‌خورد

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته در حساب کاربری خود در شبکه ایکس با به اشتراک گذاشتن تصویری، پیامدهای فشار اقتصادی علیه ایران و بازارهای انرژی بر اقتصاد آمریکا را برشمرد و با اشاره به اقدامات اخیر ترامپ برای کنترل قیمت کالاها در آمریکا نوشت: واردات گوشت یخ‌زده برای کنترل قیمت گوشت؟ باشه، شاید جواب بدهد.
رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه نوشت: اما برای اوراق قرضه چه نقشه‌ای دارید؟ می‌خواهید بازدهی یخ‌زده وارد کنید؟ برای مسکن، خریداران یخ‌زده وارد می‌کنید؟ برای چاره‌اندیشی دستمزدها، فیش‌های حقوقی یخ‌زده صادر کنید؟
وی در ادامه تصریح کرد: یک سیاست خارجی یخ‌زده و بدون ابتکار، اقتصادی یخ‌زده و راکد به بار می‌آورد. تنها چیزی که هنوز در حرکت است؟ بومرنگ ایران که به صورت خودتان برمی‌گردد.

معاون حقوقی رئیس جمهور خبر داد

بررسی طرح مقابله با نفوذ در جلسه سران

معاون حقوقی رئیس جمهور با تأکید بر اینکه موضع رسمی دولت مخالفت با کلیت طرح «مقابله با نفوذ» است، گفت: «قبلاً به رئیس مجلس نامه نوشته بودیم و روز شنبه هم در جلسه سران قوا از آقای دکتر قالیباف درخواست شده که خودشان تدبیر کنند. با شیوه‌هایی که در آیین‌نامه هست این امکان وجود دارد که به دلیل ابهامات زیاد این طرح در زمینه جرم‌انگاری، آن را به کمیسیون برگردانند و فرصتی برای رفع این مشکلات ایجاد شود.» به گزارش جماران، مجید انصاری با بیان اینکه مهرماه سال ۱۴۰۴ در هیأت دولت مطرح شد که چنین طرحی در مجلس هست و مفاد طرح بررسی شد، تصریح کرد: «هیأت دولت با قاطعیت مخالفت کرد و نظر مخالف دولت کتباً و رسماً به مجلس اعلام شده است. متأسفانه فرآیند رسیدگی به طرح در مجلس به درستی انجام نشده است. این طرح ماهیت قضایی دارد؛ چون عمدتاً جرم‌انگاری شده است.» انصاری در این باره با بیان اینکه «این طرح در ارتباطات علمی و رسانه‌ای کشور اخلال به وجود می‌آورد» و «قانون‌گذاری و جرم‌انگاری راجع به این جرم در شرایط احساسی و عجله جواب نمی‌دهد»، توضیح داد: «به هر حال این طرح ماهیت قضایی دارد و باید در قالب لایحه قضایی از طرف قوه قضائیه به دولت داده می‌شد؛ دولت در قالب لایحه به مجلس می‌داد و مجلس رسیدگی می‌کرد. حالا نمایندگان طرح دارند و به جای ارجاع به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس که حقوقدان و قاضی هستند، به کمیسیون امنیت ملی مجلس ارجاع شد و در رسیدگی‌های آنجا هم از ما دعوت نشد؛ تا اینکه در دستور قرار گرفت. نواب رئیس مجلس گفته بودند شما با این طرح مخالفت نکنید، ما آن را دو شوری می‌کنیم تا به کمیسیون بیاید و شما تمام نظراتتان را بگویید. اما بعد از تصویب کلیات گفتند نمی‌شود آن را دو شوری کنیم.»

معاون رئیس جمهور در جمع ارکان اطلاع‌رسانی دولت خبر داد

تزریق ۲۰ همت سرمایه برای احیای واحدهای تولیدی راکد و نیمه‌راکد

هفتادوپنجمین نشست ارکان اطلاع‌رسانی دولت به میزبانی معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری برگزار شد؛ نشستی که در آن بر تقویت روایت اقدامات دولت در روستاها، استفاده از ظرفیت روستاییان به‌عنوان راویان اصلی این اقدامات و هماهنگی بیشتر میان ارکان اطلاع‌رسانی دولت تأکید شد.
عبدالکریم حسین‌زاده در این نشست با اشاره به فلسفه شکل‌گیری معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم اظهار کرد: «زمانی که قرار بر تأسیس این معاونت شد، دکتر پزشکیان تأکید کردند معاونت توسعه روستایی باید «صدای بی‌صدایان» باشد؛ یعنی علاوه بر ۵۰ درصدی که رأی ندادند، آن بخش از جامعه که از نظام تصمیم‌گیری کشور حذف شده‌اند، از جمله مردم عشایری، روستایی و مناطق کمتر برخوردار، باید بار دیگر به حوزه تأثیرگذاری بازگردند.»
وی با اشاره به راه‌اندازی مرکز احیای واحدهای راکد و نیمه‌راکد کشور گفت: «با پنج بانک تفاهمنامه امضا کرده و بالغ بر ۲۰ همت سرمایه از بانک‌ها جذب کرده‌ایم تا به واحدهای راکد و نیمه‌راکد اختصاص یابد و این واحدها مجدداً فعال شوند.»
معاون رئیس جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم با اشاره به اقدامات معاونت در زمینه احصای آمار بازماندگان از تحصیل، گفت: «حدود یک میلیون نفر بازمانده از تحصیل هستند که ما این تعداد را بر اساس کد ملی، شماره تماس و کد پستی احصا و همچنین یک مرکز تماس راه‌اندازی کردیم و با واقعی‌سازی ارقام، دهک اقتصادی و علت بازماندن از تحصیل این افراد را نیز مشخص کردیم.» حسین‌زاده افزود: «در گام اول، پنج استان که بیشترین آمار بازماندگان از تحصیل را دارند، به‌عنوان استان‌های هدف انتخاب شده‌اند.» وی همچنین اظهار کرد: «از صندوق توسعه ملی، ۳ همت جذب ریالی و ۲ میلیارد دلار جذب ارزی داشته‌ایم و منابع ارزی را در استان‌های صرفاً مرزی هزینه کرده‌ایم تا امنیت پایدار و دلگرمی مردم این مناطق به نظام و کشور افزایش یابد. همچنین از حساب پیشرفت و عدالت نیز ۴ همت ظرفیت استفاده خواهیم کرد.»
حسین‌زاده تأکید کرد: «باید کاری کنیم که مردم بدون دغدغه و با اجرای پیوست عدالت مورد تأکید دکتر پزشکیان، به زیرساخت‌ها و امکانات دسترسی داشته باشند. نگاه دکتر پزشکیان درآمدزا کردن مردم است و بر همین اساس امسال ۱۳۰ همت از محل حساب پیشرفت و عدالت برای اشتغالزایی اختصاص می‌یابد؛ این رقم در سال گذشته ۷۰ همت بوده است.»

رئیس جمهوری و اعضای دولت به مناسبت هفته دولت با آرمان‌های امام (ره) و انقلاب اسلامی تجدید میثاق کردند

پزشکیان: پذیرش تفاهمنامه با اجماع همه مسئولین بود

وقتی تصمیم گرفتیم و به تفاهم رسیدیم، همه باید پای آن تصمیم بایستیم

دولت

گروه سیاسی

رئیس جمهوری و اعضای دولت وفاق ملی، در اولین روز هفته دولت با حضور در مرقد بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران، با آرمان‌های امام خمینی (ره) و شهیدان انقلاب اسلامی تجدید میثاق کردند. مسعود پزشکیان در سخنانی در این مراسم با اشاره به اجماع کارشناسی مسئولان نظامی، امنیتی، اجرایی، تقنینی و قضایی درباره تفاهمنامه اخیر، آن را تصمیمی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت دانست و با تأکید بر ضرورت پایبندی همگان به تصمیم‌های جمعی گفت: «اگر براساس کارشناسی، تعقل، همدلی و مشورت عمل کنیم، هیچ قدرتی نخواهد توانست ملت ایران را به تسلیم وادار کند.»
رئیس جمهوری سخنان خود را با گرامیداشت یاد رهبر شهید، دانش‌آموزان، مردم و نیروهای مسلح و مقامات و فرماندهان شهید در جنگ تحمیلی آغاز کرد و در گزارشی از آنچه دولت چهاردهم از زمان آغاز به کار پیش رو داشته، گفت: «از زمانی که دولت بر سر کار آمده است، جنگ، تحریم، فشارهای مختلف و ترورهای مداوم، هر روز و هر لحظه ادامه داشته و همچنین دولت در زمان تحویل گرفتن امور با ناترازی‌ها و مشکلات متعددی در حوزه‌های آب، برق، گاز، سوخت، محیط زیست و بانک‌ها روبه‌رو بوده است.»
پزشکیان با اشاره به طراحی دشمنان برای سقوط ایران تصریح کرد: «همان‌گونه که بیان شد، دشمنان تصور می‌کردند ایران سقوط خواهد کرد و براساس ارزیابی‌های خود گمان می‌کردند با اجرای این اقدامات، ایران به ونزوئلا تبدیل می‌شود. نه‌تنها چنین اتفاقی رخ نداد، بلکه ایران به قدرتی تبدیل شد که جهان در برابر ایستادگی، همبستگی و انسجام ملت ایران حیرت کرد. تحلیلگران نمی‌توانند توضیحی برای این مسأله پیدا کنند که چگونه این ملت، به تعبیر امام شهیدمان، مبعوث شد. مردم عزیز ما کاری کارستان کردند.»

تلاش با همه وجود دولت برای عبور از دشواری‌ها

رئیس جمهوری با ابراز شرمندگی در پیشگاه مردم برای مشکلاتی که همچنان وجود دارد بر تلاش با همه وجود دولت برای عبور از دشواری‌های موجود تأکید و خاطرنشان کرد: «کشور در یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی، نظامی و امنیتی قرار گرفته است. دشمنان به‌صراحت اعلام می‌کنند که کوبنده‌ترین و وحشتناک‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال می‌کنند، اما ما ایستاده‌ایم و تلاش می‌کنیم در برابر این جنگ نابرابر، خدمتگزار مردم باشیم. باور و اعتقاد ما این است که تا جان در بدن داریم، خدمتگزار مردم عزیزمان خواهیم بود.» پزشکیان در عین حال از عملکرد وزرا، مسئولان و مدیران در شرایط سخت کشور قدردانی کرد و یادآور شد: «با وجود همه حملات، بازار کشور آن‌گونه که دشمن انتظار داشت با مشکل روبه‌رو نشد و در تأمین بنزین، مواد غذایی، راه‌ها، آب و دیگر بخش‌های مدیریتی خللی جدی ایجاد نشد.» او در عین حال ابراز امیدواری کرد با همدلی و همکاری، زمینه ارتقای زندگی و آینده مردم فراهم شود و کشور بتواند با قدرت از این بحران‌ها عبور کند.

عزت، حکمت و مصلحت؛ چارچوب تفاهمنامه

پزشکیان همچنین در اشاره به روند دستیابی به تفاهمنامه با بیان اینکه «آنچه پس از بحث‌ها و گفت‌وگوهای طولانی به آن رسیدیم، حاصل اجماع کارشناسی همه کسانی بود که دستی در آتش داشتند. بدون استثنا، رزمندگانی که می‌جنگیدند، مدیرانی که امنیت کشور را حفظ می‌کردند، مجریانی که امور را اجرا می‌کردند، قانونگذاران و قضات در این اجماع حضور داشتند»، تصریح کرد: «اگر در برابر دشمن ایستادیم و سر خم نکردیم، همین افراد در میدان بودند و کسانی غیر از این مجموعه نبودند. همین افراد نشستند و به چارچوبی رسیدند که عزت، حکمت و مصلحت را در عمل به این شیوه دیدند.»
رئیس جمهوری با بیان اینکه برخی افراد به دلیل ناآگاهی از ابعاد موضوع یا نداشتن حضور مستقیم در میدان، تصمیم اتخاذشده را تکذیب می‌کنند، با اشاره به آیاتی از قرآن ادامه داد: «برخی به سخنان گوش می‌دهند، اما آیا می‌توان کسانی را که نمی‌خواهند تعقل کنند، شنوا کرد؟ همچنین برخی نگاه می‌کنند، اما آیا می‌توان کسانی را که بصیرت ندارند، هدایت کرد؟ خداوند به مردم ظلم نمی‌کند؛ این رفتار، عملکرد و کردار خود ماست که زمینه ظلم را فراهم می‌کند. ظلم زمانی رخ می‌دهد که نتوانیم تصمیم درست بگیریم.»

جنگ تمام‌عیار فقط شلیک موشک نیست

پزشکیان سپس با تأکید بر تلاش دولت برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم اظهار کرد: «دولت با تمام وجود به دنبال کاهش تورم و حل مسائل مربوط به معیشت، اشتغال، آینده و زندگی مردم و حرکت به سوی عزت و سربلندی است. می‌دانم که اکنون مشکلات زیادی در جامعه وجود دارد و تا جایی که می‌توانیم تلاش می‌کنیم مردم گرفتار نشوند، اما دشمن نیز با تمام توان می‌کوشد مانع تحقق این هدف شود.» او با اشاره به تلاش دشمن برای تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران تصریح کرد: «وقتی دشمن به صورت علنی راه‌ها را می‌بندد و با دولت‌های مسلمان و مدعی گفت‌وگو می‌کند تا با ایران معامله نکنند و کشور را به تسلیم وادار سازند، از این روشن‌تر چگونه باید بیان کرد که در چه وضعیت جنگ تمام‌عیاری قرار گرفته‌ایم؟ جنگ تمام‌عیار فقط شلیک موشک نیست.»
پزشکیان در عین حال با یادآوری اینکه «در برابر موشک‌ها، همه مردم ایران یک‌صدا ایستادند؛ حتی کسانی که از ما گلایه یا به دلیل نوع رفتار و گفتارمان دلخوری داشتند و حتی کسانی که ما عده‌ای را از خودمان نمی‌دانستیم، به خاطر ایران، کشور و عزت و سربلندی ملت در میدان حضور یافتند»، از همراهی مردم در شرایط جنگی قدردانی کرد و گفت: «دشمنان تصور می‌کردند مردم وارد میدان می‌شوند و آشوب به پا می‌کنند، اما مردم نه‌تنها آشوب نکردند، بلکه همراهی و همدلی کردند و دشمن را در این مسیر ناامید ساختند.»
رئیس جمهوری همچنین با تأکید بر ضرورت تحقق عدالت در جامعه، تلاش جهاد اکبر را نه جنگ در میدان بلکه جنگ با نفس و مهار کردن منیت‌ها دانست و بیان کرد: «مقابله با جنگ تمام‌عیار اقتصادی به حضور همگانی نیاز دارد. ایران ما به توصیه و نصیحت نیاز ندارد، بلکه به حضور همه کسانی نیاز دارد که وارد میدان شوند، کمک کنند و بار موجود را از زمین بردارند. اینکه در کنار میدان بایستید و بگویید شما می‌توانید، اما این کار را انجام نمی‌دهید، مشکلی را حل نمی‌کند.»
رئیس جمهوری در ادامه با تجلیل از ایستادگی نیروهای مسلح و قدردانی از حضور مردم در میدان‌ها، بیان کرد: «مردم دشمن را ناامید کردند و اکنون بیش از ۱۷۰ روز است که شعار ایستادگی و پایداری سر می‌دهند. از مردم عزیزی که همه مشکلات را می‌بینند و ما را تحمل می‌کنند، قدردانی می‌کنیم و به مردم بزرگوار قول می‌دهیم تا جان در بدن و توان خدمت داریم، به حول و قوه الهی خدمتگزار این عزیزان باشیم.» او با تجدید پیمان برای ادامه راه امام راحل و شهدا گفت: «در این مکان پیمان می‌بندیم که راه امام و شهدای عزیز را با قدرت ادامه دهیم و تا زمانی که زنده‌ایم، خدمتگزار مردم باشیم و تا جایی که می‌فهمیم و می‌دانیم، کوتاهی نکنیم.»

> وقتی دشمن به صورت علنی راه‌ها را می‌بندد و با دولت‌های مسلمان و مدعی گفت‌وگو می‌کند تا با ایران معامله نکنند و کشور را به تسلیم وادار سازند، از این روشن‌تر چگونه باید بیان کرد که در چه وضعیت جنگ تمام‌عیاری قرار گرفته‌ایم؟ جنگ تمام‌عیار فقط شلیک موشک نیست

لزوم پایبندی همگانی به تصمیم‌های جمعی

رئیس جمهوری در تأکید بر ضرورت تصمیم‌گیری آگاهانه گفت: «اگر درست عمل کنیم، هیچ قدرتی نخواهد توانست ما را به تسلیم و واماندگی وادار کند. این قدرت با وحدت، انسجام و همدلی و با تبعیت از رهبری عزیز و حرکت در مسیر تعیین‌شده امکان‌پذیر است. حرکت در این مسیر باید بر پایه کارشناسی، تعقل، اندیشه، همدلی و مشورت باشد.» او همچنین بر لزوم پایبندی همگانی به تصمیم‌های جمعی تأکید و اظهار کرد: «وقتی تصمیم گرفتیم و به تفاهم رسیدیم، همه باید پای آن تصمیم بایستیم و عمل کنیم. اگر چنین کنیم، حتماً پیروز خواهیم شد، اما اگر تصمیم بگیریم و سپس آن را نقض کنیم، مسیری که طی می‌کنیم، متزلزل خواهد شد.»
پزشکیان با ابراز امیدواری نسبت به پایدار ماندن وحدت و انسجام موجود، افزود: «تمام امید دشمن این است که با ایجاد مشکلات، در جامعه تفرقه و شکاف به وجود آورد. با تمام وجود تلاش خواهیم کرد از تفرقه، شکاف و درگیری‌هایی که از منیت‌ها و نفس اماره سرچشمه می‌گیرند، پرهیز کنیم؛ زیرا انسان گاهی تحت تأثیر نفس اماره اقداماتی انجام می‌دهد که اصولاً نباید انجام دهد.»
رئیس جمهوری در ادامه این مراسم با حضور در قطعه شهدای بهشت زهرا(س) با نثار گل و تلاوت فاتحه، بر مزار شهیدان بهشتی، رجایی و باهنر با آرمان‌های شهدای ۷۲ تن و جنگ‌های تحمیلی نیز تجدید میثاق کرد. پزشکیان در جریان این آیین، بر مزار شهید دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع دوران دفاع مقدس؛ امیر سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده وزیر دفاع دولت وفاق ملی؛ دکتر کمال خرازی و همچنین سرلشکر محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح حاضر شد و با قرائت فاتحه، یاد و خاطره آنان را گرامی داشت.
رئیس جمهوری همچنین روز گذشته در پیام‌هایی جداگانه از همسران و خانواده‌های معظم دولتمردان شهید تجلیل کرد.

برش

پزشکیان در جلسه هیأت دولت:

صرفه‌جویی مصرف بنزین باید از دولتی‌ها شروع شود

جلسه هیأت دولت عصر دیروز یکشنبه به ریاست مسعود پزشکیان و با حضور اعضا تشکیل شد.
رئیس جمهوری در این جلسه با اشاره به تلاش دشمن برای تشدید مشکلات اقتصادی و گرفتاری‌هایی که معمولاً در پی هر جنگی پیش می‌آید، به خصوص مشکلاتی که کشور در زمینه بنزین با آن مواجه بود، تصریح کرد: «ما همچنان در مسیر افزایش تولید تلاش و در عین حال به اندازه تولید، توزیع می‌کنیم. مردم عزیز هم مثل گذشته با درک درست از شرایط، همکاری خواهند کرد، منتها باید اصل صرفه‌جویی از ما دولتی‌ها و دستگاه‌ها شروع شود.»
پزشکیان افزود: «برنامه‌ریزی کنید که چگونه می‌شود ماشین‌های دولتی و مصرف دستگاه‌های دولتی را کاهش داد و میزان ترددهای ماشین‌ها را پایین آورد.»
در ادامه این جلسه علاوه بر طرح مسائل اجرایی دستگاه‌ها توسط اعضا، محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور اظهار کرد که دولت تمام توان و تلاش خود را بر کاهش مشکلات اقتصادی متمرکز کرده است.
همچنین وزیر امور خارجه از آخرین مباحث مربوط به تنگه هرمز و سفر فرمانده ارتش پاکستان به تهران گزارشی ارائه کرد.
در ادامه جلسه برای تسهیل ترددهای مرزی و گمرکی، استاندار آذربایجان غربی به عنوان مسئول هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مستقر در مرز بازرگان تعیین شد. مسئولان منطقه آزاد ماکو هم موظف به همکاری با مرزبانی و گمرک، برای حفاظت و تأمین امنیت مسیر تردد ناوگان از مرکز لجستیک پس‌کرانه تا درب ورودی پایانه مرزی شدند.
در این جلسه همچنین بحث تعیین نماینده و نظر دولت درخصوص گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی درباره طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» به بحث گذاشته شد و به دلیل ایرادات جدی، از جمله محدودیت‌های علمی و تشدید و تسریع مهاجرت نخبگان و بازتاب ناخوشایند آن در سطح ملی و بین‌المللی، هیأت وزیران مخالفت خود با آن را تصویب کرد.

سید حسن خمینی: گاهی ثمرات «مصالحه درست» از صدها جنگ بیشتر است

گزارش

گروه سیاسی

حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق رئیس جمهوری و اعضای دولت با آرمان‌های امام (ره) گفت: «شرط پیروزی ما در جنگ و صلح این است که با هم باشیم. به تصمیمات کلان مسئولین تن بدهیم؛ هرکس قبل از تصمیم نظراتی دارد اما بعد از اینکه تصمیم گرفته شد و کلیت نظام تصمیم گرفتند، آن تصمیم را بپذیریم.»
به گزارش جماران، سید حسن خمینی گفت: «گروهی از انسان‌ها گرفتار رذیلت بزرگی به نام «جهل مقدس» هستند. اینها نمی‌دانند که شیطان عمل آنها را در چشم‌شان زیبا کرده است. دشنام می‌دهند به قصد غربت، خرابکاری می‌کنند به قصد تسکین و سخن می‌گویند به قصد اصلاح اما نمی‌دانند؛ انسان باید خودش را اصلاح کند و حق ندارد بگوید من در جهالت هستم.» یادگار امام افزود: «گروه دیگر افرادی هستند که می‌دانند اما سخن نمی‌گویند؛ جایی که باید حق را بگویند، نمی‌گویند. این گروه از خطرناک‌ترین گروه‌ها در جهان هستند. گاهی سکوت کردن دروغ گفتن است. کارشناسانی که در جایی که باید سکوت می‌کنند - یا به خوف یا به طمع - خائن‌اند؛ سیاستمدارانی که از خوف دشنام سخن نمی‌گویند و بیان مواضع کارشناسانه نمی‌کنند، خائن‌اند؛ چون دروغ می‌گویند. بعضی جاها بزرگ کسی است که از آبرو بگذرد. امام اواخر عمر شریف‌شان فرمودند من اگر آبرویی داشتم، برای مقابله با جریان متعصبین در میان گذاشتم.»
وی با اشاره به اینکه ما یک جنگ پر افتخار را پشت سر گذاشتیم، اظهار کرد: «آیندگان درباره آنچه ارتشیان، سپاهیان، بسیجیان و نیروهای انتظامی در طول این ۴۰ روز رقم زدند خواهند گفت. دوستان در دولت نیز نقش بی‌بدیلی داشتند که کمتر به آن اشاره شده است. ما یک دولت صد و چند ساله بسیار مقتدر داریم؛ دارای شرح وظایف، کارکرد روشن و مدیریتی که هم آقای رئیس جمهوری، هم آقای معاون اول و هم تک تک دوستان در هر بخشی که بودند به خودشان ببالند، زیر چنین فشاری بسیاری از دولت‌ها فرو می‌ریختند. یک دهم فشاری که از هر جهت بر گرده کشور گذاشته شد - هم محاصره دریایی و هم بمباران‌های مختلف - می‌توانست دولت‌ها، نظام‌ها و ملت‌ها را از بین ببرد. مجموعه اداره کشور در همه بخش‌ها بسیار پر افتخار ظاهر شدند و جا دارد که به تک تک آنها خسته نباشید، گفت.»
وی با تأکید بر اینکه هر جنگی یک روزی به پایان می‌رسد، اظهار کرد: «می‌خواستند ما را پاره پاره و کشور را تجزیه کنند، اتفاق نیفتاد؛ می‌خواستند نظام جمهوری اسلامی را از بین ببرند، قدرتمندتر شد. پس از حادثه‌ای مثل ترور رهبر انقلاب، خوشبین‌ترین تحلیلگران خارجی و داخلی را به نقطه‌ای که ما امروز هستیم، رهنمون نمی‌کردند. هیچ‌کس نمی‌توانست این نکته را بگوید، غیر از همان تعبیر لطیفی که خود ایشان گفت و زیاد هم شنیدیم که ملت مبعوث شد.»
یادگار امام تأکید کرد: «صدام ۲۵۰ هزار شهید از ما گرفت؛ ۲۵۰ هزار جوان دسته گل که هر کوچه و محله شهرهای ما بوی آنها را می‌دهد؛ اما آن جنگ تمام شد. رمز موفقیت ما در دفاع مقدس این بود که روزی که قرار بود بجنگیم، همه با هم بودیم و روزی هم که قرار بود تمام کنیم، همه با هم بودیم. این‌طور نبود که پنج نفر بروند و تمام کنند و بعد خودمان پشت صحنه بایستیم و به آنها دشنام دهیم. سرباز در میدان جنگ و سرباز در میدان دیپلماسی، هر دو سرباز کشور هستند. اگر قرار است بجنگیم، همه با هم و اگر قرار است صلح کنیم، همه با هم باشیم.» وی با تأکید بر اینکه «فتح مبین» مربوط به احد و بدر و خندق نیست، برای صلح حدیبیه است، افزود: «گاهی ثمرات مصالحه درست از صدها جنگ بیشتر است. شرط پیروزی ما در جنگ و صلح این است که با هم باشیم. به تصمیمات کلان مسئولین تن بدهیم؛ هرکس قبل از تصمیم نظراتی دارد اما بعد از اینکه تصمیم گرفته شد و کلیت نظام تصمیم گرفتند، آن تصمیم را بپذیریم.»
سید حسن خمینی در پایان با تأکید بر اینکه امام رمز جاودانگی ماست، اظهار کرد: «شاید خیلی‌ها نخواهند این گوهر ناب برای آیندگان بماند؛ در لباس دوست یا لباس دشمن. اما مراد شهید ما خوب به ما یاد داده بود که امام هم روح و جان انقلاب است و هم روح و جان جمهوری اسلامی. هر کسی تریبون یا رسانه‌ای دارد، فراموش نکند که کمرنگ کردن امام بریدن بنیان درختی است که در او نشسته‌ایم و گرفتار تحلیل‌های مختلف نشویم.»

> شرط پیروزی ما در جنگ و صلح این است که با هم باشیم. به تصمیمات کلان مسئولین تن بدهیم

«سیاست محافظه‌کاری» به روایت احمد بستانی، استاد دانشگاه خوارزمی

چرا در ایران محافظه‌کاری سیاسی شکل نگرفت؟

فلسفه سیاسی

حامد صفایی
گروه اندیشه

محافظه‌کاری در ایران مفهومی مبهم است؛ مفهومی که میان «ستایش گذشته»، «مقاومت در برابر تغییر» و «دفاع از نظم سیاسی موجود» در نوسان است. دکتر احمد بستانی، استاد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی، معتقد است محافظه‌کاری در ایران نتوانسته به یک سنت سیاسی منسجم تبدیل شود و دلیل این امر را باید در تجربه تاریخی گسست‌ها و فقدان انباشت نهادی جست‌وجو کرد. او در نشست «محافظه‌کاری و لیبرالیسم در ایران» که در محل کتاب زروان خانه صوفی برگزار شد، سعی کرد محافظه‌کاری را در چارچوب دیدگاه‌های راجر اسکروتن، فیلسوف بریتانیایی و نظریه‌پرداز محافظه‌کاری تبیین کند و نسبت آن را با لیبرالیسم توضیح دهد.

سنت؛ سنگ‌بنای اندیشه محافظه‌کارانه

احمد بستانی، اولین مؤلفه محافظه‌کاری را اهمیت دادن به «سنت» معرفی کرد؛ سنتی که در طول تاریخ تداوم یافته و از طریق قانون، نهادها و رویه‌ها به جامعه احساس تعلق می‌دهد. او در توضیح دومین ویژگی محافظه‌کاری بر محدودیت شناخت انسان و پیچیدگی جامعه تأکید گذاشت:«محافظه‌کار با این تصور مخالف است که می‌توان جامعه را صرفاً با عقل انتزاعی طراحی کرد. از همین رو تجربه، تاریخ، قانون، نظم و امنیت در این اندیشه اهمیت ویژه دارند. محافظه‌کاری، انسان را موجودی با درک محدود و امنیت‌طلب می‌داند؛ در حالی که جوامع بشری درهم تنیده و رازآلودند و نمی‌توان منطق آنها را به‌سادگی در قالب فرمول‌های انتزاعی درآورد. از این نگاه، قوانین انتزاعی به تنهایی پاسخگو نیستند.»

نسبت محافظه‌کاری با لیبرالیسم

بخش دوم بحث بستانی به دیدگاه راجر اسکروتن اختصاص داشت؛ متفکری که از چهره‌های مهم احیای محافظه‌کاری در دهه‌های اخیر است. مسأله محافظه‌کاری جدید این بود که چگونه می‌توان از سنت، هویت تاریخی و نظم اجتماعی دفاع کرد، بدون آنکه به دفاع از سلطنت، اشرافیت و نابرابری‌های سنتی بازگردد. از این رو محافظه‌کاری جدید ناچار بود نسبت خود را با ارزش‌های مدرن و لیبرال روشن کند.
راجر اسکروتن، به روایت بستانی، محافظه‌کاری را در تقابل کامل با لیبرالیسم قرار نمی‌دهد. او به ارزش‌هایی چون آزادی و مالکیت فردی وفادار است، اما با این تصور که جامعه محصول یک قرارداد مصنوعی میان افراد است، مخالفت می‌کند:«از نگاه اسکروتن، آزادی اساس نظم اجتماعی نیست، بلکه یکی از محصولات جانبی نظم اجتماعی است. به بیان دیگر، زمانی که نظم اجتماعی با ویژگی‌هایی که محافظه‌کاران برای آن قائل‌اند، یعنی سنت، نهاد، قانون و تعلق اجتماعی تثبیت شود، آزادی نیز در درون آن امکان ظهور پیدا می‌کند.» در نتیجه، پروژه اسکروتن را می‌توان تلاشی برای جمع کردن ارزش‌های اساسی لیبرالیسم با محافظه‌کاری دانست؛ یعنی دفاع از آزادی، اما نه آزادی‌ای که از تاریخ و جامعه جدا شده باشد.

موقعیت محافظه‌کاران در ایران

استاد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی معتقد است در ایران، از مشروطه تاکنون جریان‌های مختلف سیاسی حضور داشته‌اند، اما محافظه‌کاری بیشتر به شکل شخصیت‌های پراکنده ظاهر شده و به یک سنت سیاسی منسجم تبدیل نشده است. او اولین دلیل را به «عدم تداوم سنت» نسبت می‌دهد. اگر سنت عنصر اصلی محافظه‌کاری باشد، بدون تداوم نمی‌توان از سنت سیاسی سخن گفت. به باور بستانی، جامعه ایران در تاریخ خود با گسست‌های متعدد نهادی و تاریخی روبه‌رو بوده و بسیاری از نهادها و رویه‌ها بارها تغییر کرده‌اند. در چنین شرایطی، آنچه شکل نگرفته «انباشت» تجربه تاریخی است و می‌گوید:«انباشت با پیشرفت تفاوت دارد. انباشت مانند سنگ‌بنایی است که گذاشته می‌شود و سنگ‌های بعدی روی آن قرار می‌گیرند؛ بنای جدید به اعتبار پایه قبلی استوار می‌شود. در فرهنگ سیاسی ایران نوعی گرایش وجود دارد که هر چیز قدیمی را کهنه و ازکارافتاده می‌داند و جدیدترین مدل هر چیز را بهتر می‌پندارد. از این جهت، به یک معنا همه ما انقلابی هستیم، زیرا دائماً به دنبال جدیدترین مدل‌ها و ایده‌ها هستیم.»
از این منظر، او تصریح می‌کند ممکن است در ایران افراد محافظه‌کار وجود داشته باشند، اما بدون نهادهای پایدار، قوانین و رویه‌های ممتد، محافظه‌کاری نمی‌تواند از سطح گرایش فردی به یک سنت سیاسی تبدیل شود.
دلیل دوم از نظر بستانی، «پارادوکس محافظه‌کاری» است. ممکن است کسی در مقام فکری محافظه‌کار باشد، اما در مقام سیاسی برای حفظ موقعیت موجود ناچار به رفتاری رادیکال شود. در این حالت، محافظه‌کاری به ضد خود بدل می‌شود.
عامل سوم، «محافظه‌کاری تقلیدی» است؛ یعنی تلاش برای وارد کردن مستقیم مدل بریتانیایی یا اندیشه اسکروتن به ایران. بستانی تأکید دارد محافظه‌کاری بریتانیا محصول چند قرن تاریخ، نهاد و تجربه خاص آن کشور است و نمی‌توان چنین الگویی را به صورت آماده به جامعه دیگری منتقل کرد. از نگاه او، نتیجه این تقلید، گاه تبدیل محافظه‌کاری به بومی‌گرایی و سنت‌گرایی رمانتیک بوده و گاه به خلط آن با راست افراطی منتهی شده است. در حالی که راست افراطی، به دلیل ماهیت رادیکال خود، از محافظه‌کاری کلاسیک متفاوت است. بنابراین راه‌حل، وارد کردن فرمول‌های آماده نیست، بلکه باید محافظه‌کاری را از دل سنت ایرانی کشف کرد.
بستانی به صراحت بیان می‌کند که محافظه‌کاری بدون «سنت» و «تداوم» نمی‌تواند به یک سنت سیاسی تبدیل شود. به زعم او، مشکل اصلی محافظه‌کاری ایرانی این است که «سنتی نیست»؛ یعنی هنوز نتوانسته رابطه‌ای پایدار با سنت خود برقرار کند.

> محافظه‌کاری بدون «سنت» و «تداوم» نمی‌تواند به یک سنت سیاسی تبدیل شود. مشکل اصلی محافظه‌کاری ایرانی این است که «سنتی نیست»؛ یعنی هنوز نتوانسته رابطه‌ای پایدار با سنت خود برقرار کند

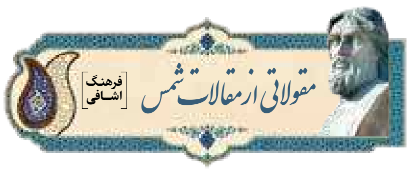

دوختن کت تازه

به خیاط می‌گویم چه کت خوبی برایم دوختی. تشکر می‌کند و می‌گوید بهتر از این هم می‌توانستم بدوزم. با خود فکر می‌کنم اگر می‌توانست، چرا این کار را نکرد؟ شمس می‌گوید: «آن یکی کفشی دوخت نیکو جهت یکی از علمای طراز اول، ایشان را خوش آمد. گفت: «نیکو دوختی، خوش دوختی، خاموش نکرد. می‌گوید: «به از آن دوختمی! فرمود که پس از برای که نگه می‌داشتی آن نیکوتر را؟ چو برای من ندوختی برای که خواهی دوختن؟»
چند سال پیش مصاحبه‌ای خواندم از یکی از معماران درجه یک کشور که مصاحبه‌کننده از علت‌های موفقیت او پرسیده بود و او دو استدلال داشت؛ دلیل اول گفته بود که مطلقاً به پول فکر نمی‌کند و دوم اینکه به اندازه سه برابر مبلغ حق‌الزحمه به مشتری‌هایش خدمات ارائه می‌دهد. آن خانم گزارشگر بیشتر از دلیل یک از دلیل دو تعجب کرده بود که ایشان مجدداً توضیح داده بود شریکی داشتند که مثل او فکر می‌کرده است و معتقد بود اگر به اندازه مبلغ حق‌الزحمه‌مان کار کنیم، کافی است. شریک او الان یک واحد دارد در مرکز شهر و او دویست پلاک داشت در منطقه یک و دو تهران.
این مثال را برای اصناف مختلف می‌توان ادامه داد اما چه دلیلی می‌تواند وجود داشته باشد برای اینکه بهترین کارمان را در زمان تحویل انجام نمی‌دهیم؟ مثلاً در صنعت ساختمان قبول دارم که گاهی استفاده از مرغوب‌ترین مصالح و متبحرترین نیروی انسانی علاوه بر بالاتر رفتن هزینه‌های بالاسری پروژه و مخفی ماندن عایدی، به چشم کارفرما هم نمی‌آید و متأسفانه در شرایطی که بسیاری در این صنف کم‌فروشی می‌کنند و از ابتدا و انتهای کار می‌زنند، سخت می‌توان صاحب کار را قانع کرد بر اینکه کیفیت و کمیت ساخت شما با دیگران متفاوت است.
مجدداً یاد جناب خیاط افتادم. نقل است جوانی پارچه‌ای را نزد رجبعلی خیاط، عارف معاصر برد و از او خواست با آن پارچه کت و شلوار برایش بدوزد. اجرت کار ۱۵ تومان مشخص شد، جوان چند روز بعد برای تحویل لباسش آمد و مبلغ را پرداخت کرد. پیرمرد با لبخند ۵ تومان پس داد وقتی جوان علت را جویا شد، گفت: «ما طی نمودیم اجرت ۱۵ تومان باشد و من راضی هستم چرا ۵ تومان پس دادید؟ پیرمرد خیاط گفت گمان می‌کردم این کت و شلوار یک روز و نیم کار می‌برد ولی یک روزه تمام شد، دستمزد من در یک روز ۱۰ تومان کافی است. جوان هنگام خروج متوجه شد بدون اینکه او گفته باشد جناب رجبعلی خیاط به رایگان هم زیپ را درست کرده است و هم اتویی جانانه زده بود.

سیاسی

واقع بینی آرمان‌گرایانه؛ راهکار عاقلانه

یادداشت

ابوالقاسم رئوفیان
دبیرکل حزب ایران زمین

در مقاطع حساس تاریخی، نحوه مواجهه یک جامعه با جنگ و صلح، بیش از آنکه صرفاً به تصمیم‌های مقطعی وابسته باشد، به نوع نگاه و چارچوب شناختی حاکم بر تصمیم‌گیران و افکار عمومی بستگی دارد. در شرایط کنونی، می‌توان سه گرایش عمده را در تحلیل مسأله جنگ و صلح مشاهده کرد: خوش‌بینی افراطی، بدبینی افراطی و واقع‌بینی آرمان‌گرایانه. شناخت تفاوت این سه رویکرد، برای ترسیم یک راهبرد کارآمد در برابر شرایط پیچیده کنونی ضروری است. گرایش اول، خوش‌بینی افراطی است؛ رویکردی که ادامه جنگ تا پیروزی نهایی را تنها مسیر ممکن می‌داند. مشکل اساسی این رویکرد آن است که ممکن است تحت تأثیر ذهنیت‌های رویاپردازانه، بخشی از واقعیت‌های میدان، موانع، هزینه‌ها و خطرات را نادیده بگیرد. در چنین نگاهی، فاصله میان آرمان و واقعیت به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و همین امر می‌تواند برنامه‌ریزی‌های کشور را با خطر خطا مواجه کند.
در نقطه مقابل، بدبینی افراطی قرار دارد؛ رویکردی که ادامه جنگ را راه‌حل نمی‌داند و بر کنار آمدن با آمریکا و رسیدن به صلح، حتی اگر صلحی ناپایدار باشد، تأکید می‌کند. مسأله اساسی در این دیدگاه، خطر گرفتار شدن کشور در چرخه انفعال است. اگر یک کشور صرفاً بر اساس ترس از هزینه‌های تقابل تصمیم‌گیری کند، ممکن است به تدریج ابتکار عمل خود را از دست بدهد و در برابر اراده طرف مقابل منفعل شود. هر دو رویکرد، به‌رغم تفاوت ظاهری، یک نقطه ضعف مشترک دارند و آن فاصله گرفتن از واقعیت است. یکی واقعیت‌های سخت و محدودیت‌ها را کمتر از اندازه واقعی می‌بیند و دیگری ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشور را نادیده می‌گیرد.
اما راه سوم، واقع‌بینی آرمان‌گرایانه است؛ رویکردی که هم آرمان را حفظ می‌کند و هم واقعیت را مبنای طراحی راهبرد قرار می‌دهد. واقع‌بینی آرمان‌گرایانه به این معناست که مقصد روشن باشد، اما مسیر رسیدن به آن بر اساس شناخت دقیق شرایط انتخاب شود. آرمان‌گرایی در این نگاه، مانند قطب‌نماست؛ مقصد را نشان می‌دهد، اما قطب‌نما به‌تنهایی کشتی را به مقصد نمی‌رساند. برای حرکت، شناخت مسیر، امکانات، موانع و شرایط محیطی نیز ضروری است. به همین دلیل، آرمان‌گرایی باید با واقع‌بینی پیوند بخورد. این نگاه، با آنچه از سیره سیاسی پیامبر اسلام و حکومت امام علی(ع) برداشت می‌شود نیز سازگار است. در این چارچوب، عمل‌گرایی توحیدی بر واقع‌بینی، عقلانیت و شناخت شرایط استوار است. مواجهه با مسائل داخلی، تعامل با قدرت‌های پیرامونی و توجه به تحولات جهان، همگی نیازمند شناخت دقیق واقعیت‌هاست. از همین منظر، وضعیت «نه جنگ و نه صلح» یکی از پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین شرایط برای یک کشور است. در چنین وضعیتی، کشور نه می‌تواند از الزامات امنیتی جنگ فاصله بگیرد و نه از مزایای یک صلح پایدار بهره‌مند شود. بنابراین، مواجهه با چنین شرایطی نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر عقلانیت، خردورزی و واقع‌بینی آرمان‌گرایانه است.
یکی از الزامات چنین راهبردی، حفظ و افزایش قدرت ملی است. تقویت توان دفاعی، توسعه صنعت دفاعی و افزایش ظرفیت تولید محصولات دفاعی، بخشی از این مسیر است. قدرت نظامی البته تنها یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی است و در کنار آن، اقتصاد، انسجام اجتماعی، دیپلماسی و ظرفیت‌های سیاسی نیز اهمیت دارند. در همین چارچوب می‌توان دیدگاه‌های اخیر رئیس جمهوری و رئیس مجلس را تحلیل کرد. به نظر می‌رسد مواضع مطرح‌شده از سوی آقای پزشکیان و آقای قالیباف نه ناشی از ناامیدی و سرخوردگی است و نه نشانه خوش‌بینی افراطی. در این دیدگاه‌ها، از یک سو بر اهمیت قدرت و عزت کشور و از سوی دیگر، بر ضرورت توجه به صلح، اقتصاد، معیشت مردم و پیوند میان امنیت و رشد اقتصادی تأکید می‌شود.
امنیت و اقتصاد، در این معنا، لازم و ملزوم یکدیگرند. بنابراین، راهبرد واقع‌بینانه باید بتواند میان مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی توازن ایجاد کند و همزمان از ظرفیت‌های دفاعی، اقتصادی، اجتماعی و دیپلماتیک کشور بهره بگیرد. از سوی دیگر، شناخت انگیزه و رفتار طرف مقابل نیز بخش جدایی‌ناپذیر واقع‌بینی است. اگر طرف مقابل در مواضع خود دچار تغییرات مکرر شود، به تعهدات خود پایبند نماند یا از توافق‌ها و تفاهم‌ها عبور کند، نمی‌توان صرفاً براساس خوش‌بینی درباره آینده تصمیم گرفت. در چنین شرایطی، سیاست خارجی باید با حفظ امکان تعامل و مذاکره، بر شناخت دقیق رفتار طرف مقابل و تأمین منافع کشور استوار باشد.
کشور در شرایطی قرار دارد که نه می‌توان با خوش‌بینی افراطی خطرات را نادیده گرفت و نه می‌توان با بدبینی افراطی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود را کنار گذاشت. راهبرد مؤثر، واقع‌بینی آرمان‌گرایانه‌ای است که هم قدرت را افزایش دهد، هم از ظرفیت دیپلماسی استفاده کند، هم اقتصاد و معیشت مردم را جدی بگیرد و هم انسجام داخلی را حفظ کند.

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور:

مجوز هیچ تشکلی در دولت چهاردهم لغو نشد

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور با اشاره به فعالیت بیش از ۸۰ هزار تشکل در کشور گفت: «هدف ما برداشتن موانع از مسیر فعالیت تشکل‌ها و فراهم کردن زمینه خدمت‌رسانی بهتر آنها به مردم است؛ چراکه این نهادها در بسیاری از زمینه‌ها سریع‌تر و مؤثرتر از ساختارهای دولتی عمل می‌کنند.»
به گزارش ایرنا، سیدمحمد بطحایی در همایش تشکل‌ها و نهادهای مردمی و غیردولتی که با حضور جمعی از نمایندگان سمن‌ها و نهادهای مردمی برگزار شد، اظهار کرد: «امروز شبکه عظیمی از تشکل‌ها در کشور فعالیت دارند؛ از ۱۱ هزار و ۵۰۰ تشکل تحت نظارت وزارت کشور گرفته تا هزاران گروه فعال در بهزیستی، کمیته امداد، نیروی انتظامی و گروه‌های جهادی بسیج و سپاه که در مجموع شمار آنها به حدود ۸۰ هزار تشکل می‌رسد.»
وی افزود: «هر یک از این تشکل‌ها در گوشه‌ای از کشور در حال خدمت‌رسانی به مردم هستند و تلاش ما این است که به جای ایجاد محدودیت، نقش تسهیل‌گر را برای آنها ایفا کنیم تا این ظرفیت عظیم مردمی به‌طور کامل فعال شود.»
بطحایی با بیان اینکه تشکل‌ها در بسیاری از حوزه‌ها سریع‌تر و مؤثرتر از ساختارهای دولتی عمل می‌کنند، ادامه داد: «وزارت کشور به‌عنوان یکی از مراجع اصلی، بخش عمده‌ای از تشکل‌ها را بویژه در حوزه‌های خیریه زیر پوشش دارد. این تشکل‌ها در ۱۱ عنوان و زمینه فعالیت می‌کنند و خدمات خود را در حوزه‌هایی همچون بهداشت، محیط زیست، سواحل و دیگر عرصه‌ها، در داخل و خارج از کشور ارائه می‌دهند.»
رئیس سازمان امور اجتماعی کشور همچنین با اشاره به عملکرد دولت چهاردهم در حوزه تشکل‌های مردمی گفت: «نزدیک به دو سال از تشکیل دولت چهاردهم می‌گذرد و در این مدت حتی یک مجوز تشکل نیز لغو نشده و هیچ تشکلی به حالت تعلیق درنیامده است.»
وی افزود: «حتی در مواردی که یک سمن یا تشکل مرتکب خطا شده و انحراف در عملکرد آن محرز بوده است، در برخی پرونده‌هایی که مرجع قضایی برای لغو مجوز ورود کرده، سازمان امور اجتماعی کشور به‌عنوان مدافع تشکل‌ها درخواست کرده است فرصت جبران خطا به آنها داده شود.»
بطحایی درباره روند صدور و تمدید مجوز تشکل‌ها نیز اظهار کرد: «بررسی‌ها نشان می‌دهد زمان صدور مجوزهای جدید از میانگین هشت ماه به کمتر از ۶۰ روز کاهش یافته است. همچنین مدت زمان تمدید مجوزها که پیش از این حدود شش ماه به طول می‌انجامید، اکنون به حدود ۴۰ روز رسیده است.»
وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش تشکل‌ها و نهادهای مردمی در مستندسازی جنایات رخ‌داده در مدرسه میناب گفت: «نقش تشکل‌ها و ۶۰ نهاد دارای مقام مشورتی در مستندسازی و انتقال حقایق به مجامع بین‌المللی، بویژه در جریان سفر به ژنو، بسیار کلیدی و اثرگذار بود.»

ابلاغ آگهی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
بدین‌وسیله به‌اطلاع **آقای اسماعیل پوره فرزند محمد** پرستار رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند؛ نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۹۰۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر انفصال موقت به مدت یک سال صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا مشارالیه در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.
هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

شرکت پتروشیمی جم
آگهی تجدید مزایده عمومی
نوبت اول
(شماره مزایده B 1405-04)
فروش ۳۰۰ تن ضایعات آهن
شرکت پتروشیمی جم در نظر دارد اقلام ضایعات آهن به مقدار ۳۰۰ تن به‌شرح مندرج در اسناد مزایده را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.
• **دریافت اسناد:** اسناد مزایده از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا آخر وقت اداری روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ و از طریق وب‌سایت شرکت پتروشیمی جم به آدرس www.jpcomplex.ir/fa/tender (بخش مناقصه و مزایده) قابل دریافت می‌باشد.
• **مبلغ تضمین شرکت در مزایده** پنج درصد مبلغ پیشنهادی و واریز به‌صورت نقد به‌شماره شبا ۸۳۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۴۰۹۰۹۰۹۰۰۰ شرکت پتروشیمی جم نزد بانک ملت یا ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر ثبت شده در سامانه سپام با دوره اعتبار سه ماه تقویمی و قابلیت تمدید تا سه ماه شمسی به‌نام شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) می‌باشد.
• تمامی مکاتبات و هماهنگی‌های لازم درخصوص این مزایده از طریق پست الکترونیک شرکت به نشانی: tender@jpcomplex.com می‌باشد، فلذا اعلام رسمی نشانی پست الکترونیک مزایده‌گر، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
• **آخرین زمان تسلیم پیشنهادات** تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می‌باشد.
تذکر۱): لازم است پاکت (الف) شامل تضمین شرکت در مزایده پس از لاک و مهر (در قالب پاکت دربسته) به‌صورت فیزیکی و تا موعد مقرر تحویل دبیرخانه تهران شده و رسید دریافت گردد.
تذکر۲): لازم است محتوای پاکات ب و محتوای پاکات ج (قیمت) به‌صورت الکترونیکی تکمیل شده و هم زمان و در یک ایمیل با مشخصات موضوع مزایده- پیشنهاد مالی تا سررسید زمان مشخص شده، صرفا به آدرس پست الکترونیک VP_TC@jpcomplex.com ارسال گردد.
• سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.
• بدیهی است شرکت پتروشیمی جم در رد یا قبول کلیه پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار است.
• تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵ ، ۰۷۷۳۷۳۲۳۲۲۱ داخلی ۳۰۴۶
• شماره فاکس: ۰۷۷۳۷۳۲۳۳۱۱
روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

ایران
سازمان آگهی‌های بازرگانی
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷

نظم منطقه‌ای در خاورمیانه چگونه بازآرایی می‌شود؟

یادداشت

نوذر شفیعی
استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

مایـکل برچر در تبیین بحران‌هـا، چهار مؤلفه را از یکدیگر تفکیـک می‌کند: پیدایش یـا آغاز بحران، تصاعد، کاهش و در نهایت پیامدها و آثار آن. آنچه در اظهـارات اخیر آقای قالیبـاف، رئیس مجلس، دربـاره تحـولات منطقـه و احتمـال شـکل‌گیری ترتیبـات جدید اقتصـادی و امنیتی مطرح شـده، در واقـع ناظر بر همین مرحله چهـارم، یعنی آثار و پیامدهای بحران در روابط ایران و ایالات متحده و بازتاب آن در محیط منطقه‌ای خلیج‌فارس اسـت.

اگـر کشـورهای منطقـه در پـی تحـولات اخیر به سـمت شـکل‌دهی به ترتیبـات جدیـد اقتصادی و امنیتـی حرکـت کنند، ایـن تحـول را نمی‌توان از پیامدهـای جنـگ چهـل‌روزه منفک دانسـت. به نظـر می‌رسـد ایـن تحولات بیـش از هـر چیز بازتـاب تغییر در محاسـبات راهبردی کشـورهای منطقه اسـت؛ محاسـباتی که از یک سو بر تداوم و تقویت نقـش و جایگاه ایران به‌عنـوان یک قدرت مؤثر منطقه‌ای و از سـوی دیگر بر تردید نسـبت به توانایی ایالات متحده بـرای تضمین مطلق امنیت کشـورهای منطقه استوار شـده است.

برآینـد این تحـولات می‌تواند کشـورهای منطقه را به سـمت بازنگری در الگوی سـنتی تأمین امنیت و حرکـت بـه سـوی نوعـی موازنـه قدرت سـوق دهـد. در این میـان، اگرچه ایران برای بسـیاری از کشـورهای منطقه همچنان رقیبی جدی محسوب می‌شـود، امـا به نظـر می‌رسـد از منظـر برخی از ایـن کشـورها، ماهیت و سـطح رقابت بـا ایران با تهدیدی که از سـوی اسـرائیل احسـاس می‌شود، یکسـان نیسـت. از سـوی دیگر، تجربـه تحولات اخیـر این پرسـش را نیز بـرای کشـورهای منطقه ایجاد کرده اسـت کـه حمایـت امنیتـی آمریکا تا چه اندازه پایـدار و قابل اتکاسـت؛ به‌ویژه آنکه در صورت شـکل‌گیری تقابل میان کشـورهای عربی و اسـرائیل، این نگرانـی وجود دارد که واشـنگتن در نهایـت جانـب اسـرائیل را بگیـرد. مجموعـه ایـن ملاحظـات می‌تواند کشـورهای منطقـه را به سـمت تنوع‌بخشـی به گزینه‌های امنیتی و ایجاد سـازوکارهای جدیـد بـرای حفـظ موازنـه قدرت سـوق دهد. در چنین شـرایطی، ترتیبـات جدید منطقـه‌ای احتمالاً بـر چنـد پایه اسـتوار خواهد بود: اول، توسـعه همکاری و تعامـل با ایران؛ دوم، حفـظ مناسـبات و همکاری‌های امنیتـی با ایالات متحـده؛ و سـوم، تـلاش بـرای جلـب حمایت و مشـارکت سـایر قدرت‌های بـزرگ از جمله چین و روسـیه، در کنار قدرت‌های منطقـه‌ای همچون مصر، پاکسـتان و ترکیه. به بیان دیگر، کشـورهای منطقـه ممکن اسـت به جـای اتکا به یـک منبع واحد برای تأمین امنیت، به سـمت متنوع‌سـازی شـرکای راهبـردی و ایجـاد نوعـی موازنـه میـان قدرت‌های منطقـه‌ای و فرامنطقه‌ای حرکت کنند.

بر این اسـاس، نظمی کـه ممکن اسـت به‌عنوان یکی از پیامدهای جنگ چهل‌روزه در منطقه شکل بگیـرد، احتمالاً نظمـی چندبازیگـری و مبتنی بر موازنه قدرت خواهـد بود. در چنین نظمی، تأمین امنیـت منطقه دیگـر صرفـاً در چارچـوب روابط میان چنـد بازیگر محدود تعریف نمی‌شـود، بلکه مجموعه‌ای از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شـکل‌دهی به معادلات امنیتـی و اقتصادی آن نقش خواهنـد داشـت. افزایش تعـداد بازیگران مؤثـر می‌توانـد به تدریـج زمینـه عبـور از الگوی پیشـین و شـکل‌گیری نوعی نظم جدیـد را فراهم کنـد؛ هرچنـد تحقق چنیـن نظمی بـه چگونگی تعامـل ایـن بازیگران، میـزان همپوشـانی منافع آنهـا و توانایی‌شـان بـرای مدیریـت اختلافات و رقابت‌هـای موجود بسـتگی خواهد داشـت.

پیچیدگی‌های نظم جدید منطقه‌ای

بـا ایـن حـال، شـکل‌گیری چنیـن نظمـی به‌هیچ‌وجـه فرآینـدی سـاده و خطـی نخواهـد بـود. افزایش تعـداد بازیگـران و تنـوع الگوهای رقابت، همکاری و حتی خصومت میان کشـورهای منطقه، بر پیچیدگـی محیط امنیتی خواهد افزود. از این رو، نظم جدید منطقه‌ای ممکن اسـت صرفاً در قالـب ترتیبـات امنیتـی شـکل نگیـرد و ابعاد اقتصـادی نیز پیـدا کنـد و در نهایت بـه ترکیبی از همکاری‌هـای اقتصـادی و سـازوکارهای امنیتی منجر شـود.

در ایـن میـان، بایـد میان «طـرح ایـده یک نظم جدیـد» و «تحقق یـک نظـم جدید» تمایـز قائل شـد. آنچه امروز درباره شـکل‌گیری چنین نظمی مطـرح می‌شـود، در وهلـه اول در سـطح ایـده و گفت‌وگـو قـرار دارد و آزمـون اصلـی آن زمانـی آغـاز خواهد شـد که ایـن ایده‌ها بـا واقعیت‌های پیچیده منطقه مواجه شـوند. تحقق چنین نظمی مسـتلزم اراده سیاسـی، اعتماد متقابل و حسـن نیـت میان کشـورهای منطقه اسـت؛ مؤلفه‌هایی که بـا توجه بـه روابـط رقابت‌آمیز میـان برخی از این کشـورها، تحقق آنهـا با دشـواری‌هایی جدی روبـه‌رو خواهـد بـود. از ایـن منظـر، آینـده نظم منطقـه‌ای نه صرفاً به تغییـر موازنه قدرت، بلکه به توانایی کشـورهای منطقه در مدیریت اختلافات، تعریف منافع مشـترک و تبدیل رقابت‌های موجود بـه الگوهایی از همـکاری وابسـته خواهد بود.

در عیـن حـال، قدرت‌های بـزرگ، چـه بخواهیم و چـه نخواهیـم، در ایـن منطقه حضـور خواهند داشـت. بنابراین، هرگونه معمـاری امنیتی جدید در خلیج فـارس باید با در نظر گرفتن این واقعیت طراحی شـود. بـرای نمونه، ممکن اسـت ایران در برابـر حضـور و نفوذ ایـالات متحده، از مشـارکت بیشـتر چین و روسـیه در معادلات امنیتی منطقه اسـتقبال کنـد؛ حضـوری کـه می‌تواند بـه ایجاد موازنـه در برابر نفوذ یک‌جانبـه یک قدرت خارجی کمک کند.

البتـه این رویکـرد از منظـر ایران بـا چالش‌هایی نیز همراه اسـت. خلیج‌فـارس اساسـاً متعلق به کشـورهای ایـن منطقه اسـت و شـکل‌گیری یک مجموعـه امنیتـی با مشـارکت قدرت‌هـای بزرگ می‌توانـد بـه معنـای گسـترش حضـور بازیگران بیرونی باشـد. حتی در شـرایط کنونی نیز شـاهد افزایـش نقـش کشـورهایی همچون پاکسـتان، ترکیـه و مصـر در معـادلات منطقـه‌ای هسـتیم؛ کشورهایی که از نظر جغرافیایی خارج از محدوده خلیج فـارس قـرار دارند.

ایران و نظم جدید

ایـران کشـوری پرجمعیت، پهنـاور و برخـوردار از ظرفیت‌های گسـترده اقتصادی، سیاسی و نظامی اسـت. همین ویژگی‌هـا، ایران را برای کشـورهای منطقـه همزمان بـه یک «رقیب» و یـک «فرصت» تبدیـل می‌کنـد. اینکه کدام‌یـک از ایـن دو وجه در مناسـبات منطقـه‌ای برجسـته‌تر شـود، تا حد زیـادی به الگوی رفتاری ایران و کشـورهای جنوبی خلیج‌فارس بسـتگی دارد.

اگـر رویکرد ایران نسـبت به منطقـه عمدتاً مبتنی بر نـگاه ژئوپلتیک و دسـتیابی به نوعـی موقعیت هژمونیک باشـد، کشـورهای منطقه ممکن است آن را در تعـارض با منافـع و امنیت خـود ببینند. در مقابـل، اگـر ایـران از ظرفیت‌هـای اقتصادی، سیاسـی و امنیتی خود بـه گونه‌ای اسـتفاده کند کـه کشـورهای منطقـه حضـور آن را در جهـت تأمین «خیر عمومـی» یا «کالای عمومـی» ارزیابی کننـد، می‌تـوان انتظار داشـت نگاه آنها بـه ایران نیز متفاوت شـود.

از ایـن منظر، نحوه تفسـیر رفتار یکدیگر از سـوی کشـورهای شـمالی و جنوبـی خلیـج فـارس و همچنین رفتار عملـی آنها، تأثیـر تعیین‌کننده‌ای بـر کیفیت و حتـی امکان شـکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای خواهد داشـت. در ایـن چارچوب، چند سـناریو قابـل تصـور اسـت: اول، نظـم جدیدی شـکل نگیـرد و الگـوی پیشـین ادامه پیـدا کند؛ دوم، نظمـی جدیـد شـکل بگیـرد کـه ایـران را به‌عنوان یـک شـریک و ارائه‌دهنده خیـر عمومی در خـود جـای دهد؛ و سـوم، نظمی شـکل بگیرد که مؤلفه‌هـای اصلی آن در تعارض بـا منافع ایران قرار داشـته باشد.

بنابرایـن، نظـم جدیـد منطقـه‌ای لزومـاً به یک نتیجـه واحـد منتهـی نخواهـد شـد. ایـن نظم می‌تواند ایران را به‌عنوان همکار و شـریک در خود جای دهد و از ظرفیت‌هـای آن برای تأمین ثبات و منافع مشـترک اسـتفاده کند؛ اما این احتمال نیز وجود دارد که ایـران همچنان در جایگاه یک رقیب تعریف شـود. در این صورت، جهت‌گیری‌های کلی نظم پیشـین ممکن اسـت تـداوم یابـد، هرچند بازیگـران مؤثر و کیفیت و شـکل الگوهای رقابت و خصومـت در منطقه تغییـر خواهد کرد.

در چنیـن شـرایطی، نحـوه رفتـار ایـران اهمیت ویـژه‌ای دارد. اگـر ایـران در کنـار توجـه بـه نگرانی‌های امنیتـی خود درباره تبدیل کشـورهای منطقـه بـه پایگاه‌هایـی بـرای ایـالات متحـده، همزمان بـا اقدامات دفاعی و نظامی، دیپلماسـی فعالـی را دنبـال کنـد و به گونـه‌ای رفتـار کند که کشـورهای منطقـه خـود را در شـکل‌گیری نظـم جدیـد سـهیم ببیننـد، زمینـه بـرای همگرایـی منطقه‌ای فراهم خواهد شـد. نکته مهم آن اسـت کـه این تصـور شـکل نگیرد کـه ایران کشـورهای منطقه را طرد کرده یا خـود را در مقابل آنها تعریف می‌کنـد. در ایـن صـورت، حتی بـا تـداوم حضور قدرت‌هـای خارجی، می‌توان به شـکل‌گیری نوعی همگرایـی درون‌منطقـه‌ای امیدوار بـود؛ هرچند کیفیـت و نحـوه حضـور ایـن قدرت‌هـا می‌تواند نسـبت به گذشـته تغییـر کند.

با توجـه به الگوهـای پیچیده دوسـتی و رقابت در دو سـوی خلیج‌فارس، بسـیار بعید به نظر می‌رسد کـه در کوتاه‌مدت بتوان به یک نظـم امنیتی کاملاً درون‌منطقـه‌ای و مسـتقل از قدرت‌هـای بـزرگ دسـت یافـت. از ایـن رو، تصویری که می‌تـوان از نظم جدیـد منطقه‌ای ترسـیم کرد، بیشـتر نوعی مجموعه امنیتی منطقه‌ای با مشـارکت قدرت‌های بزرگ است.

در این شـرایط، ایران برای برقـراری موازنه قدرت، از یـک سـو باید در پـی ایجـاد مناسـباتی جدید، سـازنده و مبتنـی بر منافع مشـترک با کشـورهای منطقه باشـد و از سـوی دیگر، نسـبت به ترتیبات امنیتـی جدیـدی که بـدون حضور ایـران در حال شـکل‌گیری اسـت، بی‌تفـاوت نمانـد. تقویـت همکاری‌هـای امنیتـی ایـران با کشـورهای منطقه و ایجـاد پیوندهای مؤثرتر بـا قدرت‌هایی همچون چیـن و روسـیه می‌توانـد بخشـی از ایـن راهبرد باشـد. از ایـن منظـر، برقـراری روابط سـازنده با کشـورهای منطقـه، در کنار توسـعه همکاری‌های امنیتی بـا قدرت‌های بـزرگ غیرغربـی، می‌تواند به شـکل‌گیری موازنه قـدرت جدیـدی در منطقه کمـک کنـد؛ موازنـه‌ای کـه در صـورت همراهـی با دیپلماسـی فعـال و سـازوکارهای اعتمادسـاز، می‌تواند زمینه‌سـاز صلح و ثبات پایدارتر در خلیج فارس باشـد.

تجربه تلاش‌های گذشته برای ایجاد نظم منطقه‌ای

ایران پیش از این نیز ایده‌هایی را برای شـکل‌دهی بـه یک نظم امنیتـی منطقه‌ای مطرح کرده اسـت کـه «ابتکار صلـح هرمـز» از جمله آنهاسـت. این ابتـکار بر شـکل‌گیری چارچوبی امنیتـی مبتنی بر مدیریت پویش‌های منطقه‌ای توسـط کشـورهای منطقـه و کاهـش مداخلـه قدرت‌هـای خارجـی اسـتوار بـود؛ چارچوبی کـه در ادبیـات مطالعات امنیتی می‌تـوان آن را در قالب مفهـوم «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» مورد بررسـی قرار داد؛ مفهومی که بری بـوزان نیز بـر آن تأکید دارد.

در سوی دیگر، عربسـتان نیز ایده همکاری امنیتی میـان کشـورهای مهـم منطقـه، از جملـه ایران، عربسـتان، ترکیه، پاکسـتان و مصر را مطرح کرده امـا با ایـن حـال، مسـأله اصلی نـه صرفـاً طرح چنیـن ایده‌هایـی، بلکه امـکان عملیاتی شـدن آنهاست.

در نهایت شـکل‌گیری هرگونه نظـم امنیتی جدید در خلیـج فـارس بـدون در نظـر گرفتـن نقـش قدرت‌هـای بزرگ دشـوار اسـت.

بنابرایـن بـا وجـود پیامدهای جنگ چهـل‌روزه بر موازنـه قـدرت، آنچـه محتمل‌تر به نظر می‌رسـد، حرکـت کشـورهای منطقـه بـه سـمت افزایـش اسـتقلال راهبـردی، تنوع‌بخشـی بـه شـرکای امنیتی و اقتصـادی و ایجاد موازنه میان قدرت‌های منطقـه‌ای و فرامنطقه‌ای اسـت.

> تجربه تحولات اخیر این پرسش را نیز برای کشورهای منطقه ایجاد کرده است که حمایت امنیتی آمریکا تا چه اندازه پایدار و قابل اتکاست؛ به‌ویژه آنکه در صورت شکل‌گیری تقابل میان کشورهای عربی و اسرائیل، این نگرانی وجود دارد که واشنگتن در نهایت جانب اسرائیل را بگیرد

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی
GT-1405-008
شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (سهامی خاص)
موضوع مناقصه: خرید انواع ماژول و بردهای موتور و تراستر شناورها
نام مناقصه‌گزار: شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه:
مبلغ تضمین شرکت در هر مناقصه ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سه میلیارد ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به‌نام (شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس) یا به‌صورت فیش نقدی واریزی به‌حساب سپرده به‌شماره ۰۲۱۲۶۷۱۳۹۹۰۰۶ نزد بانک صادرات شعبه ممتاز میرداماد کد شعبه ۴۳۳۹ تهیه و تسلیم نمایند.
مدت اجرای پروژه: ۱ سال شمسی.
محل پروژه: بندر شهید رجایی.
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد و نشانی مناقصه‌گزار:
واجدین شرایط می‌توانند به‌صورت غیر حضوری با ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس، اسناد را دریافت نمایند.
نحوه تحویل اسناد مناقصه:
مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد مناقصه، حداکثر براساس جدول زمانی ذیل اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکت در بسته و مهر و موم شده، به نشانی مناقصه‌گزار به‌صورت فیزیکی تحویل و رسید دریافت دارند.
شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس (مناقصه‌گزار) در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جدول زمانی انجام مناقصه		
شروع توزیع اوراق مناقصه	از ساعت: ۰۸:۰۰ صبح روز: شنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
پایان توزیع اوراق مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: دوشنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: دوشنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه	رأس ساعت: ۱۷:۰۰ بعدازظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی
GT-1405-007
شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (سهامی خاص)
موضوع مناقصه: انتخاب پیمانکار جهت تأمین خودرو و راننده در شعبه بندر شهید رجایی
نام مناقصه‌گزار: شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه:
مبلغ تضمین شرکت در هر مناقصه ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیارد ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به‌نام (شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس) یا به‌صورت فیش نقدی واریزی به‌حساب سپرده به‌شماره ۰۲۱۲۶۷۱۳۹۹۰۰۶ نزد بانک صادرات شعبه ممتاز میرداماد کد شعبه ۴۳۳۹ تهیه و تسلیم نمایند.
مدت اجرای پروژه: ۱ سال شمسی.
محل پروژه: بندر شهید رجایی.
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد و نشانی مناقصه‌گزار:
واجدین شرایط می‌توانند به‌صورت غیر حضوری با ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس، اسناد را دریافت نمایند.
نحوه تحویل اسناد مناقصه:
مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد مناقصه، حداکثر براساس جدول زمانی ذیل اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکت در بسته و مهر و موم شده، به نشانی مناقصه‌گزار به‌صورت فیزیکی تحویل و رسید دریافت دارند.
شرکت خدمات دریایی هدایت‌کشتی خلیج‌فارس (مناقصه‌گزار) در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جدول زمانی انجام مناقصه		
شروع توزیع اوراق مناقصه	از ساعت: ۰۸:۰۰ صبح روز: شنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
پایان توزیع اوراق مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: دوشنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: دوشنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه	رأس ساعت: ۱۷:۰۰ بعدازظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

نوبت دوم
فراخوان مناقصه عمومی
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۱۰۵/۰۵
مربوط به تعمیرات انتفالی و بهسازی ۶ باب منزل نوع سی واقع در فاز دو شهرک نفت مرحله دوم سال ۱۴۰۴
شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفا به‌صورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.
الف- شرح مختصر خدمات
تخریب و برچیدن؛آجرکاری و شفته ریزی،کارهای فولادی سبک،کاشی کاری و سرامیک،رنگ‌آمیزی،لوازم بهداشتی و شیرآلات،سیم ها،کلید و پریز،وسایل فشار ضعیف تابلویی
ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در اهواز و مدت انجام آن ۶ ماه می‌باشد.
ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات ۸۱,۷۹۸,۱۷۵,۱۵۷ ریال وتعدیل‌پذیر می‌باشد
د-شرایط مناقصه‌گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
- مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ رشته ساختمان و ابنیه از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،اولویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد.
- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۴,۰۸۹,۹۰۸,۷۵۸ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر به‌شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۰اهواز کد - حساب - به‌نام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
ب: ارائه ضمانت‌نامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) به‌عنوان تضمین انجام تعهدات مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به‌صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
توجه: ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل پذیرش نمی‌باشد.
هـ-محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به‌عمل آید.
مهلت اعلام آمادگی: به‌صورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۶لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمنا پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶اصل تضمین مذکور را به‌صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان سابق طرح های راه و ساختمان تسلیم نمایند.
هم‌زمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تأسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.
امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir شناسه: ۲۲۵۷۶۴۱

نوبت اول
آگهی تجدید ارزیابی کیفی پیمانکار
موضوع: مناقصه شماره ۴۰۵/۱۵
شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان لرستان (سهامی خاص)
شرکت گاز استان لرستان (مناقصه‌گزار) در نظر دارد تأمین:
"خرید المنت فیلتر در سایزهای مختلف"
را از طریق مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای) به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از کلیه پیمانکاران واجد صلاحیتی که تمایل به شرکت در این مناقصه را دارند، دعوت می‌گردد، به‌منظور دریافت اسناد ارزیابی کیفی از **تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ لغایت۱۴۰۵/۰۶/۰۹** از طریق سامانه ستاد اقدام نمایند.لازم به ذکر است کلیه مدارک خواسته شده که در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۱۳۷۸۰۰۰۰۲۶، پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور به آدرس http://iets.mporg.ir درج گردیده را تکمیل و حداکثر تا تاریخ۱۴۰۵/۰۶/۲۳از طریق سامانه ستاد ارسال نمایند.
عنوان و مشخصات کلی پروژه:

ردیف	عنوان پروژه	مدت پیمان	مبلغ برآورد کار حدود(ریال)	پایه و رتبه مورد نیاز
۱	خرید المنت فیلتر در سایزهای مختلف	۸۰ روز	۱۰۲,۰۶۱,۰۷۱,۰۰۰ ریال	تأمین‌کنندگان دارای گواهی صلاحیت مرتبط و معتبر

۱- به این پیمان درصورت وجود اعتبار و تخصیص لازم پیش پرداخت تعلق می‌گیرد.
۲-**محل تحویل و گشایش پیشنهادات:** خرم‌آباد- میدان ۲۲ بهمن- بلوار مدیریت- شرکت گاز استان لرستان- امور قراردادها، تلفکس: ۰۶۶-۳۳۲۰۰۶۸۳
۳-**محل تأمین اعتبار:** سایر
۴-**تضمین مناقصه:** مطابق با آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب‌نامه هیأت وزیران به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ مورخه ۱۳۹۴/۰۹/۲۲)
۵-**مدت اعتبار پیشنهادها:** سه ماه می‌باشد و این مدت حداکثر برای یک بار قابل تمدید می‌باشد.
۶-شرایط شرکت‌کننده در فراخوان، داشتن شخصیت حقوقی، تجربه کافی مرتبط، توانائی تهیه و تسلیم ضمانت‌نامه،توانائی رعایت استانداردهای شرکت ملی گاز،داشتن امکانات و نیروی متخصص به اندازه کافی،رتبه بندی مرتبط با رعایت ظرفیت مجاز کاری،داشتن کد شناسه ملی اشخاص حقوقی و صورت‌های مالی حسابرسی شده، بازگشایی پاکات منوط به کسب حداقل امتیاز از کمیته فنی / بازرگانی طبق اسناد ارزیابی می‌باشد.
۷-داشتن کد شناسه ملی اشخاص حقوقی و ایران کد
روابط عمومی شرکت گاز استان لرستان
شناسه ۲۲۵۷۵۴۷

نوبت دوم
فراخوان عمومی
شناسایی پیمانکار و دعوت به مناقصه
PPC
شرکت پتروشیمی پردیس
Pardis Petrochemical Company
شرکت پتروشیمی پردیس در نظر دارد مناقصه با موضوع ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های متقاضی دعوت می‌گردد حداکثر از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ نسبت به ثبت‌نام در سامانه برگزاری الکترونیک معاملات شرکت پتروشیمی پردیس به آدرس https://pardis.tender.paupc.ir و دریافت نام کاربری و رمز عبور اقدام نمایند. دریافت فرم ارزیابی کیفی و تکمیل فرم‌ها و ارائه کلیه مستندات مورد نیاز از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
الف) موضوع مناقصه:
۱- تهیه تابلو فرمان و بازسازی آسانسورهای گرانول فاز یک و دو مجتمع پتروشیمی پردیس
به‌شماره ۱۴۰۵-PPC/۱۲۷۲
ب) نشانی مناقصه‌گزار: عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، محدوده طرح‌های پتروشیمی، مجتمع پتروشیمی پردیس.
لازم به توضیح اینکه پس از بررسی‌های لازم، از متقاضیانی که واجد شرایط شناخته شوند (کسب حداقل امتیاز لازم از فرم ارزیابی کیفی پیمانکاران) جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به‌عمل خواهد آمد و ارسال مدارک هیچ‌گونه حقی جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. متقاضیان می‌توانند درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸-۰۷۷۳۷۳۲۳۳۰۵ داخلی ۲۰۲۸ (واحد امور حقوقی و قراردادها / واحد مناقصات) تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی پردیس

رابرت کیگان تحلیل کرد؛ قدرت مسلط در خاورمیانه نه آمریکا و نه اسرائیل بلکه ایران خواهد بود

برآمدن ایران

یادداشت

رابرت کیگان
عضو ارشد بروکینگز

سال‌ها، ایران با موازنه قدرتی در خاورمیانه مواجه بود که علیه آن بود. این منطقه تحت سلطه یک ابرقدرت متخاصم آمریکایی، یک اسرائیل مسلح به سلاح هسته‌ای و بازیگران منطقه‌ای مهمی- مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی- بود که از نظر استراتژیک و اقتصادی با ایالات متحده همسو بودند.

امروز ایران در شرایط کاملاً جدیدی قرار دارد. این کشور با یک ابرقدرت (آمریکا) و اسرائیل رو در رو شده، در برابر ضربات پیشرفته‌ترین سلاح‌های آنها مقاومت کرده و بیش از پیش قدرتمند شده است. در نتیجه، ایران ساختار و توازن قدرت خاورمیانه و خلیج فارس را به طور کامل تغییر داده است. قدرت غالب در منطقه از این پس ایران خواهد بود، نه ایالات متحده یا اسرائیل. کشورهای همسایه در حال حاضر در حال تطبیق خود با این واقعیت جدید هستند. قدرت‌های دورتر نیز این کار را خواهند کرد. سال‌هاست که برخی از کشورهای جهان بر این باور بودند که با ایرانی در تنگنا قرار گرفته سر و کار دارند. اکنون جهان متوجه خواهد شد که ایرانِ آزاد شده چه شکلی است.

ایران نیازی به توافق با ایالات متحده ندارد. این فرض رایج که ایران ضعیف در نهایت مجبور خواهد شد تا حدودی با قدرت آمریکا کنار بیاید، تنگه هرمز را باز کند و به اقتصاد آسیب دیده خود رسیدگی کند، اشتباه از آب درآمده است. جمهوری اسلامی ایران به ندرت ضعیف‌تر یا آسیب‌پذیرتر از دو سال گذشته به نظر رسیده است. فوریه گذشته، رئیس جمهوری ترامپ کمپین «فشار حداکثری» تحریم‌های بین‌المللی خود را تمدید کرد که به اقتصاد ایران آسیب جدی وارد کرد و میلیاردها دلار از درآمد دولت را کاهش داد. سپس اسرائیل و ایالات متحده در ماه ژوئن جنگ ۱۲ روزه را برای نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران آغاز کردند. سپس در ماه فوریه، ایالات متحده و اسرائیل جدیدترین جنگ را با ترور رهبر انقلاب و اکثریت قریب به اتفاق مقامات ارشد آن آغاز کردند و پس از آن بیش از پنج هفته حملات بی‌وقفه به قابلیت‌های نظامی ایران انجام شد.

پاشنه آشیل امریکا

با این حال، در تمام این مدت، ساختار ایران پابرجا مانده و هیچ امتیازی نداده است. برعکس، ایران پاشنه آشیل آمریکا را آشکار کرد: آسیب‌پذیری همسایگان ایران. نقطه عطف اصلی در اواسط ماه مارس رخ داد، زمانی که اسرائیل به میدان گازی پارس جنوبی ایران حمله کرد و ایران نیز به مجتمع راس لفان قطر، بزرگ‌ترین تأسیسات گاز طبیعی مایع جهان، حمله تلافی جویانه‌ای انجام داد.

این حمله نشان داد که اگرچه ایران آشکارا نمی‌تواند ایالات متحده را در یک جنگ هوایی شکست دهد، اما موشک‌ها و پهپادهای ایرانی می‌توانند به زیرساخت‌های نفت و گاز خلیج فارس آسیب کافی وارد کنند تا جهان را در یک بحران اقتصادی طولانی مدت فرو ببرد. کشورهای خلیج فارس بلافاصله این موضوع را درک کردند و ترامپ نیز این را فهمید. او حملات به اهداف انرژی ایران را متوقف کرد، به اسرائیل دستور داد و خیلی زود بدون گرفتن حتی یک امتیاز از ایران، کمپین بزرگ‌تر را متوقف کرد.

از آن زمان و با وجود تهدیدهای فراوان، ترامپ حتی یک بار هم دستور حمله دیگری به زیرساخت‌های انرژی ایران نداده است. همین موضوع به تنهایی برای تغییر موازنه قدرت بین ایران و ایالات متحده کافی بود. از آوریل تا ماه گذشته، ترامپ بارها تهدید به حمله گسترده دیگری علیه ایران کرد. هر بار، ایران تهدید به تلافی می‌کرد، کشورهای خلیج فارس در مورد عواقب آن هشدار می‌دادند و ترامپ عقب‌نشینی می‌کرد. با سومین یا چهارمین بلوف، تهران به این نتیجه رسید که ایالات متحده دیگر آماده نیست تا ایران را در نردبان تشدید تنش دنبال کند. ترامپ این موضوع را زمانی که در اواسط ژوئن خاطرنشان کرد ادامه جنگ منجر به «فاجعه اقتصادی» و احتمالاً حتی «رکود» خواهد شد و او نمی‌خواهد رئیس جمهوری هربرت هوور شود، روشن کرد. از آن زمان، ترامپ با ناامیدی قابل توجهی تلاش کرده است تا به این درگیری پایان دهد. یادداشت تفاهمی که ایالات متحده و ایران در ماه ژوئن امضا کردند، این واقعیت را منعکس می‌کرد. اگرچه این یادداشت تفاهم برای حفظ آبروی ایالات متحده تا حد امکان تدوین شده بود، اما پیروزی آشکاری برای ایران بود. در این یادداشت تفاهم اعلام شده بود که هیچ کشور دیگری «ترتیبات لازم» را برای «عبور ایمن کشتی‌های تجاری» از تنگه هرمز فراهم نخواهد کرد. ایران در گفت‌وگو با عمان، بدون واسطه آمریکا، اداره تنگه را «مطابق با قوانین بین‌المللی قابل اجرا و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی» تعیین خواهد کرد.

این یادداشت تفاهم خواستار بازگشت به وضعیت قبل از جنگ نبود. همچنین درمورد ایالات متحده هیچ حقی برای اداره آینده تنگه قائل نبود. در عوض، ایران را به عنوان تنها بازیگر غیر از عمان ضعیف معرفی کرد و حتی به ایران اجازه داد تا پس از ۶۰ روز از کشورها برای عبور امن هزینه دریافت کند. بنابراین، این یادداشت تفاهم شکستی را که ایالات متحده در ماه مارس متحمل شده بود، تدوین کرد، زمانی که ترامپ ظاهراً متوجه شد که یا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد ریسک حملات بیشتر به تأسیسات انرژی در منطقه را بپذیرد. با نگاهی به گذشته، به نظر نمی‌رسد رهبران ایران باور داشته باشند که به این تفاهمنامه نیاز دارند. بنا به گزارش‌ها، آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم ایران، باید توسط رئیس جمهوری برای امضای آن متقاعد می‌شد. بی‌تفاوتی نسبی تهران قابل درک بود: امتیازات آمریکا نشان‌دهنده چنان استیصالی برای پایان دادن به جنگ بود که ایرانی‌ها به خوبی می‌توانستند انتظار داشته باشند آمریکا در نهایت، با یا بدون توافق، عقب‌نشینی کند. مسئولان ارشد ایران بلافاصله پس از شروع عبور نفتکش‌ها از سمت عمانی تنگه، در نقض آتش‌بس تردید نکردند. ترامپ ممکن است از میزان امتیازاتی که مذاکره‌کنندگانش در مورد کنترل تنگه داده بودند، کاملاً آگاه بوده باشد یا نباشد، اما از دیدگاه ایران، مسیر عمان تلاشی برای بازپس‌گیری آنچه ایالات متحده از دست داده بود، بود. برای مدتی، ایالات متحده و ایران درگیر حملات تلافی‌جویانه بودند که در اواسط ماه ژوئیه به حملات شدید آمریکا منجر شد. وقتی این حملات هیچ تأثیری نداشت، ترامپ در ۱۵ ژوئیه هشدار داد که ایالات متحده «تمام نیروگاه‌های آنها» و «تمام پل‌های آنها» را خراب خواهد کرد، مگر اینکه ایران مذاکره کند. با این حال، دوباره هیچ حمله‌ای صورت نگرفت. سپس جهان و ایرانیان یکی از دلایل اصلی را دریافتند: افشاگری‌هایی مبنی بر اینکه ذخایر مهمات حیاتی آمریکا به طرز خطرناکی پایین است و اینکه رئیس ستاد مشترک ارتش به دنبال یک «راه فرار» است، سیگنال روشنی در مورد مسیر آینده استراتژی آمریکا ارسال کرد. یک حمله بزرگ به ایران با تضعیف ایالات متحده در صورت اقدام احتمالی چین به تایوان یا حمله روسیه به یک عضو ناتو، منافع آمریکا را در جاهای دیگر تهدید می‌کند.

برتری ایران در نردبان تنش

کمبود موشک همچنین خطرات ناشی از یک حمله گسترده به زیرساخت‌های ایران را افزایش می‌دهد. ایالات متحده مجبور خواهد شد هواپیماهای بیشتری را در محدوده پدافند هوایی ایران اعزام کند و رهگیری‌های نسبتاً کمی برای محافظت از کشورهای خلیج فارس و پایگاه‌های منطقه‌ای خود در اختیار خواهد داشت. خطر تلفات آمریکایی‌ها و همچنین خطر برای زیرساخت‌های انرژی منطقه زیاد خواهد بود و هیچ چیز تضمین نمی‌کند که چنین حمله‌ای مؤثرتر از بمباران‌های پنج هفته‌ای اوایل امسال باشد.

اقدامات آمریکا آشکار کرده است که واشنگتن بیش از ایران از تشدید تنش‌ها می‌ترسد نه فقط برای الان، بلکه برای آینده. این موضوع محدودیت‌هایی را برای آنچه ایالات متحده حتی در سطوح پایین درگیری که می‌تواند انجام دهد، ایجاد می‌کند. از آنجا که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران خطر ورود به نردبان تشدید تنشی را دارد که ایالات متحده نمی‌خواهد از آن بالا برود، حتی حملات تلافی‌جویانه نیز دیگر بخشی از استراتژی آمریکا به نظر نمی‌رسد. طبق گزارش‌ها، رئیس جمهوری به مشاوران خود گفته است که نمی‌خواهد دستور حملات بیشتری را صادر کند. ایرانی‌ها در این ماه به چندین کشتی امارات متحده عربی حمله کرده و حتی موشک‌های بالستیک به این کشور شلیک کرده‌اند، اما ایالات متحده از ماه ژوئیه تاکنون پاسخی نداده است؛ واقعیتی که بدون شک توسط امارات متحده عربی و سایر همسایگان ایران مشاهده شده است. با توجه به اکراه آشکار آمریکا برای شرکت در یک کارزار بزرگ دیگر، ایران دلیلی برای اندیشیدن به این دارد که از یک توافق چه چیزی می‌تواند به دست آورد که بدون آن به هیچ وجه به دست نخواهد آورد. مقامات ارشد ایرانی اکنون خواستار خروج نیروهای آمریکایی، لغو محاصره دریایی و همه تحریم‌ها، آزاد شدن دارایی‌های مسدود شده ایران و پرداخت غرامت جنگی هستند. عقل سلیم می‌گوید که ایرانی‌ها می‌دانند که این خواسته‌ها برای واشنگتن بی‌فایده است و بنابراین یا در حال ضربه زدن به ترامپ در شکست هستند، یا برای یک معامله بهتر تلاش می‌کنند، یا از موقعیت خود استفاده می‌کنند. بسیاری از ناظران هنوز بر این باورند که کنترل تنگه هرمز یک ابزار چانه‌زنی برای گرفتن امتیازات بیشتر از ایالات متحده یا بازگرداندن ترامپ به تفاهمنامه است. اما ما از همه اینها گذشته‌ایم. یک پیروز مجبور نیست به میز چانه‌زنی برگردد، مگر اینکه شرایط تسلیم را تعیین کند.

ایران اکنون این شرایط را تعیین کرده است. این شرایط ممکن است حداکثری به نظر برسند، اما تهران به سختی باید باور کند که دلیلی برای درخواست کمتر از این دارد. ایران ماه‌هاست روشن کرده است که کنترل تنگه قابل مذاکره نیست. این تصور که ایرانی‌ها نمی‌توانند تصمیم بگیرند و مدام مواضع خود را تغییر می‌دهند، که دائماً توسط دولت ترامپ و رسانه‌ها مطرح می‌شود، بی‌معنی است. رهبر معظم ایران در ماه آوریل اعلام کرد که ایران «چارچوب‌های قانونی و مدیریت جدیدی» برای تنگه اجرا خواهد کرد و «بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر می‌آیند» جایی در خلیج فارس «جز در قعر آب‌های آن» ندارند. او در روزی که به مناسبت شکست پرتغال از ایران در تنگه در سال ۱۶۲۲ برگزار شد، اعلام کرد که «به خواست و قدرت خدا، آینده روشن منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا خواهد بود.»

این ایده که ایران، پس از جان سالم به در بردن از حملات نظامی و تحریم‌ها، اکنون تنها در برابر تحریم‌ها تسلیم خواهد شد، خیالی باطل است. رهبری معظم، امنیت ملی ایران را متحول کرده و پیشکسوتان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در مناصب ارشد منصوب کرده است. محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه، اکنون ریاست شورای عالی امنیت ملی را بر عهده دارد و دیگر مقامات امنیتی نیز ارتقا یافته‌اند. ساختاری که از دل جنگ بیرون آمده، توسط مردانی در حال سازماندهی مجدد است که معتقدند ایران از تلاش آمریکایی-اسرائیلی برای نابودی آن جان سالم به در برده و این سرپیچی، نه سازش، باعث پیروزی شده است. اما این فقط یک پیروزی نیست. برای ایران، کنترل تنگه هرمز نه یک کالای لوکس است و نه یک ابزار چانه‌زنی. با توجه به این احتمال که در مقطعی از آینده، اسرائیل یا ایالات متحده دوباره حمله کنند، چه با توافق و چه بدون توافق، این تنگه قوی‌ترین و مطمئن‌ترین عامل بازدارنده ایران است. همچنین کلید بازکردن بسیاری از قید و بندهایی است که نظم جهانی تحت سلطه ایالات متحده در طول دهه‌ها بر ایران تحمیل کرده است و همچنین کلید لغو یک سیستم اقتصادی منطقه‌ای و جهانی است که برای حذف و فقیر کردن آن طراحی شده است.

تنگه هرمز به مثابه سلاح هسته ای

برخی در درون حاکمیت ایران ممکن است این تنگه را به عنوان یک ابزار چانه‌زنی در نظر بگیرند، اما آنها به دلایلی که درک آنها دشوار نیست، در این بحث برنده نیستند. سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیدگاه اصلی را به صراحت بیان کرد: «برای ما، تنگه هرمز صرفاً یک آبراه اقتصادی نیست، بلکه یک جزء کلیدی از قدرت ژئوپلتیکی و استراتژیک ماست.»

ایران ماه‌هاست که سازوکارهای کنترل را ایجاد کرده و به مالکان کشتی و کشورها در مورد نحوه عملکرد این سیستم آموزش می‌دهد. ایران «نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس» را ایجاد کرده و از شرکت‌های کشتیرانی خواسته است که در آن ثبت‌نام کنند، مجوز بگیرند، مسیرهای تعیین‌شده توسط ایران را دنبال کنند و هزینه بیمه و امنیت ارائه‌شده توسط ایران را بپردازند. ایران صرفاً ادعای حق دریافت عوارض ندارد. همچنین ادعای حق تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کسی می‌تواند عبور کند را دارد. این کشور پیشنهاد داده است که کشتی‌های مرتبط با دولت‌هایی که دشمن می‌دانند، مانند ایالات متحده و اسرائیل، از این تنگه عبور نکنند و از کشورهایی که در حملات علیه آن شرکت داشته‌اند، غرامت خواسته است. ایران در حال تثبیت این اصل است که عبور از تنگه از این پس امتیازی خواهد بود که تهران می‌تواند اعطا کند، مشروط کند، به تأخیر بیندازد یا رد کند. سایر کشورها از قبل شروع به پذیرش این ترتیبات جدید کرده‌اند. هند، پاکستان، عراق، ترکیه، چین و دیگران به دنبال سازش بوده‌اند.

کنترل ایران بر تنگه هرمز ابزار قدرت مفیدتری نسبت به سلاح هسته‌ای است. سلاح هسته‌ای ممکن است مانع حمله شود، اما کنترل تنگه هرمز هر روز به ایران در برابر ده‌ها کشور، اهرم فشار می‌دهد. با این اهرم، ایران می‌تواند به دوستان پاداش دهد، دشمنان را مجازات کند، درآمد کسب کند، تحریم‌ها را کاهش دهد و دولت‌ها را وادار کند قبل از مخالفت با سیاست‌های ایران، دوباره فکر کنند. ایران می‌تواند همه این کارها را بدون شلیک حتی یک گلوله انجام دهد و در عین حال توانایی تهدید به خشونت در صورت لزوم را نیز حفظ کند. استراتژی تحریم‌ها که برای دهه‌ها در خدمت منزوی کردن ایران بود، بر همکاری بین‌المللی استوار بود. کشورهایی که به دسترسی به این تنگه وابسته هستند - به عنوان مثال، ژاپن و کره جنوبی - باید بین دسترسی به یک منبع انرژی قابل اعتماد و مشارکت در تحریم‌های مورد حمایت آمریکا یکی را انتخاب کنند. آیا آنها همبستگی با واشنگتن را به منافع اقتصادی خود ترجیح خواهند داد؟ در نظم جدیدی که ایران در حال ایجاد آن است، یک رژیم تحریم جهانی احتمالاً ناپایدار خواهد بود.

ایران احتمالاً حداقل برای چند سال کنترل خود بر جریان‌های انرژی را حفظ خواهد کرد. خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که ایجاد خطوط لوله و مسیرهای صادراتی جایگزین که تنگه هرمز را دور می‌زنند، به همین مدت زمان نیاز خواهد داشت. اما جای تعجب است که آیا اینها اصلاً به نتیجه خواهند رسید یا خیر. خطوط لوله، بنادر و تأسیسات انرژی جدید به همان اندازه که تأسیسات قدیمی در برابر موشک‌ها و پهپادهای ایران آسیب‌پذیر بودند، آسیب‌پذیر خواهند بود. آیا ایران صرفاً نظاره‌گر خواهد بود در حالی که کشورهای همسایه در حال ساخت ابزارهایی برای فرار از کنترل آن هستند؟ کشورهای کوچکی که باید چنین مسیرهایی را بسازند و محافظت کنند، از برانگیختن خشم ایران هراس خواهند داشت و محافظت آمریکا ناکافی بوده است. ایران در حال حاضر در تلاش است تا عراق را با ارائه گذرگاه امن برای تانکرهای عراقی با شرایط ایران، از توسعه کریدورهای جایگزین صادرات نفت دور کند.

منبع: The Atlantic

> اقدامات آمریکا آشکار کرده است که واشنگتن بیش از ایران از تشدید تنش‌ها می‌ترسد نه فقط برای الان، بلکه برای آینده. از آنجا که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران خطر ورود به نردبان تشدید تنشی را دارد که ایالات متحده نمی‌خواهد از آن بالا برود، حتی حملات تلافی‌جویانه نیز دیگر بخشی از استراتژی آمریکا به نظر نمی‌رسد

> کنترل ایران بر تنگه هرمز ابزار قدرت مفیدتری نسبت به سلاح هسته‌ای است. سلاح هسته‌ای ممکن است مانع حمله شود، اما کنترل تنگه هرمز هر روز به ایران در برابر ده‌ها کشور، اهرم فشار می‌دهد. ایران می‌تواند به دوستان پاداش دهد، دشمنان را مجازات کند، درآمد کسب کند و تحریم‌ها را کاهش دهد

> یادداشت تفاهمی که ایالات متحده و ایران در ماه ژوئن امضا کردند، اگرچه برای حفظ آبروی ایالات متحده تا حد امکان تدوین شده بود، اما پیروزی آشکاری برای ایران بود. این یادداشت تفاهم شکستی را که ایالات متحده در ماه مارس متحمل شده بود، تدوین کرد

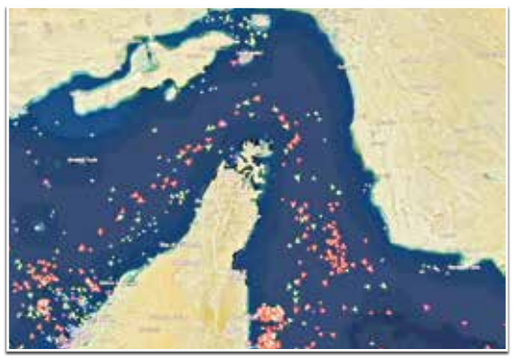

برش

نظم جدید آغاز شده است

ترتیبات جدید منطقه‌ای آغاز شده است. حاکمان خلیج‌فارس که زمانی روی تضمین امنیتی آمریکا حساب می‌کردند، اکنون باید با قدرتی که ثابت کرد قادر به شکست دادن حامی آنهاست، صلح کنند. رد توافقنامه‌های ابراهیم مورد حمایت آمریکا و اسرائیل توسط عربستان سعودی و در عوض، امضای پیمان استراتژیک دفاعی با پاکستان و ترکیه، به شکل نظم آینده اشاره دارد. توافقنامه ابراهیم نشان‌دهنده تثبیت قدرت و نفوذ اسرائیل در منطقه و مهار بیشتر ایران بود. توافق سه جانبه ترکیه، عربستان و پاکستان کاملاً چیز دیگری است. نه پاکستان و نه ترکیه، ایران را تهدید بزرگی نمی‌دانند؛ پاکستان، مانند ایران، روابط نزدیکی با چین دارد؛ اسرائیل، ترکیه را تهدید منطقه‌ای دوم پس از ایران می‌داند. به جای یک نظم آمریکایی-اسرائیلی، این یک اتحاد کمتر خصمانه با ایران، کمتر دوستانه با اسرائیل و بیشتر مستقل از ایالات متحده خواهد بود. در همین حال، ایران آزاد خواهد بود تا برنامه هسته‌ای خود را بدون ترس از یک حمله بزرگ دیگر از سر بگیرد. این واقعیت به خودی خود موازنه منطقه‌ای را تغییر خواهد داد. سال گذشته، اسرائیل و ایالات متحده به مدت ۱۲ روز تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کردند اما اکنون ایران قدرت یافته است تا از کنترل خود بر تنگه و تهدیدات علیه کشورهای همسایه و زیرساخت‌های انرژی آنها برای جلوگیری از هرگونه حمله‌ای در آینده قابل پیش‌بینی استفاده کند. ذخایر موشکی و رهگیرهای آمریکایی برای پر کردن مجدد به زمان زیادی نیاز خواهد داشت و ممکن است در سال‌های آینده در سایر نقاط جهان مورد نیاز باشد. ایران در عین حال با کمک روسیه و چین در حال مسلح شدن مجدد خواهد بود و به طور بالقوه ایالات متحده را در یک سال آینده در موقعیتی بدتر از امروز قرار خواهد داد. اثرات این امر بسیار فراتر از خاورمیانه خواهد رفت. متحدان آمریکا در آسیا و اروپا می‌توانند ببینند که یک جنگ نسبتاً کوتاه علیه یک قدرت منطقه‌ای، بخش زیادی از ذخایر سلاح‌های مورد نیاز آمریکا برای دفاع موشکی را مصرف کرده است. آنها می‌توانند ببینند که ایالات متحده جنگی را آغاز کرد که نتوانست آن را به پایان برساند، شرکای خود را در معرض تلافی قرار داد و سپس وقتی هزینه‌ها بسیار زیاد شد، آن را متوقف کرد. شاید نتوان نتیجه‌گیری‌های پکن در مورد تایوان و نتیجه‌گیری‌های مسکو در مورد اروپا را دانست. اما متحدان آمریکا ناگزیر این سؤال را خواهند پرسید که آیا واشنگتن سلاح، استقامت و اراده سیاسی لازم برای ادامه یک درگیری بزرگ دیگر را دارد یا خیر.

> حاکمان خلیج‌فارس که زمانی روی تضمین امنیتی آمریکا حساب می‌کردند، اکنون باید با قدرتی که ثابت کرد قادر به شکست دادن حامی آنهاست، صلح کنند. به جای یک نظم آمریکایی-اسرائیلی، پیمان مکه یک ائتلاف کمتر خصمانه با ایران، کمتر دوستانه با اسرائیل و بیشتر مستقل از ایالات متحده خواهد بود

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۹۱)

ویلیام کلیولند
ترجمه: عسگر قهرمانپور

پایان نظم عثمانی در خاورمیانه

برای مردم عربی که در قلمروهای سلطنتی عثمانی زندگی می‌کردند، تجزیه امپراطوری بیش از پایان یک دولت خاص بود؛ این رخداد به معنای فروپاشی یک نظم سیاسی، اجتماعی بود که طی چهارصد سال، رفتار عمومی و مناسبات زندگی را شکل داده بود. حکومت عثمانی در مناطق مختلف استان‌های عربی با شدت‌های متفاوتی اعمال می‌شد. این انعطاف‌پذیری، جوهره نظام عثمانی بود:

در مناطقی که می‌توانست به‌طور مؤثر کنترل شود، حکومت مستقیم برقرار می‌کرد و در مناطق دورافتاده، رؤسای قبایل و امیران فئودال را به خودمختاری نسبی وامی‌داشت. حتی در مناطقی که تحت کنترل مستقیم دولت عثمانی بودند، مانند مراکز شهری شام بزرگ، والیان عثمانی قدرت خود را در همکاری با بزرگان محلی عرب اعمال می‌کردند.

این بزرگان در ازای همکاری با نمایندگان دولت مرکزی، تا حدی از قدرت محلی برخوردار بودند. علاوه بر این، حکومت عثمانی به تنوع مذهبی و فرهنگی گسترده استان‌های عربی نیز مدارا نشان می‌داد و آن را پذیرفته بود. اما دولت‌های جانشین پس از جنگ، ابتدا تحت کنترل اروپایی و سپس تحت حکومت‌های عربی مستقل، چنین انعطاف‌پذیری‌ای نداشتند.

آنها، در حالی که سعی می‌کردند آنچه را به‌عنوان «حکومت مدرن» می‌پنداشتند، پیاده کنند، تلاش داشتند کنترل متمرکز شدیدی بر قبایل و ساکنان شهری اعمال و یکنواختی فرهنگی معینی را به تمامی شهروندان تحمیل کنند.

این بدان معنا نیست که نظام عثمانی برتر بود؛ بلکه نشان می‌دهد که مردم سابق عثمانی اکنون در موقعیت جدید خود به‌عنوان شهروندان کشورهای ملت در حال ظهور، تحت فشارهای تازه‌ای قرار گرفته بودند و با واقعیت‌های پیچیده‌ای روبه‌رو می‌شدند که پیش‌تر تجربه نکرده بودند.

امپراطوری عثمانی برای رعایایش نه تنها امنیت و ثبات فراهم می‌کرد، بلکه حس تعلق به یک نظم جهانی بزرگ‌تر را نیز به آنان می‌بخشید. این نظم از یک سو توسط دودمان عثمانی و سلطان حاکم نمایندگی می‌شد و از سوی دیگر توسط نهادها و آیین‌های اسلامی که سلاطین عثمانی بشدت بر حفظ و استمرارشان تأکید داشتند.

مشروعیت امپراطوری در دیدگاه مردم تنها به دلیل توانایی‌اش در تأمین حکومت پایدار نبود، بلکه به اراده حکام برای تضمین برقراری عدالت بر پایه شریعت، احترام به جایگاه علما، حمایت از آموزش‌های دینی و پاسداری از شهرهای مقدس نیز وابسته بود.

به بیان دیگر، عثمانی نه تنها تجسم دستاوردهای گذشته اسلامی بود، بلکه با ادامه موجودیت و استقلال خود، این امید را می‌داد که یک دولت اسلامی خاص در میان قدرت‌های توسعه‌طلب اروپایی می‌تواند پایدار بماند. برای یک مسلمان عرب، چنین دولتی عرصه‌ای بود که می‌توانست در آن احساس آرامش و تعلق کند. با این حال، تا سال ۱۹۲۰، نه دولت عثمانی و نه نهادهای اسلامی آن دیگر در خاورمیانه نفوذ قابل‌توجهی نداشتند و رعایای سابق عرب و ترکش در وضعیتی نامعلوم و بلاتکلیف رها شده بودند.

سیستم عثمانی هرگز ایستا نبود، اما در قرن پایانی خود تحولات چشمگیری را پشت سر گذاشت. همان‌گونه که پیش‌تر دیده شد، جنبش اصلاحات کارایی اداری و توان نظامی امپراطوری را تقویت کرد، اما ماهیت اصلاحات به گونه‌ای بود که اجتناب‌ناپذیر، برخی پایه‌هایی را که نظم عثمانی بر آنها استوار بود، سست می‌کرد.

با وجود تغییرات نهادی و گسترش شورش‌های ملی‌گرایانه در بالکان، ساکنان عرب امپراطوری نه تنها تمایلی به فروپاشی آن نداشتند، بلکه هیچ چشم‌اندازی برای جایگزینی آن با یک سیستم دولتی عربی منطقه‌ای متصور نبودند.

همان‌طور که در فصل هشتم نشان داده شد، دکترین عربی‌گری پیش از جنگ ظهور کرده بود، اما این دکترین بیشتر خواست خودمختاری عرب‌ها در چارچوب امپراطوری عثمانی بود تا برنامه‌ای برای استقلال کامل سیاسی.

بنابراین، در آغاز جنگ، عثمان‌گرایی با پیوندهای اسلامی‌اش هنوز ایدئولوژی غالب در استان‌های عربی‌زبان بود و علیرغم سرکوب جمال پاشا و قیام شریف حسین، اکثریت عرب‌ها در طول جنگ وفاداری خود به عثمانی را حفظ کردند.

اما تا پایان جنگ در سال ۱۹۱۸، عثمان‌گرایی دیگر به مرحله‌ای رسیده بود که بی‌ربط و ناکافی جلوه می‌کرد. اکنون پرسش کلیدی این بود: چه نیروها یا هویت‌های سیاسی و فرهنگی می‌توانستند جایگزین این وفاداری شوند و خلأ ناشی از فروپاشی نظم عثمانی را پر کنند؟ برای مدتی به نظر می‌رسید که پادشاهی سوریه تحت رهبری فیصل، با گرایش پان‌عربی خود، می‌تواند خلأ ناشی از فروپاشی عثمانی را پر کند، اما این رویا به‌سرعت رنگ باخت. با اشغال دمشق توسط فرانسه و شکل‌گیری کشورهای منطقه‌ای جدید، نخبگان عرب به‌طور اجتناب‌ناپذیری مجبور شدند توجه خود را به تحولات داخلی این کشورها معطوف کنند.

پیش‌تر عرب‌ها خود را ساکن استان‌های عثمانی می‌دانستند، اما اکنون باید هویت‌های تازه‌ای می‌ساختند: عراقی، سوری یا فلسطینی شدن، تغییری بنیادی نسبت به هویت عثمانی‌گرایانه پیشین بود. با این حال، یک عنصر در خاورمیانه پس از عثمانی ثابت ماند: بسیاری از مقام‌های سیاسی برجسته در کشورهای تازه تأسیس، کسانی بودند که پیش‌تر در نظام عثمانی صاحب نفوذ و موقعیت بوده‌اند؛ چه بزرگان محلی و چه افسران و کارمندان سابق.

ادامه سلطه این نخبگان دوره عثمانی باعث شد برخی از الگوهای رفتاری و نگرش‌های اجتماعی به سبک عثمانی، حتی در دوران پس از جنگ، ادامه یابد.

پرسش اصلی این است که این الگوهای مستقر چگونه توانستند به خواسته‌ها و نیازهای ناشی از شرایط کاملاً جدید پاسخ دهند؛ موضوعی که در بخش بعدی این کتاب به تفصیل بررسی خواهد شد.

اخبار

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان: امروز فرصت پیدا کردن درمان‌ها است

زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده تأکید کرد:«حمایت از حقوق زنان می‌تواند به تحکیم خانواده، کاهش خشونت و افزایش اعتماد کمک کند. در بسیاری از پرونده‌های خانوادگی، موفقیت تنها صدور یک رأی نیست؛ بلکه در حفظ کرامت طرفین، حمایت از کودکان، جلوگیری از استمرار آسیب و فراهم کردن زمینه گفت‌وگو و اصلاح رابطه نیز اهمیت دارد.»

به گزارش روابط عمومی معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانوده، زهرا بهروزآذر در اولین آیین تحلیف کارآموزان وکالت کانون وکلای دادگستری مرکز در سال ۱۴۰۵، گفت:«مراسم تحلیف تنها آغاز یک شغل نیست، بلکه آغاز یک رسالت اجتماعی و اخلاقی است و سوگندی که امروز یاد می‌کنید، شما را متعهد می‌کند در مسیر قانون، عدالت، حقیقت و کرامت انسانی گام بردارید و در دفاع از حقوق مردم، امانتدار و مسئول باشید.»

او با اشاره به حضور پررنگ زنان در میان کارآموزان و وکلای جوان، بویژه رتبه‌های برتر آزمون‌های وکالت، این حضور را جلوه‌ای روشن از شایستگی، پشتکار و توان علمی زنان دانست و گفت:«زنان وکیل با دانش، تجربه، حساسیت اجتماعی و اخلاق مراقبت می‌توانند در حمایت از حقوق زنان و خانواده و همچنین احقاق حقوق سالمندان، افراد دارای معلولیت و دیگر گروه‌های نیازمند نقش مؤثری ایفا کنند.»

معاون رئیس‌جمهور بر نقش وکلا در حوزه خانواده تأکید کرد و گفت:«حمایت از حقوق زنان می‌تواند به تحکیم خانواده، کاهش خشونت و افزایش اعتماد کمک کند. در بسیاری از پرونده‌های خانوادگی، موفقیت تنها صدور یک رأی نیست؛ بلکه در حفظ کرامت طرفین، حمایت از کودکان، جلوگیری از استمرار آسیب و فراهم کردن زمینه گفت‌وگو و اصلاح رابطه نیز اهمیت دارد.»

بهروزآذر با بیان اینکه تحکیم خانواده نباید به معنای نادیده گرفتن ظلم، خشونت یا تضییع حقوق یکی از اعضای خانواده باشد، اعلام کرد:«انتظار می‌رود وکلا هر جا حقی ضایع شده، خشونتی رخ داده یا فردی در معرض آسیب قرار گرفته است، دفاع قانونی و قاطع از بزه‌دیده را در مسیر حرفه‌ای خود قرار دهند.»

او با اشاره به جایگاه اجتماعی وکلا گفت:«جامعه امروز همان‌قدر که به دانش حقوقی شما نیاز دارد، به اخلاق حرفه‌ای، شنیده شدن، همدلی و مسئولیت اجتماعی شما نیز نیازمند است.»

معاون رئیس‌جمهور، وکلا را از اولین گروه‌هایی دانست که تغییرات اجتماعی و خلأهای حقوقی را لمس می‌کنند و بیان کرد: «امروز اینجا هستم تا از شما بخواهم به دولت اعتماد کنید و هر خلأیی را که با آن مواجه می‌شوید و هر موضوعی را که متوجه آن می‌شوید، بدون لکنت و نگرانی به ما اطلاع دهید؛ مطمئن باشید مسیر اصلاح را دنبال خواهیم کرد.»

بهروزآذر با اشاره به شرایط کنونی کشور و همکاری میان قوا یادآور شد:«شاید در ۴۷ سال گذشته هیچ‌گاه چنین وفاقی میان سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه وجود نداشته و این یک فرصت بی‌نظیر برای ایران عزیز است. ما قدر این فرصت را می‌دانیم و می‌خواهیم همه شما در این فرصت شریک باشید.»

او با اشاره به موضوع «وکالت ترمیمی» که در این مراسم مطرح شد، عنوان کرد:«این نگاه را در دولت به‌طور جدی دنبال می‌کنیم و از جامعه وکالت می‌خواهیم در آن مشارکت داشته باشد و برای پیدا کردن مسائل و یافتن راه‌حل‌ها به دولت کمک کنند. ما به اندازه کافی از دردها گفته‌ایم؛ امروز فرصت پیدا کردن درمان‌هاست و شما بهتر و زودتر از همه، هم می‌توانید دردها را پیدا کنید و هم در پیدا کردن درمان‌ها به ما کمک کنید. ما کنار شما هستیم و مشتاقیم صدای شما را به عنوان نماینده و صدای همه بی‌صدایان جامعه بشنویم.»

مدیرعامل سازمان بیمه سلامت: ۴۵ میلیون ایرانی تحت پوشش این بیمه هستند

«بیمه سلامت یکی از بزرگ‌ترین بیمه‌های پایه است و نیمی از جمعیت کشور را تحت پوشش خود دارد. در مجموع ۴۵ میلیون نفر در قالب صندوق بیمه روستایی، صندوق بیمه همگانی، صندوق سایر اقشار و صندوق کارکنان دولت تحت پوشش این بیمه هستند.» محمدمهدی ناصحی، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران، روز یکشنبه در نشست خبری با بیان این مطلب گفت: «طبق قانون، هر ایرانی باید پوشش بیمه پایه سلامت را داشته باشد. ما در این راستا حرکت می‌کنیم تا سازوکاری فراهم کنیم که هر ایرانی بیمه شده باشد.»

طبق اعلام مدیرعامل بیمه سلامت، در حال حاضر ۵ دهک اول جامعه و تعداد زیادی از روستاییان به صورت رایگان تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند و بقیه دهک‌ها با اعمال تخفیف‌ها در پرداخت حق بیمه، از بیمه سلامت برخوردار می‌شوند. او گفت: «فردی که تحت پوشش بیمه سلامت قرار دارد، در مقابل هزینه‌های سنگین، به‌خصوص بیماری‌های صعب‌العلاج باید مورد مراقبت قرار گیرد و دچار فقر نشود.»

مدیرعامل سازمان بیمه سلامت در پاسخ به سؤالی درباره صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج گفت:«این صندوق در سال جاری حدود ۱۵ همت اعتبار دارد که بیمه‌شدگان سازمان بیمه سلامت، تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح می‌توانند از منابع این صندوق بهره‌مند شوند. در حال حاضر حدود ۱۳۰ گروه بیماری که شامل حدود ۲۶۰ بیماری می‌شود، تحت پوشش قرار دارند و پرهزینه‌ترین بیماری‌ها، سرطان‌ها هستند و حدود ۷۰ درصد منابع این صندوق در حوزه داروها هزینه می‌شود.»

به گزارش ایرنا، ناصحی گفت:«در حال حاضر بیش از ۳.۵ میلیون نفر تحت پوشش صندوق بیماران خاص، صعب‌العلاج و نادر قرار دارند. به‌واسطه راه‌اندازی صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج، نزدیک به ۳۰ هزار میلیارد تومان از هزینه‌های پرداختی این گروه از بیماران، طی چند سال اخیر کم شده است. در بیماری هموفیلی تلاش کردیم دارویی را که برای این بیماران مؤثر است، تحت پوشش ببریم. در جهت خدماتی که برای بیماران مبتلا به سرطان است و رادیوتراپی‌ها نیز به صورت مستقیم قرارداد منعقد شده تا بیمار مجبور نشود پرداخت و سپس فاکتور ارائه کند. بیمه سلامت قصد ندارد فقط یک پرداخت‌کننده باشد و به دنبال خرید راهبردی خدمات سلامت هستیم.»

وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران» از رویکرد جامع دولت برای حمایت از معلمان و کاهش شکاف معیشتی فرهنگیان خبر داد

پرداخت به‌موقع مطالبات، اولین گام در مسیر تکریم معلمان

گزارش

مرجان قندی
گروه اجتماعی

عکس: ایرنا

معیشت فرهنگیان در نگاه مدیران آموزش و پرورش، فراتر از یک افزایش حقوق ساده؛ مجموعه‌ای از پرداخت به‌موقع مطالبات، خدمات رفاهی، مسکن، بیمه و تکریم جایگاه معلم و خانواده آنان است. اگرچه انباشت مطالبات معوق و پاداش‌های پایان خدمت، میراثی از کاستی‌های دولت‌های پیشین است، اما در دولت چهاردهم، سیاست‌گذاری‌ها از دایره شعار خارج شده و به عرصه عملیات وارد شده است. در همین راستا، علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر رویکرد عملیاتی و به‌دور از هیاهو برای پیگیری مطالبات فرهنگیان، از صدور احکام رتبه‌بندی نزدیک به ۳۰۰ هزار معلم، اهتمام برای پرداخت به‌موقع حقوق و حق‌التدریس‌ها و بسیج ظرفیت‌های دولت برای کاهش شکاف معیشتی خبر داد.

کاظمی با اشاره به سیاست‌های کلان این وزارتخانه، بر رویکرد متفاوت خود در مواجهه با دغدغه‌های معیشتی فرهنگیان با عبور از رویکردهای هیجانی و رسانه‌ای کردن اخبار مالی، گفت: «معیشت معلمان باید در سبدی متنوع از خدمات رفاهی، مسکن، بیمه و تکریم جایگاه معلم دیده شود، نه صرفاً در قالب ارقام فیش حقوقی.»

او با دفاع از عملکرد وزارتخانه در پرداخت‌های به‌موقع، بر این نکته تأکید کرد و گفت: «به‌رغم محدودیت منابع، تمامی ظرفیت‌های دولت برای کاهش شکاف معیشتی به کار گرفته شده است.»

وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به پرسشی درباره برنامه‌های این وزارتخانه برای بهبود وضعیت معیشتی معلمان، رویکرد مدیریتی خود را بر اقدام عملی و بی‌هیاهو دانست و اعلام کرد: «بهبود وضعیت معیشتی معلمان از اولویت‌های اصلی دولت و شخص رئیس‌جمهوری است، از این رو سیاست من هم پرهیز از جنجال‌های رسانه‌ای و ایجاد هیاهو پیرامون اخبار مالی است. من معتقدم وقتی اقدام مؤثری انجام شود، معلمان خود متوجه آن خواهند شد و نیازی به رسانه‌ای کردن صرف نیست.»

کاظمی در تبیین ابعاد این موضوع، با نگاهی جامع به مفهوم معیشت، در این باره توضیح داد: «این موضوع را نباید فقط در افزایش حقوق خلاصه کرد. چون حقوق فقط یکی از مؤلفه‌های معیشتی است. مقوله معیشت طیف گسترده‌ای از خدمات، از جمله تأمین مسکن، بیمه، خدمات رفاهی، تکریم جایگاه معلم، پرداخت به‌موقع مطالبات و رسیدگی به امور خانواده و فرزندان فرهنگیان را در بر می‌گیرد.»

وزیر آموزش و پرورش برای تأیید این رویکرد عملیاتی، به نمونه‌هایی از اقدامات مدیریتی انجام‌شده اشاره کرد و گفت: «سال گذشته با تلاش‌های انجام شده، احکام رتبه‌بندی نزدیک به ۳۰۰ هزار معلم صادر و حقوق آنها به‌موقع پرداخت شد. این در حالی است که اگر مطابق رویه‌های سال ۱۴۰۰ عمل می‌کردیم و با تأخیر در صدور احکام مواجه می‌شدیم، این مطالبات همچنان بلاتکلیف باقی می‌ماند. پرداخت به‌موقع حق‌التدریس‌ها و سایر رفاهیات نیز در همین زنجیره حمایتی قرار دارد.»

> سال گذشته احکام رتبه‌بندی نزدیک به ۳۰۰ هزار معلم صادر و حقوق آنها به‌موقع پرداخت شد. این در حالی است که اگر مطابق رویه‌های سال ۱۴۰۰ عمل می‌کردیم و با تأخیر در صدور احکام مواجه می‌شدیم، این مطالبات همچنان بلاتکلیف باقی می‌ماند

کاظمی، رفاه فرهنگیان را یکی از اولویت‌های جدی وزارت آموزش و پرورش عنوان کرد و در این باره گفت: «در سال‌های گذشته، این وزارتخانه ردیف مستقلی برای حمایت رفاهی از معلمان نداشت؛ اما با پیگیری‌های انجام‌شده، این ردیف در بودجه ایجاد شده و اعتبار آن نیز افزایش یافته است. اعتبارات رفاهی فرهنگیان که در سال ۱۴۰۴ حدود ۶ هزار میلیارد تومان بود، در بودجه سال ۱۴۰۵ به ۱۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.»

وزیر آموزش و پرورش همچنین با اشاره به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای سال تحصیلی آینده گفت: «تراز نیروی انسانی این وزارتخانه مثبت شده و کمبود معلم در سال آینده پیش‌بینی نمی‌شود که این موضوع نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و تلاش برای ساماندهی منابع انسانی در نظام آموزشی است.»

کاظمی به وضعیت مالی این وزارتخانه اشاره کرد و گفت: «بدهی‌های انباشته آموزش و پرورش که زمانی بیش از ۱۰۸ هزار میلیارد تومان بود، اکنون به کمتر از ۱۵ هزار میلیارد تومان کاهش یافته و تلاش‌ها برای رساندن این رقم به صفر ادامه دارد.»

او با تأکید بر جایگاه معلمان در تربیت سرمایه انسانی کشور، گفت: «مهم‌ترین سرمایه هر کشور، نیروی انسانی آن است و معلمان نقش اصلی را در پرورش این سرمایه برعهده دارند. هر اندازه معلمان توانمندتر، باانگیزه‌تر و حرفه‌ای‌تری در کلاس‌های درس حضور داشته باشند، بخش مهمی از چالش‌های نظام آموزشی برطرف خواهد شد؛ چرا که بهترین کتاب‌های درسی، امکانات آموزشی و برنامه‌های تحولی، بدون معلم کارآمد به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.»

کاظمی با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور و شرایط کاری معلمان توضیح داد: «ما آگاه هستیم که اقدامات انجام شده به‌تنهایی برای پر کردن شکاف‌های معیشتی کافی نیست. اما به‌رغم محدودیت در منابع و امکانات، تمامی ظرفیت‌ها برای بهبود شرایط همکاران فرهنگی به کار گرفته شده و تلاش برای کاهش این شکاف همچنان ادامه دارد.»

فرجام اصلاحات قانون مهریه در مجلس

پایان حبس مهریه یا آغاز یک چالش تازه؟

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

نمایندگان مجلس روز گذشته با اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، ضمانت اجرای حبس برای مهریه را به ۱۴ سکه کاهش دادند؛ تصمیمی که به گفته منتقدان، اگرچه با هدف کاهش زندانیان مهریه اتخاذ شده، اما بدون پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی و مالی برای زنان، نمی‌تواند مسأله مهریه را به شکل ریشه‌ای حل کند. این مصوبه برای بررسی و تأیید نهایی در اختیار شورای نگهبان قرار می‌گیرد.

در جریان بررسی این طرح، نمایندگان زن مجلس تلاش کردند تغییرات پیشنهادی خود را برای گنجاندن ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در قانون مطرح کنند؛ تلاش‌هایی که به گفته فاطمه محمدبیگی، نماینده قزوین در مجلس شورای اسلامی، در نهایت به نتیجه نرسید و آنچه روز گذشته در صحن مجلس تصویب شد، عمدتاً همان نگاه کمیسیون حقوقی و قضایی به موضوع مهریه بود.

محمدبیگی در گفت‌وگو با «ایران» با انتقاد از روند بررسی این طرح، می‌گوید: «نگاه حقوقی به قانون، نگاه خشکی است» امروز مدل قانونگذاری در جوامع در حال تغییر است.» به اعتقاد او، قانونگذاری در حوزه خانواده نباید صرفاً حقوقی باشد، بلکه باید در کنار ضمانت‌های حقوقی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و مهارتی نیز در آن دیده شود. او با بیان اینکه در مصوبه امروز هیچ بند مهارت‌محور یا بند اجتماعی الزام‌کننده برای تشویق به ازدواج آسان و مهریه متناسب پیش‌بینی نشده است، توضیح می‌دهد: «گله ما به کمیسیون حقوقی این بود که از ابتدا نقش فراکسیون زنان را نادیده گرفتند و صرفاً با نگاه‌های خشک حقوقی و با هدف کاهش ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه، پیشنهادهای خود را نوشتند.»

محمدبیگی با اشاره به جلسات نمایندگان با زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، می‌گوید که او نیز نسبت به نحوه قانونگذاری در این زمینه اعتراض داشته، اما این مخالفت‌ها در روند بررسی طرح در مجلس تأثیری نداشته است.

محمدبیگی معتقد است، این مدل قانونگذاری، نه‌تنها مسأله مهریه را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تقابل بیشتر میان زوجین منجر شود.

مسأله، مهریه بالا نیست توان پرداخت است

نماینده مردم قزوین با تأکید بر اینکه مسأله اصلی امروز خانواده‌ها را نباید صرفاً «مهریه بالا» دانست، می‌گوید: «مسأله ما بحث عدم توان پرداخت زوج است.» به گفته این نماینده، «بهتر بود مجلس به جای تمرکز بر کاهش ضمانت اجرای مهریه، موضوعاتی مانند اصلاح شروط با عقد، بیمه مهریه و ایجاد سازوکارهای پایدار برای پرداخت اقساطی آن را مورد توجه قرار می‌داد.» محمدبیگی تأکید می‌کند: «تعیین یک عدد ثابت برای میلیون‌ها زوج و زوجه با شرایط اقتصادی متفاوت، نمی‌تواند پاسخگوی همه مسائل مالی خانواده باشد و ممکن است در سال‌های آینده دوباره مجلس را با ضرورت اصلاحات جدید مواجه کند.»

پیشنهاد «نظام مالی زوجین»

محمدبیگی پیشنهاد می‌کند، دولت به جای اصلاحات موردی، لایحه‌ای جامع با عنوان «نظام مالی زوجین» تدوین کند تا تمام روابط مالی میان زن و شوهر از جمله مهریه، نفقه و اجرت‌المثل در یک چارچوب منسجم دیده شود. او می‌گوید: «دولت باید به این سمت حرکت کند که تمام ارتباط مالی زوج و زوجه، شامل نفقه، مهریه، اجرت‌المثل و تمام ارتباطات مالی، در یک بسته قانونگذاری مرتب قرار گیرد.»

محمدبیگی با اشاره به اینکه حدود ۶/۵ درصد نمایندگان مجلس زن هستند، می‌گوید: «تعداد نمایندگان زن برای پیشبرد طرح‌های تخصصی حوزه زنان و خانواده کافی نیست و در عین حال تعداد نمایندگان متخصص در حوزه زنان و خانواده، چه زن و چه مرد، نیز محدود است.» او از ارائه حدود ۴۰ پیشنهاد از سوی نمایندگان و فراکسیون زنان در جریان بررسی طرح خبر می‌دهد و می‌گوید: «بخشی از این پیشنهادها با هدف پیشگیری از اختلافات مالی زوجین و شناسایی دقیق توان مالی آنها مطرح شده بود.»

به گفته او، یکی از پیشنهادهای مهم این بود که سامانه‌های اطلاعاتی به‌گونه‌ای عمل کنند که وضعیت مالی زوج از ابتدا قابل شناسایی باشد و دادگاه نیز در زمان رسیدگی بتواند با دقت بیشتری اموال و توان مالی فرد را بررسی کند.

محمدبیگی همچنین پیشنهاد کرده بود که در زمان عقد، توان مالی زوج برای تعیین تعهدات مالی مورد توجه قرار گیرد و دفاتر ازدواج و طلاق نیز در این زمینه نقش مشخصی داشته باشند.

او معتقد است، اگر فردی توان پرداخت تعهد مالی مشخصی را ندارد، باید از ابتدا سازوکاری وجود داشته باشد که تعهدات مالی متناسب با توان واقعی او تعیین شود؛ موضوعی که به گفته محمدبیگی، نیازمند قانونگذاری پیشگیرانه و ایجاد سامانه‌های دقیق مالی است.

زندان، راه‌حل مهریه نیست

نماینده مردم قزوین با وجود انتقادهایش از کاهش ضمانت اجرای حبس، می‌گوید با زندانی شدن مردان به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه نیز موافق نیست. او تأکید می‌کند: «ما هم از زندان رفتن برخی از مردان اصلاً خوشحال نیستیم و معتقدیم اگر هدف اصلاح قانون، حل مسأله زندانیان مهریه است، باید سازوکارهایی برای شناسایی اموال، پرداخت اقساطی و پایدار کردن تعهدات مالی ایجاد شود.»

به گفته او، پیشنهاد بیمه کردن مهریه و استفاده از روش‌های مالی جدید نیز در همین راستا مطرح شده بود، اما این پیشنهادها در جریان بررسی طرح به نتیجه نرسید.

> بهروزآذر: دولت با تغییر ضمانت اجرای مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه موافق نیست و این تغییر را ورود به حریم حقوق زنان می‌داند

همچنان مخالف کاهش ضمانت اجرای مهریه هستیم

در سوی دیگر این ماجرا، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده نیز پیش از تصویب مصوبه روز گذشته مجلس، مخالفت دولت با کاهش ضمانت اجرای مهریه را اعلام کرده بود. زهرا بهروزآذر در حاشیه نشست هم‌اندیشی زنان دستگاه‌های اجرایی، با تأکید بر اهمیت حقوق مالی زنان به «ایران» گفته بود: «دولت با تغییر ضمانت اجرای مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه موافق نیست و این تغییر را ورود به حریم حقوق زنان می‌داند.» بهروزآذر گفته بود: «امروز که بیش از ۷۰ درصد حاضرین در میدان‌های شهر زنان هستند و چه در جنگ ۱۲روزه و چه در جنگ ۴۰روزه همه جا نشان دادند که دوشادوش مردان حضور دارند. ما وظیفه خودمان می‌دانیم که از همه حقوق زنان دفاع کنیم، همچنان بر این باور هستیم که تغییر مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه ورود به حریم زنان و پایمال کردن حقوق آنان است و به هیچ وجه موافق آن نیستیم.» معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده تأکید کرده بود که موضوع مهریه همچنان برای معاونت زنان اهمیت دارد و امیدوار است نمایندگان مجلس، بویژه اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی، در رأی خود به پیامدهای این تغییر توجه کنند.

مصوبه در انتظار شورای نگهبان

در حال حاضر با تصویب اصلاحات در مجلس، پرونده این مصوبه در صحن مجلس به پایان رسیده، اما مسیر قانونی آن هنوز تمام نشده است. مصوبه برای بررسی به شورای نگهبان ارسال خواهد شد و همین موضوع باعث شده منتقدان طرح همچنان امیدوار باشند ایرادات شرعی و حقوقی مطرح‌شده در مراحل بعدی مورد بررسی قرار گیرد.

محمدبیگی نیز با اشاره به برخی ایرادات شرعی و حقوقی که به اعتقاد او در مصوبه وجود دارد، از فقهای شورای نگهبان و حقوقدانان این شورا می‌خواهد با نگاه جامع‌تری به جایگاه خانواده و حقوق مالی زنان و مردان، مصوبه را بررسی کنند. او در عین حال تأکید می‌کند که مسأله اصلی نباید صرفاً عدد ۱۴ یا ۱۱۰ سکه باشد، بلکه باید برای کل نظام مالی زوجین راه‌حلی پایدار پیدا کرد؛ راه‌حلی که به گفته او هم از زندانی شدن مردان جلوگیری کند و هم پشتوانه مالی زنان را از بین نبرد.

برش

ایجاد تغییرات در قانون مهریه بدون در نظر گرفتن حقوق زنان درست نیست

زهرا خدادادی، رئیس فراکسیون زنان و خانواده، در نشست خبری خود که ۳۱ مردادماه برگزار شده بود، درباره طرح اصلاح برخی قوانین نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که بخشی از آن مربوط به مهریه است، گفته بود: «آماری که درباره زندانیان مهریه اعلام می‌شود نادرست است؛ تمام محکومان مالی، محکومان مهریه نیستند. تعداد محکومان مالی مربوط به مهریه زیر ۲ هزار نفر است و آنهایی هستند که اعسارشان ثابت نشده است. کسی که معسر نیست، زندانی نمی‌شود.» به گفته خدادادی، طبق قانون، حبس تبدیل به پابند شده که این شامل محکومان مالی مهریه هم می‌شود یعنی آنها آزاد می‌شوند و براساس شرایط مالی‌شان مهریه را پرداخت می‌کنند. خدادادی با بیان اینکه ما هم موافق حبس نیستیم، تأکید کرده بود در موضوع مهریه باید هر دو طرف یعنی زن و مرد در نظر گرفته شوند؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان در مهریه متضرر می‌شوند، نه آقایان؛ چون یا مجبورند برای جدایی مهریه را ببخشند یا اینکه مهریه را قسطی می‌کنند که بعضاً گرفتن مهریه به کل عمرشان هم نمی‌رسد. به گفته رئیس فراکسیون زنان مجلس، مهریه دو بخش دارد؛ یا پرداخت می‌شود یا فرد معسر است.

او با بیان اینکه تعیین عدد هیچ تأثیری جز برهم زدن جامعه و ایجاد موج منفی بین بانوان ندارد، توضیح داده بود: «یک برهه‌ای عدد ۱۱۰ برای مهریه گذاشته شده بود که الان می‌خواهند آن را به ۱۴ کاهش دهند. اگر این روند ادامه پیدا کند، این دیوار کج ادامه پیدا می‌کند؛ مثلاً بعداً ۵ سکه و در نهایت یک ربع سکه شود. اینکه بخواهیم بدون تعیین حقوق زن تغییراتی در مهریه ایجاد کنیم، درست نیست؛ آن هم در برهه‌ای که زنان پرچمدار بودند و این مسأله باعث ناامیدی در جامعه و خانواده می‌شود، در حالی که در شرایط فعلی امیدآفرینی مهم است و درست نیست موج ناامیدی به جامعه تزریق شود.» خدادادی گفته بود، «منکر شرایط سخت اقتصادی نیستیم اما آیا این شرایط فقط برای آقایان است؟ خانمی که به خاطر شرایط حاد زندگی خود چاره‌ای جز جدایی ندارد، آیا نباید مورد حمایت قرار گیرد؟» او با بیان اینکه مهریه حق مالی است، تأکید کرده بود: «در اسلام مهریه بحث مالی دارد و نباید آن را با اصل قداست خانواده و ارزش آن مخلوط کنیم، چون هیچ بانویی در جریان زندگی مطلوب، طلب مهریه نمی‌کند. بلکه مهریه برای شرایط خاص و اضطراری خانم‌هاست که برای پشتوانه مالی بعد از جدایی از آن استفاده می‌کنند، با ابزاری که برای چانه‌زنی استفاده می‌شود چون حق طلاق دست آقایان است.»

تونل البرز غربی و مسیر اتصال به جاده چالوس تا پایان شهریور ۱۴۰۶ به بهره‌برداری می‌رسد

گره بازگشت از شمال باز می‌شود

گزارش

سهیلا یادگاری
گروه اقتصادی

آزادراه تهران - شمال در بخش‌های باقی‌مانده خود، بیش از آنکه یک مسیر صرفاً جاده‌ای باشد، به مجموعه‌ای از تونل‌ها، پل‌ها و مسیرهای ارتباطی در دل کوهستان تبدیل شده است؛ پروژه‌ای که تکمیل هر قطعه آن، به حل یک گره ترافیکی در مسیر رفت یا بازگشت از شمال کشور منجر می‌شود. اکنون در منطقه۲، عملیات ساخت تونل البرز غربی و مسیر اتصال آن به جاده چالوس دنبال می‌شود و همزمان، منطقه ۳ نیز پس از دریافت مجوز اولیه زیست‌محیطی وارد مرحله اجرا شده است. حسین دهقان، رئیس بنیاد مستضعفان، در بازدید از منطقه ۳ آزادراه تهران‌شمال، از آخرین وضعیت این پروژه، میزان پیشرفت تونل البرز غربی، طراحی مسیر اتصال به جاده چالوس و آغاز حفاری در بخش اولویت‌دار منطقه ۳ خبر داد. عملیات اجرایی در آزادراه تهران - شمال، همزمان در دو بخش دنبال می‌شود؛ از یک سو تونل البرز غربی به‌عنوان مسیر برگشت در منطقه ۲ در حال ساخت است و از سوی دیگر، اجرای ۱۶ کیلومتر ابتدایی منطقه ۳ پس از دریافت مجوز اولیه زیست‌محیطی آغاز شده است. تونل البرز غربی قرار است از طریق یک مسیر و پل ارتباطی به جاده چالوس متصل شود؛ اتصالی که امکان ورود مستقیم خودروهای بازگشتی از شمال به آزادراه را در محدوده پل زنگوله فراهم می‌کند.

حلقه ناتمام منطقه۲

آزادراه تهران - شمال با مشارکت دولت و بنیاد مستضعفان اجرا می‌شود و تکمیل بخش‌های باقی‌مانده آن، بویژه در مناطق کوهستانی، نیازمند اجرای تونل‌ها، پل‌ها و مسیرهای دسترسی متعدد است. منطقه ۲ این آزادراه در محدوده تونل البرز به پایان می‌رسد و تونل البرز غربی، بخش باقی‌مانده این منطقه در مسیر شمال به تهران محسوب می‌شود.

دهقان در توضیح وضعیت این بخش گفت: «تونل البرز در قسمت انتهایی منطقه ۲ آزادراه تهران‌شمال قرار دارد و بخش باقی‌مانده منطقه ۲، تونل البرز غربی یا مسیر برگشت از البرز به تهران است که در حال احداث قرار دارد.»

به گفته وی، طول تونل البرز غربی حدود ۶۴۰۰ متر است و پیشرفت فیزیکی آن تاکنون به حدود ۶۲ درصد رسیده است. بهره‌برداری از این تونل به‌تنهایی مستلزم ایجاد یک مسیر اتصال به جاده چالوس است؛ زیرا دهانه شمالی تونل باید به مسیر موجود متصل شود تا امکان استفاده از آن برای تردد بازگشتی فراهم شود.

اتصال ۲۲۰۰ متری به جاده چالوس

رئیس بنیاد مستضعفان با اشاره به طراحی و آغاز عملیات اجرایی این اتصال گفت: «با تکمیل تونل البرز غربی، مسیر وارد منطقه ۳ می‌شود؛ منطقه‌ای که آغاز آن روی پلی است که در حال احداث قرار دارد. برای بهره‌برداری از این بخش، باید در این نقطه اتصال به جاده چالوس برقرار شود. طراحی اتصال انجام شده و عملیات عمرانی آن نیز حدود دو ماه پیش آغاز شده است. این مسیر اتصال، از جاده چالوس در مسیر شمال به جنوب جدا می‌شود و در مجموع حدود ۲۲۰۰ متر طول دارد.» بر اساس توضیحات ارائه شده، پل و مسیر ارتباطی جدید، دهانه شمالی تونل البرز غربی را به جاده چالوس متصل خواهد کرد. اکنون خودروهایی که از شمال به سمت تهران بازمی‌گردند، در محدوده پل زنگوله وارد جاده چالوس می‌شوند و بخشی از مسیر را در جاده کندوان طی می‌کنند تا در محدوده پیچ سرهنگ وارد منطقه ۲ آزادراه شوند. با تکمیل تونل البرز غربی و مسیر اتصال آن، امکان ورود مستقیم خودروهای بازگشتی از شمال به آزادراه در محدوده پل زنگوله فراهم خواهد شد.

> با تکمیل تونل البرز غربی، مسیر وارد منطقه ۳ می‌شود؛ منطقه‌ای که آغاز آن روی پلی است که در حال احداث قرار دارد. برای بهره‌برداری از این بخش، باید در این نقطه اتصال به جاده چالوس برقرار شود. طراحی اتصال انجام شده و عملیات عمرانی آن نیز حدود دو ماه پیش آغاز شده است

کاهش زمان سفر در منطقه۲

تکمیل تونل البرز غربی و مسیر اتصال آن به جاده چالوس، به منابع مالی قابل‌توجهی نیاز دارد. رئیس بنیاد مستضعفان برآورد هزینه باقی‌مانده این تونل به علاوه مسیر اتصال را با قیمت‌های فعلی، حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد.

دهقان در این‌باره گفت که تأمین اعتبار پروژه در سال‌های مختلف انجام شده است، اما محاسبه هزینه‌ها به قیمت روز، برآورد متفاوتی را نشان می‌دهد. به گفته او، بخش باقی‌مانده تونل البرز غربی و عملیات اتصال آن به جاده چالوس در مجموع به حدود ۱۵ همت منابع مالی نیاز دارد. در کنار عملیات منطقه ۲، منطقه۳ آزادراه تهران‌شمال نیز وارد مرحله اجرایی شده است. این منطقه از کیلومتر ۵۴ آزادراه آغاز می‌شود و حدفاصل پل زنگوله، سه‌راهی دشت‌نظیر و مرزن‌آباد را دربرمی‌گیرد. طول این منطقه حدود ۴۷ کیلومتر است و بخش قابل‌توجهی از آن شامل تونل‌ها و سازه‌های فنی خواهد بود.

دهقان درباره روند اجرای منطقه ۳ گفت: «پیش از این، امکان بهره‌برداری از مسیر محدوده شهرستانک فراهم شد. خودروهایی که از جاده چالوس و از سمت کرج به شمال تردد می‌کنند، در محدوده شهرستانک می‌توانند از طریق یک رمپ از مسیر جدا شوند و با عبور از یک پل و یک تونل، وارد مسیر جنوب به شمال آزادراه تهران‌شمال شوند.»

به گفته وی، پس از صدور مجوز اولیه زیست‌محیطی و پیگیری‌های انجام شده، اجرای ۱۶ کیلومتر ابتدایی منطقه ۳ به‌عنوان بخش اولویت‌دار پروژه تعیین شد. تاکنون نیز حدود ۸۰۰ متر از تونل‌های این منطقه حفاری شده است.

منطقه ۳ به دلیل شرایط مسیر و سهم بالای تونل‌ها، در زمره بخش‌های فنی آزادراه تهران‌شمال قرار دارد. اجرای آن علاوه بر تأمین منابع مالی، به تجهیزات تخصصی و برنامه‌ریزی برای عملیات حفاری و احداث سازه‌های مرتبط وابسته است. رئیس بنیاد مستضعفان درباره هزینه اجرای این منطقه گفت: «برآوردهای اولیه‌ای که چند سال قبل انجام شده بود، هزینه منطقه ۳ را حدود ۲ میلیارد دلار نشان می‌داد. این برآورد مربوط به سال‌های گذشته است و هزینه نهایی پروژه به زمان اجرا، نوع تجهیزات مورد استفاده و شرایط تأمین مالی وابسته خواهد بود.» تکمیل منطقه۲ با بهره‌برداری از تونل البرز غربی و مسیر اتصال آن به جاده چالوس و پیشبرد عملیات اجرایی در ۱۶ کیلومتر اولویت‌دار منطقه ۳، دو محور اصلی برنامه فعلی در آزادراه تهران - شمال است. زمان‌بندی بهره‌برداری از تونل غربی البرز برای پایان شهریور ۱۴۰۶ اعلام شده، اما پیشرفت سایر بخش‌ها به تأمین منابع، تجهیزات و ادامه عملیات اجرایی در مناطق کوهستانی مسیر وابسته است.

بازگشت از شمال؛ مسیر فعلی و مسیر آینده

برش

اکنون خودروهایی که از شمال به سمت تهران بازمی‌گردند، در محدوده پل زنگوله وارد جاده چالوس می‌شوند. این خودروها سپس بخشی از مسیر را در جاده کندوان طی می‌کنند تا در محدوده پیچ سرهنگ وارد منطقه ۲ آزادراه شوند. برنامه جدید این است که با تکمیل تونل البرز غربی و مسیر اتصال آن، خودروهای بازگشتی از شمال در محدوده پل زنگوله بتوانند به صورت مستقیم وارد آزادراه تهران‌شمال شوند و مسیر خود را به سمت تهران ادامه دهند. دهقان زمان پیش‌بینی شده برای بهره‌برداری از این بخش را پایان شهریور ۱۴۰۶ اعلام کرد و گفت: «با بهره‌برداری از تونل البرز غربی، مسافرانی که به محدوده پل زنگوله می‌رسند، می‌توانند در مسیر برگشت به صورت مستقیم وارد آزادراه شده و به سمت تهران تردد کنند.» وی همچنین درباره تأثیر بهره‌برداری از منطقه۲ در زمان سفر اظهار کرد: «منطقه ۲ آزادراه تهران‌شمال حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه از زمان سفر را کاهش می‌دهد.» به گفته او، بیشترین کاهش طول مسیر در منطقه یک آزادراه رخ داده؛ بخشی که حدود ۶۵ کیلومتر از مسیر را کوتاه کرده است.

شرکت پالایش و پخش:

کیفیت سوخت، خط قرمز وزارت نفت است

مدیر نظارت بر عملیات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با تأکید بر اینکه کیفیت سوخت، بویژه بنزین موتور، خط قرمز وزارت نفت است، گفت: «در شرایط اضطرار ممکن است اولویت با پایداری سوخت‌رسانی باشد، اما الزامات کیفی فرآورده‌ها هیچ‌گاه نادیده گرفته نمی‌شود و بنزین پیش از توزیع براساس ۲۱ شاخص کیفی مورد آزمون قرار می‌گیرد.»

به گزارش ایرنا، سیامک طاووسی با اشاره به اینکه کیفیت بنزین با یک شاخص واحد سنجیده نمی‌شود، اظهار کرد: «مجموعه‌ای از مشخصات فنی از جمله چگالی، فشار بخار، محدوده تقطیر، آروماتیک‌ها و سایر پارامترهای کیفی باید در محدوده استاندارد قرار داشته باشند و در همین زمینه، نمونه‌گیری و پایش فرآورده‌ها به‌صورت مستمر با حضور سازمان ملی استاندارد و اداره‌کل نظارت بر صادرات و مبادلات نفتی وزارت نفت انجام می‌شود.»

وی افزود: «هم‌اکنون ۶۵ درصد از تولید نفت‌گاز کشور مطابق استاندارد یورو دارد و حدود ۳۰ درصد از ظرفیت تولید بنزین نیز با استاندارد یورو انجام می‌گیرد که در پالایشگاه‌های امام‌خمینی شازند، اصفهان، تبریز، بندرعباس و شیراز به چرخه توزیع در کلانشهرها وارد می‌شود.»

طاووسی با اشاره به طرح‌های در دست اجرای دولت چهاردهم در حوزه کیفی‌سازی فرآورده‌ها یادآورشد: «از ابتدای استقرار این دولت، چهار طرح کیفی‌سازی به ارزش ۹۰۰ میلیون دلار در پالایشگاه‌های شیراز، آبادان و اصفهان به بهره‌برداری رسیده‌اند یا مراحل تکمیل آنها طی و همچنین در قالب ماده ۴۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت، ۱۸ طرح کیفی‌سازی فرآورده‌های نفتی با سرمایه‌گذاری بیش از ۹ میلیارد یورو تعریف شده است.»

وی ادامه داد: «از مهم‌ترین این طرح‌ها می‌توان به واحد بنزین‌سازی پالایشگاه تهران با بیش از ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری اشاره کرد که انتظار می‌رود تا پایان سال وارد سرویس شود. همچنین واحد تولید نرمال هگزان و طرح اشباع‌سازی بنزن نیز در آستانه بهره‌برداری قرار دارند.»

مدیر نظارت بر عملیات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت: «در کنار این طرح‌ها، دو پالایشگاه جدید عادل‌آباد و مهر خلیج‌فارس با سرمایه‌گذاری بیش از ۲ میلیارد یورو نیز در دست اجراست و تلاش می‌شود تا پایان سال به مدار تولید وارد شوند.»

طاووسی با بیان اینکه طبق برنامه هفتم پیشرفت، تولید روزانه ۱۳۰ میلیون لیتر بنزین و نفت‌گاز یورو پیش‌بینی شده است، ادامه داد: «با وجود این، مصرف فعلی کشور به حدود ۱۳۹ تا ۱۴۰ میلیون لیتر در روز رسیده و رشد سالانه هفت تا هشت درصدی مصرف، چالش ناترازی سوخت را تشدید می‌کند.»

وی اضافه کرد: «گره ناترازی بنزین در بخش تولید نیست، بلکه مدیریت مصرف است؛ چراکه افزایش تولید نیازمند احداث پالایشگاه‌های جدید و مصرف خوراک هیدروکربنی است، در حالی که این منابع می‌تواند در صنایع پتروشیمی به محصولات با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شود.»

مدیر نظارت بر عملیات شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران درباره برخی حاشیه‌ها پیرامون استانداردهای سوخت و استفاده از ترکیبات اکسیژنه نیز تصریح کرد: «استاندارد بنزین موتور با مشارکت همه ذی‌نفعان از جمله سازمان حفاظت محیط‌زیست، خودروسازان، وزارت صمت و مراکز تحقیقاتی تدوین شده و ۲۱ آیتم کیفی برای بنزین تعریف شده است.»

وی اذعان کرد: «در این استاندارد، استفاده از ترکیبات اکسیژنه از جمله متانول و اتانول تا سقف مشخص مجاز است و طرح متانول نیز به‌صورت آزمایشی و منطبق با استاندارد ملی ۲۲۹۲۰ اجرا شده است.» طاووسی با تأکید بر اینکه این طرح با ۰.۵ درصد آغاز شده و بسیار پایین‌تر از سقف مجاز استاندارد است، اضافه کرد: «هدف از این اقدام، افزایش نسبی عدد اکتان، بهبود فرآیند احتراق، کاهش مصرف سوخت و ارتقای کیفیت عملکرد موتور خودروها بوده است.»

وی اعلام کرد: «تمامی فرآورده‌ها پس از انجام آزمایش‌های دقیق در آزمایشگاه‌های معتمد و تأیید اداره‌کل نظارت، گواهی کیفیت دریافت می‌کنند و سپس برای انتقال به انبارهای نفت و شبکه توزیع ارسال می‌شوند.»

طاووسی تأکید کرد: «این اقدامات بر پایه استاندارد ملی و با مشارکت همه نهادهای ذی‌ربط انجام شده و هیچ فرآورده‌ای بدون کنترل کیفی وارد شبکه توزیع نمی‌شود.»

آگهی مزایده عمومی شماره ۱۴۰۵/۰۵
شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص)

شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق در نظر دارد در راستای اجرای فرآیندهای فروش و براساس ضوابط و مقررات قانونی، بخشی از کلوخه سنگ آهن مگنتیت خود را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱- موضوع مزایده: فروش کلوخه سنگ آهن مگنتیت با دانه‌بندی (کمتر از ۱۰۰۰ میلیمتر) به مقدار ۶۰ هزارتن با عیار آهن ۲±۵۱ درصد به‌صورت تحویل درب معدن سنگ آهن میشدوان و براساس مشخصات فنی و کیفی مندرج در اسناد مزایده.
۲- مدت قرارداد: ۲ ماه شمسی و قابل تمدید براساس شرایط مزایده.
۳- زمان دریافت اسناد مزایده: از روز دوشنبه ۲ شهریور ماه سال ۱۴۰۵ لغایت پایان وقت اداری روز سه‌شنبه ۱۰ شهریور ماه سال ۱۴۰۵.
۴- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مزایده: واریز مبلغ ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ (بیست میلیون) ریال به‌شماره شبای IR ۹۶۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۲۷۵۰۱۴۲۶۵ نزد بانک رفاه به‌نام شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق به‌همراه معرفی‌نامه از طرف شرکت کنندگان.
۵- نحوه دریافت اسناد:
۰آدرس دفتر مرکزی: بافق - شهرک آهنشهر- پلاک ۲۸۹ به کدپستی ۸۹۷۵۱۳۷۳۵۱ به‌شماره تماس ۰۳۵۳۸۴۲۱۰۰۰۰۹
همچنین جهت دریافت اوراق مزایده و سایر شرایط به آدرس www.nomico.co و یا از طریق ایمیل سازمانی cs@nomico.co مراجعه نمایید.
۶- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۶ شهریورماه سال ۱۴۰۵.
۷- شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص) براساس آیین‌نامه معاملات خود، در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادهای واصله در هر مرحله از فرآیند مزایده مختار بوده و متقاضیان با شرکت در مزایده حق هرگونه ادعا و اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نمایند.

آگهی مزایده عمومی شماره ۱۴۰۵/۰۶
شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص)

شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق در نظر دارد در راستای اجرای فرآیندهای فروش و براساس مقررات قانونی، بخشی از محصولات سنگ آهن دانه‌بندی خود را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱- موضوع مزایده: فروش محصول سنگ آهن مگنتیت دانه‌بندی شده (کمتر از ۱۵ میلیمتر) به مقدار ۵۰ هزارتن با عیار آهن ۱±۴۱ درصد به‌صورت تحویل درب معدن سنگ آهن آنومالی شمالی و براساس مشخصات فنی مندرج در اسناد مزایده.
۲- مدت قرارداد: ۲ ماه شمسی و قابل تمدید براساس شرایط مزایده.
۳- زمان دریافت اسناد مزایده: از روز دوشنبه ۲ شهریور ماه سال ۱۴۰۵ لغایت پایان وقت اداری روز سه‌شنبه ۱۰ شهریور ماه سال ۱۴۰۵.
۴- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مزایده: واریز مبلغ ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ (شانزده میلیون) ریال به‌شماره شبای IR ۹۶۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۲۷۵۰۱۴۲۶۵ نزد بانک رفاه به‌نام شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق به‌همراه معرفی‌نامه از طرف شرکت کنندگان.
۵- نحوه دریافت اسناد:
۰آدرس دفتر مرکزی: بافق - شهرک آهنشهر- پلاک ۲۸۹ به کدپستی ۸۹۷۵۱۳۷۳۵۱ به‌شماره تماس ۰۳۵۳۸۴۲۱۰۰۰۰۹
همچنین جهت دریافت اوراق مزایده و سایر شرایط به آدرس www.nomico.co و یا از طریق ایمیل سازمانی cs@nomico.co مراجعه نمایید.
۶- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۶ شهریورماه سال ۱۴۰۵.
۷- شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص) براساس آیین‌نامه معاملات خود، در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادهای واصله در هر مرحله از فرآیند مزایده مختار بوده و متقاضیان با شرکت در مزایده حق هرگونه ادعا و اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نمایند.

آگهی مناقصه عمومی صنایع
خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۴۰-۱۴۰۵/۱۰۰

این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن - ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.
۱- خرید کفپوش عایق‌های ایمنی (تابلوهای برق)
۲- خرید فیلترهای کوره رنگ
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

آگهی مناقصه عمومی صنایع
خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۳۹-۱۴۰۵/۱۰۰

این صنایع در نظر دارد انجام خدمات زیر را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.
۱- نگهداری و تعمیرات دستگاه لیزر
۲- نگهداری و تعمیرات تجهیزات مکانیکی (ماشینکاری)
۳- نگهداری و تعمیرات تجهیزات سرمایشی
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

STPC
نوبت دوم
آگهی تجدید مزایده شماره ۱۴۰۵/۱۰۱
شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

۱. دستگاه مزایده‌گزار: شرکت پتروشیمی شهید تندگویان به آدرس خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت چهار، امور حقوقی و پیمان ها. تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۸۴ و فکس ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۴۸
۲. موضوع و مبلغ مزایده: به‌شرح زیر:

ردیف	نوع ضایعات	تعداد	واحد	مبلغ تضمین (ریال)	مدت زمان تحویل اقلام
۱	دوک مقوایی ضایعاتی	۱۲۲,۵۷۳	عدد	۴۲۶,۰۰۰,۰۰۰	۳- ماه
۲	مواد جاذب رطوبت (مولکولارسیو)	۵,۶۰۰	کیلوگرم	۱۲۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۵- روز

۳. مهلت توزیع اسناد مزایده: از مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷
۴. تضامین معتبر جهت شرکت در مزایده: ۱) ضمانت‌نامه بانکی ۲) واریز وجه نقد به‌شماره حساب جام ۴۹۲۵۷۸۱۲۲۰ بانک ملت شعبه منطقه ویژه اقتصادی کد ۳۱۲۱۱ به‌نام پتروشیمی شهید تندگویان
۵. نحوه دریافت اسناد مزایده: به آدرس مندرج در بند ۱ مراجعه فرمایید.
۶. محل و مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت: آدرس فوق، کمیسیون معاملات - تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
۷. محل و تاریخ بازدید کالای مورد مزایده: آدرس فوق-محل نگهداری ضایعات- ساعات اداری روزهای توزیع اسناد
۸. محل و تاریخ گشایش پاکات پیشنهاد قیمت: آدرس فوق- سالن کنفرانس مجتمع - ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲
۹. از پیشنهاد دهندگان دعوت میشود در جلسه گشایش پاکات حضور یابند.
۱۰. محل و مدت خروج کالای مورد مزایده: مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان- مطابق مدت زمان مندرج در بند ۲
تذکر: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضا مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

ابلاغ آگهی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

بدین‌وسیله به‌اطلاع خانم الناز شیرزاده فرزند رضاعلی کارشناس هوشبری رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند: نظر به اینکه رأی قطعی شماره ۹۹۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر اخطار کتبی بدون درج در پرونده صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا مشارالیها در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.
هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

خبر

وزیر نفت خبر داد

کشف یک میدان گازی با ظرفیت برداشت ۵۷۰۰ میلیارد فوت‌مکعب

یک میدان گازی جدید در جنوب استان فارس کشف شده که برآوردها، حجم گاز درجای آن را بیش از ۷۵۰۰ میلیارد فوت‌مکعب نشان می‌دهد. وزیر نفت اعلام کرده است با درنظر گرفتن ضریب بازیافت ۷۲ درصد، حدود ۵۷۰۰ میلیارد فوت‌مکعب از گاز این میدان قابلیت برداشت دارد.

محسن پاک‌نژاد در آستانه هفته دولت با اشاره به تلاش همکاران صنعت نفت برای شناسایی و توسعه ذخایر جدید هیدروکربوری بیان کرد: «با کشف مقادیر زیادی گاز در میدانی در جنوب استان فارس، ثروتی تازه به ذخایر ملی کشور افزوده شده است.»

وی گفت: «حجم گاز قابل برداشت از این میدان معادل ظرفیتی است که می‌تواند گاز مورد نیاز یک فاز پارس جنوبی را برای حدود ۱۵ سال تأمین کند.»

وزیر نفت تأکید کرد: «این گاز به‌اصطلاح شیرین است و همین ویژگی سبب می‌شود هزینه‌های عملیات توسعه و همچنین هزینه‌های بهره‌برداری از میدان کاهش یابد.»

پاک‌نژاد ادامه داد: «در کنار این حجم عظیم گاز، مقادیر قابل توجهی میعانات گازی نیز در این میدان وجود دارد که در مجموع، افزون بر ارزش ذاتی گاز، می‌تواند ده‌ها میلیارد دلار ثروت جدید برای کشور ایجاد کند.»

وی با تأکید بر ضرورت شتاب‌بخشی به توسعه این میدان گفت: «باید در اسرع‌وقت برای برنامه‌ریزی و اجرای عملیات توسعه میدان اقدام کنیم تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن بتوان از ظرفیت آن بهره‌برداری کرد و گاز تولیدی را در خدمت صنعت و دیگر بخش‌های انرژی‌بر کشور قرار داد.»

بررسی آمار دو سال گذشته شرکت ملی نفت نشان می‌دهد

تولید نفت میان رکورد و ریسک

نفت

آمارهای شرکت ملی نفت از تحقق ۹۷ درصدی برنامه تولید نفت، ثبت رکوردهای تازه گازی و بازگشت سکوهای آسیب‌دیده پارس جنوبی خبر می‌دهد. اما پشت این ارقام، تلاش برای حفظ زنجیره تولید در شرایط تحریم، ناترازی و جنگ قرار دارد.

دو سال گذشته برای صنعت نفت، دوره‌ای عادی نبود. دوره‌ای که در آن حفظ تولید به اندازه افزایش تولید اهمیت داشت. تحریم‌ها، فشار ناشی از ناترازی انرژی، افت طبیعی برخی چاه‌ها و آسیب دیدن بخشی از تأسیسات در جریان جنگ، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را پیش روی صنعت نفت و گاز قرار داد. در چنین وضعیتی، تولید فقط به معنای حفاری چاه جدید نیست؛ نفت و گاز باید از چاه استخراج، فرآورش، منتقل و به شبکه یا بازار تحویل شود و اختلال در هر حلقه می‌تواند بر کل زنجیره اثر بگذارد.

آمارهای شرکت ملی نفت ایران نشان می‌دهد در دو سال اول دولت چهاردهم، ۹۷ درصد برنامه مصوب تولید نفت خام محقق شده است. در بخش گاز نیز رکورد تولید روزانه در سال ۱۴۰۴، ۱۶ میلیون مترمکعب بالاتر از رکورد سال قبل ثبت شد و تولید پارس جنوبی در یکی از روزهای اوج به حدود ۷۲۹ میلیون مترمکعب در روز رسید.

این آمارها تصویری از افزایش تولید ارائه می‌کند، اما بخش مهم‌تر ماجرا، اقداماتی است که برای جلوگیری از افت تولید انجام شده؛ از بازگرداندن چاه‌های کم‌بازده و رفع محدودیت‌های انتقال نفت تا تغییر برنامه تعمیرات و استفاده از ظرفیت‌های جایگزین پس از آسیب به تأسیسات پارس جنوبی.

آزادگان؛ چاه‌های جدید و گلوگاه‌های قدیمی

افزایش تولید نفت در این دوره تنها به توسعه میدان‌های جدید محدود نبود. بخشی از کار به چاه‌هایی مربوط می‌شد که یا از مدار خارج شده بودند یا با ظرفیت پایین تولید می‌کردند. عملیات تعمیری و ترمیمی این چاه‌ها، در کنار حفاری چاه‌های توسعه‌ای، برای حفظ تولید موجود اهمیت داشت.

در میدان آزادگان جنوبی، ۲۸ حلقه چاه توسعه‌ای حفاری و راه‌اندازی شد که بر اساس اعلام شرکت ملی نفت، حدود ۵۱ هزار بشکه در روز به تولید این میدان افزوده است. آزادگان جنوبی در منطقه غرب کارون قرار دارد؛ منطقه‌ای که توسعه آن به دلیل هم‌مرزی میادین با عراق، همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

در کنار آزادگان، هشت حلقه چاه در میدان‌های سپهر و جفیر به تولید رسید و چاه‌هایی در دارخوین، یاران، منصورآباد، دهلران و خشت نیز وارد مدار شدند. با این حال، ورود چاه تازه لزوماً به معنای افزایش پایدار تولید نیست. نفت تولیدشده باید امکان نمک‌زدایی، فرآورش و انتقال داشته باشد؛ جایی که گاه محدودیت تأسیسات سطح‌الارضی، اثر افزایش ظرفیت چاه‌ها را کم می‌کند. به همین دلیل، اصلاح واحد بهره‌برداری و نمک‌زدایی چشمه‌خوش، افزایش ظرفیت نمک‌زدایی مارون ۵، راه‌اندازی نمک‌زدایی اهواز متمرکز، اصلاح خطوط انتقال و ارتقای پمپ‌ها نیز در دستور کار قرار گرفت. در آزادگان جنوبی نیز با راه‌اندازی ردیف دوم واحد فرآورش مرکزی، ظرفیت نهایی فرآورش به ۳۲۰ هزار بشکه در روز رسید.

این اقدامات شاید کمتر از خبر حفاری یک چاه تازه مورد توجه قرار بگیرند، اما در عمل تعیین می‌کنند که چه میزان از نفت تولیدشده واقعاً قابلیت ورود به شبکه انتقال و فروش را دارد.

زمستان؛ آزمون اصلی تولید گاز

در صنعت گاز، رکورد تولید در فصل سرد معنای متفاوتی دارد. با افزایش مصرف خانگی و تجاری در زمستان، فشار بر شبکه گاز بالا می‌رود و تولیدکنندگان باید همزمان پاسخ‌گوی نیاز روزافزون مشترکان، نیروگاه‌ها و صنایع باشند.

بر اساس آمار ارائه‌شده، متوسط تولید گاز خام در فصل سرد سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل، روزانه حدود ۳۵ میلیون مترمکعب افزایش یافت. در سال ۱۴۰۴ نیز رکورد تازه‌ای ثبت شد و میزان تولید روزانه گاز ۱۶ میلیون مترمکعب بالاتر از رکورد سال گذشته قرار گرفت.

رشد تحویل گاز به شبکه سراسری نیز ادامه داشت. رکورد تحویل روزانه گاز خام در این دوره، حدود ۱۹ میلیون مترمکعب بیشتر از رکورد ثبت‌شده در سال ۱۴۰۳ گزارش شده است. همچنین از ابتدای آبان تا پایان اسفند ۱۴۰۳، در مجموع حدود یک میلیارد و ۶۹۰ میلیون مترمکعب گاز خام بیش از برنامه مصوب به شرکت ملی گاز تحویل داده شد.

بخشی از این افزایش ناشی از ورود چاه‌های جدید در پارس جنوبی، خارتنگ، توس، واروی، آغار، مزدوران، دالان، تنگ‌بیجار و شانول بود. در پارس جنوبی نیز توسعه چاه‌های فازهای مختلف ادامه پیدا کرد و تولید این میدان مشترک در یکی از رکوردهای سال ۱۴۰۴ به حدود ۷۲۹ میلیون مترمکعب در روز رسید.

با این همه، وابستگی بالای شبکه گاز کشور به پارس جنوبی، آسیب‌پذیری تولید را هم برجسته می‌کند. موضوعی که در جریان آسیب دیدن بخشی از تأسیسات این میدان در جنگ، آشکارتر شد.

> در میدان آزادگان جنوبی، ۲۸ حلقه چاه توسعه‌ای حفاری و راه‌اندازی شد که بر اساس اعلام شرکت ملی نفت، حدود ۵۱ هزار بشکه در روز به تولید این میدان افزوده است. در کنار آزادگان، هشت حلقه چاه در میدان‌های سپهر و جفیر به تولید رسید و چاه‌هایی در دارخوین، یاران، منصورآباد، دهلران و خشت نیز وارد مدار شدند

۲۰ روز تا بازگشت اولین سکو

آسیب به بخشی از تأسیسات پارس جنوبی، مسأله‌ای فراتر از تعمیر یک سکو بود. ابتدا باید میزان خسارت و وضعیت ایمنی تجهیزات مشخص می‌شد؛ سپس امکان استفاده از تأسیسات سالم و ظرفیت خالی پالایشگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گرفت تا افت تولید به کمترین میزان برسد.

بر اساس گزارش شرکت ملی نفت، پس از حادثه، ارزیابی فنی و ایمنی تأسیسات آغاز و سناریوهای مختلف برای بازگرداندن تولید بررسی شد. اولین سکوی آسیب‌دیده حدود ۲۰ روز بعد دوباره وارد مدار شد و سکوی دوم نیز حدود یک ماه پس از حادثه به چرخه تولید بازگشت.

از ابتدای خرداد نیز سکویی از دو فاز دیگر پارس جنوبی وارد سرویس شد تا بخشی از ظرفیت از دست‌رفته جبران شود. در کنار بازگرداندن سکوها، برنامه تولید و تعمیرات سال ۱۴۰۵ هم بازنگری شد؛ استفاده از ظرفیت میادین گازی خشکی و سکوهای سالم افزایش یافت و زمان‌بندی برخی تعمیرات متناسب با شرایط جدید تغییر کرد.

برآیند این تغییرات، افزایش حدود ۳۸ میلیون مترمکعب در روز در پیش‌بینی تولید و تحویل گاز نسبت به برنامه پیش از جنگ اعلام شده است. این عدد بیش از آنکه صرفاً یک رکورد باشد، نشان می‌دهد انعطاف عملیاتی در شبکه گاز تا چه اندازه در زمان بحران اهمیت دارد.

دکل‌ها و چاه‌هایی که تولید را نگه می‌دارند

حفظ ظرفیت تولید در میدان‌های نفتی و گازی، نیازمند حفاری مستمر و ترمیم چاه‌های موجود است. در این دوره، بازسازی دکل‌های غیرفعال و ورود دکل‌های جدید با مشارکت بخش خصوصی، دو مسیر افزایش توان حفاری بود.

تعداد دکل‌های فعال از ۱۲۱ دستگاه در سال ۱۴۰۳ به ۱۲۵ دستگاه در سال ۱۴۰۴ رسید و در سال ۱۴۰۵ به ۱۲۸ دستگاه افزایش پیدا کرد. همزمان، تعداد چاه‌های توسعه‌ای و اکتشافی تکمیل‌شده از ۶۴ حلقه در سال ۱۴۰۳ به ۷۳ حلقه در سال ۱۴۰۴ رسید.

اما بخش پرشمارتر عملیات، چاه‌های ترمیمی بودند. شمار چاه‌های ترمیمی تکمیل‌شده از ۶۷۰ حلقه در سال ۱۴۰۳ به ۷۶۱ حلقه در سال ۱۴۰۴ افزایش یافت. در چهار ماه اول ۱۴۰۵ نیز ۱۵ حلقه چاه توسعه‌ای و اکتشافی، ۴۴ حلقه چاه تعمیری و ۲۵۷ حلقه چاه ترمیمی تکمیل شد.

وزن بالای چاه‌های ترمیمی نشان می‌دهد که بخش مهمی از نبرد تولید، نه در پروژه‌های بزرگ و تازه، بلکه در نگهداری و احیای ظرفیت چاه‌هایی جریان دارد که سال‌هاست در مدار تولید هستند.

گازهای مشعل سرمایه‌ای که می‌سوزد

جمع‌آوری گازهای همراه نفت، بخش دیگری از برنامه‌ای است که هم جنبه اقتصادی دارد و هم زیست‌محیطی. گازی که در مشعل می‌سوزد، در صورت جمع‌آوری و فرآورش می‌تواند خوراک صنایع، سوخت نیروگاه‌ها یا انرژی مورد نیاز واحدهای صنعتی باشد.

بر پایه اعلام شرکت ملی نفت، میزان جمع‌آوری گازهای همراه از ابتدای دولت چهاردهم بیش از دو برابر شده و هدفگذاری برای رسیدن به حدود ۳۵ میلیون مترمکعب در روز تا پایان دولت انجام شده است. تاکنون بیش از ۹۰ نقطه مشعل‌سوزی در هفت استان شناسایی شده و حدود ۳۰ نقطه برای اجرای پروژه به بخش خصوصی واگذار شده است.

طرح‌های مارون ۵، ایستگاه تقویت فشار دهلران و اصلاح ایستگاه تزریق گاز هفتکل از جمله پروژه‌های در حال اجرا هستند. همچنین بهره‌برداری از واحد NGL ۳۱۰۰ بخشی از گازهای همراه را به چرخه فرآورش بازگردانده است.

برای اجرای کامل برنامه جمع‌آوری گازهای مشعل، حدود ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم برآورد شده است. رقمی که نشان می‌دهد حل این مسأله، صرفاً با هدفگذاری و اعلام برنامه پیش نمی‌رود و به تأمین مالی پایدار نیاز دارد.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی
دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۵/۰۸

بانک رفاه کارگران REFAH KARGARAN BANK

بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به واگذاری خدمات نصب، تعمیر، سرویس، نگهداری و پشتیبانی با تأمین قطعه تعداد ۳۰۰۰ دستگاه انواع UPS به مدت دو سال شمسی از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط اقدام نماید. داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال واریز شده به‌حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران در ساعات اداری به اداره تدارکات بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی بیمارستان پارس، پلاک ۱۵۲، ساختمان بانک رفاه کارگران، طبقه ششم، گروه کارشناسی مناقصات مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سپرده شرکت در مناقصه به میزان ۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (بیست میلیارد ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر ارائه گردد.

ضمناً پاکت‌های «الف» و «ب» مناقصه در ساعت ۹:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ توسط اعضای محترم کمیسیون معاملات بانک در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، پایین‌تر از میدان ونک، پلاک ۲۵۸۴، طبقه منفی یک مفتوح خواهد گردید.

بانک رفاه کارگران - اداره تدارکات

وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهر جدید پردیس

ابطال یک نسخه قرارداد مالی
به‌شماره ۵۲-۳-۴-۱
واقع در محله ۴ فاز ۱

بدین‌وسیله اعلام می‌گردد یک نسخه قرارداد مالی به‌شماره ۳۱/۴۴۷۳ مورخ ۱۳۷۶/۰۶/۰۱ متعلق به شرکت عمران شهر جدید پردیس، موضوع واگذاری یک قطعه زمین مسکونی به‌شماره ۵۲-۳-۴-۱ و به مساحت ۲۸۲/۹۷ مترمربع واقع در محله ۴ فاز یک شهر جدید پردیس، به آقای عرفان احسانیان منفرد فرزند احمد به‌شماره ملی: ۰۰۵۹۸۰۴۰۳۳ مفقود و فاقد هرگونه ارزش و اعتبار قانونی می‌باشد.

روابط عمومی
شرکت عمران شهر جدید پردیس

آگهی شناسایی پیمانکار (اشخاص حقیقی) ساختمانی

بانک صادرات ایران

بدین‌وسیله مدیریت شعب خراسان رضوی بانک صادرات ایران از اشخاص حقیقی توانمند و فعال درزمینه‌های تأسیسات برقی و مکانیکی، ابنیه و ساختمان دعوت می‌نماید. درصورت تمایل از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ (به استثنای پنج‌شنبه و روزهای تعطیل) از ساعت ۷ صبح لغایت ساعت ۱۳، نسبت به مراجعه، اخذ و تکمیل فرم‌های مربوطه از مدیریت شعب خراسان رضوی بانک صادرات ایران به آدرس مشهد، میدان جانباز، نبش خیابان اخوان ثالث یک، طبقه ۹، دایره ساختمان (اتاق ۶) اقدام نمایند و پس از تکمیل تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ اسناد تکمیل شده را به آدرس فوق‌الذکر- طبقه ۱۰ حوزه حراست مدیریت شعب خراسان رضوی بانک صادرات ایران تحویل فرمایند.

ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر شماره تلفن‌های زیر در ساعات اداری آماده پاسخگویی می‌باشند:

۰۵۱-۳۷۰۴۳۲۳۳ _ ۰۵۱-۳۷۰۴۳۱۰۷ _ ۰۵۱-۳۷۰۴۳۱۰۲

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
تأمین نیروهای خدمات ادارات و کتابخانه‌های عمومی نهاد

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نظر دارد، تأمین ۳۰۰ نفر نیروی خدمات و پشتیبانی و راننده در حوزه ستاد مرکزی نهاد و ادارات و کتابخانه‌های عمومی تحت اختیار خود در سطح کشور را از طریق مناقصه عمومی و انعقاد قرارداد با شرکت‌های واجد شرایط و سابقه اجرایی مرتبط و ترجیحا دارای دفتر و اقامتگاه مرکزی در شهر تهران از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به‌شماره مناقصه ۲۰۰۵۰۰۵۳۷۳۰۰۰۰۰۱ واگذار نماید. لازم به توضیح است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.

علاقه‌مندان به شرکت در این مناقصه می‌توانند جهت آگاهی با شماره تلفن ۰۲۱-۶۲۹۳۱۰۰۰، داخلی ۱۰۳۳و ۲۲۳۶ و شماره همراه ۰۹۰۲۶۲۷۸۳۵۴ آقای یزدان پناه تماس حاصل فرمایند.

آگهی مزایده شماره ۱۴۰۵/۲۲۶/ هـ. ف

یک سازمان دولتی در نظر دارد املاک زیر را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی مزایده تا پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ همه روزه (غیر از تعطیلات رسمی) از ساعت ۰۷:۰۰ الی ۱۴:۰۰ برای کسب اطلاعات و خرید اسناد مزایده به دفتر فروش به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید عماد مغنیه پلاک ۷ واحد ۹ با شماره تماس ۰۲۱۸۸۷۸۷۸۵۹ و ۰۹۹۶۱۱۱۸۰۷۸ یا به نشانی: زاهدان، زیباشهر، میدان سربازان گمنام، ساختمان شرکت تعاونی مسکن طبقه ۳ شماره تماس ۰۵۴ ۳۳۲۸۰۹۳۵ مراجعه نمایند.

ردیف	موضوع مزایده	پلاک نقشه تفکیکی	مساحت کل (مترمربع)	قیمت پایه مزایده (به ریال)	مبلغ سپرده جهت تضمین شرکت در مزایده (به ریال)	آدرس
۱	ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با کاربری ت-۱۰-م و ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با کاربری مسکونی	۱۷۰۵-۳۳ و ۱۷۰۵-۳۴	۱۰۴۶٫۱	۱۰۷٫۶۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰	۵٫۳۸۰٫۰۰۰٫۰۰۰	زاهدان، زیباشهر، محله ۱۷

ابلاغ آگهی

بدین‌وسیله به‌اطلاع آقای مجتبی خوش‌قدم فرزند رضا پرستار رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند؛ نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۴۷۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۹ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر اخراج از دستگاه متبوع صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا مشارالیها در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
نوبت اول

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه توزیع برق خود را به پیمانکار واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

شرح مختصری از کار:

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۵۰۹۵۲۳۹۰۰۰۰۰۵	۲۰۰۵۰۹۴۹۵۰۰۰۰۰۶
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۵۲۲۱۱۰۷۷۰	۱۴۰۵۵۰۳۱۰۸۰۳
موضوع مناقصه	اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه	اجرای عملیات توسعه، احداث و بهینه‌سازی- به روش خط گرم (تجدید)
محدوده عملیاتی	منطقه برق سهروردی	منطقه برق شمیران
برآورد انجام کار(ریال)	۴۷,۳۸۵,۹۶۴,۰۶۹	۴۴,۱۱۴,۴۸۲,۹۴۱
مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)	۲,۳۶۹,۲۹۸,۲۰۳	۲,۲۰۵,۷۲۴,۱۴۷
مهلت فروش اسناد	از روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ تا دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹	
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳	
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۰۰: ۰۹ یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲	تا ساعت ۰۰: ۰۹ یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۰۰: ۱۱ یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲	ساعت ۰۰: ۱۱ یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - انتهای بادگار امام - خ زارع - میمنت - نبش طوس شرقی - منطقه برق سهروردی (ساختمان شماره ۲)- دبیرخانه منطقه برق سهروردی و محل بازگشایی سالن جلسات منطقه	تهران: خیابان شهرداری -جنب بیمارستان شهدای تجریش- منطقه برق شمیران - دبیرخانه و محل بازگشایی سالن جلسات

نوع سپرده فرایند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایرآن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ فروش اسناد:
- جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱،۵۰۰،۰۰۰ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمنا کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- داشتن گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور الزامی می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
- سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام‌رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhUVVuZvC

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

پایداری
ایران
• دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵
• ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۴ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۰۵ • ۴ صفحه
Monday • 24 August 2026
Iran Daily Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پزشکیان استراتژیک عمل می‌کند

مرور مهم‌ترین تحولات دولت و دغدغه‌های رئیس جمهوری در گفت‌وگو با محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور

گذار از مدیریت بحران به ساختن آینده

پیشنهادهای غلامرضا ظریفیان برای مسیر پیش روی دولت و کشور

ایران

ویژه هفته‌دولت

«ایران» عملکرد دو ساله دولت مسعود پزشکیان را بررسی می کند

مرد وفاق و دفاع

President.ir

• گزارش •

مرتضی گل‌پور
معاون سردبیر

در پایان دوره ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، اگر از کارهای کرده و نکرده دولتش بپرسند، می‌تواند از این شعر کمک بگیرد: «دستانِ بسته‌ام آزاد نبود تا هر چشم‌انداز را به جان دربرکشم.» در کوران آتش جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، زنان و مردان نشسته پای اخبار تلویزیون، هرگاه که خبر و تصویری از پزشکیان منتشر می‌شد، اغلب این جمله را بر زبان می‌آوردند: «پزشکیان هم واقعاً در دوره سختی رئیس‌جمهور شد!» این سخن که از ادراک سیاسی ایرانیان نشأت می‌گرفت، دلالت‌های بنیادین دارد و به حقایقی راستین در سیاست اشاره می‌کرد. این حقایق و دلالت‌ها از این قرار هستند: ریاست جمهوری پزشکیان، هم در آغاز و هم در ادامه، همواره در جبر ناگزیر مواجهه با دو گونه محذوریت و محدودیت گذشت؛ محذوریت‌های سیاست داخلی، و محدودیت‌های ناشی از جنگ و فشار تمام‌عیار اقتصادی و سیاسی دشمن. مدیریت محذوریت‌های سیاست داخلی ساده نبود. پزشکیان زمانی به ریاست جمهوری رسید که تصلب حوزه سیاسی، چرخش به سمت وفاق را به سختی پذیرا می‌شد. اگر حمایت‌های بی‌دریغ رهبر شهید نبود، کار پزشکیان سخت‌تر از سخت می‌بود.

محدودیت‌های خارجی البته فراتر از لفظ محدودیت است. اداره کشور در یک جنگ همزمان اقتصادی، سیاسی و نظامی با آمریکا و متحدان غربی و منطقه‌ای‌اش، از آن اتفاقاتی است که فقط با گذشت زمان و فرارسیدن داوری تاریخ می‌توان دریافتی همه‌جانبه از آن داشت، دریافتی مبتنی بر این حقیقت که در جنگ با بزرگ‌ترین قدرت تاریخ بشر، دولت چهاردهم چه فشارهایی را تحمل کرد و مانع از تحمیل چه فشارهایی بر ملت شد. قرار داشتن یک دولت در میان این دو وضعیت؛ یعنی محذوریت داخلی از درون و محدودیت‌های جبار خارجی از بیرون، شبیه وضعیت «یک دست جام باده و یک دست زلف یار» «مولوی» نیست تا یک جریان سیاسی بخواهد تمنای کسب قدرت در «چنین میانه میدانی» را در سر بپروراند. این «میانه میدان» که دولت پزشکیان اجبارا در آن قرار گرفته‌است، نه جای سیاسی‌کاری‌های سرخوشانه است نه جای کژتابی‌های قدرت‌جویانه، نه جای غفلت‌های ایران‌خراب‌کن است نه جای چشم برگرفتن از مکر دشمن، نه جای وقت‌گذاشتن برای رقابت‌های داخلی است و نه بی‌تفاوت بودن به الزامات به‌شدت متغیر سیاست خارجی. اما میدانی که محذوریت داخلی و محدودیت خارجی پیش پای دولت پزشکیان قرار دادند، او را ناگزیر کرد همزمان به هر دو میدان بپردازد؛ نه چشم از دشمن بردارد، نه از مسئولیت ایجاد وحدت و رفع نقارها در داخل غفلت ورزد. اساساً ناترازی‌های تاریخ‌مند اقتصاد و اجتماع ایران به دولت کمتر اجازه می‌دهد تا از ناحیه پشت جبهه کاملاً پشت‌گرم باشد. پس دولت هم به جبهه نبرد با دشمن بیرون پرداخت و هم نگاهی به پشت سر و جبهه خودی داشت تا در وسط جنگ نظامی و اقتصادی، انواع ناترازی‌های اقتصاد و اجتماع و سیاست، رشته پیوندهای جبهه خودی را نگسلد.

پس، پس از آن تحریم‌ها و اسنپ‌بک و جنگ ۱۲روزه و ۴۰روزه و محاصره دریایی، شرایط دولت پزشکیان از این قرار است: همه بحران‌های سابق و لاحق، همزمان از راه رسیدند. عجیب‌تر آنکه امروز همه این بحران‌ها و چالش‌ها، همزمان و با هم فعال هستند. تحریم و جنگ و ناترازی اقتصادی و نقارهای سیاست داخلی و ناترازی اجتماعی و فشارهای سیاسی خارجی، هیچ کدام از این «مسأله‌ها» نه‌تنها حل نشده‌اند، بلکه برخی به یک «وضعیت» تبدیل شده‌اند. از این قرار، وضعیت پزشکیان و دولت، بلاتشبیه، همان است که میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی نوشت: «انصاف بده! یک تن تنها و چند شهر خراب و در میان زد و خورد روس و طعن و ضرب ایران، چه کنیم؟» در این جمله قائم‌مقام، به جای «روس» می‌توان «آمریکا و رژیم صهیونیستی و تحریم‌های حداکثری و محاصره دریایی» را قرار داد. به جای «طعن و ضرب ایران» هم می‌توان «کژتابی‌های برخی جریان‌های سیاسی خودی و ناترازی‌های اقتصادی و اجتماعی باقی مانده از گذشته» را قرار داد.

ایستادگی ایران و نقش ملی پزشکیان

پس از تحریم‌های حداکثری آمریکا، اعمال غیرقانونی اسنپ‌بک از سوی غرب و دو جنگ تمام‌عیار، وضعیت ایران مانند این شعر هوشنگ ابتهاج است: «به سربلندت ای سرو که در این شب زمین‌کن؛ نفس سپیده دانند که چه راست ایستادی.» ایستادگی پیروزمندانه ایران در این «شب زمین‌کن» عوامل و دلایلی هم داشت. پایداری مردم و رشادت نیروهای مسلح تاریخ‌ساز بود، اما تدارکات و برنامه‌ریزی‌های دولت همچون نخ تسبیحی بود که جبهه و پشت جبهه را به هم متصل نگه داشت. نخ مدیریت دولت به صورت همزمان هر دو حوزه را تأمین و تقویت می‌کرد. این واقعیت که در ایران درگیر جنگ تمام‌عیار اقتصادی و نظامی، کمبود و قحطی بروز نکرد و دسترسی به خدمات پایه‌ای آموزشی، بهداشتی، درمانی، زیرساختی و خدماتی برای لحظه‌ای قطع نشد، از آن کارهایی است که فقط کشورهای درگیر چنین جنگ و فشار تحریم‌ها می‌توانند بزرگی کار دولت پزشکیان را درک کنند. به عنوان مثال، امروز در شرایط جنگ تمام‌عیار اقتصادی و نظامی آمریکا، تورم در ایران بیش از ۵۰ درصد است. اما وقتی با تورم ونزوئلا مقایسه شود که پس از محاصره دریایی آمریکا به ۵۳۰ هزار درصد رسید، می‌توان فهمید دولت پزشکیان در همین تورم نامطلوب داخلی، کاری بزرگ انجام داد. در عراق پیش از سقوط صدام یا در کوبا، تحریم‌های آمریکایی-غربی عملاً باعث فروپاشی نظام‌های درمان و بهداشت، آموزش و اقتصاد این کشورها شد. در عراق، یک سال پس از آغاز تحریم‌ها میزان عمل‌های جراحی در بیمارستان‌ها به یک‌سوم کاهش یافت و در کوبا، نظام بهداشتی و درمانی که در جهان پیشرو بود، پاشید. درست است که ایران پس از این فشارها، همچون سایر نمونه‌ها دچار یک دولت فرومانده نشد، اما این قصه در دولت پزشکیان، شکل دیگری دارد. پایداری و در مواردی توسعه خدمات دولت در ایران در میانه جنگ اقتصادی و نظامی، درحالی رقم خورد که دولت پزشکیان در سال اول فعالیت خود با ۱۵ تا ۲۰ هزار مگاوات ناترازی برق و ناترازی ۳۰۰ میلیون مترمکعبی گاز در فصل سرد سال مواجه بود. سربلند بیرون آمدن کشوری که علاوه بر جنگ نظامی و اقتصادی، با ناترازی برق و گاز و آب هم روبه‌رو بوده است، نمی‌تواند صرفاً یک اتفاق اداری و طبیعی باشد. با هدایت و مدیریت شخص پزشکیان، از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم تا پایان خرداد امسال، حدود ۵ هزار مگاوات به ظرفیت تولید برق خورشیدی کشور افزوده شد و قرار است تا پیش از پاییز، ۵ هزار مگاوات دیگر نیز به این ظرفیت افزوده شود. این اتفاق که در سایه فشارهای همه‌جانبه اقتصادی و فناورانه غرب رخ داد، نه یک تحول، بلکه یک دستاورد راهبردی محسوب می‌شود و درعین حال نشان می‌دهد که در صورت رخ‌ندادن جنگ یا اعمال‌نشدن غیرقانونی اسنپ‌بک، دولت پزشکیان می‌توانست اقدامات بیشتری انجام دهد. اما برای دولتی که در میانه راه خود قرار دارد، دشمن چالش‌های دیگری هم تدارک دیده است؛ چالش‌هایی مانند این واقعیت که پزشکیان گفت، در جنگ «روزانه نزدیک به ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز ما را زدند.» چرایی آن تحریم‌ها و فشارحداکثری اقتصادی و سیاسی، و نیز چرایی تحمیل جنگ به ایران و حمله به زیرساخت‌های انرژی و فولادی، در بخش دیگری از همین اظهارنظر پزشکیان گفته شد: «آنها انتظار داشتند کشور به دلیل همین فشارهایی که وارد کرده‌اند سقوط کند... آنها همواره این فشارها را وارد کرده‌اند و اقتصاد ما را روزبه‌روز در محاق قرار داده‌اند و با مشکل مواجه کرده‌اند. اکنون در دولت ما، این فشارها به حداکثر رسیده است و خودشان هم در تحلیل‌هایشان تعجب می‌کنند که چرا ما سقوط نکرده‌ایم.» در توضیح چرایی ایستادگی ایران در مواجهه با چنین فشاری، می‌توان به سخن محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور هم اشاره کرد: «ما از روز اول با جنگ مواجه بودیم و میهمان رسمی ما شهید شد. در این شرایط هنر دولت و سازمان برنامه و بودجه این بود که با اقدامات خود در کشور آرامش را برقرار کند. دولت برای شرایط جنگی برنامه داشت و آن برنامه را در آن ۱۲روز اجرایی کرد... در آن ۱۲روز شرایط به صورت لحظه‌ای رصد می‌شد که در کشور با کمبود مواجه نشویم.»

ملی‌اندیش نوشناخته شده

جلال‌الدین محمد بلخی گفته است: «دلا در بوته آتش درآ مردانه بنشین خوش؛ که از تأثیر این آتش چنان آیینه شد آهن.» چه کسی فکر می‌کرد جراح قلب که سابقه وزارت بهداشت و نمایندگی مردم تبریز در مجلس را داشت و با نهج‌البلاغه مأنوس بود، چنان رئیس‌جمهوری شود که در میانه بحران‌های ملت‌افکن، یک مدیر اجرایی و سیاسی ملی تمام‌عیار را به نمایش بگذارد؟ پزشکیان نسبت به عرصه سیاست «نوآمده» نبود، اما با قرارگرفتن در جایگاه ریاست جمهوری و با مدیریت حوزه اجرایی در بحران‌های دو سال گذشته، به تعبیر مولوی، «از تأثیر این آتش چنان آیینه شد آهن.» اساساً پزشکیان پس از یک بحران به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد؛ شهادت سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم. اما بحران‌های اجتماعی و سیاسی ایران فراتر از خلأ چند هفته‌ای قدرت اجرایی بود. وقایع پاییز ۱۴۰۱ و نیز مشارکت پایین در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ مجلس، نشانه‌های ناترازی فراگیر اجتماعی و سیاسی بودند. گویی میان نیروهای سیاسی و اجتماعی، شکاف‌ها رو به فزونی و درهای آشتی و آشنایی نیم‌لا و چه‌بسا رو به بسته‌شدن بود. درعین حال، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، به تعبیر «ولی نصر» عملاً در فروردین ۱۴۰۳ با حمله نظامی رژیم اسرائیل به سفارت ایران در دمشق آغاز شد. شهادت اسماعیل هنیه چند ساعت پس از حضور در مراسم تحلیف پزشکیان، تحمیل جنگ به ایران را قطعی کرد. پس، رئیس جمهوری جدید باید چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی را درست وسط بحران‌هایی تشکیل می‌داد که از نارضایتی اجتماعی و نقارهای سیاسی و ناترازی‌های اقتصادی، تا بحران فشار دشمنان خارجی و تنگ‌ترشدن حلقه محاصره سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترده بود. در این چارچوب، «وفاق ملی» پزشکیان یک شعار انتخاباتی نبود، پادزهری برای این صحنه‌آرایی داخلی و خارجی بود. برگ برنده پزشکیان خود شعار نبود. عامل موفقیت‌اش در کاستن از نقارهای اجتماع و سیاست ایران در چنین زمین ناهمسازی، «ایمان» و «عمل» خود پزشکیان و دولتش به وفاق بود. در حوزه اجتماعی، پزشکیان زمینه این جمع‌بندی در نظام تصمیم‌گیری را ایجاد کرد که باید مصوبه عفاف و حجاب اجرا نشود. در کنار دیده‌شدن و تأثیر گذاردن مردم در نظام تصمیم‌گیری که مشخصا از این فقره خاص نمود یافت، در حوزه گفتمانی و رفتارهای سیاسی هم پزشکیان و دولتش عوامل اختلاف‌ساز را کمرنگ و عوامل پیوند را برجسته کردند. او دوقطبی مرسوم در صحنه سیاست و اجتماع ایران مبنی بر «یا مقاومت، یا مذاکره» را برهم زد و نشان داد اعتقاد و مقاومت و انقلابی بودن با اصلاح‌طلبی و پاسخ مثبت به مطالبات بحق عموم مردم، نه تنها منافاتی ندارد، بلکه از قضا قابل جمع است. همچنان که در حوزه سیاست خارجی، پزشکیان نشان داد که مرد مذاکره و دیپلماسی، می‌تواند مرد مقاومت هم باشد. پزشکیان در مجلس گفت که دولتش برای اداره کشور نیازمند مذاکره برای رفع تحریم‌هاست. اما وقتی در سفر به نیویورک دریافت که دشمن در مذاکره تسلیم می‌طلبد، بدون دادن هیچ امتیازی به ایران بازگشت و راه مقاومت را با قوت ادامه داد. در ادامه، همزمان که درهای دیپلماسی را بازنگه داشت، اما مدیریت کشور را بر مدار اداره جامعه و اقتصاد و سیاست در یک شرایط جنگی ترسیم کرد. اینکه ایران در جنگ نظامی و سیاسی، نه تنها شکست نخورد، بلکه ایستاد و دشمن را به عقب‌نشینی واداشت، بخش زیادی از آن، ناشی از همین طراحی‌ها بود. تأکید بر دیپلماسی، زمینه شکل‌گیری حجیت و حقانیت داخلی و بین‌المللی برای ایران شد و این به علاوه مدیریت اقتصادی و سیاست‌های اجتماعی و سیاسی دولت، به نوبه خود زمینه ایجاد اجماع و همبستگی و دفاع ملی در جنگ و تحریم را فراهم آورد.

> حمایت و صیانت از رئیس جمهوری و شخصیتی سیاسی که در این مسیر حرکت می‌کند و می‌خواهد برای فردا، ایرانی با کاهش یا اتمام ناترازی‌های سیاسی و اجتماعی به یادگار بگذارد، امری ملی است. این امر ملی، به زبان مولوی، این طور خواهد بود: «غرض‌ها تیره دارد دوستی را؛ غرض‌ها را از دل راند، امری که به نظر می‌رسد مهم‌ترین پروژه شخص پزشکیان در مقام رئیس‌جمهوری است

• برش •

صیانت از مردان ملی

اینکه آمریکا به بهانه‌های مختلف خواست تفاهمنامه پایان جنگ با ایران را برهم بزند، نشان می‌دهد بندهای این تفاهمنامه یک پیروزی دیپلماتیک برای ایران بود که پیروزی نظامی را تثبیت می‌کرد. این تفاهمنامه و دیگر اظهارات و مواضع پزشکیان، پیش، حین و پس از جنگ اخیر، تراز ملی این چهره سیاسی و اجرایی را عیان کرد. اما در نگاهی دیگر، این تفاهمنامه چند درجه پایین‌تر از ظرفیت و توان تفاهم‌سازی داخلی پزشکیان قرار می‌گیرد. پزشکیان، گویی که از تجربه دولت‌های گذشته درس گرفته باشد، پایه نیروهای سازنده ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی برای دولت خود را بستر شکاف‌های موجود در کشور تعریف نکرد. بلکه او و دولتش، قوام و دوام خود را در تلاش برای کاستن از این شکاف‌ها تعریف کرده‌اند. پزشکیان و دولتش روی شکاف‌های موجود دست نمی‌گذارند تا برای خود تشویق و تایید و هورا بخرند، بلکه شکاف‌ها را به مثابه «مساله ایران» پیش روی هر دو طیف می‌گشایند تا دو سوی قطبیت‌ها، به قول شاعر «با چشم خود ببینند خورشیدشان کجاست تا باورم کنند.» ببینید می‌شود که با رقیب انتخاباتی که شهردار تهران است، هماهنگی و همکاری تنگاتنگ داشت، یا ببینید که می‌توان که با دیگر رقیب انتخاباتی که رئیس مجلس است، آنچنان به اتحاد رسید که مسئولیت حیاتی برای کشور، یعنی پیشبرد مذاکرات آتش‌بس با آمریکا را به او محول کرد، و این غیر از «شنیدن» دیگر منتقدان و گفت‌وگو با آنان «با زبان و گفتمان» منتقدان است. پزشکیان جست‌وجوگر خورشید تفاهم برای ایران است، نه آرزومند ابرهای تیره و تاریک نقار ملت‌سوز. جز در مواردی که ناچار به پاسخگویی به برخی کژتابی‌های داخلی شد، سخن یا عملی از پزشکیان نیست که بتوان برداشت کرد او خواسته است برای جریان یا نهادی، خط و نشان بکشد یا در عرصه عمومی پاسخ آن را بدهد. اختلافات را در جلسات حل می‌کند و نتیجه آن جلسات را در تریبون‌ها مطرح می‌کند. این امر منجر به بازی دوگانه رئیس جمهوری نشده است. بارها نظرات خود را به صورت عمومی مطرح کرد، اما بعداً گفت که برخلاف نظر اعلام شده‌اش، برپایه تصمیمات و روندهای قانونی کشور حرکت خواهد کرد. نه تنها به چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی حرمت می‌گذارد، بلکه حرمت دولت‌های گذشته را نیز نگه می‌دارد. می‌داند که برجسته‌کردن نقش دولت‌ها یا اشخاص در مشکلات به‌ارث رسیده به دولت، می‌تواند باعث ناخشنودی طیف‌های سیاسی و اجتماعی حامی آن شخص یا دولت شود. هرچند اینها باعث نمی‌شود تا در مقام دفاع از دولت، مشکلات باقی مانده از گذشته را، البته به صورت کلی، بازگو نکند. برپایه ظاهرشدن رئیس جمهوری با چنین مختصاتی، آن هم در زمین سیاست ایران که همیشه از قطبی‌سازی‌ها تغذیه کرده است و دمیدن در تنور قطبش‌ها راز و ابزار قدکشیدن در سیاست و جامعه بوده است، برخی معتقدند که ایران شاید در دهه‌ها پیش، به رئیس جمهوری و دولتی با چنین ظرفیت‌های تفاهم‌ساز و اختلاف‌شکن نیاز داشت تا فرآیندهای سیاسی و اجتماعی داخل، به وضعیت موجود منتهی نشود. اما حال که دیروز ما از دست رفته و آنچه دیروز در سیاست و اجتماع کرده‌ایم، امروز سیاست و اجتماع ما را ساخته است، دست‌کم می‌توان امروز به گونه‌ای در سیاست و اجتماع رفتار کرد و حرف زد که فردای ایران روشن‌تر و با کاهندگی اختلاف‌ها و شکاف‌ها باشد. پزشکیان و دولتش فرصتی هستند برای خاموش کردن تنور سوزان قطبیت‌های مزمن ایران تا زین پس هر سیاستمردی، نان از عمل خویش خورد، نه نان هیجان و عواطف سیاسی ملت. حمایت و صیانت از رئیس جمهوری و شخصیتی سیاسی که در این مسیر حرکت می‌کند و می‌خواهد برای فردا، ایرانی با کاهش یا اتمام ناترازی‌های سیاسی و اجتماعی به یادگار بگذارد، امری ملی است. این امر ملی، به زبان مولوی، این طور خواهد بود: «غرض‌ها تیره دارد دوستی را؛ غرض‌ها را از دل نرانیم؟» «برای ایران» باید غرض‌ها را از دل راند، امری که به نظر می‌رسد مهم‌ترین پروژه شخص پزشکیان در مقام رئیس جمهوری است.

مرور مهم‌ترین تحولات دولت و دغدغه‌های رئیس جمهوری
در گفت‌وگو با محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور

پزشکیان استراتژیک عمل می کند

عکس: حسین نقی‌زاده / ایران

• گفت‌وگو •

ابراهیم بهشتی - رضوانه رضایی‌پور/ دشواری پیمودن مسیر پیش رو از همان روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت چهاردهم معلوم بود. آنان که ورای بحث‌های هیجانی، تحولات جامعه را بر اساس واقعیات، امکانات و تهدیدات ارزیابی می کردند، می‌دانستند که مسعود پزشکیان بر خلاف برخی ادعاها مبنی بر اینکه او «اسب زین کرده تحویل گرفته» هم وارث مشکلات قابل توجه داخلی اعم از وضعیت نامناسب اقتصادی، اعتماد عمومی آسیب‌دیده و... است و هم به لحاظ خارجی با توجه به حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید چشم‌انداز روشنی پیش رو نخواهد داشت. البته که این ارزیابی‌ها چندان هم بیراه نبود چه اسرائیل با اتکا به همین مؤلفه‌های داخلی و خارجی، در همان روز تحلیف رئیس جمهوری، با ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران اعلام جنگ داد. در ادامه کار هم دو جنگ به کشور و دولت تحمیل شد. با همه این دشواری‌ها و البته تبعات بخصوص اقتصادی که برای مردم در پی داشته، دولت چهاردهم در پایان روزهای کاری سال دوم و آغاز سومین سال کاری خود، همچنان سرپا ایستاده و اتفاقاً به اذعان بسیاری از کارشناسان با سلایق متفاوت سیاسی، کارنامه قابل قبولی را نیز از خود به جای گذاشته است. در این دو سال سخت بر مسعود پزشکیان چه گذشت؟ رئیس جمهوری چگونه دولت و کشور را در میانه این همه التهابات حفظ کرده است؟ او با اتکا به چه سرمایه و پشتوانه‌ای پای به این میدان گذاشت؟ برای پاسخ به این قبیل سؤالات شاید گزینه بهتری از محمد جعفر قائم‌پناه نبود. او که سابقه دوستی و همکاری دیرینه با پزشکیان دارد، نزدیکی با پزشکیان را در دولت چهاردهم هم حفظ کرد؛ آنجا که مسئولیت معاونت اجرایی رئیس جمهوری و سرپرستی نهاد ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. او در این گفت‌وگو روایت‌هایی از روزهای قبل از انتخابات ریاست جمهوری، چینش کابینه، همنشینی با پزشکیان و مقام مصری در شب ترور هنیه، هماهنگی‌های رئیس جمهوری با رهبری و مدیریت جنگ و تفاهمنامه دارد. به گفته قائم‌پناه، پزشکیان از ابتدا تلاش داشت جنگ گسترش نیابد و حالا هم همه توان خود را می‌گذارد تا تفاهمنامه امضا شده میان ایران و آمریکا به مرحله اجرایی برسد، چراکه این خواست اکثریت مردم ایران است.

دولت آقای پزشکیان در شرایطی آغاز به کار کرد که کشور هم به لحاظ داخلی و هم خارجی با بحران‌های مشخصی همراه بود. در حوزه داخلی، کاهش سرمایه اجتماعی را داشتیم که خود را در انتخابات نشان داده بود. شاخص‌های اقتصادی در وضعیت مطلوب و حتی مناسبی نبود. بماند که برخی‌ها روایت دیگری داشتند و معتقد بودند که دولت یک اسب زین شده را تحویل گرفته است. شرایط سختی بود و ما که بیرون گود بودیم پیش بینی می کردیم دولت کار سختی را پیش رو خواهد داشت. در روزهای اول و جلسات ابتدایی خود چه قبل از تشکیل دولت و چه در ابتدای شروع کار دولت، ارزیابی شما از چشم‌اندازی که با آن مواجه بودید چه بود؟ مشخصاً روی چه نقاط عطف و مؤلفه‌هایی حساب کرده بودید که بتوانید این مسیر را به سلامت طی کنید؟

خداقوت می‌گویم به شما و همه همکاران عزیزتان و همین طور به همه همکارانم در عرصه دولت از کارکنان دولت در روستاها تا شهرهای بزرگ. امیدوارم بتوانیم همچنان خادم خوبی برای مردم ایران در این شرایط پرچالش باشیم. قبل از اینکه آقای دکتر پزشکیان انتخاب شوند، شرایط خاص اجتماعی - سیاسی بر کشور حاکم بود. عدم مشارکت حدود ۵۰ درصدی مردم حاکی از آن بود که در عرصه داخلی نتوانسته‌ایم مردم را در عرصه تعیین سرنوشت خود مشارکت دهیم و این یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما بود. نمی‌دانم اگر آقای دکتر پزشکیان نمی‌آمدند، چه اتفاقی در وضعیت سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی می‌افتاد. با این پیش زمینه که وارد شدیم، روزهای تعیین کابینه با چالش‌های جدی مواجه بود. چراکه آقای پزشکیان می‌خواست گفتمان وفاق را در کابینه شکل دهد و در این مسیر با همه سختی‌هایی که داشت، تا حدودی موفق شدیم. می‌توانم بگویم از همه طیف‌های مختلف، لیست‌های مختلفی برای آقای دکتر پزشکیان فرستاد می‌شد و ایشان هم برای بررسی به شورای راهبردی که بنده عضو آن بودم می‌فرستاد. ماحصل آن، کابینه‌ای شد که بخشی از آن توسط شورای راهبردی پیشنهاد شد و بخشی دیگر هم به دلایل مختلف تغییراتی داده شد. یکی از چالش‌های ما گرفتن رأی اعتماد از مجلس بود. مجلس با تفکر آقای پزشکیان همسو نبود و گروهی اقلیت و شاید پر صدا می‌توانستند برای دولت چالش برانگیز باشند اما با حمایت رهبری به سلامت توانستیم رأی اعتماد کابینه را بگیریم. در حالی که دکتر پزشکیان در ساعت ۶-۵ عصر تنفیذ شدند و سوگند یاد کردند، همان شب اسماعیل هنیه در تهران ترور شد و به شهادت رسید. قبل از حادثه همان شب، اتفاقاً با آقای رئیس جمهوری سر یک میز نشسته بودیم. بنده و سفیر مصر بودیم و روبه‌روی ما آقای هنیه نشسته بود و درباره غزه صحبت شد و ساعاتی بعد ایشان به شهادت رسید.

در واقع این یک اعلام جنگ از سوی اسرائیل به دولت آقای پزشکیان بود.

عملاً اعلام جنگ بود. رژیم صهیونیستی قبلاً حملاتی به برخی تأسیسات ما کرده بود ولی در اینجا به وضوح مسئولیت آن را پذیرفت. این کار یک ترور ناجوانمردانه بود که در خاک ایران صورت گرفت. ایران می‌توانست همان زمان پاسخ دهد، ولی به دلایلی این کار را نکرد. یکی از کارهای مهمی که آقای دکتر پزشکیان در این مقطع حساس در آن نقش آفرینی کرد، هماهنگی با مقامات نظامی بود که انجام عملیات نظامی برای پاسخ به ترور شهید هنیه را به وقت مقتضی موکول کردند.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در آن مقطع، تحریم بود. آمریکا رجزخوانی می‌کرد و گزینه نظامی هم به قول خودشان روی میز بود. در عرصه بین‌الملل با این چالش جدی مواجه بودیم و در عرصه داخلی نیز مشکلات مختلف دیگری وجود داشت. در آن زمان دولت با بدهی‌های هنگفت، از جمله بدهی گندم‌کاران مواجه بود که امسال هم تا حدودی درگیرش هستیم. همینطور بدهی مربوط به بازنشستگان آموزش و پرورش و کادر درمان که در خیابان تجمع می‌کردند؛ این موضوعات چالش برانگیز بود.

پس اسب زین کرده‌ای تحویل نگرفته بودید؟

توضیح خواهم داد. درارتباط با قشر مهم آموزش و پرورش و بهداشت و درمان با چالش مواجه بودیم. ماه‌ها بود که پرستاران ما کارانه خود را نگرفته بودند. اضافه کارشان ساعتی ۲۰ هزار تومان بود. یعنی اگر یک پرستار ۱۰ ساعت کار می‌کرد ۲۰۰ هزار تومان به او اضافه کار می‌دادیم. شرمنده روی این عزیزان بودیم. چون خودمان پزشک بودیم درک می‌کردیم که شب را تا صبح بر بالین بیمار بودن چه معنایی دارد.

موضوع بعدی ما ناترازی سوخت بود. الان تقریباً قریب به سه میلیارد و دویست میلیون لیتر ذخیره گازوئیل برای فصل زمستان داریم. در حالی که در ابتدای مهرماه سال گذشته، این عدد کمتر از ۸۰۰ میلیون لیتر بود. همین دلیل باعث شد خاموشی‌های مکرر داشته باشیم و برخی موارد، نگرانی ما از سرمای سخت زمستان بود.

یک مقدار هم ناترازی در بخش‌های بانکی داشتیم و ناترازتر از همه اینها آمدن ترامپ بود؛ ما با ناترازترین رئیس جمهوری آمریکا مواجه شدیم. این ناترازی در همه عرصه‌های داخلی و خارجی ما اثرگذار بود و مسائل اجتماعی دیگر که ورود پیدا نمی‌کنم. آقای دکتر پزشکیان سر این موضوعات چالش برانگیز خیلی مدیریت کردند. اولاً توانستند با همه تفاوت‌های فکری که در مجلس وجود داشت، با رایزنی و صحبت‌هایی که با نمایندگان انجام دادند رأی کامل کابینه را بگیرند و از همین جا هماهنگی و همدلی با دیگر قوا و بخصوص مجلس را دنبال کردند. تا الان، بهترین و بیشترین اجماع و وفاق را در میان سران قوا داشتیم. به گفته بسیاری از ناظران سیاسی، در طول چند دهه گذشته، این میزان همدلی و وفاق در بین سران قوا نبوده است و این وفاق را مدیون تفکر آقای دکتر پزشکیان هستیم. در زمینه سوخت، شخصاً ورود کردند که چگونه سوخت را تأمین کنیم. موضوع پرداخت گندم‌کاران و حقوق پرسنل بهداشت و درمان را به روز دنبال می‌کردند. بنابراین با این چالش‌ها، دولت را تحویل گرفتیم.

شما به آقای دکتر پزشکیان نزدیک هستید. این وصفی که کردید، هر کسی در سطح رئیس جمهوری که با چنین اتفاقاتی مواجه است، می‌داند کار سختی در پیش دارد و شما و همه همکارانتان مسیر همواری را پیش رو نمی‌دیدید. مواجهه رئیس جمهوری در برابر این حجم از مشکلات و ناترازی‌ها چه بود؟

شاید یکی دو ماه قبل از انتخابات و وقتی آقای رئیسی شهید شدند، باهم دوستانه بحث می‌کردیم و مخاطرات پیش رو را دنبال می‌کردیم. انگیزه ایشان این بود که در حد اختیاراتشان برای ایران و جمهوری اسلامی باید همه هم و غم خود را به کار بگیریم تا شاید بتوانیم دردی از درد مردم را کم کنیم. با این نیت آمدند. نه اینکه از مشکلات پیش رو خبر نداشته باشند. آقای دکتر پزشکیان از سال ۱۳۷۳ در کار مدیریت کشور بوده است. رئیس دانشگاه، معاون وزیر، وزیر و چندین دوره نماینده مجلس و نایب رئیس مجلس بوده. ساختار قدرت را می‌شناخت و مشکلات را هم کامل می‌دانست. البته با رفاقت ۴۵ ساله‌ای که داریم می‌دانم که یکی از ویژگی‌های دکتر پزشکیان این است که استراتژیک عمل می‌کند و خیلی صبور است. این صبر خیلی او را کمک کرده است. دوماً اهل وفاق است.

می توان به نوعی گفت که این رویکرد وفاق به کمک دولت هم آمده است؟ تعبیر عامیانه این وفاق این بود که آقای دکتر پزشکیان سهم و امتیازاتی به گروه‌های رقیب را ناظر بر استراتژی بلند مدت خود دادند؟ آیا در مقابل مواردی هم هست که رویکرد وفاق، امتیاز مشخصی برای دولت در مسیر پیش بردن برنامه‌های خود ایجاد کرده باشد؟

اینکه در رویکرد وفاق بده بستان سیاسی شده باشد، درست نیست. دکتر پزشکیان هرچند ممکن است به نحله فکری اصلاح‌طلب‌ها و گاهی اصولگراها متصل باشند، ولی وابستگی سیاسی به جریان خاصی نداشتند. به قول خودش می‌گفت اصلاح‌طلبی هستم که بر اصول عدالت و انصاف پایبندم و این را دنبال می‌کنم. واقعیت این است که بده بستان سیاسی انجام نداد. ولی برای اینکه بتواند درون دولت انسجام ایجاد کند، سعی کرد از جریان‌های مختلف فکری در دولت باشند که وفاق را شکل دهند. این به نفع مردم شد. اگر مجلس در خیلی از مواقع همراهی نمی‌کرد، وزرای دولت رأی نمی‌آوردند و باید سرپرست می‌گذاشتیم، این باعث می‌شد که اداره امور کشور با توجه به چالش‌هایی که گفتیم سخت‌تر می‌شد. از طرفی تهدید دشمن را احساس می‌کردیم. در ماه‌های اول تمام تلاشمان این بود که ذخایر استراتژیک خود را مدیریت کنیم. چون احساس می‌کردیم ممکن است جنگی رخ دهد و تحریم‌ها شدیدتر شود. در طول همین سال هم اسنپ بک رخ داد و تشدید تحریم‌ها را به دنبال داشت. آقای دکتر پزشکیان رهبری همه اینها را در دولت به عهده داشتند.

بنابراین دولت هم از وفاق خیلی بهره برد. بخشی از آن را تاریخ بعداً روایت می‌کند. اصلاً باعث انشقاق در کشور نشدیم. این می‌توانست رخ دهد، اگر تنازعات سیاسی را تشدید و دعواها را ادامه می‌دادیم. شاید این انسجام ملی که در جنگ ۱۲ روزه خود را نشان داد، نتیجه انسجام سیاسی و وحدت آفرین وفاقی بود که آقای پزشکیان از قبل دنبال آن بود. حتی افرادی که در خارج از کشور بودند، کسانی که سال‌ها دور از وطن بودند و نگاه انتقادی به جمهوری اسلامی داشتند، در جنگ ۱۲ روزه موضعشان برگشت و در این زمان پشت جمهوری اسلامی در مقابل دشمن درآمدند. اینها نتیجه همان تفاهم و وفاقی است که آقای دکتر پزشکیان با جریان‌های مختلف دارد. ایشان با خیلی از منتقدین خود و کسانی که نقد شدید به او دارند ساعت‌ها گفت‌وگو می‌کند. بخشی را در مطبوعات می‌توانید ببینید. بخشی دیگر معمولاً مکتوم می‌ماند و شاید کسانی که خاطره‌نویسی می‌کنند این را بگویند که دکتر پزشکیان چقدر با جریان‌های مختلف سیاسی در دو طیف مختلف گفت‌وگو می‌کرده است. طیف‌هایی که کاملاً باهم در تضاد بوده‌اند، دکتر پزشکیان گوش شنیدن صحبت همه آنها را داشت. برای همین هم هروقت سخنرانی می‌کنند، می‌گویند هرکس برنامه‌ای دارد برای کمک بیاید. نه اینکه به عنوان یک شعار تبلیغاتی بگوید. بلکه یک باور اعتقادی دارد که ایران را با همه ایرانیان می‌توانیم بسازیم. ایران را یک گروه و دسته و حزب و جریان سیاسی نمی‌سازد. ایران را همه ایرانیان می‌سازند. این باور ما و باور آقای دکتر پزشکیان است. لذا وفاق اینجا معنا پیدا می‌کند. در چارچوب منافع ملی و جمهوری اسلامی، هرکسی تلاشی دارد، باید اجازه دهیم که این تلاش و استعداد و توانایی به منصه ظهور برسد. باور ایشان براین است که این برای کشور می‌تواند سرمایه خوبی باشد.

> تمام تلاش آقای پزشکیان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم، با اقتدار از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی خود دفاع کنیم، ولی اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب و آسیب‌ها زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همینطور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند

آقای رئیس جمهوری فردی صلح‌طلب هستند. خیلی‌ها در دور دوم انتخابات به درست یا غلط می‌گفتند به آقای پزشکیان رأی دهیم تا جنگ نشود و تحریم‌ها برداشته شود. ولی جنگ تحمیل شد و گریزی از دفاع نبود. به مرحله جنگ که رسیدیم، این شرایط چه تغییراتی در اولویت‌های دولت ایجاد کرد؟ مشخصاً دغدغه آقای رئیس جمهوری در دوران جنگ چه بود؟

تا جایی که بنده اطلاع دارم، تمام تلاش آقای پزشکیان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. ایشان در محدود کردن میدان جنگ خیلی تلاش کرد. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم، با اقتدار از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی خود دفاع کنیم، ولی اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب و آسیب‌ها زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همینطور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند. البته این به ناترازی‌های رئیس جمهوری آمریکا بر می گشت.

البته حمله اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه را پیش‌بینی می‌کردیم. شب پنجشنبه ۲۳ خرداد بود که سفر استانی به ایلام داشتیم. آقای پزشکیان می‌خواستند از ایلام به تبریز بروند. دوستان محافظ اصرار داشتند که من ایشان را متقاعد کنم به تبریز نروند. آماده‌باش اعلام شده بود. آقای دکتر پزشکیان می‌خواست به سراغ کریدور چشم ثریا برود و از نقطه صفر مرزی ایران و ترکیه دیدن کنند. از ایشان خواهش کردم که با توجه به شرایط آماده باش، شاید این سفر مخاطره‌آمیز باشد. گفت فعلاً به تبریز می‌رویم و اگر اوضاع مناسب نبود به مرز نمی‌روم. ساعت ۶ صبح بود که نگران شدم و به ایشان زنگ زدم. گفتند دارم برمی‌گردم. دغدغه ما در آن روزها این بود که چه کاری کنیم تا تاب‌آوری مردم را بالا ببریم. این تاب‌آوری از قبل برای غذا و تغذیه و مواد غذایی مردم برنامه‌ریزی شده بود و واقعاً هم اتفاق افتاد.

اگر قبل از جنگ ۱۲ روزه آن سرمایه اجتماعی خدشه دار می‌شد، معلوم نبود بتوانیم بر شرایط فایق بیاییم. عمده هدف آمریکا و اسرائیل از جنگ ۱۲ روزه این بود که از داخل اتفاقی بیفتد. باتوجه به عدم مشارکت ۵۰ درصدی و تورم و نارضایتی‌های اجتماعی و فشارهایی که از قبل بود، پیش‌بینی می‌کردند مردم با آنها همراهی خواهند کرد. اما این گونه نشد و در نظرسنجی‌های انجام شده، ۸۰ درصد استان‌ها از خدمت‌رسانی دولت به مردم در جنگ ۱۲ روزه راضی بودند. به همین خاطر آمریکا دوباره طمع کرد و قضیه ۱۸ و ۱۹ دی ماه را بهانه کرد.

آمریکا به دنبال این بود که تحریک و سازماندهی کند تا از داخل اتفاقی بیفتد و منجر به سقوط جمهوری اسلامی شود. نمی‌خواهم بگویم همه کسانی که به خیابان آمدند عامل دشمن بودند. اما عوامل دشمن از مردمی که به دلایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ناراضی بودند، سوءاستفاده کردند. به همین دلیل با هماهنگی شعام و رهبر شهید، از حدود ۳۰۰۰ نفری که متأسفانه کشته شدند، حدود ۲۷۰۰ نفر رسماً شهید اعلام شدند. علیرغم اینکه صحنه‌های خوبی نبود و زخمی بر بدنه سیاسی و اجتماعی کشور وارد کرد که آثارش هنوز هم هست، ولی شاید اقدامی که شورای عالی امنیت ملی و بخصوص شخص آقای دکتر پزشکیان برای این موضوع کردند و گفت‌وگویی که با مقام معظم رهبری داشتند و ایشان هم با نگاه پدرانه‌ای که داشتند، آنها را شهید اعلام کردند، اقدام بسیار بجایی بود. نه اینکه جمعیتی که به خیابان آمده بودند را ضد جمهوری اسلامی بدانیم. بخش اندکی از آنها ضد جمهوری و عوامل سرویس‌های جاسوسی بودند. ولی اکثریت آنها که به خیابان آمده بودند، به عنوان اعتراض آمده بودند. غافل از اینکه سازماندهی و جهت‌دهی این اعتراضات، توسط دشمنان انجام شد. حمله به ادارات دولتی و فرمانداری‌ها و مساجد و پایگاه‌های بسیج و مقرهای انتظامی و نظامی، چیزی فراتر از اعتراض مردمی بود و کشور را به مخاطره انداخت.

آقای رئیس جمهور البته پیش از اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی هم تأکید داشتند که زمینه بروز اعتراضات را باید دید. چنان که چند جلسه هم همان اوایل اعتراضات با فعالان اقتصادی و اصناف برگزار کردند و حرف‌ها و مشکلات آنان را شنیدند. آیا اطلاع دارید که بعد از حوادث تلخ ۱۸ و ۱۹ دی هم ایشان چه در جلسات دولت و چه در جلسات با سران قوا همین موضع را داشتند که باید پیش زمینه‌های بروز اعتراضات و ایجاد زمینه برای سوء استفاده مخالفان و دشمنان را هم تحلیل و بررسی کرد و در مواجهه پسینی با معترضان مد نظر داشت؟

آن اتفاقات واقعیت تلخی است که هنوز هم با آن مواجه هستیم و نباید از آن غافل شویم. به هر حال یک ملت با جمعیت نزدیک به ۹۰ میلیون هستیم. اولاً باید تکثر فکری و سیاسی و اجتماعی و زیستی را بپذیریم. نمی‌توانیم فرمان دهیم همه یک جور زندگی کنند و بیندیشند و عمل کنند. باید در چارچوب منافع و ارزش‌های ملی و دینی خود، زیست اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم را تعریف کنیم. اگر این چارچوب را محدود به یک تفکر خاص کنیم، قطعاً چالش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی خواهیم داشت. پس از جنبه سیاسی - اجتماعی، باید نگاه وسیع‌تری داشته باشیم که آقای پزشکیان در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش به این تأکید می‌کند که باید اقوام و افکار مختلف و جریان‌های سیاسی و زیست‌های مختلف اجتماعی را به رسمیت بشناسیم و تقابل با مردم، هیچ گاه راهکار انسجام ملی نیست. هم در جلسات علنی و هم در جلسات غیرعلنی چه در شورای عالی امنیت ملی و چه مذاکراتی که با رهبر شهید داشته‌اند، به این نکته توجه داشته و دارند که من رئیس جمهوری ۹۰ میلیون هستم و باید خواسته‌ها و مطالبات منطقی و مشروع و قانونی مردم را نمایندگی کنم. بخشی از جامعه که در حاکمیت هم هستند، ممکن است این تفکر را نپذیرند اما دکتر پزشکیان تمام تلاشش این است که این وفاق را با آنها شکل دهد تا تکثر و تنوع و رنگین کمان فکری و اجتماعی و سیاسی مردم را بپذیریم. در این صورت ملت واحدی خواهیم بود، همان‌طور که در جنگ ۱۲ روزه و در جنگ رمضان نشان دادیم. آدم‌هایی با پوشش‌های غیرمتعارف ولی پرچم به دست و پرچم به دوش زیر بمباران بودند. در تلویزیون اینها را نشان می‌دادند. عزیزانی که در خارج بودند و به لحاظ سیاسی هم خیلی همراه با برخی سیاست‌های رسمی نبودند، بیانیه‌هایی صادر کردند و همبستگی خود را با مردم نشان دادند. این است که آقای پزشکیان می‌گوید ایران متعلق به همه مردم است.

خیلی از این چهره‌هایی که حتی با مواضع نظام زاویه داشتند هم به حمایت از کشور و مردم برخاستند و تجاوز را محکوم کردند چون پای منافع ملی در میان بود سؤالم این است...

بحث ما همین است که خط قرمز خود را منافع ملی تعریف کنیم. هرکسی در چارچوب منافع ملی و مصالح ملی قدم برمی‌دارد، باید با او آزادانه رفتار کنیم و او باید آزاد باشد. اگر این کار را کنیم، خیلی از شکاف‌ها و تنش‌های اجتماعی و سیاسی ما کاملاً از بین می‌رود.

آیا بعد از چنین واکنش‌هایی، طرح بحثی نشده است که با اتخاذ سیاست‌هایی زمینه‌ها برای رفع برخی سوء تفاهم‌ها فراهم شود و با تدابیری زمینه بازگشت این چهره‌های سیاسی به کشور مهیا شود؟ چنانکه سیاست دولت هم از ابتدا فراهم کردن زمینه برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور و استفاده از ظرفیت‌های آنان بوده است؟

در این راستا تلاش می‌شود. واقعیت این است که بخشی از آن در اختیار دولت است. ما گفت‌وگو می‌کنیم که بپذیرند. من به شخصه درباره خیلی از جریان‌ها، بسیار گفت‌وگو کرده‌ام. در مواردی نتیجه هم گرفته‌ایم.

به نظر من جنگ رمضان شکاف زخمی که بر پیکره اجتماعی خورده بود را به طور موقت ترمیم کرد. همه به این برگشتند که کیان ایران در معرض خطر است و سینه‌ها را از کینه‌های ناشی از اتفاقات ناگوار بشوییم. این خودش کمک کننده بود و باعث انسجام ملی شد. در جنگ رمضان، میادین ما پر از انسان‌هایی با افکار و اندیشه‌های متفاوت بود. هرچند برخی می‌خواهند آن را به نفع خود مصادره کنند. در حالی که میدان متعلق به آحاد مردم ایران است. بخشی از آنها ممکن است تفکری دیگر به‌جز این تفکر داشته باشند. ولی آقای دکتر پزشکیان تمام تلاشش بر وفاق ملی است و تا حدود زیادی هم موفق شد که این انسجام ملی را شکل دهد. اگر چه در شرایط جنگی مسائل و دغدغه‌های امنیتی پر رنگ می‌شود، ولی تمام تلاش ما در دولت این است که درشرایط جنگی هم برخی ملاحظات زمینه‌ساز تضییع حقوق مردم نشود.

مهم این است که یک سری تصمیم‌ها را به موقع و در جای خودش بگیریم. الان محور اکثر تحلیل‌هایی که درباره تفاهمنامه و جنگ و صلح گفته می‌شود، ناظر بر این است که این پیروزی‌ها را باید تثبیت کنیم. قاعدتاً مسیر و راه آن هم مذاکره و دیپلماسی است. اینکه در شورای عالی امنیت ملی با یک ترکیب اکثریت قریب به اتفاق «۱۲ نفر از ۱۳ نفر» در بحث امضای تفاهمنامه به جمع بندی می‌رسند و رأی می‌دهند را باید درهمین راستا ارزیابی کرد. یعنی قوه عاقله نظام معتقد است که باید این پیروزی‌ها نقد و تثبیت شوند؟

دقیقاً همین طور است. به نظرم ما در حال حاضر در اوج قدرت نظامی و ملی خود هستیم. از طرفی قدرت نظامی خود را به اثبات رساندیم و از سوی دیگر انسجام ملی خود را حفظ کرده‌ایم. اقتصاد ما سرپا است و دچار فروپاشی اقتصادی و نظامی نشده‌ایم. بنابراین آقای دکتر پزشکیان با استدلال‌هایی که داشتند و البته رئیس محترم مجلس و شهید لاریجانی در زمانی که بودند و رئیس قوه قضائیه و فرماندهان نظامی با هم همدلند. این مدیون وفاق است. فرماندهان نظامی قانوناً زیر نظر رهبر انقلاب هستند؛ مقام رهبری، فرمانده کل قوا هستند. جنگ و صلح را ایشان (مقام رهبری) باید دستور دهند. ولی شخص آقای پزشکیان رئیس شورای عالی امنیت ملی است. ایشان هستند که باید جمع‌بندی و جلسات را برگزار کنند و نقطه نظرات افراد مختلف را بشنوند و در نهایت به یک اجماع برسانند. این اجماع سازی توسط آقای دکتر پزشکیان صورت گرفته است. اتفاقی که در موضوع تفاهمنامه افتاد، به نظر من سند افتخار دیپلماسی ایران و آقای پزشکیان است.

اجازه دهید جمله آقای پزشکیان را بخوانم که توضیح شما کامل‌تر باشد. ایشان در پیام خود تأکید داشتند که «باور دارم این تفاهمنامه مرکز ثقل روابط خارجی ما در آینده خواهد بود.» شما چه تعبیر خاصی از این موضوع دارید؟

اولاً ما با قدرت در مذاکرات منتهی به توافقنامه اسلام آباد حاضر شدیم و توانستیم منافع خود را در تفاهمنامه بگنجانیم. باید ببینید که در این ۱۴ بند، چند بند آمریکا تعهد می‌کند. در بند اول، برای پایان جنگ، آمریکا محور مقاومت را به رسمیت می‌شناسد. یعنی ایران را در جنگ لبنان، ذی مدخل می‌داند. یعنی رئیس جمهوری آمریکا امضا می‌کند که در همه عرصه‌ها از جمله لبنان، جنگ متوقف شود. صحبت‌های اخیر رهبر حزب‌الله مؤید تفاهمنامه است. بند دوم تفاهمنامه که به نظرم فراز مهمی است، می‌گوید ایران و آمریکا متعهد می‌شوند که تمامیت ارضی یکدیگر را به رسمیت بشناسند. یعنی ایران به آمریکا حمله نکند و آمریکا هم به ما حمله نکند. هماوردی را ببینید. در ادامه می‌گوید ایران در امور داخلی آمریکا مداخله نکند و آمریکا نیز در امور داخلی ما مداخله نکند. با کسی تفاهمنامه امضا می‌کنیم که ادعای رهبری و آقایی دنیا را دارد و بالاترین قدرت نظامی را دارد. در کنار امضای رئیس جمهوری ایران، رئیس جمهوری آمریکا متعهد می‌شود که تمامیت ارضی ایران را به رسمیت بشناسد و دیگرحق مداخله ندارد. ایران هم متقابلاً این را اعلام می‌کند. این موضوع که آقای دکتر پزشکیان از آن به عنوان یک نقطه ثقل نام می‌برد، برای این است که با بالاترین قدرت جهان، موضع برابر داریم و در یک سطح گفت‌وگو می‌کنیم. ما یک ملت و کشور هستیم و آمریکا هم با همه قدرتش یک ملت و کشور است و نباید در گفت‌وگو احساس برتری کند. بقیه بندها هم همین است که اکثراً آمریکا متعهد می‌شود. یکی از تعهدات ایران این است که ما هیچ گاه سلاح هسته‌ای نمی‌سازیم. این فتوای رهبر شهید است و لذا ما چیز جدیدی تعهد نداده‌ایم. این تقریباً تنها تعهدی است که ایران داده است و همچنین تردد تنگه هرمز را به قبل از جنگ برگرداند و با سازوکاری که با عمان هماهنگ می‌کنیم، بعداً مدیریت آن را به عهده خواهیم گرفت. آمریکا باید تمام تحریم‌ها به بهانه‌های مختلف را بردارد. بعد از آن تعهد می‌کند که برای بازسازی آسیب‌های ایران، صندوقی با کمک شرکایش به مبلغ ۳۰۰ میلیارد دلار برای توسعه ایران ایجاد کند. این شروع شده بود و حساب‌ها داشت باز می‌شد و آمریکا تحریم‌ها را برداشته بود. به دلایلی که رخ داد، روند متوقف شد. به محض اینکه آمریکا به تعهداتش برگردد و تنگه را با نظر مقام معظم رهبری باز کنیم، به تفاهمنامه برخواهیم گشت. این تفاهمنامه نقطه ثقل روابط خارجی ما با همسایگان و کشورهای اروپایی و آمریکاست. همسایگان ما دیگر قدرت نظامی و موشکی ما را درک کرده و به رسمیت شناخته‌اند. هیچ صحبتی از محدودیت قدرت موشکی ایران در آن تفاهمنامه نبود و نیست. این خیلی مهم است. در حالی که رئیس جمهوری آمریکا محدودیت قدرت موشکی و نابودی قدرت هسته‌ای ایران را مطرح می‌کرد. همه اینها به کنار رفت و ایران کشوری شده است که می‌تواند به طور برابر با آمریکا گفت‌وگو کند. اینکه آقای پزشکیان از آن به عنوان نقطه ثقل در سیاست خارجی نام می‌برند، یعنی برابری ایران با ابرقدرت جهان.

> آن‌هایی که دم از ادامه جنگ می‌زنند، برای ما مشخص نیست که تا کجا می‌خواهند بجنگند؟ آیا جنگ منافع ما را تأمین می‌کند؟ اگر چنین بود، رهبری اجازه آتش‌بس نمی‌دادند. هم رهبری دکتر پزشکیان و هم فرماندهان نظامی وطن خود را دوست دارند. بنابر این بهتر است موضوع پایان جنگ و تفاهمنامه را به رهبری و سازوکارهای تعبیه شده قانونی برای تصمیم‌گیری موکول کنند

به تفاهمنامه و اجماعی اشاره کردید که در شورای عالی امنیت ملی انجام شد. باز اشاره کردید که فرمان جنگ و صلح با رهبر انقلاب اسلامی است. با این وصف اقلیت مخالف مذاکره و تفاهمنامه چرا رئیس جمهوری و قالیباف و عراقچی را مخاطب نقدها و گاهاً تخریب‌های خود قرار می‌دهند؟ شما چه درک و تفسیری از موضع آنان دارید؟

وقتی صحبت از جنگ می‌کنند، باید مشخص شود جنگ تا کجاست؟ بالاخره پایان هر جنگی، مذاکره است. مگر ما بعد از هشت سال با صدام مذاکره نکردیم؟ مگر نمی‌گفتیم صدام یزید کافر؟ امام درباره عربستان چه تعابیری به کار برد؟ گفت ما اگر از صدام بگذریم از آل سعود نمی‌گذریم. روابط بین‌الملل، صفروصد نیست.

متأسفانه صداوسیما هم در دامن زدن به این فضا مؤثر است. به نظرم دفاع، مقدس است اما جنگ خوب نیست. اگر حمله کردند باید تا پای جان دفاع کنیم و پاسخ بدهیم. هزاران سال است که می‌گوییم «چو ایران نباشد تن من مباد، بدین بوم و بر زنده یک تن مباد». با این حال ما جنگ‌طلب نیستیم. برخی فکر می‌کنند باید آمریکا را فتح کنیم. آیا فرماندهان نظامی هم این ایده را قبول دارند؟ مگر وطن پرست‌تر از آقای عبداللهی یا آقای سرلشکر حاتمی و وحیدی و دیگر عزیزان شعام سراغ دارند؟ آقای قالیباف سال‌ها در جبهه بوده و آقای عراقچی بسیجی بوده است. خود ما همه بسیجی و در جنگ بوده‌ایم. آقای دکتر پزشکیان اکثر عملیات‌ها را در لشکر عاشورا بود. ما از جنگ نمی‌ترسیم. ولی عوارض جنگ را با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده‌ایم. ما پرپر شدن دوستانمان را دیده‌ایم. ما شهادت رهبر خود و فرماندهانمان را دیدیم. ما شهادت پاکپور و سلامی و حاجی‌زاده و موسوی را دیدیم. حیف شد که این عزیزان را از دست دادیم.

در عین حال، ما دشمن خود را شکست دادیم. نگذاشتیم به اهداف خود برسد و الان به دنبال تأمین منافع خود و تثبیت آن پیروزی‌ها و دستاوردها هستیم. آن‌هایی که دم از ادامه جنگ می‌زنند، برای ما مشخص نیست که تا کجا می‌خواهند بجنگند؟ آیا جنگ منافع ما را تأمین می‌کند؟ اگر چنین بود، رهبری اجازه آتش‌بس نمی‌دادند. هم رهبری هم دکتر پزشکیان و هم فرماندهان نظامی وطن خود را دوست دارند. بنابر این بهتر است موضوع پایان جنگ و تفاهمنامه را به رهبری و سازوکارهای تعبیه شده قانونی برای تصمیم‌گیری موکول کنند.

اختلاف نظرها درباره تفاهمنامه و مذاکره از حدومرزهای انتقاد گذشت و بخصوص در روزهای اخیر به طرح ادعاهایی درباره استعفای رئیس جمهوری و اختلاف‌افکنی میان مسئولان کشور و... کشیده شده است. فکر می‌کنید ممکن است بخشی از این خبرسازی‌ها و مخالفت‌ها ناظر بر تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی باشد؟

۱۲ نفر از اعضای محترم شعام به امضای تفاهمنامه رأی مثبت داده‌اند و یک نفر رأی منفی. اما صدای طیف وابسته یا نزدیک به همان یک نفر از همه بلندتر است. این نشان می‌دهد که مواضع این طیف چندان با حاکمیت، هارمونی ندارد. این مواضع با آن مواضع فرماندهان نظامی ما که منسوب رهبری هستند همخوان نیست. دکتر پزشکیان به اذن رهبری تفاهمنامه را امضا کرده است. مگر می‌شود چیزی را به مقام معظم رهبری تحمیل کرد؟ دیدیم که دفتر رهبر معظم انقلاب آن ادعای نادرست درباره استعفای رئیس جمهوری که انسجام ملی ما را هدف گرفته بود، تکذیب کردند. اینها راه به جایی نخواهند برد. اکثریت مردم ایران، مدافع دفاع جانانه از کشور هستند و نه جنگ.

با توجه به مذاکراتی که در جریان است، اگر این تفاهمنامه به شکلی احیا شود و در چارچوب مکانیزم‌های تصمیم‌سازی موجود در جمهوری اسلامی باشد، تصور می‌کنید که آقای دکتر پزشکیان همچنان محکم در برابر این مخالفت‌ها خواهند ایستاد؟

قطعاً همینطور است. تفاهمنامه، منافع ملی را حفظ می‌کند. اگر به تفاهم برسیم و درباره تنگه هرمز به این جمع‌بندی برسیم که آن را باز کنیم، آمریکا قطعاً تمکین خواهد کرد. همان‌طور که یکی از عزیزان نظامی اعلام کرد که اگر آمریکا حسن نیت خود را نشان دهد، ما به تفاهمنامه بر خواهیم گشت. تفاهمنامه، منافع ملی را تضمین می‌کند. تفاهمنامه چیزی است که برای ایران در عرصه بین‌المللی عزت‌آفرینی کرده است و در عرصه داخلی هم امیدواریم با بهره‌برداری درست از این تفاهمنامه و اجرای دقیق آن، آسایش و رفاه و صلح را برای مردم به ارمغان بیاوریم. تمام تلاش آقای دکتر پزشکیان همین است که این تفاهمنامه را اجرا کنند. اصلاً تعهد دادند و امضا کردند که متعهد به اجرای این تفاهمنامه هستم. بدعهدی آمریکا را باید مهار کرد. باید با ترفندهای طرف مقابل مقابله کنیم. باید دیپلماسی جواب دیپلماسی را بدهد. هروقت هم نیاز بود، از قدرت نظامی خود استفاده کنیم. دکتر پزشکیان معتقد است که با گفت‌وگو و استفاده از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای می‌توانیم آمریکا را مهار کنیم.

• برش •

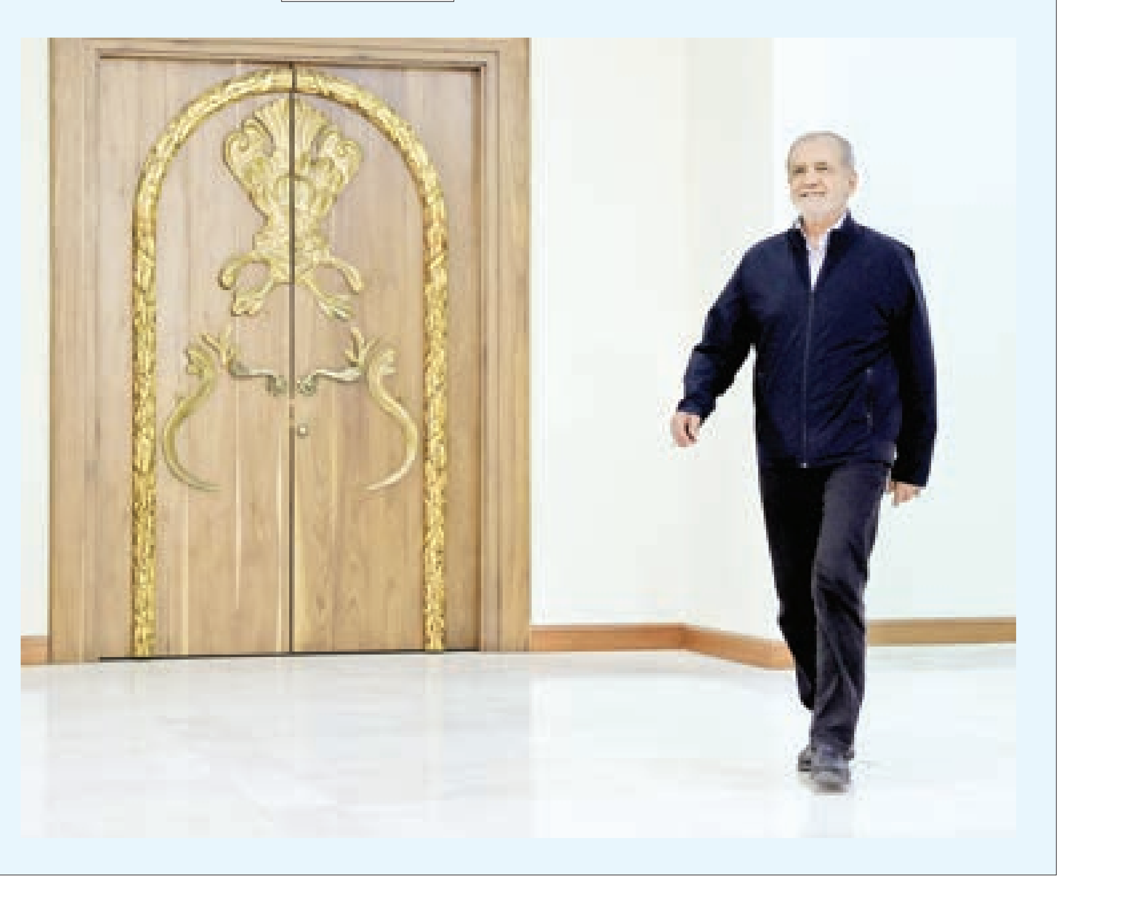

اشاره کردید که آقای پزشکیان بعد از شروع جنگ برای تأمین مایحتاج مردم، کمک به نیروهای مسلح و حفظ انسجام ملی تلاش کردند و همزمان در تکاپو بودند که با حفظ اقتدار کشور، دامنه و زمان جنگ هم گسترده و طولانی نشود. آیا همین تلاش‌ها در نهایت منجر به امضای تفاهمنامه بین رئیس جمهوری ایران و آمریکا شد که در نوع خود بی سابقه بود؟

واقعیت این است که قبل از اینکه رهبر عزیز ما شهید شود، دکتر پزشکیان ارتباط تنگاتنگی با ایشان داشت. برخی اوقات یک روز در هفته حتماً خدمت ایشان می‌رفتند و با ایشان مذاکره می‌کردند. حتی گاهی دو بار در هفته خدمت رهبری می‌رفتند و با هم گفت‌وگو می‌کردند. ایشان یک پشتوانه قوی برای حل مشکلات دولت بودند. خیلی وقت‌ها کمک می‌کردند. اگر مشکلی در زمینه اقتصادی و کمبود ارز داشتیم، با نامه شخص آقای دکتر پزشکیان، از صندوق ارزی اجازه برداشت می‌دادند. موارد متعدد دیگری وجود داشت که به دکتر پزشکیان تفویض اختیار یا حتی توصیه می‌کردند. حتی جایی سراغ دارم که درباره یک موضوع نظامی گفته بودند که هرچه آقای پزشکیان بگویند. چون باهم هماهنگ بودند و مطمئن بودند که دکتر پزشکیان در این چارچوب عمل می‌کند.

در رابطه با جنگ، واقعیت این است که اجرای امور کشور با رئیس جمهوری است. از خزانه و منابع ارزی اطلاع دارد، از میزان ذخیره استراتژیک غذایی و دارویی اطلاع دارد. از میزان واردات و صادرات نفت و پتروشیمی مطلع است. ممکن است هر وزارتخانه‌ای اطلاعات خود را داشته باشد. ولی رئیس جمهوری همه اینها را یکجا دارد، پس مسئول اداره کشور است. اداره کشور از نظر اجرایی با رئیس جمهوری است. قطعاً دغدغه‌ها و آینده و چشم‌انداز یک ماهه و دو ماهه و چند سال آینده را بهتر می‌بیند. در چنین شرایط سختی با تبعات مشخص اقتصادی، رئیس جمهوری تأکید داشتند که باید عزت خودمان را هم حفظ کنیم.

قبل از جنگ هم البته تورم ۴۰-۳۰ درصدی داشتیم که بعد از جنگ بیشتر شد. در همه جنگ‌ها تورم بالا می‌رود. در جنگ روسیه و اوکراین حتی تورم جهانی داشتیم. جنگ به این عظمت که اثر شدیدی روی اقتصاد جهان داشت، طبیعی بود که روی اقتصادخودمان هم اثر منفی داشته باشد.

با این نگاه، آقای پزشکیان یک بار ملاقاتی با رهبر فعلی انقلاب داشتند و مشکلات و شرایط کشور را تبیین کرده بودند. در نهایت چه بعد از جنگ ۱۲ روزه و چه بعد از جنگ رمضان، ما دفاع را حق مشروع خود می‌دانیم و جلوی هیچ قلدر و زورگویی از جمله آمریکا سر خم نمی‌کنیم و تسلیم نمی‌شویم. خیلی از استانداری‌ها و مردم و نهادهای دولتی، تمام تلاش‌شان این بود که از لحاظ پشتیبانی لجستیک، تغذیه و خودرو و سوخت، کمبودی برای نیروهای مسلح بوجود نیاید. موفق شدیم تا کمک خوبی به پایداری و تاب‌آوری نیروهای مسلح داشته باشیم و علاوه بر آن، قدرت حمله و آفندی آنها را در حدی که مربوط به دولت باشد کمک کردیم تقویت شود.

یکی دیگر از وظایف ما این بود که در طول جنگ، دولت بتواند مردم را در صحنه نگه دارد و فشار اجتماعی و بخصوص معیشتی به مردم نیاید که البته موفق هم بودیم. ولی باتوجه به جمیع جهات، طبیعی است که دکتر پزشکیان این روحیه را دارند که با مذاکره و گفت‌وگو و همزمان با حفظ اقتدار ملی بتوانیم به صلح و تفاهم پایدار برسیم.

الان تقریباً دشمن را شکست داده‌ایم و توانسته‌ایم کاری کنیم که هیچ کدام از اهداف دشمن محقق نشود. دشمنی که صحبت از نابودی ایران و برگرداندن ایران به عصر حجر و تغییر رژیم و نابودی و اشغال و تجزیه ایران می‌کرد، به هیچ کدام از اهدافش نرسید و این یعنی پیروزی. چرا ما می‌گوییم در جنگ هشت ساله پیروز شده‌ایم؟ ما که صدام را از بین نبردیم. همین که یک متر از خاک کشور خود را به عراق ندادیم، یعنی پیروزی. این است که جمهوری اسلامی کماکان در مقابل دشمن ایستاده است و تنگه هرمز را توانستیم ببندیم، حمل‌ونقل انرژی جهان را به دلیل اهمیتی که داشت، مختل کردیم و به همه پایگاه‌های آمریکا در منطقه حمله کردیم. اینها نشان از این است که دفاع خوبی کردیم و دشمن به هیچ کدام از اهدافش دست نیافت. چه در حمله نظامی و چه در داخل که اغتشاش ایجاد کرد تا به انسجام ملی ما ضربه بزنند اما موفق نشد؛ این پیروزی است.

• یادداشت •

«وفاق» در مسیر اصلاح سیاست‌های حکمرانی

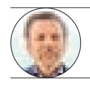

محمود واعظی
رئیس دفتر رئیس جمهور در دولت دوازدهم

دولت چهاردهم در شرایطی مسئولیت اداره کشور را بر عهده گرفت که کشور و منطقه در شرایط امنیتی و جنگی قرار گرفت. مسائل امنیتی، فشارهای اقتصادی، تحولات منطقه‌ای، جنگ و پیچیده‌تر شدن مناسبات بین‌المللی، فضای تصمیم‌گیری را از یک دوره عادی به دوره‌ای حساس و پرهزینه تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، قضاوت درباره عملکرد دولت نیازمند انصاف و واقع‌بینی است. تجربه کشورهایی مانند ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که در دوره‌های دشوار، دولت‌ها ناگزیرند میان اهداف بلندمدت و محدودیت‌های فوری تعادل برقرار کنند. ژاپن در سال‌های پس از جنگ، به جای آنکه همه اصلاحات و اهداف توسعه‌ای خود را یک‌باره دنبال کند، اولویت‌های خود را با شرایط موجود هماهنگ کرد و به تدریج ظرفیت اقتصادی، اجتماعی و نهادی کشور را در مسیر سازندگی بازسازی کرد. البته تجربیات این چنینی عیناً قابل انتقال به ایران عزیز نیست، اما یک اصل مهم را یادآوری می‌کند: «در شرایط غیرعادی، موفقیت حکمرانی تنها به درستی تصمیم‌ها وابسته نیست، بلکه به زمان‌بندی، ترتیب اولویت‌ها و توانایی جامعه برای همراهی با آنها نیز بستگی دارد.»

دولت چهاردهم در مدت تصدی ۲ ساله خود تلاش کرده است امور اجرایی کشور را در چنین فضایی پیش ببرد و با لحاظ کلیه شرایط، توفیق قابل قبولی داشته است. با این حال، میان تلاش و نتیجه، فاصله‌ای وجود دارد که باید آن را جدی گرفت. در نهایت، مردم عملکرد دولت را نه با میزان دشواری کار مدیران، بلکه با اثری که تصمیمات دولتمردان بر زندگی و معیشت اجتماعی می‌گذارد، ارزیابی می‌کنند. این واقعیتی است که هیچ دولت مردم سالاری نمی‌تواند از آن چشم بپوشد. در چنین شرایطی، یکی از مسائل مهم دولت، ارزیابی عملکرد مدیران در دوسال گذشته است. وفاق نباید به معنای حفظ مدیرانی باشد که توانایی اجرای سیاست‌های دولت را ندارند. «وفاق»، آن زمان معنا می‌یابد که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ظرفیت‌های مختلف کشور را برای حل مسائل مشترک کنار یکدیگر قرار دهد. اگر مدیری فرصت کافی داشته اما نتوانسته است مسئولیت خود را به نتیجه برساند، یا در مسیر سیاست‌های رسمی دولت حرکت نمی‌کند، ادامه حضور او نمی‌تواند صرفاً با عنوان وفاق توجیه شود. دولت باید در این زمینه شجاعانه و در عین حال منصفانه عمل نماید.

تغییر مدیران نباید به تسویه حساب سیاسی مبدل و وابستگی جناحی جایگزین شایستگی شود. ضروری است تا معیار توانایی، تجربه، پاکدستی، پاسخگویی و قدرت اجرا ملاک تصمیم دولت باشد. این همان نقطه‌ای است که اعتدال معنای واقعی خود را پیدا می‌کند؛ نه حذف افراد به دلیل اختلاف نظر و نه حفظ افراد به دلیل ملاحظات سیاسی، بلکه معیار، کارآمدی و عملکرد مدیران است. آنچه باید تعیین‌کننده باشد، منافع عمومی، کارآمدی نظام اجرایی کشور و افزایش رضایت مردم است.

وفاق در سطح ملی نیز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. ایران در شرایطی قرار گرفته که نباید اختلافات سیاسی به شکاف اجتماعی تبدیل شود. جامعه ممکن است دیدگاه‌های متفاوت داشته باشد و این تفاوت طبیعی است. مسأله اصلی آن است که اختلافات در چارچوب قانون و گفت‌وگو مدیریت شوند و به دشمنی و گسست اجتماعی نینجامند. هر اندازه جامعه منسجم‌تر باشد، کشور در برابر فشارهای خارجی نیز توان بیشتری خواهد داشت. این موضوع با سیاست خارجی کشور نیز ارتباط مستقیم دارد؛ قدرت یک کشور فقط در ابزارهای اقتصادی، نظامی یا سیاسی آن خلاصه نمی‌شود. اعتماد مردم به تصمیمات ملی و میزان انسجام داخلی نیز بخشی حائز اهمیت از قدرت کشور است. دیپلماسی زمانی می‌تواند با قدرت بیشتری عمل کند که طرف مقابل بداند کشور از پشتوانه اجتماعی و اراده ملی برخوردار است. از این منظر، وفاق و اعتدال صرفاً مفاهیم مرتبط به سیاست داخلی نیستند، بلکه می‌توانند به افزایش قدرت ملی در عرصه خارجی کمک کنند. در حوزه اقتصاد نیز ضروری است دولت میان ضرورت «اصلاح» و «زمان مناسب اصلاح» تفاوت قائل شود. ممکن است یک تصمیم اقتصادی از نظر کارشناسی صحیح و مطلوب باشد، اما زمان اجرای آن مناسب نباشد. هر سیاستی که مستقیماً بر زندگی مردم اثر می‌گذارد، علاوه بر محاسبات اقتصادی، به ملاحظات اجتماعی و روانی نیز نیاز دارد. تصمیم درست اگر در زمان نادرست و بدون پیوست اجتماعی و آماده‌سازی جامعه اجرا شود، ممکن است نتیجه‌ای متفاوت از هدف اولیه داشته باشد.

دولت نباید از اصلاحات اقتصادی ضروری فاصله بگیرد، اما باید از تصمیماتی که فشار آنها بلافاصله بر زندگی مردم ظاهر می‌شود و منافع آنها در آینده‌ای نامعلوم قرار دارد نیز با احتیاط عبور کند. اعتدال اقتصادی یعنی پذیرفتن ضرورت اصلاح، بدون نادیده گرفتن توان جامعه برای تحمل هزینه‌های آن. حق مردم است که بدانند چرا یک تصمیم گرفته می‌شود، چه هزینه‌ای خواهد داشت و در نهایت چه منفعتی برای آنان ایجاد خواهد کرد. اعتماد عمومی نیز از همین مسیر بازسازی می‌شود. مردم بیش از آنکه به سخنان رسمی توجه کنند، نتیجه تصمیمات را در زندگی روزمره خود می‌بینند. ثبات اقتصادی، پاسخگویی مدیران، پرهیز از تصمیمات ناگهانی و احساس اینکه دولت مشکلات واقعی مردم را می‌فهمد، پایه‌های اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند. وفاق نباید به سکوت منتقدان تعبیر شود و نباید مدیران را از پاسخگویی معاف کند. وفاق یعنی اختلافات سیاسی در مسیر قانون و گفت‌وگو باقی بماند و ظرفیت کشور صرف حل مشکلات مردم شود. اگر دولت بتواند میان اصلاح و ملاحظه، اقتدار و گفت‌وگو، ضرورت اقتصادی و توان اجتماعی تعادل ایجاد کند، وفاق از یک شعار سیاسی فراتر خواهد رفت و به یک شیوه حکمرانی تبدیل خواهد شد. در این نگاه، اعتدال به معنای ایستادن در نقطه‌ای میان دو جریان سیاسی نیست. اعتدال یعنی در تصمیمات بزرگ، نه اسیر هیجان شد و نه گرفتار ترس از اصلاح. یعنی منافع ملی را دید، شرایط جامعه را فهمید و در زمان مناسب تصمیم گرفت. کشوری که با دشواری‌های بزرگ روبه‌روست، بیش از شعار به عقلانیت، بیش از اختلاف به نتیجه و بیش از تقابل به همراهی نیاز دارد. راه عبور از این شرایط، نه کنار گذاشتن تغییر است و نه تحمیل آنها بر جامعه. طریق صحیح، اصلاح مسئولانه، تصمیم سنجیده و حفظ سرمایه‌ای است که از همه چیز مهم‌تر است و اصلاح سیاستهای حکمرانی و اجرای برنامه‌ها باید با هدف افزایش «رضایت» و «اعتماد مردم به آینده کشور» باشد.

در این مسیر، همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی موظف‌اند در کنش‌ها و حتی نقدهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که اختلاف‌نظرها به قطبی‌سازی، گسست اجتماعی و تضعیف سرمایه ملی منجر نشود، بلکه در خدمت اصلاح امور، افزایش کارآمدی و تقویت همبستگی قرار گیرد. عبور از شرایط دشوار پیش‌رو، بیش از هر زمان نیازمند ترجیح منافع ملی بر منازعات جناحی و تقویت اعتماد و امید عمومی است. دولت نیز با وجود توفیقات و اقدامات قابل توجه طی دو سال گذشته، بویژه در مدیریت شرایط دشوار جنگ تحمیلی دوازده‌روزه و مسائل مرتبط با دفاع مقدس رمضان، ضروری است با جدیت و سرعت بیشتری برای ایجاد گشایش‌های ملموس در اقتصاد و معیشت مردم، مهار فشارهای زندگی و بهبود وضعیت سفره خانوارها تلاش کند. چرا که انسجام و اعتماد ملی صرفاً با سخن و توصیه شکل نمی‌گیرد؛ مردم باید آثار آن را در زندگی روزمره خود لمس کنند. ایجاد گشایش اقتصادی و تقویت امید به آینده، از مهم‌ترین الزامات تحکیم سرمایه اجتماعی و پشتوانه‌ای برای عبور کشور از شرایط پیچیده پیش‌رو است. امروز، تقویت انسجام و وحدت ملی، ضرورتی راهبردی برای اتمام پیروزمندانه جنگ و حل معضلات داخلی و خارجی و شرط عبور موفق از معادلات پیچیده و صیانت از منافع و مصالح ملی است.

> همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی موظف‌اند در کنش‌ها و حتی نقدهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که اختلاف‌نظرها به قطبی‌سازی، گسست اجتماعی و تضعیف سرمایه ملی منجر نشود، بلکه در خدمت اصلاح امور، افزایش کارآمدی و تقویت همبستگی قرار گیرد

پایداری
ایران
پرونده عملکرد دو ساله رئیس جمهوری
دوشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۵
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال سی و دوم
شماره ۹۱۰۵
Monday
24 August 2026
Vol 9105

مرور مهم‌ترین تحولات دولت و دغدغه‌های رئیس جمهوری در گفت‌وگو با محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور

پزشکیان استراتژیک عمل می‌کند

• گفت‌وگو •

ابراهیم بهشتی - رضوانه رضایی‌پور/ دشواری پیمودن مسیر پیش رو از همان روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت چهاردهم معلوم بود. آنان که ورای بحث‌های هیجانی، تحولات جامعه را بر اساس واقعیات، امکانات و تهدیدات ارزیابی می‌کردند، می‌دانستند که مسعود پزشکیان بر خلاف برخی ادعاها مبنی بر اینکه او «اسب زین کرده تحویل گرفته» هم وارث مشکلات قابل توجه داخلی اعم از وضعیت نامناسب اقتصادی، اعتماد عمومی آسیب‌دیده و... است و هم به لحاظ خارجی با توجه به حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید چشم‌انداز روشنی پیش رو نخواهد داشت. البته که این ارزیابی‌ها چندان هم بیراه نبود چه اسرائیل با اتکا به همین مؤلفه‌های داخلی و خارجی، در همان روز تحلیف رئیس‌جمهوری، با ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران اعلام جنگ داد. در ادامه کار هم دو جنگ به کشور و دولت تحمیل شد. با همه این دشواری‌ها و البته تبعات بخصوص اقتصادی که برای مردم در پی داشته، دولت چهاردهم در پایان روزهای کاری سال دوم و آغاز سومین سال کاری خود، همچنان سرپا ایستاده و اتفاقاً به اذعان بسیاری از کارشناسان با سلایق متفاوت سیاسی، کارنامه قابل قبولی را نیز از خود به جای گذاشته است. در این دو سال سخت بر مسعود پزشکیان چه گذشت؟ رئیس جمهوری چگونه دولت و کشور را در میانه این همه التهابات حفظ کرده است؟ او با اتکا به چه سرمایه و پشتوانه‌ای پای به این میدان گذاشت؟ برای پاسخ به این قبیل سؤالات شاید گزینه بهتری از محمد جعفر قائم‌پناه نبود. او که سابقه دوستی و همکاری دیرینه با پزشکیان دارد، نزدیکی با پزشکیان را در دولت چهاردهم هم حفظ کرد؛ آنجا که مسئولیت معاونت اجرایی رئیس جمهوری و سرپرستی نهاد ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. او در این گفت‌وگو روایت‌هایی از روزهای قبل از انتخابات ریاست جمهوری، چینش کابینه، همنشینی با پزشکیان و مقام مصری در شب ترور هنیه، هماهنگی‌های رئیس جمهوری با رهبری و مدیریت جنگ و تفاهمنامه دارد. به گفته قائم‌پناه، پزشکیان از ابتدا تلاش داشت جنگ گسترش نیابد و حالا هم همه توان خود را می‌گذارد تا تفاهمنامه امضا شده میان ایران و آمریکا به مرحله اجرایی برسد، چراکه این خواست اکثریت مردم ایران است.

دولت آقای پزشکیان در شرایطی آغاز به کار کرد که کشور هم به لحاظ داخلی و هم خارجی با بحران‌های مشخصی همراه بود. در حوزه داخلی، کاهش سرمایه اجتماعی را داشتیم که خود را در انتخابات نشان داده بود. شاخص‌های اقتصادی در وضعیت مطلوب و حتی مناسبی نبود. بماند که برخی‌ها روایت دیگری داشتند و معتقد بودند که دولت یک اسب زین شده را تحویل گرفته است. شرایط سختی بود و ما که بیرون گود بودیم پیش‌بینی می‌کردیم دولت کار سختی را پیش رو خواهد داشت. در روزهای اول و جلسات ابتدایی خود چه قبل از تشکیل دولت و چه در ابتدای شروع کار دولت، ارزیابی شما از چشم‌اندازی که با آن مواجه بودید چه بود؟ مشخصاً روی چه نقاط عطف و مؤلفه‌هایی حساب کرده بودید که بتوانید این مسیر را به سلامت طی کنید؟

خداقوت می‌گویم به شما و همه همکاران عزیزتان و همین طور به همه همکارانم در عرصه دولت از کارکنان دولت در روستاها تا شهرهای بزرگ. امیدوارم بتوانیم همچنان خادم خوبی برای مردم ایران در این شرایط پرچالش باشیم. قبل از اینکه آقای دکتر پزشکیان انتخاب شوند، شرایط خاص اجتماعی - سیاسی بر کشور حاکم بود. عدم مشارکت حدود ۵۰ درصدی مردم حاکی از آن بود که در عرصه داخلی نتوانسته‌ایم مردم را در عرصه تعیین سرنوشت خود مشارکت دهیم و این یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما بود. نمی‌دانم اگر آقای دکتر پزشکیان نمی‌آمدند، چه اتفاقی در وضعیت سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی می‌افتاد. با این پیش زمینه که وارد شدیم، روزهای تعیین کابینه با چالش‌های جدی مواجه بود. چراکه آقای پزشکیان می‌خواست گفتمان وفاق را در کابینه شکل دهد و در این مسیر با همه سختی‌هایی که داشت، تا حدودی موفق شدیم. می‌توانم بگویم از همه طیف‌های مختلف، لیست‌های مختلفی برای آقای دکتر پزشکیان فرستاد می‌شد و ایشان هم برای بررسی به شورای راهبردی که بنده عضو آن بودم می‌فرستاد. ماحصل آن، کابینه‌ای شد که بخشی از آن توسط شورای راهبردی پیشنهاد شد و بخشی دیگر هم به دلایل مختلف تغییراتی داده شد. یکی از چالش‌های ما گرفتن رأی اعتماد از مجلس بود. مجلس با تفکر آقای پزشکیان همسو نبود و گروهی اقلیت و شاید پر صدا می‌توانستند برای دولت چالش برانگیز باشند اما با حمایت رهبری به سلامت توانستیم رأی اعتماد کابینه را بگیریم. در حالی که دکتر پزشکیان در ساعت ۶-۵ عصر تنفیذ شدند و سوگند یاد کردند، همان شب اسماعیل هنیه در تهران ترور شد و به شهادت رسید. قبل از حادثه همان شب، اتفاقاً با آقای رئیس جمهوری سر یک میز نشسته بودیم. بنده و سفیر مصر بودیم و روبه‌روی ما آقای هنیه نشسته بود و درباره غزه صحبت شد و ساعاتی بعد ایشان به شهادت رسید.

در واقع این یک اعلام جنگ از سوی اسرائیل به دولت آقای پزشکیان بود.

عملاً اعلام جنگ بود. رژیم صهیونیستی قبلاً حملاتی به برخی تأسیسات ما کرده بود ولی در اینجا به وضوح مسئولیت آن را پذیرفت. این کار یک ترور ناجوانمردانه بود که در خاک ایران صورت گرفت. ایران می‌توانست همان زمان پاسخ دهد، ولی به دلایلی این کار را نکرد. یکی از کارهای مهمی که آقای دکتر پزشکیان در این مقطع حساس در آن نقش آفرینی کرد، هماهنگی با مقامات نظامی بود که انجام عملیات نظامی برای پاسخ به ترور شهید هنیه را به وقت مقتضی موکول کردند.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در آن مقطع، تحریم بود. آمریکا رجزخوانی می‌کرد و گزینه نظامی هم به قول خودشان روی میز بود. در عرصه بین‌الملل با این چالش جدی مواجه بودیم و در عرصه داخلی نیز مشکلات مختلف دیگری وجود داشت. در آن زمان دولت با بدهی‌های هنگفت، از جمله بدهی گندم‌کاران مواجه بود که امسال هم تا حدودی درگیرش هستیم. همینطور بدهی مربوط به بازنشستگان آموزش و پرورش و کادر درمان که در خیابان تجمع می‌کردند؛ این موضوعات چالش برانگیز بود.

پس اسب زین کرده‌ای تحویل نگرفته بودید؟

توضیح خواهم داد. درارتباط با قشر مهم آموزش و پرورش و بهداشت و درمان با چالش مواجه بودیم. ماه‌ها بود که پرستاران ما کارانه خود را نگرفته بودند. اضافه کارشان ساعتی ۲۰ هزار تومان بود. یعنی اگر یک پرستار ۱۰ ساعت کار می‌کرد ۲۰۰ هزار تومان به او اضافه کار می‌دادیم. شرمنده روی این عزیزان بودیم. چون خودمان پزشک بودیم درک می‌کردیم که شب را تا صبح بر بالین بیمار بودن چه معنایی دارد.

موضوع بعدی ما ناترازی سوخت بود. الان تقریباً قریب به سه میلیارد و دویست میلیون لیتر ذخیره گازوئیل برای فصل زمستان داریم. در حالی که در ابتدای مهرماه سال گذشته، این عدد کمتر از ۸۰۰ میلیون لیتر بود. همین دلیل باعث شد خاموشی‌های مکرر داشته باشیم و برخی موارد، نگرانی ما از سرمای سخت زمستان بود.

یک مقدار هم ناترازی در بخش‌های بانکی داشتیم و ناترازتر از همه اینها آمدن ترامپ بود؛ ما با ناترازترین رئیس جمهوری آمریکا مواجه شدیم. این ناترازی در همه عرصه‌های داخلی و خارجی ما اثرگذار بود و مسائل اجتماعی دیگر که ورود پیدا نمی‌کنم. آقای دکتر پزشکیان سر این موضوعات چالش برانگیز خیلی مدیریت کردند. اولاً توانستند با همه تفاوت‌های فکری که در مجلس وجود داشت، با رایزنی و صحبت‌هایی که با نمایندگان انجام دادند رأی کامل کابینه را بگیرند و از همین جا هماهنگی و همدلی با دیگر قوا و بخصوص مجلس را دنبال کردند. تا الان، بهترین و بیشترین اجماع و وفاق را در میان سران قوا داشتیم. به گفته بسیاری از ناظران سیاسی، در طول چند دهه گذشته، این میزان همدلی و وفاق در بین سران قوا نبوده است و این وفاق را مدیون تفکر آقای دکتر پزشکیان هستیم. در زمینه سوخت، شخصاً ورود کردند که چگونه سوخت را تأمین کنیم. موضوع پرداخت گندم‌کاران و حقوق پرسنل بهداشت و درمان را به روز دنبال می‌کردند. بنابراین با این چالش‌ها، دولت را تحویل گرفتیم.

شما به آقای دکتر پزشکیان نزدیک هستید. این وصفی که کردید، هر کسی در سطح رئیس جمهوری که با چنین اتفاقاتی مواجه است، می‌داند کار سختی در پیش دارد و شما و همه همکارانتان مسیر همواری را پیش رو نمی‌دیدید. مواجهه رئیس جمهوری در برابر این حجم از مشکلات و ناترازی‌ها چه بود؟

شاید یکی دو ماه قبل از انتخابات و وقتی آقای رئیسی شهید شدند، باهم دوستانه بحث می‌کردیم و مخاطرات پیش رو را دنبال می‌کردیم. انگیزه ایشان این بود که در حد اختیاراتشان برای ایران و جمهوری اسلامی باید همه هم و غم خود را به کار بگیریم تا شاید بتوانیم دردی از درد مردم را کم کنیم. با این نیت آمدند. نه اینکه از مشکلات پیش رو خبر نداشته باشند. آقای دکتر پزشکیان از سال ۱۳۷۳ در کار مدیریت کشور بوده است. رئیس دانشگاه، معاون وزیر، وزیر و چندین دوره نماینده مجلس و نایب رئیس مجلس بوده. ساختار قدرت را می‌شناخت و مشکلات را هم کامل می‌دانست. البته با رفاقت ۴۵ ساله‌ای که داریم می‌دانم که یکی از ویژگی‌های دکتر پزشکیان این است که استراتژیک عمل می‌کند و خیلی صبور است. این صبر خیلی او را کمک کرده است. دوماً اهل وفاق است.

می‌توان به نوعی گفت که این رویکرد وفاق به کمک دولت هم آمده است؟ تعبیر عامیانه این وفاق این بود که آقای دکتر پزشکیان سهم و امتیازاتی به گروه‌های رقیب را ناظر بر استراتژی بلند مدت خود دادند؟ آیا در مقابل مواردی هم هست که رویکرد وفاق، امتیاز مشخصی برای دولت در مسیر پیش بردن برنامه‌های خود ایجاد کرده باشد؟

اینکه در رویکرد وفاق بده بستان سیاسی شده باشد، درست نیست. دکتر پزشکیان هرچند ممکن است به نحله فکری اصلاح‌طلب‌ها و گاهی اصولگراها متصل باشند، ولی وابستگی سیاسی به جریان خاصی نداشتند. به قول خودش می‌گفت اصلاح‌طلبی هستم که بر اصول عدالت و انصاف پایبندم و این را دنبال می‌کنم. واقعیت این است که بده بستان سیاسی انجام نداد. ولی برای اینکه بتواند درون دولت انسجام ایجاد کند، سعی کرد از جریان‌های مختلف فکری در دولت باشند که وفاق را شکل دهند. این به نفع مردم شد. اگر مجلس در خیلی از مواقع همراهی نمی‌کرد، وزرای دولت رأی نمی‌آوردند و باید سرپرست می‌گذاشتیم، این باعث می‌شد که اداره امور کشور با توجه به چالش‌هایی که گفتیم سخت‌تر می‌شد. از طرفی تهدید دشمن را احساس می‌کردیم. در ماه‌های اول تمام تلاشمان این بود که ذخایر استراتژیک خود را مدیریت کنیم. چون احساس می‌کردیم ممکن است جنگی رخ دهد و تحریم‌ها شدیدتر شود. در طول همین سال هم اسنپ بک رخ داد و تشدید تحریم‌ها را به دنبال داشت. آقای دکتر پزشکیان رهبری همه اینها را در دولت به عهده داشتند.

بنابراین دولت هم از وفاق خیلی بهره برد. بخشی از آن را تاریخ بعداً روایت می‌کند. اصلاً باعث انشقاق در کشور نشدیم. این می‌توانست رخ دهد، اگر تنازعات سیاسی را تشدید و دعواها را ادامه می‌دادیم. شاید این انسجام ملی که در جنگ ۱۲ روزه خود را نشان داد، نتیجه انسجام سیاسی و وحدت آفرین وفاقی بود که آقای پزشکیان از قبل دنبال آن بود. حتی افرادی که در خارج از کشور بودند، کسانی که سال‌ها دور از وطن بودند و نگاه انتقادی به جمهوری اسلامی داشتند، در جنگ ۱۲ روزه موضعشان برگشت و در این زمان پشت جمهوری اسلامی در مقابل دشمن درآمدند. اینها نتیجه همان تفاهم و وفاقی است که آقای دکتر پزشکیان با جریان‌های مختلف دارد. ایشان با خیلی از منتقدین خود و کسانی که نقد شدید به او دارند ساعت‌ها گفت‌وگو می‌کند. بخشی را در مطبوعات می‌توانید ببینید. بخشی دیگر معمولاً مکتوم می‌ماند و شاید کسانی که خاطره‌نویسی می‌کنند این را بگویند که دکتر پزشکیان چقدر با جریان‌های مختلف سیاسی در دو طیف مختلف گفت‌وگو می‌کرده است. طیف‌هایی که کاملاً باهم در تضاد بوده‌اند، دکتر پزشکیان گوش شنیدن صحبت همه آنها را داشت. برای همین هم هروقت سخنرانی می‌کنند، می‌گویند هرکس برنامه‌ای دارد برای کمک بیاید. نه اینکه به عنوان یک شعار تبلیغاتی بگوید. بلکه یک باور اعتقادی دارد که ایران را با همه ایرانیان می‌توانیم بسازیم. ایران را یک گروه و دسته و حزب و جریان سیاسی نمی‌سازد. ایران را همه ایرانیان می‌سازند. این باور ما و باور آقای دکتر پزشکیان است. لذا وفاق اینجا معنا پیدا می‌کند. در چارچوب منافع ملی و جمهوری اسلامی، هرکسی تلاشی دارد، باید اجازه دهیم که این تلاش و استعداد و توانایی به منصه ظهور برسد. باور ایشان بر این است که این برای کشور می‌تواند سرمایه خوبی باشد.

> تمام تلاش آقای پزشکیان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم، با اقتدار از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی خود دفاع کنیم، ولی اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب و آسیب‌ها زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همینطور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند

آقای رئیس جمهوری فردی صلح‌طلب هستند. خیلی‌ها در دور دوم انتخابات به درست یا غلط می‌گفتند به آقای پزشکیان رأی دهیم تا جنگ نشود و تحریم‌ها برداشته شود. ولی جنگ تحمیل شد و گریزی از دفاع نبود. به مرحله جنگ که رسیدیم، این شرایط چه تغییراتی در اولویت‌های دولت ایجاد کرد؟ مشخصاً دغدغه آقای رئیس جمهوری در دوران جنگ چه بود؟

تا جایی که بنده اطلاع دارم، تمام تلاش آقای پزشکیان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. ایشان در محدود کردن میدان جنگ خیلی تلاش کرد. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم، با اقتدار از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی خود دفاع کنیم، ولی اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب و آسیب‌ها زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همینطور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند. البته این به ناترازی‌های رئیس جمهوری آمریکا بر می‌گشت.

البته حمله اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه را پیش‌بینی می‌کردیم. شب پنجشنبه ۲۳ خرداد بود که سفر استانی به ایلام داشتیم. آقای پزشکیان می‌خواستند از ایلام به تبریز بروند. دوستان محافظ اصرار داشتند که من ایشان را متقاعد کنم به تبریز نروند. آماده‌باش اعلام شده بود. آقای دکتر پزشکیان می‌خواست به سراغ کریدور چشم ثریا برود و از نقطه صفر مرزی ایران و ترکیه دیدن کند. از ایشان خواهش کردم که با توجه به شرایط آماده باش، شاید این سفر مخاطره‌آمیز باشد. گفت فعلاً به تبریز می‌رویم و اگر اوضاع مناسب نبود به مرز نمی‌روم. ساعت ۶ صبح بود که نگران شدم ...

[بقیه ستون‌های این گفت‌وگو و کادر «برش» در این صفحه با تفکیک‌پذیری موجود قابل خواندن کامل نبود.]

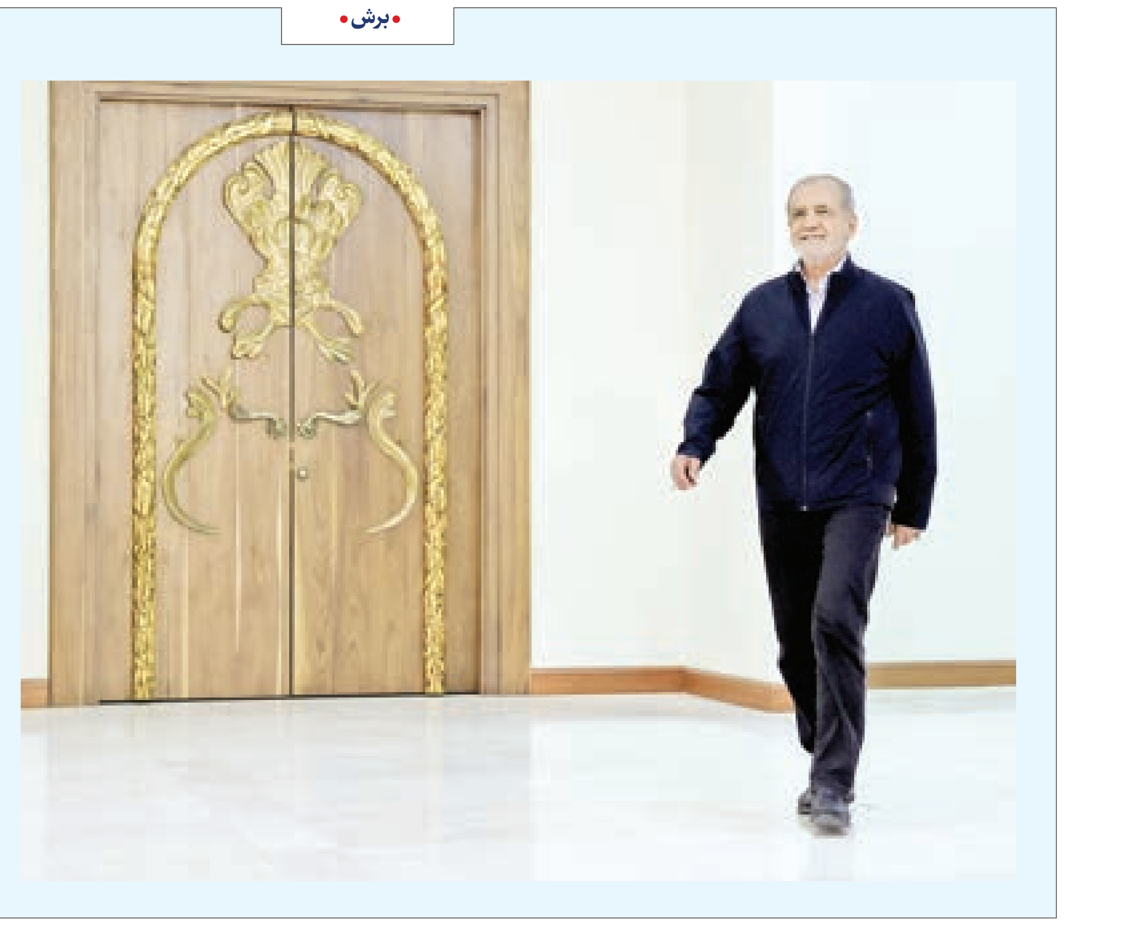

• یادداشت •

«وفاق» در مسیر اصلاح سیاست‌های حکمرانی

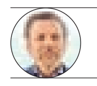

محمود واعظی
رئیس دفتر رئیس جمهور در دولت دوازدهم

دولت چهاردهم در شرایطی مسئولیت اداره کشور را بر عهده گرفت که کشور و منطقه در شرایط امنیتی و جنگی قرار گرفت. مسائل امنیتی، فشارهای اقتصادی، تحولات منطقه‌ای، جنگ و پیچیده‌تر شدن مناسبات بین‌المللی، فضای تصمیم‌گیری را از یک دوره عادی به دوره‌ای حساس و پرهزینه تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، قضاوت درباره عملکرد دولت نیازمند انصاف و واقع‌بینی است. تجربه کشورهایی مانند ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که در دوره‌های دشوار، دولت‌ها ناگزیرند میان اهداف بلندمدت و محدودیت‌های فوری تعادل برقرار کنند. ژاپن در سال‌های پس از جنگ، به جای آنکه همه اصلاحات و اهداف توسعه‌ای خود را یک‌باره دنبال کند، اولویت‌های خود را با شرایط موجود هماهنگ کرد و به تدریج ظرفیت اقتصادی، اجتماعی و نهادی کشور را در مسیر سازندگی بازسازی کرد. البته تجربیات این چنینی عیناً قابل انتقال به ایران عزیز نیست، اما یک اصل مهم را یادآوری می‌کند: «در شرایط غیرعادی، موفقیت حکمرانی تنها به درستی تصمیم‌ها وابسته نیست، بلکه به زمان‌بندی، ترتیب اولویت‌ها و توانایی جامعه برای همراهی با آنها نیز بستگی دارد.»

دولت چهاردهم در مدت تصدی ۲ ساله خود تلاش کرده است امور اجرایی کشور را در چنین فضایی پیش ببرد و با لحاظ کلیه شرایط، توفیق قابل قبولی داشته است. با این حال، میان تلاش و نتیجه، فاصله‌ای وجود دارد که باید آن را جدی گرفت. در نهایت، مردم عملکرد دولت را نه با میزان دشواری کار مدیران، بلکه با اثری که تصمیمات دولتمردان بر زندگی و معیشت اجتماعی می‌گذارد، ارزیابی می‌کنند. این واقعیتی است که هیچ دولت مردم سالاری نمی‌تواند از آن چشم بپوشد. در چنین شرایطی، یکی از مسائل مهم دولت، ارزیابی عملکرد مدیران در دوسال گذشته است. وفاق نباید به معنای حفظ مدیرانی باشد که توانایی اجرای سیاست‌های دولت را ندارند. «وفاق»، آن زمان معنا می‌یابد که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ظرفیت‌های مختلف کشور را برای حل مسائل مشترک کنار یکدیگر قرار دهد. اگر مدیری فرصت کافی داشته اما نتوانسته است مسئولیت خود را به نتیجه برساند، یا در مسیر سیاست‌های رسمی دولت حرکت نمی‌کند، ادامه حضور او نمی‌تواند صرفاً با عنوان وفاق توجیه شود. دولت باید در این زمینه شجاعانه و در عین حال منصفانه عمل نماید.

تغییر مدیران نباید به تسویه حساب سیاسی مبدل و وابستگی جناحی جایگزین شایستگی شود. ضروری است تا معیار توانایی، تجربه، پاکدستی، پاسخگویی و قدرت اجرا ملاک تصمیم دولت باشد. این همان نقطه‌ای است که اعتدال معنای واقعی خود را پیدا می‌کند؛ نه حذف افراد به دلیل اختلاف نظر و نه حفظ افراد به دلیل ملاحظات سیاسی، بلکه معیار، کارآمدی و عملکرد مدیران است. آنچه باید تعیین‌کننده باشد، منافع عمومی، کارآمدی نظام اجرایی کشور و افزایش رضایت مردم است.

وفاق در سطح ملی نیز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. ایران در شرایطی قرار گرفته که نباید اختلافات سیاسی به شکاف اجتماعی تبدیل شود. جامعه ممکن است دیدگاه‌های متفاوت داشته باشد و این تفاوت طبیعی است. مسأله اصلی آن است که اختلافات در چارچوب قانون و گفت‌وگو مدیریت شوند و به دشمنی و گسست اجتماعی نینجامند. هر اندازه جامعه منسجم‌تر باشد، کشور در برابر فشارهای خارجی نیز توان بیشتری خواهد داشت. این موضوع با سیاست خارجی کشور نیز ارتباط مستقیم دارد؛ قدرت یک کشور فقط در ابزارهای اقتصادی، نظامی یا سیاسی آن خلاصه نمی‌شود. اعتماد مردم به تصمیمات ملی و میزان انسجام داخلی نیز بخشی حائز اهمیت از قدرت کشور است. دیپلماسی زمانی می‌تواند با قدرت بیشتری عمل کند که طرف مقابل بداند کشور از پشتوانه اجتماعی و اراده ملی برخوردار است. از این منظر، وفاق و اعتدال صرفاً مفاهیم مرتبط به سیاست داخلی نیستند، بلکه می‌توانند به افزایش قدرت ملی در عرصه خارجی کمک کنند. در حوزه اقتصاد نیز ضروری است دولت میان ضرورت «اصلاح» و «زمان مناسب اصلاح» تفاوت قائل شود. ممکن است یک تصمیم اقتصادی از نظر کارشناسی صحیح و مطلوب باشد، اما زمان اجرای آن مناسب نباشد. هر سیاستی که مستقیماً بر زندگی مردم اثر می‌گذارد، علاوه بر محاسبات اقتصادی، به ملاحظات اجتماعی و روانی نیز نیاز دارد. تصمیم درست اگر در زمان نادرست و بدون پیوست اجتماعی و آماده‌سازی جامعه اجرا شود، ممکن است نتیجه‌ای متفاوت از هدف اولیه داشته باشد.

دولت نباید از اصلاحات اقتصادی ضروری فاصله بگیرد، اما باید از تصمیماتی که فشار آنها بلافاصله بر زندگی مردم ظاهر می‌شود و منافع آنها در آینده‌ای نامعلوم قرار دارد نیز با احتیاط عبور کند. اعتدال اقتصادی یعنی پذیرفتن ضرورت اصلاح، بدون نادیده گرفتن توان جامعه برای تحمل هزینه‌های آن. حق مردم است که بدانند چرا یک تصمیم گرفته می‌شود، چه هزینه‌ای خواهد داشت و در نهایت چه منفعتی برای آنان ایجاد خواهد کرد. اعتماد عمومی نیز از همین مسیر بازسازی می‌شود. مردم بیش از آنکه به سخنان رسمی توجه کنند، نتیجه تصمیمات را در زندگی روزمره خود می‌بینند. ثبات اقتصادی، پاسخگویی مدیران، پرهیز از تصمیمات ناگهانی و احساس اینکه دولت مشکلات واقعی مردم را می‌فهمد، پایه‌های اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند. وفاق نباید به سکوت منتقدان تعبیر شود و نباید مدیران را از پاسخگویی معاف کند. وفاق یعنی اختلافات سیاسی در مسیر قانون و گفت‌وگو باقی بماند و ظرفیت کشور صرف حل مشکلات مردم شود. اگر دولت بتواند میان اصلاح و ملاحظه، اقتدار و گفت‌وگو، ضرورت اقتصادی و توان اجتماعی تعادل ایجاد کند، وفاق از یک شعار سیاسی فراتر خواهد رفت و به یک شیوه حکمرانی تبدیل خواهد شد. در این نگاه، اعتدال به معنای ایستادن در نقطه‌ای میان دو جریان سیاسی نیست. اعتدال یعنی در تصمیمات بزرگ، نه اسیر هیجان شد و نه گرفتار ترس از اصلاح. یعنی منافع ملی را دید، شرایط جامعه را فهمید و در زمان مناسب تصمیم گرفت. کشوری که با دشواری‌های بزرگ روبه‌روست، بیش از اختلاف به عقلانیت، بیش از شعار به نتیجه و بیش از تقابل به همراهی نیاز دارد. راه عبور از این شرایط، نه کنار گذاشتن تغییر است و نه تحمیل آنها بر جامعه. طریق صحیح، اصلاح مسئولانه، تصمیم سنجیده و حفظ سرمایه‌ای است که از همه چیز مهم‌تر است و اصلاح سیاستهای حکمرانی و اجرای برنامه‌ها باید با هدف افزایش «رضایت» و «اعتماد مردم به آینده کشور» باشد.

در این مسیر، همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی موظف‌اند در کنش‌ها و حتی نقدهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که اختلاف‌نظرها به قطبی‌سازی، گسست اجتماعی و تضعیف سرمایه ملی منجر نشود، بلکه در خدمت اصلاح امور، افزایش کارآمدی و تقویت همبستگی قرار گیرد. عبور از شرایط دشوار پیش‌رو، بیش از هر زمان نیازمند ترجیح منافع ملی بر منازعات جناحی و تقویت اعتماد و امید عمومی است. دولت نیز با وجود توفیقات و اقدامات قابل توجه طی دو سال گذشته، بویژه در مدیریت شرایط دشوار جنگ تحمیلی دوازده‌روزه و مسائل مرتبط با دفاع مقدس رمضان، ضروری است با جدیت و سرعت بیشتری برای ایجاد گشایش‌های ملموس در اقتصاد و معیشت مردم، مهار فشارهای زندگی و بهبود وضعیت سفره خانوارها تلاش کند. چرا که انسجام و اعتماد ملی صرفاً با سخن و توصیه شکل نمی‌گیرد؛ مردم باید آثار آن را در زندگی روزمره خود لمس کنند. ایجاد گشایش اقتصادی و تقویت امید به آینده، از مهم‌ترین الزامات تحکیم سرمایه اجتماعی و پشتوانه‌ای برای عبور کشور از شرایط پیچیده پیش‌رو است. امروز، تقویت انسجام و وحدت ملی، ضرورتی راهبردی برای اتمام پیروزمندانه جنگ و حل معضلات داخلی و خارجی و شرط عبور موفق از معادلات پیچیده و صیانت از منافع و مصالح ملی است.

> همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی موظف‌اند در کنش‌ها و حتی نقدهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که اختلاف‌نظرها به قطبی‌سازی، گسست اجتماعی و تضعیف سرمایه ملی منجر نشود، بلکه در خدمت اصلاح امور، افزایش کارآمدی و تقویت همبستگی قرار گیرد

ایران
Iran Daily Newspaper
دوشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۵
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۱۰۵
Monday
24 August 2026
Vol 9105

پیشنهادهایی برای مسیر پیش روی دولت و کشور؛

گذار از مدیریت بحران به ساختن آینده

غلامرضا ظریفیان
استاد دانشگاه

پیش از جنگ، مسأله اصلی دولت، حل مسائل ساختاری کشور بود اما با وقوع جنگ، اولویت اول به حفظ کارکرد کشور تغییر کرد. در شرایط عادی، موفقیت دولت را با میزان تحقق برنامه‌های اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری، کاهش تورم، ایجاد اشتغال و اصلاح ساختارهای اداری می‌سنجیم اما در شرایط جنگی، معیارهای دیگری اهمیت پیدا می‌کند: آیا برق و آب و سوخت برقرار می‌ماند؟ آیا بیمارستان‌ها فعال می‌مانند؟ آیا کالاهای اساسی به مردم می‌رسد؟ آیا بازار دچار فروپاشی می‌شود؟ آیا دستگاه اداری کشور همچنان کار می‌کند؟

از این منظر، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت چهاردهم، اجازه ندادن به تبدیل جنگ نظامی به بحران فراگیر اجتماعی و اقتصادی بود. گزارش‌های مربوط به عملکرد دولت در دوره جنگ نیز بر استمرار خدمات و مدیریت هم‌زمان «جنگ و زندگی» تأکید کرده‌اند. این دستاورد البته نباید موجب شود ضعف‌های موجود نادیده گرفته شود. مدیریت موفق بحران، با حل مسائل مزمن کشور یکسان نیست.

قطعاً دولت در مدیریت بحران در هنگامه جنگ نمره قابل قبولی می‌گیرد، اما همچنان در مهار تورم، اصلاح نظام بانکی، کاهش ناترازی انرژی، اصلاح نظام یارانه‌ای یا افزایش قدرت خرید مردم با چالش مواجه است. این تفکیک برای یک ارزیابی منصفانه ضروری است.

مهم‌ترین تصمیم در روزهای جنگ: حفظ کارکرد کشور

اگر قرار باشد از میان تصمیم‌های دولت در دوران جنگ، یک رویکرد را برجسته کنیم، به نظر می‌رسد حفظ هم‌زمان امنیت ملی، انسجام سیاسی و استمرار زندگی مردم اهمیت بیشتری از یک تصمیم منفرد داشته است.

دولت نمی‌توانست جنگ را اداره کند، اما زندگی مردم را رها کند. نمی‌توانست منابع کشور را صرفاً به حوزه دفاعی منتقل کند و از تأمین غذا، دارو، انرژی و خدمات عمومی غافل شود و نمی‌توانست اجازه دهد اختلافات سیاسی داخلی در شرایط جنگی به شکاف ملی تبدیل شود. در اینجا مفهوم «وفاق ملی» پزشکیان از یک شعار انتخاباتی به یک آزمون عملی حکمرانی تبدیل شد. دولت تلاش کرد تأمین کالاهای اساسی و استمرار خدمات را حفظ کند و در مدیریت بازار نیز اقداماتی برای جلوگیری از کمبودهای شدید انجام دهد. درباره ساماندهی توزیع ارز کالاهای اساسی نیز مقام‌های دولت آن را یکی از اقدامات مهم برای جلوگیری از اختلال جدی در تأمین کالا دانسته‌اند.

این بخش از عملکرد دولت به جد قابل دفاع است اما نقد مشفقانه آن است که مدیریت بحران نباید به مدیریت دائمی بحران تبدیل شود.

از وفاق دفاعی به وفاق اجتماعی

در دوران جنگ، مردم در بسیاری از موارد حول مسأله «ایران» گرد آمدند. اکنون وظیفه دولت آن است که این سرمایه ملی را حفظ کند.

اینجا یک نقد جدی و در عین حال مشفقانه مطرح می‌شود: اگر مردم در دوران بحران احساس کنند که دیده و شنیده می‌شوند، اما پس از بحران دوباره فاصله میان دولت و جامعه افزایش یابد، سرمایه اجتماعی ایجادشده به سرعت فرسوده خواهد شد. بنابراین مرحله بعدی دولت باید تبدیل وفاق دوران بحران به وفاق در حکمرانی روزمره باشد. این کار چند پیش‌شرط دارد:

الف: شنیدن صدای منتقدان؛
ب: شفافیت بیشتر در تصمیم‌های اقتصادی؛
ج: مقابله جدی‌تر با فساد و رانت؛
د: استفاده از مدیران شایسته فارغ از گرایش سیاسی؛
ه: توجه بیشتر به نسل جوان؛
و: ارتباط مستقیم‌تر مسئولان با جامعه؛
و: مهم‌تر از همه، ارائه گزارش صادقانه درباره مشکلات.

اعتماد عمومی با اعلام موفقیت ساخته نمی‌شود؛ با تجربه روزمره مردم ساخته می‌شود.

پس از جنگ؛ بازسازی اعتماد عمومی از کجا آغاز می‌شود؟

به باور من، مهم‌ترین اولویت پزشکیان پس از جنگ باید بازسازی اعتماد عمومی از مسیر معیشت و صداقت حکمرانی باشد.

خود رئیس‌جمهوری نیز در مرداد ۱۴۰۵ معیشت مردم را مهم‌ترین نگرانی خود دانسته است. این اولویت کاملاً درست است اما باید یک گام جلوتر رفت. مردم فقط «یارانه» یا «کمک معیشتی» نمی‌خواهند؛ مردم بیش از هر چیز ثبات اقتصادی و امکان برنامه‌ریزی برای زندگی می‌خواهند. خانواده‌ای که نمی‌داند ماه آینده قیمت مسکن، اجاره، مواد غذایی یا دارو چقدر خواهد شد، حتی اگر درآمد اسمی‌اش افزایش یافته باشد، احساس امنیت اقتصادی نمی‌کند. بنابراین سیاست اقتصادی دولت باید از «کنترل آثار گرانی» به سمت کنترل ریشه‌های تورم و بی‌ثباتی حرکت کند.

معیشت مردم هم جایی که وفاق باید خود را نشان دهد. اینجا مهم‌ترین نقد مشفقانه به دولت مطرح می‌شود. دولت در دوران جنگ توانست از بروز اختلال گسترده در تأمین کالا جلوگیری کند؛ اما مردم هنوز با گرانی و کاهش قدرت خرید مواجه‌اند. حتی گزارش‌های مربوط به عملکرد اقتصادی دولت نیز در کنار تأکید بر مدیریت بحران، استمرار فشارهای تورمی و معیشتی را نشان می‌دهند. بنابراین نمی‌توان با استناد به موفقیت در جلوگیری از قحطی یا کمبود، مسأله گرانی را نادیده گرفت.

این دو مسأله متفاوت‌اند:
نبودن قحطی، موفقیت در مدیریت بحران است؛ اما پایین آمدن تورم و افزایش قدرت خرید، موفقیت در حکمرانی اقتصادی است. دولت باید این تفاوت را بپذیرد و صادقانه با مردم سخن بگوید.

اصلاح اقتصادی؛ شجاعت در تصمیم‌گیری، نه تصمیم‌های شوک‌آور

یکی از جهت‌گیری‌های قابل توجه دولت، تلاش برای اصلاح سازوکار بازار کالاهای اساسی و کاهش انحصار و رانت بوده است. پزشکیان نیز بر افزایش رقابت و حضور مؤثرتر بخش خصوصی در زنجیره تأمین تأکید کرده است. اصل این جهت‌گیری درست است اما اجرای اصلاحات اقتصادی باید با پیوست اجتماعی همراه باشد. اصلاح اقتصادی اگر به شکل ناگهانی انجام شود و هزینه آن مستقیماً به دهک‌های پایین منتقل شود، حتی اگر از نظر اقتصادی منطقی باشد، از نظر اجتماعی شکست خواهد خورد.

راهکار این است: هر اصلاح اقتصادی باید سه مرحله داشته باشد: توضیح عمومی، حمایت هدفمند از آسیب‌پذیران و اجرای تدریجی و قابل ارزیابی. دولت همچنین باید از سیاست‌های موقتی و تصمیم‌های روزمره فاصله بگیرد و یک نقشه روشن برای سه مسأله اساسی ارائه کند:
تورم، ناترازی انرژی و کسری بودجه.

از «مدیریت جنگ» به «ساختن اقتصاد پساجنگ»

اقتصاد پساجنگ نباید صرفاً اقتصاد بازسازی ساختمان‌ها و زیرساخت‌های آسیب‌دیده باشد.

بازسازی واقعی یعنی:
۱. بازسازی سرمایه‌گذاری؛
۲. بازسازی اعتماد بخش خصوصی؛
۳. بازسازی زنجیره‌های تولید؛
۴. بازسازی زیرساخت‌های انرژی؛
۵. حمایت از بنگاه‌های کوچک؛
۶. فعال کردن گردشگری و صنایع دستی؛
۷. و ایجاد افق روشن برای سرمایه‌گذاری داخلی و ایرانیان خارج از کشور.

اینجا یک فرصت مهم برای دولت وجود دارد. ایران نباید پس از جنگ فقط به وضعیت قبل از جنگ بازگردد؛ باید از جنگ برای اصلاح آسیب‌پذیری‌های پیشین استفاده کند. اگر جنگ نشان داد وابستگی به برخی زیرساخت‌ها، تمرکز جغرافیایی، آسیب‌پذیری شبکه انرژی یا شکنندگی زنجیره تأمین چه هزینه‌ای دارد، اکنون باید از این تجربه برای ساختن اقتصادی تاب‌آورتر استفاده کرد.

سرمایه اجتماعی مهم‌تر از سرمایه سیاسی

دولت پزشکیان بیش از آن‌که به سرمایه سیاسی کوتاه‌مدت نیاز داشته باشد، به سرمایه اجتماعی بلندمدت نیاز دارد. سرمایه سیاسی ممکن است با یک انتخابات یا ائتلاف ایجاد شود؛ اما سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم به این نتیجه برسند: «این دولت حرف ما را می‌شنود، با ما صادق است و برای زندگی ما برنامه دارد.»

در این مسیر، یک پیشنهاد مشخص می‌تواند مفید باشد:
دولت می‌تواند هر شش ماه گزارشی مستقل و قابل فهم منتشر کند که در آن چند شاخص اصلی سنجیده شود:
- قدرت خرید خانوار؛
- تورم کالاهای ضروری؛
- اشتغال؛
- رضایت از خدمات عمومی؛
- اعتماد به دستگاه‌های اجرایی؛
- احساس امنیت اقتصادی؛
- و میزان رضایت مردم از عملکرد دولت. این کار دولت را از تبلیغ عملکرد به پاسخگویی عملکرد منتقل می‌کند.

آینده دولت آزمون اصلی هنوز باقی مانده است

اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، دولت چهاردهم در یکی از دشوارترین دوره‌های کشور، در مدیریت بحران و استمرار کارکرد کشور تجربه مهمی به دست آورده است. اما این موفقیت نباید دولت را از مأموریت اصلی خود غافل کند. کشور را نمی‌توان برای همیشه با منطق بحران اداره کرد. جامعه نیازمند افق است؛ افق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.

مردم می‌خواهند بدانند:
پنج سال دیگر اقتصاد ایران چه وضعی خواهد داشت؟
فرزندان‌شان چه آینده‌ای خواهند داشت؟
آیا امکان سرمایه‌گذاری و تولید وجود خواهد داشت؟
آیا می‌توان به ثبات قیمت‌ها امیدوار بود؟
آیا رابطه دولت و جامعه بهتر خواهد شد؟
و آیا اختلافات سیاسی می‌تواند بدون تبدیل شدن به نزاع فرساینده مدیریت شود؟
اینها پرسش‌های واقعی جامعه است

دیپلماسی از میدان جنگ تا میز مذاکره

یکی از مهم‌ترین وجوه کارنامه دولت چهاردهم که نباید در ارزیابی عملکرد آن در هفته دولت نادیده گرفته شود، توانایی تبدیل یک بحران نظامی به یک فرصت دیپلماتیک است.

در شرایطی که ایران در معرض جنگ مستقیم با آمریکا قرار داشت، دستیابی به یک چارچوب تفاهم با واشنگتن، آن هم با میانجی‌گری پاکستان، اقدامی ساده و معمولی نبود. امضای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۶ را می‌توان از مهم‌ترین رخدادهای دیپلماتیک دوره پزشکیان دانست. اهمیت این تفاهم فقط در توقف جنگ خلاصه نمی‌شد. در متن منتشرشده، موضوعاتی همچون رفع محاصره بنادر ایران، رفع تحریم‌های نفتی، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران، توقف اقدامات نظامی و تنظیم ترتیبات مربوط به تنگه هرمز مطرح شده بود. از این منظر، می‌توان گفت دولت پزشکیان توانست در مقطعی حساس، مذاکره را از موضع ضعف و تسلیم به ابزاری برای تأمین منافع ملی تبدیل کند؛ یعنی مذاکره نه به معنای چشم‌پوشی از حقوق ایران، بلکه به عنوان ادامه سیاست دفاع از منافع ملی با ابزار دیپلماسی.

این دستاورد را باید در کنار مفهوم «وفاق ملی» قرار داد. زیرا مذاکره در شرایط جنگی هنگامی می‌تواند موفق باشد که پشتوانه آن انسجام داخلی، توان دفاعی و اجماع نسبی بر سر منافع ملی باشد.

با این حال، نقد مشفقانه در همین نقطه ضروری است. امضای یک تفاهم، پایان کار دیپلماسی نیست؛ آغاز مرحله دشوار اجرای آن است. تحولات بعدی نشان داد که درباره برخی تعهدات، بویژه مسأله تنگه هرمز و نحوه اجرای توافق، اختلافات جدی پدید آمد و تفاهم ۶۰ روزه در ۱۷ اوت پر چالش شد. بنابراین یکی از درس‌های مهم برای دولت این است که دستاورد دیپلماتیک را باید از «امضای سند» به «نهادینه کردن منافع حاصل از سند» منتقل کرد.

اگر دولت بتواند از این تجربه برای ایجاد یک چارچوب پایدارتر در روابط خارجی استفاده کند، این تفاهم می‌تواند در تاریخ سیاست خارجی دولت چهاردهم جایگاه مهمی پیدا کند؛ حتی اگر اجرای کامل آن با موانع روبه‌رو شده باشد.

> اگر قرار باشد از میان تصمیم‌های دولت در دوران جنگ، یک رویکرد را برجسته کنیم، به نظر می‌رسد حفظ هم‌زمان امنیت ملی، انسجام سیاسی و استمرار زندگی مردم اهمیت بیشتری از یک تصمیم منفرد داشته است

چرا این موضوع برای ارزیابی پزشکیان بسیار مهم است؟

زیرا در واقع سه حلقه به هم متصل می‌شوند:
وفاق ملی ← مقاومت و تاب‌آوری در جنگ ← دیپلماسی برای پایان دادن به جنگ و تأمین منافع ایران. متأسفانه برخی از جریانات تندرو و اقلیتی بی‌توجه به منافع ملی تلاش می‌کنند این موفقیت بسیار ارزشمند را با شکست مواجه کنند.

سخن پایانی اینکه هفته دولت را می‌توان از یک منظر، سالگرد یک دولت دانست؛ اما از منظری عمیق‌تر، باید آن را فرصتی برای سنجش رابطه دولت با ایران و ایرانیان دانست.

دولت چهاردهم در میدان بحران، یک تجربه مهم را پشت سر گذاشته است: کشور را می‌توان در سخت‌ترین شرایط اداره کرد، خدمات را استمرار بخشید و از تبدیل بحران خارجی به فروپاشی داخلی جلوگیری کرد. گزارش‌های موجود درباره عملکرد دولت در جنگ نیز بر همین استمرار خدمات و مدیریت هم‌زمان جنگ و زندگی تأکید دارند.

اما اکنون آزمون دشوارتری آغاز شده است: آیا می‌توان سرمایه همبستگی دوران جنگ را به سرمایه اعتماد در دوران صلح تبدیل کرد؟ پاسخ این پرسش بیش از هر چیز در اقتصاد و معیشت مردم مشخص خواهد شد. وفاق زمانی ماندگار است که مردم آن را در سفره، امنیت شغلی، آینده فرزندان، کیفیت خدمات عمومی و احترام به حقوق شهروندی احساس کنند. ازاین رو، به نظر می‌رسد شعار مناسب برای مرحله جدید دولت چهاردهم این باشد: «از مدیریت بحران به ساختن آینده؛ از وفاق در میدان به وفاق در زندگی.» اگر پزشکیان بتواند این گذار را محقق کند، آن‌گاه مهم‌ترین میراث دولت چهاردهم نه یک مجموعه پروژه یا حتی عبور موفق از یک دوره جنگ، بلکه بازگرداندن این باور به جامعه خواهد بود که در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان با عقلانیت، همبستگی، اصلاح و امید، آینده ایران را ساخت و شاید این، مهم‌ترین معنای واقعی هفته دولت باشد.

• نگاه •

کنش میدانی رئیس جمهوری و کاهش اضطراب جمعی

علیرضا شریفی یزدی
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

عملکرد دولت و نظام حکمرانی در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه و پیشگیری از بروز بحران و هرج و مرج در جامعه با تکیه بر سیاست‌ورزی درست و کنشگری مناسب در طول و بعد از جنگ تحقق اهداف شوم دشمنان این سرزمین اهورایی را مانع شد. بحران‌های بزرگ، به‌ویژه شرایطی مانند جنگ، تنها زیرساخت‌ها و منابع اقتصادی را در معرض فشار قرار نمی‌دهند؛ بلکه امنیت روانی مردم، اعتماد عمومی، روابط اجتماعی و احساس تعلق ملی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. در چنین موقعیت‌هایی، کیفیت کنشگری نهادهای عمومی و شیوه اداره امور، می‌تواند تعیین کند که جامعه به سوی همبستگی و همکاری حرکت کند یا در معرض اضطراب جمعی، شایعه، بی‌اعتمادی و آشفتگی قرار گیرد.

از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، مدیریت موفق بحران صرفاً به معنای اداره امور اجرایی نیست؛ بلکه فرآیندی برای حفظ «قابلیت زیستن عادی» مردم در وضعیتی غیرعادی است. هر اندازه مردم احساس کنند نیازهای اساسی آنان دیده می‌شود، اطلاعات معتبر دریافت می‌کنند و در تصمیم‌ها و سرنوشت جمعی خود نادیده گرفته نشده‌اند، ظرفیت جامعه برای حفظ آرامش و مقاومت در برابر فشارهای بیرونی افزایش می‌یابد. کاری که دولت چهاردهم و شخص رئیس جمهوری به خوبی از پس آن برآمدند.

اعتماد عمومی؛ سرمایه اصلی در روزهای دشوار

اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه است. این اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که میان گفتار و عمل نهادهای مسئول هماهنگی وجود داشته باشد. در شرایط بحرانی، مردم بیش از هر زمان دیگری رفتار و عملکرد نهادهای اداره‌کننده جامعه را مشاهده و ارزیابی می‌کنند: آیا اطلاعات به‌موقع و روشن ارائه می‌شود؟ آیا توزیع امکانات عادلانه است؟ آیا گروه‌های آسیب‌پذیر مورد حمایت قرار می‌گیرند؟ آیا خطاها و محدودیت‌ها با صداقت توضیح داده می‌شوند؟

پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد ابهام، تناقض اطلاعاتی و احساس نادیده‌گرفته‌شدن، اضطراب جمعی را افزایش می‌دهد. در مقابل، اطلاع‌رسانی منظم، صادقانه و مبتنی بر واقعیت، حتی زمانی که حاوی خبرهای دشوار است، می‌تواند احساس کنترل و امنیت روانی شهروندان را تقویت کند. مردم معمولاً توان پذیرش محدودیت‌ها و دشواری‌های موقت را دارند؛ آنچه پذیرش را دشوار می‌کند، احساس تبعیض، بی‌خبری یا بی‌اعتمادی است. بنابراین، اعتماد عمومی نه با تأکید کلامی، بلکه با تجربه عملیِ عدالت، پاسخگویی و کارآمدی ساخته می‌شود.

تداوم زندگی روزمره پیام آرامش‌بخش به جامعه

در زمان بحران، تأمین نیازهای اساسی از جمله غذا، آب، برق، سوخت، دارو، خدمات درمانی، امنیت محله‌ها و دسترسی به اطلاعات موثق، دارای اثری فراتر از کارکرد خدماتی خود است. تداوم این خدمات به شهروندان پیام می‌دهد که زندگی با وجود تهدید و فشار، همچنان قابل مدیریت است.

این موضوع از منظر روان‌شناسی اهمیت فراوان دارد. انسان در وضعیت ناامنی، به‌طور طبیعی برای حفظ بقا حساس‌تر و آماده‌تر می‌شود. اگر نگرانی نسبت به نیازهای اولیه افزایش یابد، افراد ممکن است به رفتارهای واکنشی مانند خرید هیجانی، ذخیره‌سازی افراطی، انتشار یا پذیرش شایعات و کاهش همکاری اجتماعی روی آورند. این رفتارها لزوماً نشانه ضعف اخلاقی نیستند؛ بلکه اغلب پاسخی به احساس ناامنی و فقدان پیش‌بینی‌پذیری‌اند.

در چنین شرایطی، حفظ نظم در زنجیره تأمین و خدمات عمومی، به کاهش اضطراب و جلوگیری از رفتارهای هیجانی کمک می‌کند. مردم وقتی بدانند نیازهای اساسی آنان در دسترس است، بیشتر می‌توانند انرژی روانی خود را صرف مراقبت از خانواده، همکاری با دیگران و مواجهه عقلانی با شرایط کنند.

وحدت ملی محصول احساس سرنوشت مشترک

انسجام اجتماعی زمانی تقویت می‌شود که افراد جامعه احساس کنند در برابر یک تهدید، سرنوشت مشترکی دارند و بار دشواری‌ها به‌طور عادلانه تقسیم می‌شود. در این وضعیت، تفاوت‌های قومی، مذهبی، اقتصادی، نسلی و سیاسی نباید به عاملی برای حذف، تحقیر یا تبعیض تبدیل شود. برعکس، بحران می‌تواند فرصتی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و برجسته‌شدن مسئولیت مشترک باشد. از منظر جامعه‌شناسی، وحدت ملی با یکسان‌سازی افراد یا حذف تفاوت‌ها حاصل نمی‌شود؛ بلکه از راه به‌رسمیت شناختن کرامت همه شهروندان، رعایت عدالت در دسترسی به امکانات و ایجاد حس مشارکت در عبور از بحران شکل می‌گیرد. هنگامی که گروه‌های مختلف اجتماعی خود را بخشی از راه‌حل بدانند، احتمال همکاری، کمک‌رسانی داوطلبانه و حمایت از آسیب‌دیدگان افزایش می‌یابد. در مقابل، هرگونه احساس تبعیض در توزیع منابع، نابرابری در دسترسی به خدمات یا بی‌توجهی به مناطق و گروه‌های محروم، می‌تواند سرمایه اجتماعی را فرسوده کند. در بحران، مردم نه فقط میزان امکانات موجود، بلکه شیوه و عدالت توزیع آن را نیز ارزیابی می‌کنند.

اطلاع‌رسانی شفاف سپر اجتماعی در برابر شایعه

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای اجتماعی در روزهای بحرانی، گسترش شایعات و اخبار تأییدنشده است. شایعه معمولاً در فضایی رشد می‌کند که مردم با ابهام، نگرانی و کمبود اطلاعات معتبر روبه‌رو هستند. هرچه اطلاع‌رسانی رسمی دیرتر، مبهم‌تر یا متناقض‌تر باشد، میدان برای روایت‌های غیرمستند و هراس‌آفرین گسترده‌تر می‌شود.

مدیریت ارتباطات عمومی باید بر چند اصل استوار باشد:
سرعت و نظم در اطلاع‌رسانی؛
صداقت درباره واقعیت‌ها و محدودیت‌ها؛
استفاده از زبانی روشن و قابل فهم؛
پرهیز از بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی خطر؛
ارائه راهنمایی عملی برای شهروندان؛
تصحیح سریع اطلاعات نادرست و شایعات.

در این میان، رسانه‌ها، دانشگاهیان، متخصصان سلامت روان و نهادهای مدنی نیز مسئولیت دارند که به جای بازنشر اضطراب، به افزایش سواد رسانه‌ای و آرام‌سازی مبتنی بر واقعیت کمک کنند. آرامش اجتماعی به معنای انکار خطر نیست؛ بلکه به معنای مواجهه آگاهانه، مسئولانه و منظم با خطر است.

حمایت از روحیه جمعی و نیروهای درگیر بحران

در شرایط تهدید خارجی یا بحران فراگیر، روحیه مردم و نیروهای درگیر در حفاظت و امدادرسانی، بخشی از توان جامعه برای عبور از وضعیت دشوار است. روحیه جمعی با شعارهای صرف حفظ نمی‌شود؛ بلکه به تجربه واقعی حمایت، دیده‌شدن و اطمینان از وجود پشتوانه اجتماعی وابسته است. وقتی خانواده‌ها بدانند که امنیت، معیشت، درمان و آموزش فرزندانشان مورد توجه قرار دارد، نگرانی آنان کاهش می‌یابد. این آرامش نسبی، به‌طور غیرمستقیم بر توان روانی همه کسانی که در عرصه‌های امدادی، درمانی، خدماتی و دفاعی فعالیت می‌کنند نیز اثر می‌گذارد. حمایت از نیروهای خط مقدم بحران، در واقع از خانواده‌ها و شبکه اجتماعی آنان آغاز می‌شود.

همچنین باید مراقب بود که «مقاومت اجتماعی» به معنای نادیده‌گرفتن رنج، اضطراب یا نیازهای روانی مردم تلقی نشود. جامعه مقاوم، جامعه‌ای نیست که درد را انکار کند؛ جامعه‌ای است که برای رنج‌دیدگان، خانواده‌های داغدار، کودکان، سالمندان و افراد آسیب‌پذیر، سازوکار حمایت روانی و اجتماعی فراهم می‌کند.

> منش و کنش شخص رئیس‌جمهوری با حضور میدانی، گفت‌وگوهای بی‌واسطه، پرهیز از شعارزدگی و تأکید بر همبستگی ملی، نقشی کلیدی در کاهش اضطراب جمعی، تقویت روحیه امید و جلوگیری از هرج‌ومرج ایفا کرد

پیشگیری از هرج و مرج با قانون، عدالت و مشارکت

هرج و مرج معمولاً محصول کمبود صرف نیست؛ بلکه اغلب از ترکیب کمبود، بی‌اعتمادی، احساس بی‌عدالتی و ضعف ارتباطات ایجاد می‌شود. از این رو، پیشگیری از آشفتگی اجتماعی نیازمند مجموعه‌ای هماهنگ از اقدامات است: تداوم خدمات ضروری، اجرای قانون به‌صورت عادلانه، ارتباطات شفاف، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و فراهم‌کردن امکان مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی.

نقش مردم در این فرآیند نیز اساسی است. پرهیز از احتکار و خرید بیش از نیاز، توجه به همسایگان و خانواده‌های آسیب‌پذیر، خودداری از انتشار اخبار تأییدنشده و همکاری با توصیه‌های ایمنی و عمومی، نمونه‌هایی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی در زمان بحران است.

مدیریت عمومی در شرایط بحرانی، آزمونی برای کارآمدی اجرایی و بلوغ اجتماعی است. تأمین نیازهای پایه، توزیع عادلانه منابع، ارتباط شفاف با مردم، حمایت از سلامت روان و احترام به کرامت همه شهروندان، مهم‌ترین پایه‌های حفظ آرامش و انسجام اجتماعی‌اند.

جامعه‌ای که در آن مردم احساس کنند تنها نیستند، صدایشان شنیده می‌شود و نیازهای اساسی‌شان در کانون توجه قرار دارد، در برابر فشارهای بیرونی تاب‌آورتر خواهد بود. در چنین جامعه‌ای، امید و همبستگی جای اضطراب و پراکندگی را می‌گیرد و مقاومت جمعی، نه واکنشی هیجانی، بلکه نتیجه اعتماد، مشارکت و احساس مسئولیت مشترک خواهد بود.

در مجموع، می‌توان گفت دولت چهاردهم به‌ویژه در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه، با درک عمیق از ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بحران، توانست الگویی کارآمد از مدیریت عمومی مبتنی بر اعتماد، شفافیت و عدالت ارائه دهد. عملکرد این دولت نه‌تنها در تأمین نیازهای اساسی و حفظ نظم خدمات عمومی، بلکه در برقراری ارتباطی صادقانه و بی‌پیرایه با مردم، نشان‌دهنده رویکردی متعهدانه و انسانی به مقوله «زیستن در شرایط غیرعادی» بود. در این میان، منش و کنش شخص رئیس‌جمهوری با حضور میدانی، گفت‌وگوهای بی‌واسطه، پرهیز از شعارزدگی و تأکید بر همبستگی ملی، نقشی کلیدی در کاهش اضطراب جمعی، تقویت روحیه امید و جلوگیری از هرج‌ومرج ایفا کرد. این سبک مدیریتی که در آن کرامت مردم، پاسخگویی و حمایت از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در اولویت قرار داشت، نه‌تنها مانع از تحقق اهداف شوم دشمنان شد، بلکه سرمایه اجتماعی را به مثابه مهم‌ترین پشتوانه تاب‌آوری کشور، به‌خوبی حفظ و تقویت نمود؛ و این، همان تمایز آشکار مدیریت بحران در این دولت نسبت به صرفاً اداره اجرایی امور است.

مدیرعامل ایدرو و معاون وزیر صمت در گفت‌وگو با «ایران»:

پنج سال فرصت برای خداحافظی با فرسوده‌ها

خودروهای فرسوده همچنان یکی از عوامل مصرف بالای سوخت و آلودگی شهرها هستند

گزارش

سارا غضنفری
دبیر گروه خودرو

ممنوعیت تردد خودروهای فرسوده در کلان‌شهرها دوباره به یکی از موضوعات خبرساز تبدیل شده است. تصمیمی که در روزهای اخیر با بحث سهمیه سوخت خودروهای فرسوده گره خورده و این تصور را ایجاد کرده که محدودیت تازه‌ای برای خودروهای بالای ۲۰ سال وضع شده است. با این حال، آن‌طور که مسئولان می‌گویند، اصل ممنوعیت تردد موضوع تازه‌ای نیست و پیش از این نیز در آیین‌نامه مربوط به خودروهای فرسوده وجود داشته است. ماجرا اما تنها به یک آیین‌نامه محدود نمی‌شود. خودروهای فرسوده سال‌هاست یکی از حلقه‌های پرهزینه حمل‌ونقل شهری هستند؛ خودروهایی که سوخت بیشتری مصرف می‌کنند، آلایندگی بالاتری دارند و به دلیل فرسودگی، از سطح ایمنی پایین‌تری برخوردارند. برخی برآوردها نشان می‌دهد خودروهای فرسوده به طور متوسط حدود ۱۴ درصد بیشتر از خودروهای غیرفرسوده بنزین مصرف می‌کنند. درباره خودروهای سواری و وانت‌های بالای ۲۰ سال نیز ارقامی در حدود ۸ میلیارد لیتر مصرف سالانه بنزین مطرح شده است. به این ترتیب، فرسودگی ناوگان تنها مسأله‌ای مربوط به تردد خودروها نیست و ردپای آن را می‌توان در آلودگی هوا، مصرف سوخت و هزینه‌های اقتصادی نیز دنبال کرد. با این حال، پرسش اصلی همچنان پابرجاست: اگر هزینه فرسودگی ناوگان سال‌هاست روشن است، چرا نوسازی با سرعتی که انتظار می‌رفت پیش نرفته است؟

ممنوعیتی که تازه نیست

فرشاد مقیمی، معاون وزیر صمت و رئیس هیأت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو)، در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند: «ممنوعیت تردد خودروهای بالای ۲۰ سال در کلان‌شهرها موضوع تازه‌ای نیست. به گفته او، این بند در آیین‌نامه قبلی نیز وجود داشته و در اصلاحات اخیر تغییری نکرده است.»

مقیمی می‌گوید: «خودروهای بالای ۲۰ سال در کلان‌شهرها امکان تردد ندارند و در صورت تردد، مشمول جریمه پلیس می‌شوند.» آنچه در روزهای اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته، هم‌زمانی این موضوع با بحث سهمیه سوخت خودروهای فرسوده است؛ مسأله‌ای که باعث شده این تصور شکل بگیرد که قرار است کارت سوخت این خودروها به‌طور کامل غیرفعال شود. اما روایت مسئولان چیز دیگری است. به گفته معاون وزیر صمت، «قرار نیست کارت سوخت خودروهای فرسوده به‌طور کامل از کار بیفتد. مالکان این خودروها در صورت ثبت‌نام در ستاد اسقاط، پنج سال برای طی فرآیند جایگزینی فرصت خواهند داشت و در این مدت از غیرفعال‌شدن سهمیه سوخت معاف می‌شوند. محدودیت تردد اما همچنان برقرار است.»

به این ترتیب، تغییر اصلی بیشتر به سیاست سوخت مربوط است تا اصل ممنوعیت تردد؛ قانونی که سال‌ها روی کاغذ وجود داشته و حالا به واسطه تغییرات جدید دوباره مورد توجه قرار گرفته است.

مسأله فقط «کارکرد» نیست

یکی از بحث‌های مطرح‌شده درباره این طرح، وضعیت خودروهایی است که اگرچه بیش از ۲۰ سال عمر دارند، اما ممکن است کارکرد چندانی نداشته باشند. مقیمی اما تأکید می‌کند: «معیار اصلی، سن و فناوری خودرو است، نه صرفاً میزان پیمایش.»

به گفته مقیمی، «حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار دستگاه خودرو با عمر بیش از ۲۰ سال در کشور وجود دارد. این خودروها حتی اگر کم کارکرد باشند، همچنان متعلق به فناوری دو دهه قبل هستند و بخشی از آنها نیز کاربراتوری‌اند. بنابراین، مسأله اصلی فاصله فناوری این خودروها با خودروهای جدید است؛ فاصله‌ای که خود را در مصرف سوخت و میزان آلایندگی نشان می‌دهد.»

در این میان، خودروهای قدیمی و کلاسیک نیز ممکن است در آمار خودروهای بالای ۲۰ سال قرار بگیرند؛ خودروهایی که الزاماً همان جامعه هدف طرح‌های اسقاط نیستند. با این حال، برای نوسازی ناوگان باید معیارهایی وجود داشته باشد که خودروهای پرمصرف و آلاینده را در اولویت خروج قرار دهد.

فرشاد مقیمی: ممنوعیت تردد خودروهای بالای ۲۰ سال در کلان‌شهرها موضوع تازه‌ای نیست. این بند در آیین‌نامه قبلی نیز وجود داشته و در اصلاحات اخیر تغییری نکرده است

اولویت با خودروهای پرپیمایش

منابع مالی برای نوسازی ناوگان محدود است و همین مسأله باعث شده سیاست‌گذار به جای توزیع یکسان تسهیلات، سراغ خودروهایی برود که بیشترین پیمایش و آلایندگی را دارند. در این میان، تاکسی‌ها و خودروهای عمومی در اولویت قرار گرفته‌اند؛ چراکه بخش قابل‌توجهی از زمان خود را در خیابان‌های شهر سپری می‌کنند.

مقیمی در این باره توضیح می‌دهد: «برای موتورسیکلت‌های بنزینی ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات با نرخ بهره ۸ درصد و بازپرداخت سه‌ساله در نظر گرفته شده است. موتورسیکلت‌های برقی نیز می‌توانند از تسهیلات ۵۰۰ میلیون تومانی با نرخ بهره صفر درصد و بازپرداخت سه‌ساله استفاده کنند. در بخش خودرو نیز برای تاکسی‌های برقی تا یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان تسهیلات با نرخ بهره صفر درصد و بازپرداخت پنج‌ساله در نظر گرفته شده است. تاکسی‌های دوگانه‌سوز نیز می‌توانند از تسهیلات یک میلیارد تومانی با بازپرداخت پنج‌ساله استفاده کنند.»

۲۰ درصد سهم خودروسازان برای فرسوده‌ها

هدف روشن است؛ خروج خودروهایی که بیشترین زمان را در خیابان‌ها می‌گذرانند و جایگزینی آنها با خودروهای کم‌مصرف‌تر و کم‌آلاینده‌تر. اما مسیر نوسازی فقط به پرداخت تسهیلات ختم نمی‌شود. یکی از موانع اصلی، تأمین خودروی جایگزین است؛ بازاری که طی سال‌های گذشته با صف، قرعه‌کشی و محدودیت عرضه همراه بوده است. مقیمی در این باره توضیح می‌دهد: «برای کاهش این مانع، ۲۰ درصد از سهمیه خودروسازان به خودروهای جایگزین فرسوده اختصاص داده شده است. به این ترتیب، مالکان خودروهای فرسوده در این بخش در اولویت شرایط ثبت‌نام قرار می‌گیرند.» اما این اولویت تاکنون چه نتیجه‌ای داشته است؟ مقیمی می‌گوید: «سال گذشته حدود ۷۰ هزار دستگاه خودرو از این مسیر جایگزین شده است.»

با این حال، این آمار در مقایسه با حجم خودروهای فرسوده کشور همچنان فاصله قابل‌توجهی با نیاز موجود دارد. به همین دلیل، مسأله فقط ایجاد سهمیه یا پرداخت تسهیلات نیست. سرعت نوسازی و توان مالی مالکان برای استفاده از این فرصت‌ها نیز تعیین‌کننده است. در واقع، تا زمانی که خودروی جایگزین با شرایطی قابل‌دسترس در اختیار مالک قرار نگیرد، اختصاص سهمیه به‌تنهایی نمی‌تواند روند خروج فرسوده‌ها از ناوگان را به اندازه کافی سرعت بخشد.

یک فرصت پنج‌ساله

در کنار تسهیلاتی که برای نوسازی در نظر گرفته شده، برای مالکان خودروهای فرسوده یک فرصت پنج‌ساله نیز وجود دارد. مالکان خودروهای بالای ۲۰ سال که در کلان‌شهرها تردد می‌کنند، در صورت ثبت‌نام در سامانه نوسازی می‌توانند طی این دوره فرآیند جایگزینی خودروی خود را انجام دهند و از محدودیت مربوط به ممنوعیت تردد در این بازه زمانی مستثنی شوند. به بیان ساده‌تر، قرار نیست همه خودروهای فرسوده در عرض یک شب از خیابان‌ها حذف شوند. سیاست جدید بیشتر به دنبال آن است که مالک خودرو را وارد فرآیند نوسازی کند و برای انجام این کار زمان در اختیار او بگذارد. در نهایت، ممنوعیت تردد خودروهای فرسوده را نمی‌توان صرفاً یک تصمیم انتظامی یا ترافیکی دید. مسأله بزرگ‌تر، ناوگانی است که سال‌ها با فناوری قدیمی در خیابان‌ها باقی مانده و حالا هزینه‌های آن در چند حوزه هم‌زمان خود را نشان می‌دهد؛ از آلودگی هوا و مصرف بالای سوخت گرفته تا هزینه نگهداری و سطح ایمنی پایین‌تر. با این حال، موفقیت چنین سیاستی بیش از آنکه به اعلام ممنوعیت وابسته باشد، به امکان واقعی جایگزینی خودروها بستگی دارد. وقتی بخش بزرگی از مالکان خودروهای فرسوده توان مالی محدودی برای خرید خودروی جدید دارند، صرفاً ممنوع کردن تردد نمی‌تواند مسأله را حل کند. تسهیلات، عرضه خودرو و سرعت فرآیند اسقاط باید به اندازه‌ای باشد که خروج از ناوگان برای مالک خودرو فقط یک الزام قانونی نباشد، بلکه گزینه‌ای عملی و قابل انجام باشد. حالا بعد از سال‌ها تأکید بر ضرورت نوسازی، آزمون اصلی سیاست جدید همین جاست: آیا این بار خودروهای فرسوده واقعاً از خیابان‌ها کنار می‌روند یا ممنوعیت تردد نیز مانند بسیاری از تصمیم‌های قبلی، میان قانون، اجرا و توان اقتصادی مردم معطل می‌ماند؟

پیش‌فروش نسخه جدید CX-6e در چین آغاز شد

گام تازه مزدا در مسیر رانندگی خودکار

ترجمه

یاسمن صادق‌شیرازی
گروه خودرو

مزدا CX-6e، شاسی‌بلند جدید خود را برای بازار چین به‌روزرسانی کرده و این بار یک سامانه لیدار روی سقف آن قرار داده است. تغییری که قابلیت‌های رانندگی کمکی این خودرو را به شکل محسوسی افزایش می‌دهد. CX-6e که در بازار چین با نام EZ-60 نیز شناخته می‌شود، حالا می‌تواند در مسیرهای شهری و بزرگراه‌ها بخش بیشتری از عملیات رانندگی را با دخالت کمتر راننده انجام دهد.

به گزارش سایت carnewschina، پیش‌فروش نسخه جدید در چین آغاز شده، اما قیمت نهایی هنوز اعلام نشده است. انتظار می‌رود قیمت نسخه‌های مجهز به لیدار از حدود ۱۶۰ هزار یوان، معادل تقریبی ۲۳ هزار و ۸۰۰ دلار، شروع شود. CX-6e دومین خودروی انرژی نو مزدا در بازار چین به شمار می‌رود. پیش از آن، سدان 6e که در چین با نام EZ-6 عرضه می‌شود، وارد بازار شده بود. این شاسی‌بلند در همکاری مشترک چانگان و مزدا توسعه‌یافته و بر پایه پلتفرم EPA1 چانگان ساخته شده است؛ پلتفرمی که ارتباط نزدیکی با دیپال S07 دارد. CX-6e در دو نسخه تمام‌برقی و برقی با افزایش‌دهنده برد عرضه می‌شود و نسخه به‌روزشده آن در نمایشگاه خودرو چنگدو ۲۰۲۶ معرفی شد.

لیدار، مهم‌ترین تغییر CX-6e جدید

مهم‌ترین تغییر CX-6e جدید، اضافه شدن واحد لیدار روی سقف خودرو است. شرکت خودروسازی مزدا می‌گوید، این سامانه قابلیت‌های پیشرفته رانندگی کمکی سطح ۲ را در اختیار خودرو قرار می‌دهد و می‌تواند بیش از ۲۰۰ موقعیت مختلف رانندگی را پوشش دهد. این مجموعه در کنار یک لیدار، از سه رادار موج میلی‌متری، ۱۲ حسگر فراصوت و ۱۱ دوربین استفاده می‌کند. لیدار در واقع حسگری است که با ارسال و دریافت نور لیزر، فاصله خودرو تا موانع و اجسام اطراف را تشخیص می‌دهد. این فناوری به خودرو کمک می‌کند محیط اطرافش را دقیق‌تر ببیند و در رانندگی و تغییر مسیر، تصمیم‌های بهتری بگیرد. به کمک این تجهیزات، CX-6e در بزرگراه‌ها می‌تواند بخش بیشتری از عملیات رانندگی را به‌صورت خودکار انجام دهد؛ برای مثال به مسیرهای ورودی و خروجی بزرگراه نزدیک شود، وارد محدوده‌های خدماتی شود و در صورت نیاز برای عبور از خودروهای کندتر، تغییر مسیر خودکار انجام دهد. در چنین شرایطی، راننده همچنان باید بر عملکرد خودرو نظارت داشته باشد، اما نیاز به دخالت مستقیم او در بسیاری از مانورها کاهش پیدا می‌کند.

CX-6e چه کارهایی انجام می‌دهد؟

در مسیرهای شهری نیز سامانه رانندگی کمکی CX-6e توانایی عبور از تقاطع‌ها و میدان‌ها را بدون دخالت مستقیم راننده پیدا کرده است. این خودرو می‌تواند دور بزند، میان مسیرهای اصلی و فرعی موازی حرکت کند و در صورت مشاهده مانع، تغییر مسیر اضطراری انجام دهد. به گفته شرکت خودروسازی مزدا، این سامانه در بزرگراه‌ها از سرعت صفر تا ۱۳۰ کیلومتر بر ساعت و در محیط‌های شهری از صفر تا ۸۰ کیلومتر بر ساعت فعال است. امکان پارک خودکار از راه دور و همچنین انجام عملیات پارک به‌صورت خودکار و دنبال کردن مسیر تعیین‌شده نیز برای CX-6e در نظر گرفته شده است.

CX-6e در حال حاضر در بازار چین با قیمت ۱۱۹ هزار و ۹۰۰ تا ۱۶۶ هزار و ۹۰۰ یوان عرضه می‌شود. نسخه‌های تمام‌برقی حدود ۱۰ هزار یوان گران‌تر از مدل‌های مجهز به افزایش‌دهنده برد هستند و انتظار می‌رود نسخه‌های مجهز به لیدار از حدود ۱۶۰ هزار یوان قیمت داشته باشند.

آگهی مناقصه عمومی انجام خدمات طراحی، خرید، نصب و راه‌اندازی سیستم نمونه‌گیر اتوماتیک شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)
SKS South Kaveh Steel Co. شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)
نوبت اول
آگهی شماره T-1405134885
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش(سهامی عام) در نظر دارد جهت انجام خدمات طراحی، خرید، نصب و راه‌اندازی سیستم نمونه‌گیر اتوماتیک(مطابق موارد مندرج در اسناد) از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از پیمانکاران واجد شرایط و توانمند دعوت نماید. متقاضیان می‌توانند برای اطلاع از شرایط مناقصه و خرید اسناد مناقصه از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ به وب‌سایت شرکت فولاد کاوه جنوب کیش به نشانی WWW.SKSCO.IR (قسمت خرید و فروش بخش مناقصه‌های جاری) مراجعه نمایند. ۱۴۰۵/۱۴۲
جدول زمانی انجام مناقصه:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مناقصه
۱۴۰۵/۰۶/۰۲	۱۴۰۵/۰۶/۱۰	۱۴۰۵/۰۶/۱۵

روابط عمومی شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی تأمین ترانسفورماتور
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)
SKS South Kaveh Steel Co. شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)
نوبت اول
آگهی شماره T-1405135198
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش(سهامی عام) در نظر دارد جهت تأمین ترانسفورماتور 6.6KV/0.420KV-1000KVA,1374.7A TYPE(مطابق موارد مندرج در اسناد) از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از تأمین‌کنندگان واجد شرایط و توانمند دعوت نماید. متقاضیان می‌توانند برای اطلاع از شرایط مناقصه و خرید اسناد مناقصه از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ به وب‌سایت شرکت فولاد کاوه جنوب کیش به نشانی WWW.SKSCO.IR (قسمت خرید و فروش بخش مناقصه‌های جاری) مراجعه نمایند. ۱۴۰۵/۱۴۱
جدول زمانی انجام مناقصه:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مناقصه
۱۴۰۵/۰۶/۰۲	۱۴۰۵/۰۶/۱۰	۱۴۰۵/۰۶/۱۵

روابط عمومی شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)

ابلاغ آگهی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
بدین‌وسیله به‌اطلاع **خانم بهاره آذرخرمن فرزند علی‌اکبر** پرستار رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند؛ نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۹۳۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر اخراج از دستگاه متبوع صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا مشارالیها در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.
هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
فراخوان حمل و نقل توتون
مجتمع دخانیات کردستان در نظر دارد فراخوان انجام حمل و نقل توتون به‌شماره ۲۰۰۵۰۰۱۰۰۲۰۰۰۱۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.
مواعد زمانی:
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
زمان بازگشایی پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: به‌صورت فیش واریزی به مبلغ ۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌شماره حساب ۶۶۷۸۴۱۴۱۸۲ بانک ملت شعبه صلاح الدین ایوبی و یا ضمانت‌نامه بانکی به اعتبار سه ماه و قابل تمدید.
شماره تماس: ۰۸۷ ۳۳۱۵۳۷۷۵ و آدرس دستگاه: کردستان - سنندج - میدان انقلاب - خیابان طاقانی مجتمع دخانیات کردستان
مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت دخانیات ایران

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
فراخوان امورات
بخش کشاورزی کمیسیون خرید
مجتمع دخانیات کردستان در نظر دارد فراخوان انجام امورات بخش کشاورزی برای انجام امورکمیسیون‌های خرید در شعبات، جابه‌جایی توتونهای خریداری شده در انبارها، تخلیه و بارگیری توتون در ادارات مریوان، سقز، سنندج، به‌شماره فراخوان (۲۰۰۵۰۰۱۰۰۲۰۰۰۰۹۹) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.
مواعد زمانی:
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
زمان بازگشایی پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: به‌صورت فیش واریزی به مبلغ ۳/۸۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌شماره حساب ۶۶۷۸۴۱۴۱۸۲ بانک ملت شعبه صلاح‌الدین ایوبی و یا ضمانت‌نامه بانکی به اعتبار سه ماه و قابل تمدید.
شماره تماس: ۰۸۷ ۳۳۱۵۳۷۷۵ و آدرس دستگاه: کردستان - سنندج - میدان انقلاب - خیابان طاقانی مجتمع دخانیات کردستان
مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت دخانیات ایران

مناقصه عمومی
گروه صنعتی بارز (نوبت دوم)
با شناسه ملی: ۱۰۱۰۰۹۷۷۹۸۳ و شماره ثبت: ۵۲۶۵۳ در نظر دارد در محل کارخانه لاستیک بارز نسبت به **بروزرسانی سیستم کنترلی اکسترودر بایاس** در سال ۱۴۰۵ به صورت **برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای** با حداقل امتیاز فنی بازرگانی ۷۰ با ارزیابی کیفی و فنی بازرگانی غیرهم‌زمان- بدون قیمت تراز شده اقدام نماید.
لذا از کلیه شرکت‌های واجد شرایط تقاضا می‌گردد جهت شرکت در مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پاکت‌های "الف"(تضامین)، "ب"(پیشنهاد فنی درخصوص اجرای درخواست و رزومه شرکت)، "ج"(پیشنهاد قیمت) را به‌صورت جداگانه، ارائه نمایند.
۱-بابت تضامین شرکت در مناقصه، می‌بایست ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۱۱/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با چک صیادی ثبت شده به این مبلغ و رسید ثبت صیادی و گواهی امضای صادرکننده چک از دفتر خانه اسناد رسمی به‌همراه پاکت دربسته ارسال گردد.
۲- شرکت کنندگان بایستی دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری باشند.
۳- شرکت کنندگان بایستی دارای گواهی صلاحیت ایمنی در زمان عقد قرارداد باشند در غیر اینصورت ضمانت‌نامه بانکی برای برنده مناقصه ضبط می‌گردد.
۴- مدت اعتبار پیشنهادات ۹۰ روز کاری از تاریخ بازگشایی پاکت‌ها می‌باشد.
۵- دستگاه مناقصه‌گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است و هیچ‌گونه اعتراضی از سوی شرکت کنندگان در مناقصه وارد نمی‌باشد.
۶- شرکت کنندگان در مناقصه مطابق با دستورالعمل ارزیابی کیفی، براساس تجربه (سابقه اجرایی)، حسن سابقه و توان اجرایی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و درصورت احراز شرایط (کسب حداقل ۷۰٪ امتیاز کل) پاکت قیمت آنها گشوده خواهد شد.
۷- شرکت کنندگان باید دارای رزومه کاری مرتبط با موضوع درخواست مناقصه را داشته باشند.
۸- زمان دریافت و تکمیل اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ به مدت ۱۰ روز تقویمی و قابل تمدید.
۹- محل اجرای پروژه: کیلومتر ۲۵ جاده کرمان - جوپار کارخانه لاستیک بارز کرمان
۱۰- محل دریافت اسناد: کرمان - کیلومتر ۲۵ جاده جوپار - کارخانه لاستیک بارز یا وب‌سایت گروه صنعتی بارز به‌آدرس www.barez.org
۱۱- محل تحویل اسناد:
کرمان - کارخانه لاستیک بارز کرمان واقع در کیلومتر ۲۵ جاده کرمان - جوپار دفتر حراست تلفن تماس: ۰۳۴-۳۱۳۴۵۰۰۰
تهران - خیابان سهروردی شمالی، خیابان هویزه غربی، پلاک ۱۰۱ آقای بیرانوند دبیر خانه محرمانه کدپستی: ۱۵۵۳۶۱۶۳۱۱ تلفن تماس: ۰۲۱۸۶۷۹۶۰۰۰
روابط عمومی گروه صنعتی بارز (مجتمع کرمان)

مجری طرح انتقال آب در گفت‌وگو با «ایران» خبر داد

آب گرانقیمت خلیج فارس بزودی در کرمان

با توجه به هزینه بالای پمپاژ، این آب بیشتر در بخش صنعت و فعالیت‌های دارای ارزش افزوده مورد استفاده قرار می‌گیرد

گزارش

بیتا میرعظیمی
گروه ایران زمین

پروژه انتقال آب از خلیج فارس به کرمان در حالی به مراحل پایانی اجرا نزدیک شده که ماهیت آن، برخلاف تصور عمومی تأمین دائمی و متعارف آب شرب شهروندان نیست؛ بلکه ایجاد یک ظرفیت پشتیبان برای مدیریت شرایط اضطراری و عبور از دوره‌های تنش آبی است. هزینه بالای تولید و انتقال این آب که براساس برآوردهای مطرح‌شده به چندین یورو برای هر مترمکعب می‌رسد، استفاده مستمر از آن برای مصارف عمومی را از منظر اقتصادی فاقد توجیه می‌کند. با این حال، در شرایطی که کاهش منابع آب متعارف، افزایش مصرف و تشدید تنش آبی می‌تواند شبکه تأمین آب کرمان را با محدودیت مواجه کند، وجود چنین ظرفیتی از منظر مدیریت بحران و تأمین حداقل نیازهای ضروری، اهمیت ویژه‌ای دارد. برهمین اساس، فاز اول این طرح پس از تکمیل زیرساخت‌های باقی‌مانده، امکان انتقال ۵۰۰ لیتر بر ثانیه آب به کرمان را در مواقع اضطراری فراهم خواهد کرد. این ظرفیت قرار نیست جایگزین منابع متعارف آب شرب یا به‌صورت دائمی وارد چرخه مصرف شهری شود؛ بلکه در دوره‌های اوج مصرف، بحران و بروز کمبود، به‌عنوان یک منبع پشتیبان وارد مدار خواهد شد تا بخشی از نیاز آبی مردم را جبران و از تشدید تبعات اجتماعی و اقتصادی تنش آبی جلوگیری کند.

«سید علیرضا ساداتی‌فر» مجری طرح انتقال آب به شهرهای استان کرمان در گفت‌وگو با «ایران» و در تشریح آخرین وضعیت پروژه انتقال آب خلیج‌فارس به استان اظهار کرد: «آنچه درباره بهره‌برداری پروژه انتقال آب خلیج‌فارس به کرمان طی چند ماه آینده مطرح می‌شود، مربوط به کل طرح نیست، بلکه به بخشی از پروژه آبرسانی اضطراری از خط انتقال آب صنایع به شهر کرمان مربوط می‌شود.»

وی افزود: «درطرح اولیه، آبرسانی اضطراری به شهرهای رفسنجان و کرمان تعریف شده بود. بخش انتقال آب تا رفسنجان انجام شده و به بهره‌برداری رسیده است، اما انتقال آب از رفسنجان به کرمان نیازمند احداث و راه‌اندازی ایستگاه‌های پمپاژ است.»

وی با بیان اینکه این آب از ابتدا به‌عنوان یک منبع اضطراری تعریف شده است، افزود: «هدف اصلی، جبران بخشی از کمبود آب شرب در دوره‌های اوج مصرف و شرایط خاص است. هزینه تولید و انتقال این آب بسیار بالاست و هر مترمکعب آن براساس برآورد سال گذشته حدود سه یورو هزینه دارد؛ بنابراین استفاده مستمر از آن برای مصارف عمومی شهری از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست.» وی ادامه داد: «نگاه مدیریت استان این است که در صورت تکمیل کامل طرح، این آب بیشتر در بخش صنعت و فعالیت‌های دارای ارزش افزوده مورد استفاده قرار گیرد، زیرا آب انتقالی از خلیج فارس آب گرانقیمتی است و استفاده از آن در فعالیت‌های اقتصادی توجیه بیشتری دارد.»

پروژه آب کرمان در ایستگاه تأمین اعتبار

«سید علیرضا ساداتی‌فر» مجری طرح انتقال آب به شهرهای استان کرمان به «ایران» گفت: «خط انتقال آب تا کرمان سال گذشته تکمیل شد و اکنون تمرکز ما بر تکمیل ایستگاه‌های پمپاژ است. بخش عمده هزینه‌های باقی‌مانده مربوط به تأمین تجهیزاتی مانند پمپ‌ها، ترانسفورماتورها، تابلوهای برق، پست‌های برق و خطوط برق‌رسانی است که همگی نیازمند تأمین اعتبارات هستند.» وی تأکید کرد: «زمان بهره‌برداری پروژه به تأمین منابع مالی بستگی دارد.» مجری طرح انتقال آب به شهرهای استان کرمان با اشاره به نیازهای مالی پروژه گفت: «برای تکمیل کل پروژه حدود یک‌هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز است، اما برای راه‌اندازی فاز اول و انتقال ۵۰۰لیتر بر ثانیه آب به کرمان، حدود ۸۰۰ تا ۸۵۰ میلیارد تومان اعتبار کافی خواهد بود.» وی افزود: «در صورت تأمین کامل این اعتبار به‌صورت نقدی، ظرف دو تا سه ماه امکان بهره‌برداری از این بخش پروژه وجود دارد.» ساداتی‌فر با اشاره به تلاش‌های انجام‌شده برای تأمین منابع مالی اظهار کرد: «استانداری کرمان تلاش کرده است بخشی از منابع مالی مورد نیاز را از محل مسئولیت‌های اجتماعی صنایع و معادن استان تأمین کند؛ با این‌حال تاکنون اعتباری در اختیار پروژه قرار نگرفته است. همچنین از محل منابع عمومی کشور نیز هنوز تزریق مالی مؤثری برای این پروژه انجام نشده و همین موضوع روند تکمیل طرح را با کندی مواجه کرده است.»

وی درباره ظرفیت انتقال آب در فاز اول گفت: «در صورت راه‌اندازی فاز اول، ۵۰۰ لیتر بر ثانیه آب به کرمان منتقل خواهد شد. ظرفیت نهایی پروژه یک‌هزار لیتر بر ثانیه است که از طریق دو ایستگاه پمپاژ تأمین می‌شود. در هر ایستگاه هفت پمپ نصب خواهد شد که پنج پمپ در مدار بهره‌برداری و دو پمپ به‌عنوان رزرو عمل می‌کنند.»

> هدف اصلی، جبران بخشی از کمبود آب شرب در دوره‌های اوج مصرف و شرایط بحرانی است. هزینه تولید و انتقال این آب بسیار بالاست و هر مترمکعب آن بر اساس برآورد سال گذشته حدود سه یورو هزینه دارد؛ بنابراین استفاده مستمر از آن برای مصارف عمومی شهری از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست

تأمین یک‌ششم آب کرمان با انتقال آب دریا

مجری طرح انتقال آب به شهرهای استان کرمان همچنین گفت: «پروژه انتقال آب خلیج فارس به کرمان از طریق سرمایه‌گذاری شرکت واسکو و با مشارکت مجموعه‌های معدنی بزرگ از جمله گل‌گهر، گهرزمین و چادرملو اجرا شده است. این آب پس از نمک‌زدایی در مبدأ، به استان‌های مسیر انتقال می‌یابد و بخشی از آن طبق تعهدات موجود برای تأمین نیازهای عمومی و رفع کمبود آب شهرها اختصاص داده شده است.» وی افزود: «این الگو پیش از این در استان یزد و همچنین رفسنجان اجرایی شده است.» ساداتی‌فر با اشاره به مصوبات گذشته تأمین اعتبار این پروژه اظهار کرد: «در دولت سیزدهم نیز مصوبه‌ای برای تأمین حدود سه‌هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار این طرح وجود داشت که بخش عمده آن قرار بود از محل مسئولیت‌های اجتماعی صنایع و معادن استان تأمین شود، اما در عمل تنها حدود ۲۰۰ میلیارد تومان آن محقق شد.» وی تصریح کرد: «به همین دلیل پروژه با وجود پیشرفت مناسب، با کندی ادامه یافت و تکمیل آن به تأمین اعتبارات جدید وابسته ماند.» ساداتی‌فر در پایان گفت: «در صورت تأمین منابع مالی مورد نیاز، امکان بهره‌برداری از فاز اول پروژه تا پایان شهریورماه وجود دارد. انتقال ۵۰۰ لیتر بر ثانیه آب به کرمان می‌تواند نقش قابل توجهی در مدیریت تنش آبی ایفا کند.» وی خاطرنشان کرد: «با توجه به اینکه مصرف آب شهر کرمان حدود سه‌هزار لیتر بر ثانیه برآورد می‌شود، تأمین ۵۰۰ لیتر بر ثانیه معادل حدود یک‌ششم نیاز شهر است و می‌تواند در دوره اوج مصرف تابستان به عبور از شرایط بحرانی کمک کند.»

ضرورت مدیریت مصرف و حفاظت از منابع آبی

«حمید علیدادی سلیمانی» مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کرمان نیز درباره پروژه انتقال آب خلیج فارس به شهر کرمان به «ایران» گفت: «عملیات اجرای خط لوله به طول حدود ۱۴۵ کیلومتر به پایان رسیده و بخش عمده پروژه تکمیل شده است.» وی افزود: «برخی تأخیرها در تکمیل ایستگاه‌های پمپاژ ناشی از مسائل مالی و تأمین تجهیزات بوده است، اما با پیگیری‌های انجام‌شده در سطح استان و وزارت نیرو، انتظار می‌رود این طرح تا چند ماه آینده به بهره‌برداری برسد.»

سلیمانی با اشاره به بهره‌برداری از این طرح در رفسنجان اظهار کرد: «شهر رفسنجان هم‌اکنون از آب انتقالی خلیج‌فارس بهره‌مند است و در کرمان نیز پس از تکمیل نهایی تأسیسات، این منبع به شبکه آب شهری متصل خواهد شد.» سلیمانی همچنین به ترکیب مصرف آب در استان اشاره کرد و گفت: «بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی در بخش کشاورزی، حدود ۶ درصد در بخش شرب و بهداشت و حدود ۳ تا ۴ درصد در بخش صنعت مصرف می‌شود.»

وی خاطرنشان کرد: «اگرچه سهم آب شرب در مقایسه با بخش کشاورزی بسیار کمتر است، اما به دلیل ضرورت تأمین مستمر آب سالم و باکیفیت برای شهروندان، حساسیت و اهمیت ویژه‌ای دارد.» مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کرمان به موضوع چاه‌های غیرمجاز نیز اشاره کرده و گفت: «تعداد این چاه‌ها طی حدود یک دهه گذشته از ۱۱ هزار حلقه به حدود ۷۵۰۰ حلقه کاهش یافته است.»

وی افزود: «از این تعداد، حدود ۳۵۰۰حلقه چاه مشمول انسداد هستند و در سال‌جاری نیز با اخذ مجوزهای قضایی و همکاری دستگاه‌های اجرایی و انتظامی، روند مسدودسازی آنها ادامه خواهد یافت.» به گفته وی، در کنار برخورد با برداشت‌های غیرمجاز، تعیین تکلیف بخشی از چاه‌های قدیمی نیز مطابق ضوابط قانونی در حال انجام است.

«حمید علیدادی سلیمانی» با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف و حفاظت از منابع آبی اظهار کرد: «هرچند بارندگی‌های امسال شرایط بهتری را برای استان رقم زده است، اما تداوم پایداری منابع آب نیازمند مشارکت جدی مردم، کشاورزان، صنایع و دستگاه‌های اجرایی در مصرف بهینه آب و اجرای برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی خواهد بود.»

برش

شتاب در توسعه انتقال آب خلیج فارس

«احسان انصاری» مجری طرح‌های ملی و حیاتی انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی به «ایران» گفت: «خط اول انتقال آب خلیج‌فارس به فلات مرکزی ایران به طول بیش از ۸۲۰ کیلومتر و با ظرفیت سالانه ۱۳۰ میلیون مترمکعب، هم‌اکنون آب مورد نیاز صنایع بزرگ معدنی از جمله گل‌گهر، مس سرچشمه و چادرملو و همچنین بخشی از نیاز شرب و صنعت شهرهای استان‌های هرمزگان، کرمان، یزد و اصفهان را تأمین می‌کند.»

مجری طرح‌های ملی و حیاتی انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی با بیان اینکه این طرح حاصل سال‌ها مطالعات فنی، مهندسی و زیست‌محیطی است، افزود: «فاز اول پروژه با رعایت استانداردهای تخصصی و ملاحظات محیط زیستی به بهره‌برداری رسیده و بستر مطمئنی برای تأمین آب صنایع مستقر در فلات مرکزی کشور فراهم کرده است.» به گفته انصاری، آب انتقالی از کریدور خلیج‌فارس در مقایسه با سایر مسیرهای تأمین و انتقال آب دریا، از مزیت فنی، اقتصادی و پدافندی قابل‌توجهی برخوردار است. مدیرعامل شرکت تأمین و انتقال آب خلیج‌فارس همچنین با اشاره به توسعه ظرفیت این ابرپروژه تصریح کرد: «با بهره‌برداری از واحد دوم آب‌شیرین‌کن در نیمه دوم سال ۱۴۰۳، ظرفیت نمک‌زدایی به ۴۰۰ هزار مترمکعب در شبانه‌روز، معادل ۱۴۰ میلیون مترمکعب در سال افزایش یافته است. همچنین عملیات اجرایی خط دوم انتقال آب با ظرفیت سالانه ۲۰۰ میلیون مترمکعب در حال انجام است و پیش‌بینی می‌شود طی سه سال آینده به بهره‌برداری برسد. این توسعه ظرفیت، نقش مهمی در تأمین پایدار آب مورد نیاز صنایع و مناطق کم‌آب کشور ایفا خواهد کرد.»

اطلاع‌رسانی

هفته دولت ۱۴۰۵ «دولت پای کار مردم؛ روایت دفاع و سازندگی»

با افتتاح ۶۰۰ میلیارد تومان پروژه‌های برقی استان اردبیل در هفته دولت؛

گام‌های مؤثری برای تأمین برق پایدار برداشته می‌شود

خبر

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل از افتتاح و بهره‌برداری ۶۰۰ میلیارد تومان پروژه برق‌رسانی در هفته دولت خبر داد و گفت: با افتتاح این پروژه‌ها در هفته دولت سالجاری، گام‌های مؤثری در تأمین برق پایدار مشترکان و ارتقای زیرساخت‌های انرژی استان برداشته می‌شود.

به گزارش روابط عمومی شرکت توزیع برق استان اردبیل، ناصر عبدالهیان با تأکید بر اهمیت پشتیبانی از توسعه استان در حوزه انرژی با بهره‌برداری از پروژه‌های حیاتی برق در استان افزود: این پروژه‌ها در بخش‌های مختلف تیرورسانی، بهینه‌سازی شبکه برق روستایی، سرمایه‌گذاری در توزیع، هوشمندسازی، روشنایی معابر و کاهش تلفات اجرا شده است.

وی در ادامه اظهارکرد: از مجموع ۶۰۰ میلیارد تومان پروژه قابل افتتاح در هفته دولت، ۱۲۴ میلیارد تومان مربوط به پروژه‌های تیرورسانی، ۸۷ میلیارد تومان مربوط به بهینه‌سازی برق روستایی، ۱۸۸ میلیارد تومان مربوط به سرمایه‌گذاری در بخش توزیع، ۸۳ میلیارد تومان مربوط به هوشمندسازی، ۴۶ میلیارد تومان مربوط به روشنایی معابر و ۷۲ میلیارد تومان نیز مربوط به طرح‌های کاهش تلفات است.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل با تأکید بر توزیع متوازن اعتبارات به پروژه‌ها در شهرستان‌ها گفت: در شهرستان‌های شمال استان اعتبارات تخصیص یافته به این پروژه ها، بیش از ۱۶۱ میلیارد تومان، در انگوت و گرمی ۵۵ میلیارد تومان، جنوب استان ۶۸، مشگین شهر ۸۰ و در شهرستان‌های مرکز استان نیز بیش از ۲۳۶ میلیارد تومان به این پروژه‌ها اختصاص یافته است.

عبدالهیان با اشاره به تأکید توانیر بر توسعه و بهبود زیرساخت‌های انرژی افزود: با افتتاح پروژه‌های تعریف شده هفته دولت در بخش‌های تیرورسانی و بهینه‌سازی مناطق روستایی و شهری، شاهد پایداری هر چه بیشتر شبکه و رضایتمندی مشترکان استان خواهیم بود.

ابلاغ آگهی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

بدین‌وسیله به‌اطلاع **خانم زینب امیریان فرزند احمد** کارشناس اتاق عمل رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند؛ نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۸۷۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر بازخرید خدمت با پرداخت سی روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا مشارالیها در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

مزایده عمومی فروش بشکه‌های خالی فلزی ۲۲۰ لیتری در ایستگاه پمپاژ عسلویه

PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام)

شماره مزایده: PGSOC-LEC- BARREL -TE-02977

شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس (سهامی عام) در نظر دارد **بشکه‌های خالی فلزی ۲۲۰ لیتری در ایستگاه پمپاژ عسلویه به‌وزن تقریبی ۱۷ تن** را به‌فروش برساند. بنابراین از همه متقاضیان دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مزایده تا مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ با مراجعه به سربرگ مناقصات در وبگاه اینترنتی شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس به آدرس WWW.PGSOC.IR اقدام کنند.

ضمناً هرگونه نقل و انتقال پسماندهای صنعتی از طریق سامانه محیط زیست به آدرس www.iranemp.ir صورت می‌پذیرد.

نکته: خریدار علاوه بر پرداخت قیمت خرید، ملزم به پرداخت مالیات بر ارزش افزوده آن به‌فروشنده می‌باشد.

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مزایده: مبلغ ۶۸۰،۰۰۰،۰۰۰ (ششصد و هشتاد میلیون) ریال.

تاریخ بازدید: مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸، ساعت ۱۰:۰۰ صبح. متقاضیان باید حداکثر تا ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ نسبت به معرفی نماینده خود جهت بازدید اقدام فرمایند.

محل برگزاری جلسه توجیهی: استان بوشهر، شهر عسلویه، میدان شهدا، بلوار شهدا، بعد از هتل رمیله، جنب مخازن متمرکز، ایستگاه پمپاژ میعانات گازی شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس.

مهلت تحویل بسته پیشنهادی مزایده: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

محل تحویل بسته پیشنهادی مزایده: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت، شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس، امور حقوقی و قراردادها.

تلفن: ۰۷۶-۳۱۳۱۰۰۰۰ داخلی ۳۷۰۸، **دورنگار:** ۰۷۶-۳۱۳۱۳۱۳۱، **کدپستی:** ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳، **ایمیل:** Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و بین‌الملل شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس

IRAN DAILY
www.newspaper.iran-daily.com
1877

ماندگار و مؤثر

نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی با معرفی آثار برگزیده به کار خود پایان داد

جوایز ادبی

مریم شهبازی
گروه کتاب

نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی با معرفی آثار برگزیده و شایسته تقدیر، به کار خود پایان داد. در این رویداد رقابتی که با گرامیداشت یاد و خاطره زنده‌یاد موسی اسوار، مترجم نامدار و یار دیرین این جایزه همراه بود، هیأت داوران از میان ۱۶۲ اثر ارسالی در حوزه ترجمه رمان و داستان کوتاه، کتاب «فابیان» نوشته اریش کستنر با ترجمه اژدر انگشتری را به‌عنوان اثر برگزیده انتخاب کردند؛ همچنین رمان «سه سیب از آسمان افتاد» نوشته نارینه آبگاریان با ترجمه یلدا بیدختی‌نژاد، عنوان شایسته تقدیر این دوره را از آن خود کرد. این جایزه که طی ۹ دوره برگزاری، جایگاه خود را به‌عنوان رویدادی معتبر در عرصه ترجمه تثبیت کرده، بار دیگر با تأکید بر کیفیت متن و استقلال رأی داوران، کوشید تا با معرفی استعدادهای جوان، چراغ راهی برای پویایی جریان ترجمه در ادبیات فارسی باشد.

گرامیداشت یاد استاد اسوار

علی‌اصغر محمدخانی، دبیر نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی، اختتامیه این رویداد ادبی را با شرح مختصری درباره چرایی تأخیر در برپایی مراسم اهدای جوایز این دوره آغاز کرد؛ اینکه قرار هر ساله شورای سیاست‌گذاری جایزه به برپایی اختتامیه در ماه بهمن و همزمان با سالروز درگذشت زنده‌یاد ابوالحسن نجفی است؛ قراری که حوادث سال گذشته و وقوع جنگ تحمیلی سوم مانع تحقق آن شد. محمدخانی در ادامه یاد و خاطره زنده‌یاد موسی اسوار، یکی از همراهان همیشگی برپایی این رویداد ادبی را گرامی داشت و گفت: «نهمین دوره جایزه استاد نجفی را به یاد استاد موسی اسوار به پایان می‌بریم؛ یکی از ستون‌های اصلی در برپایی این رویداد ادبی که از نخستین دوره همراهی‌مان کرد. استاد اسوار چهره شناخته‌شده‌ای برای همگان است؛ یکی از بهترین مترجمان زبان و ادبیات عربی که ایشان را سوم شهریور سال گذشته از دست دادیم؛ ترجمه‌های ارزنده‌ای از شعر و ادبیات عرب به همت ایشان در دست است. زنده‌یاد اسوار از جهات بسیاری شبیه استاد نجفی بود، هم به لحاظ حساسیت فراوانی که نسبت به کتاب‌ها و زبان فارسی داشت و هم تنهایی‌اش در زندگی شخصی. شباهت‌های بسیار عجیبی داشتند؛ به‌خصوص در دقت و نکته‌سنجی‌شان. کتاب «اکنون... اینجا بار دیگر شرق مدیترانه» نوشته عبدالرحمن منیف، آخرین ترجمه استاد اسوار است که نشر «هرمس» آن را منتشر کرده؛ کتابی که بعد از درگذشت ایشان منتشر شد و اختتامیه نهمین دوره این جایزه به یاد و خاطره اسوار گره خورده است.»

محمدخانی با اشاره به اینکه جایزه ابوالحسن نجفی به رویدادی اثرگذار در جریان ترجمه تبدیل شده و اعتبار خوبی پیدا کرده است، گفت: «این رویداد رقابتی با هدف پاسداشت یاد ابوالحسن نجفی در عرصه ترجمه و برای تشویق جوانان برگزار می‌شود و تمرکز آن صرف معرفی مترجمان جوان و آثارشان است.» به گفته دبیر علمی نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی، ۱۶۲ ترجمه در حوزه‌های رمان و داستان کوتاه در مرحله نخست داوری مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ آثاری از ناشران مختلف که در سال ۱۴۰۳ منتشر شده‌اند. عبدالله کوثری، ضیاء موحد، حسین معصومی همدانی، امید طبیب‌زاده، آبتین گلکار، محمدرضا ترک‌تتاری، مهستی بحرینی، نرگس قندیل‌زاده و فرزانه دوستی، هیأت داوران نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی بودند که محمدخانی در ادامه صحبت‌هایش از آنها قدردانی کرد و گفت: «هم‌اکنون در اختتامیه نهمین دوره جایزه استاد نجفی، از تمامی اساتیدی که در جمع هیأت داوران همراهی‌مان کردند، قدردانی می‌کنم؛ اساتیدی که به‌رغم شرایط دشوار یک سال اخیر در جلسات حضوری و مجازی شرکت داشتند. از جمله مهم‌ترین چالش‌های هیأت داوران در بررسی آثار ارسالی به دبیرخانه این دوره می‌توان به نزدیک بودن سطح آثار، چه از نظر سطح ترجمه‌ها و چه محتوای کتاب‌ها اشاره کرد. در نهایت از میان یازده اثر راه یافته به مرحله نیمه‌نهایی داوری، یک کتاب به‌عنوان برگزیده بخش ترجمه و یک کتاب نیز به‌عنوان اثر تشویقی انتخاب شدند. طی ۹ دوره‌ای که از برگزاری جایزه استاد نجفی می‌گذرد، هشتاد-نود عنوان کتاب به‌عنوان نامزدهای مرحله نیمه‌نهایی معرفی شده‌اند که همگی در زمره آثار شاخص و خواندنی هستند. امیدوارم کاری برای معرفی خوب این کتاب‌ها به خوانندگان ادبیات انجام شود تا بیشترین بهره را از نتیجه کار هیأت داوران دوره‌های مختلف ببرند. اکنون که کار نهمین دوره به اتمام رسیده، طی دو سه هفته آینده، فراخوان دهمین دوره جایزه را اعلام عمومی خواهیم کرد تا اگر اتفاق تازه‌ای رخ ندهد، در بهمن امسال اختتامیه آن را طبق روال هر ساله برگزار کنیم.»

علی جعفرآبادی، مدیرعامل شهر کتاب، سخنران بعدی این اختتامیه بود که آشنایی با زنده‌یاد اسوار را یکی از خوش‌اقبالی‌های زندگی کاری خود و فقدان او را ضایعه‌ای بزرگ برای اهالی کتاب و ادبیات عنوان کرد؛ او با تأکید برآنکه جایزه استاد نجفی یکی از اقدامات ماندگار شهر کتاب طی یک دهه گذشته به شمار می‌آید، افزود: «برگزاری این جایزه حتی اگر تنها به یک دوره محدود می‌شد، همچنان اتفاق شکوهمندی بود؛ با وجود این مفتخریم که برگزاری آن به همت همراهی بزرگانی همچون آقایان محمدخانی و مهدی فیروزان استمرار یافته است. به لطف برگزاری دوره‌های مختلف جایزه استاد نجفی، شاهد برخاستن نسل جدیدی از ادیبان و فاضلان در کشورمان هستیم، جمعی که پاسداری زبان پارسی و تمدن کهن‌مان را به عهده خواهند گرفت.»

از راست: علی‌اصغر محمدخانی، اژدر انگشتری، حسین معصومی همدانی، نرگس قندیل‌زاده و فرزانه دوستی / عکس: سجاد صفری/ایران

ایستاده در میانه دو فرهنگ

مهدی فیروزان، مؤسس و رئیس هیأت مدیره شهر کتاب، سخنان خود را با خاطراتی از چگونگی آشنایی و آغاز همکاری‌اش با زنده‌یاد اسوار در اوایل دهه شصت آغاز کرد و با بیان اینکه زندگی استاد اسوار از وجوه مختلفی قابل بررسی است، گفت: «زندگی اسوار دو بخش دارد؛ زندگی شخصی و زندگی علمی-فرهنگی و دانشگاهی ایشان. اسوار در زندگی خصوصی اهل فتوت بود؛ جوانمردی و پاکی، وفای به عهد، راستگویی، تحمل و شکیبایی ویژگی‌های اهل فتوت است که مصادیق آن را می‌توان در تذکره‌های مختلف دید. شخصیت اسوار برخوردار از استانداردهایی مبتنی بر این سه ویژگی است؛ در رفتار شخصی مهربان و راستگو بود و اهل صبوری و تأمل بسیار. از سوی دیگر بسیار سخاوتمند بود و همواره دغدغه نزدیکان و مظلومان را داشت. اینکه سراغ ترجمه‌هایی از زبان عربی و شعرای عرب رفت نیز به دغدغه همیشگی‌اش درخصوص ظلمی بازمی‌گردد که به ملت فلسطین شده است. اسوار همچون پلی میان اعراب و ایرانیان، پلی میان زبان عربی و زبان فارسی و پلی میان فرهنگ عربی و فرهنگ فارسی بود. او در میانه این دو فرهنگ ایستاد. اسوار درون فرهنگ می‌زیست و مشتاق و عاشق آموختن بود. زبان عربی را به همان شیرینی، خوبی و فصاحت می‌دانست که زبان فارسی را بلد بود. او پلی میان گذشته و امروز زد و اشعار عربی سعدی را به فارسی آسان ترجمه کرد. همچنین همایشی در لبنان برای زبان فارسی برگزار کرد و در همین شهر کتاب، بانی برپایی اصولی‌ترین برنامه در دفاع از مردم فلسطین شد.»

فیروزان بخشی از سخنان خود را به تشریح نقش راهبردی اسوار در سال‌های همکاری‌اش با انتشارات سروش پرداخت؛ به گفته فیروزان، تقریباً از بدو ورود به سروش و قبول مدیریت این مؤسسه انتشاراتی، از اسوار برای همکاری دعوت می‌کند و زنده‌یاد اسوار نیز راهبردی در شکل‌گیری و دعوت به همکاری از بزرگان عرصه کتاب همچون سمیعی گیلانی، رضا سید حسینی، اسماعیل سعادت، اکبر عالمی و حسین معصومی همدانی برای همکاری با شورای کتاب انتشارات سروش ایفا می‌کند؛ جمعی که با تأسیس فرهنگستان زبان و ادب، نقش مؤثری در شکل‌گیری آن نیز ایفا می‌کنند. به گفته فیروزان، زنده‌یاد موسی اسوار با طراحی و راه‌اندازی شورای‌عالی ویرایش صداوسیما، در رسانه ملی نیز منشأ اقدامات مهمی می‌شود. مهدی فیروزان از جایزه ابوالحسن نجفی نیز به‌عنوان یک رویداد ملی یاد کرد که افتخاری برای نشر ایران نیز به شمار می‌آید، جایزه‌ای که طی سال‌های برگزاری‌اش توانسته به رویدادی اثرگذار و جریان‌ساز در عرصه نشر تبدیل شود.

معجزه تداوم جایزه نجفی

حسین معصومی همدانی، استاد دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی که در جمع هیأت داوران جایزه ابوالحسن نجفی نیز حضور دارد، سخنان خود را با بیان خاطراتی از نیم قرن دوستی و همکاری با ابوالحسن نجفی و دوستی چهل ساله با موسی اسوار آغاز کرد و گفت: «بارها درباره ابوالحسن نجفی و آثار ارزشمندی که از او به یادگار مانده سخن گفته‌ام و شاید به تکرار مکرراتی که بر کسی پوشیده نیست نیازی نباشد. بنابراین امروز درباره یکی از خصوصیات زنده‌یاد نجفی صحبت می‌کنم که کمتر کسی به آن اشاره کرده، اینکه رابطه او با شاگرانش برخلاف آن چیزی است که در ایران شاهد هستیم. رابطه شاگرد و استادی در کشور ما اغلب رابطه مرید و مرادی است، خصوصیتی برخلاف شیوه شاگردپروری ابوالحسن نجفی! نجفی شاگردان زیادی داشت اما تقریباً مریدی نداشت. هریک از شاگردان او در حوزه کاری خود، چهره‌های برجسته‌ای شدند؛ افرادی همچون بهرام صادقی، تقی مدرسی، هوشنگ گلشیری، ضیاء موحد و محمد حقوقی از جمله افرادی بودند که در حلقه مشهور به جُنگ اصفهان با آقای نجفی دم‌خور بودند. با وجود این هیچ‌کدام کپی نجفی نشدند و این هنری است که در کمتر کسی دیده می‌شود. نجفی با عوالمی آشنا بود که آشنایی با آنها برای جوانانی که به خصوص در شهرستان زندگی می‌کردند، غنیمت بود؛ جوانان در تعامل با نجفی، هم گوش شنوایی پیدا می‌کردند و هم احساس ایمنی می‌کردند چراکه او در صدد صیدشان نبود و هرگز به دنبال مرید پروری نبود. از سوی دیگر نجفی حریم مستحکمی داشت و از آن نمی‌شد، جلوتر رفت. کار و روابط نجفی با اشخاص، بر اساس این حریم تنظیم می‌شد.»

معصومی همدانی در بخش دیگری از سخنانش به اهمیت برگزاری جایزه ابوالحسن نجفی و استمرار ۹ ساله آن پرداخت و گفت: «برگزاری جایزه‌ای که به نام یکی از اساتید گره خورده و تداوم برپایی ۹ ساله آن در کشورمان یک معجزه است. با آنکه از ابتدا همراه این جایزه بودم اما گمان نمی‌کردم برپایی آن بیش از چند سال دوام داشته باشد. استمرار این جایزه شاید به این دلیل باشد که برگزاری‌اش هیچ منفعتی برای هیأت داورانش ندارد. هیچ یک از آنان داستان‌نویس نیستند، برخی از داوران جایزه حتی مترجم داستان هم نیستند و بیشتر در زمره خوانندگان کتاب هستند، خوانندگانی که به هیچ حلقه خاصی وابستگی ندارند. متأسفانه یکی از آفت‌های رایج در برگزاری جوایز ادبی در کشورمان، محفلی شدن و تبعیت‌شان از جریان‌های روز است؛ آفتی که تا به امروز سبب از میان رفتن برخی جوایز ادبی شده‌اند؛ البته درخصوص برخی از آنها نمی‌توان منکر عوامل بیرونی شد، منتهی مسأله اصلی آن است که عوامل درونی هم نقش مهمی در حذف آنها ایفا کرده‌اند؛ دلایل درونی از جمله آنکه خواهان پیشرو نشان دادن خود بودند. با چنین نگاهی اغلب به آثاری جایزه اعطا می‌کردند که صفت عمومی‌شان آوانگاردی بود. این درصورتی است که کتاب‌های غیرآوانگارد نیز حق حیات دارند. با چنین نگاهی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جایزه نجفی آن است که منعکس‌کننده تنوع آثاری است که به فارسی ترجمه می‌شوند. انتخاب آثار بررسی شده در نهمین دوره جایزه کار دشواری بود. خوشبختانه کارهایی که جوان‌ها انجام می‌دهند، گاهی برجسته‌تر از کارهایی است که بزرگان در دوران جوانی‌شان کرده‌اند. پرورده شدن زبان فارسی در آثار این جوانان گاهی آنچنان چشمگیر است که حیرت می‌کنم. گاهی با خود می‌گویم اگر بزرگان نسل پیشین بودند، می‌توانستند چنین کتاب‌هایی را ترجمه کنند؟»

معصومی همدانی در پایان سخنان خود، دو کتاب برگزیده و شایسته تقدیر نهمین دوره جایزه استاد نجفی را آثار در خور توجه خواند، او خصوصیت مشترک هر دو کتاب را در آن دانست که به‌رغم روایت بر بستر دوران‌های تاریخی، «سیاست» تقریباً در هر دو آنها غایب است و تأکید کرد هیچ کدام بر محیط فاجعه بار سیاسی متمرکز نشده و زندگی آدم‌ها برای آنان در اولویت است.

مهدی فیروزان: موسی اسوار همچون پلی میان اعراب و ایرانیان، پلی میان زبان عربی و زبان فارسی و پلی میان فرهنگ عربی و فرهنگ فارسی بود. او در میانه این دو فرهنگ ایستاد. اسوار درون فرهنگ می‌زیست و مشتاق و عاشق آموختن بود. زبان عربی را به همان شیرینی، خوبی و فصاحت می‌دانست که زبان فارسی را بلد بود. او پلی میان گذشته و امروز زد

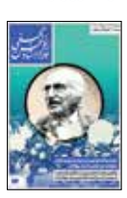

در ستایش امید

در بخش دیگری از اختتامیه، نرگس قندیل‌زاده، مترجم زبان عربی نیز به شرح نکاتی درباره آخرین ترجمه زنده‌یاد اسوار پرداخت؛ کتاب «اکنون اینجا... بار دیگر شرق مدیترانه» نوشته عبدالرحمان منیف که چندی پیش از سوی انتشارات هرمس منتشر شده است. به گفته محمدخانی، دبیر علمی نهمین جایزه ابوالحسن نجفی، شورای سیاست‌گذاری این جایزه طی سال‌های اخیر برای بهره‌مندی از حضور مترجمان جوان در جمع هیأت داوران این رویداد ادبی کوشیده است. بر همین اساس چند سالی است که از برخی نفرات برگزیده دوره‌های گذشته برای همکاری دعوت می‌شود. محمدرضا ترک تتاری یکی از همین داوران جوان است که پیش‌تر موفق به کسب عنوان ترجمه برگزیده شده است. او به شرح نکاتی درباره کتاب «فابیان» اثر برگزیده این دوره پرداخت و گفت: «نثر ترجمه این کتاب نه بیش از اندازه آراسته و ادیبانه است که تندی و برندگی متن را بپوشاند و نه آنقدر خشن و بی‌رنگ و بو که ویژگی‌های سبکی نویسنده از میان برود. مترجم توانسته، دو وجه ظاهراً متضاد اما در هم تنیده «فابیان» را که از یک سو تراژدی و اندوه عمیق جهانی را که در آن مدام زیر پای شخصیت‌ها خالی می‌شود و از سوی دیگر طنز سرد را که تلخ و گاه بی‌رحم است منتقل کند. این طنز همان‌طور که به خوبی به فارسی هم درآمده است، وسیله‌ای برای شوخی کردن با سبک کردن مصیبت نیست؛ بلکه کارکرد مهم‌تری هم دارد و طنز تراژدی را برجسته‌تر می‌کند که ترجمه این تعادل دشوار را حفظ کرده است. خواننده نیز هم لبخند تلخ زمان و هم ته‌مزه اضطراب شکست و نومیدی را که پشت این لبخند پنهان است، حس می‌کند.»

اژدر انگشتری، مترجم کتاب فابیان که موفق به کسب عنوان برگزیده نهمین دوره جایزه استاد نجفی شده، از دیگر سخنرانان این مراسم بود که با تأکید بر نقش این جایزه در ارتقای ترجمه گفت: «ما مترجمان رقیب هم نیستیم؛ زیرا از کار یکدیگر خبر نداریم، رقیب‌مان کار قبلی‌مان است که می‌خواهیم یک قدم جلوتر برویم. اما درباره چرایی ترجمه کتاب فابیان باید تأکید کنم یکی از مهم‌ترین شاخص‌های من در انتخاب این کتاب، نسبت آن با شرایط اجتماعی جامعه است. این اثر درباره اواخر دهه ۱۹۲۰ در آلمان است که با مشکلات و رکود اقتصادی و بیکاری، اضطراب جنگ و آشفتگی فرهنگی همراه است. به گمانم ترجمه فابیان مهم است، چون تجربه زیسته ما را به آن تجربه تاریخی پیوند می‌زند و یادآوری می‌کند در بحران‌ها تنها نیستیم و جوامع دیگری از آن عبور کرده‌اند. این رمان امید را به ناامیدان انتقال می‌دهد.»

آخرین بخش این مراسم به سخنرانی کوتاه یلدا بیدختی‌نژاد، مترجم اثر تقدیری «سه سیب از آسمان افتاد» اختصاص یافت، او تأکید کرد نقطه عطف رمانی که ترجمه کرده، رنج است، رنجی که به شکلی در سراسر جهان جریان دارد. با این حال در نهایت کورسوی امیدی نیز در آن به چشم می‌خورد که قابل توجه است و قوت نویسنده‌اش را نشان می‌دهد.

حسین معصومی همدانی: رابطه ابوالحسن نجفی با شاگرانش برخلاف آن چیزی است که در ایران شاهد هستیم. رابطه شاگرد و استادی در کشور ما اغلب رابطه مرید و مرادی است، اما نجفی با اینکه شاگردان زیادی داشت تقریباً مریدی نداشت. هریک از شاگردان او در حوزه کاری خود، چهره‌های برجسته‌ای شدند

نامزدهای نهمین دوره

فهرست ۱۱ کتاب راه‌یافته به مرحله نهایی نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی به شرح زیر است:

- **زوجه مارتن گر** نوشته جنت لوئیس، ترجمه وحید طباطبایی، نشر ماهی
- **سه سیب از آسمان افتاد** نوشته نارینه آبگاریان، ترجمه یلدا بیدختی‌نژاد، نشر مولیان
- **فابیان** نوشته اریش کستنر، ترجمه اژدر انگشتری، نشر بیدگل
- **بچه آهو** نوشته ماگدا سابو، ترجمه نصرالله مرادیانی، نشر بیدگل
- **یخبندان** نوشته توماس برنهارت، ترجمه زینب آرمند، نشر بیدگل
- **مسیر زندگی** نوشته میگل دلیبس، ترجمه علیرضا شفیعی‌نسب، نشر نی
- **یک جور اشتباه** نوشته یوسف ادریس، ترجمه سیدمحمدحسین میرفخرایی، نشر نی
- **اولکر آبلا** نوشته سرای شاهینر، ترجمه مژده الفت، نشر برج
- **همرنگ جماعت** نوشته آلبرتو موراویا، ترجمه هاله ناظمی، انتشارات دیدآور
- **شب به خیر غریبه** نوشته مکایا بی‌گالت، ترجمه آرش افراسیابی، نشر بیدگل
- **هفت قمر معالی آلمیدا** نوشته شهان کاروناتیلاکا، ترجمه فاطمه تناسان، نشر رایبد

برای مترجمان جوان

به مناسبت برگزاری مراسم پایانی نهمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی و به یاد استاد موسی اسوار

امید طبیب‌زاده
عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

«جایزه ابوالحسن نجفی» به دبیری علی‌اصغر محمدخانی و با پشتیبانی شهر کتاب به ریاست مهدی فیروزان، از سال ۱۳۹۵ تا به امروز، هر ساله برگزار می‌شود. این جایزه به منظور احترام و پاسداشت خدمات استاد ابوالحسن نجفی (۱۳۰۶-۱۳۹۴) به فرهنگ و ادب و عرصه ترجمه رمان و داستان کوتاه در ایران، به بهترین ترجمه رمان و مجموعه داستان کوتاهی که در هر سال منتشر شده، اهدا می‌شود. در این مختصر درباره ویژگی‌های جایزه نجفی، علت اهمیت و اعتبار آن، نحوه انتخاب آثار برگزیده و شایسته تقدیر و مسائلی از این دست سخن می‌گویم. این گزارش کوتاه را تقدیم می‌کنم به یاد و خاطره استاد موسی اسوار (۱۳۳۲-۱۴۰۴) که از دوره دوم در هیأت داوران این جایزه حاضر بود و تا پایان عمر پربارش، نظارت جدی و شرکت بسیار فعال در انتخاب آثار برگزیده و شایسته تقدیر در جایزه ابوالحسن نجفی داشت.

برای برگزاری هر دوره جایزه ابوالحسن نجفی ابتدا طی فراخوانی از مترجمان و ناشران علاقه‌مند به شرکت در جایزه خواسته می‌شود که آثار خود را به دبیرخانه جایزه در شهر کتاب ارسال کنند و سپس تمام آثار به دقت توسط اعضای هیأت داوران بررسی و طی چند دور داوری می‌شود و پس از اتمام داوری ابتدا نام نامزدهای راه یافته به دور پایانی به‌صورت عمومی اعلام می‌شود. سپس از میان این آثار، اثر یا آثار برگزیده و شایسته تقدیر توسط هیأت داوران انتخاب می‌شود و نهایتاً طی مراسمی ویژه جایزه و نشان ابوالحسن نجفی به برندگان اعطا می‌شود. به باور نگارنده، دشوارترین مرحله از مراحل فوق، به انتخاب اثر یا آثار برگزیده و شایسته تقدیر از میان نامزدهای راه یافته به مرحله پایانی مربوط می‌شود، زیرا تمام آثار راه یافته به این مرحله به‌طور بالقوه شایستگی انتخاب شدن به عنوان اثر برگزیده یا شایسته تقدیر را دارند، اما از آنجا که طبق اساسنامه جایزه، باید فقط یک یا دو اثر از آن میان برگزیده شود، داوران به ناچار و بنا به معیارهای گوناگون دست به انتخاب یک یا دو اثر می‌زنند. به این دلیل فهرست ده‌ها کتابی که طی این ۹ دوره به مرحله پایانی رسیده‌اند، خود راهنمای بسیار مفید و ارزشمندی است برای کسانی که در جست‌وجوی بهترین رمان‌ها و مجموعه‌داستان‌های ترجمه شده برای مطالعه هستند (برای مشاهده فهرست این آثار رجوع شود به مدخل «جایزه ابوالحسن نجفی» در تارنمای ویکی پدیا).

این جایزه در همان نخستین دوره خود اهمیت بسیاری در میان دوستداران رمان و داستان‌های کوتاه یافت و به سرعت مورد توجه جامعه ادبی کشور و مخصوصاً مترجمان واقع شد. اهمیت و اعتبار آن به حدی است که ناشران به هنگام تجدید چاپ آثار مترجمان خود، به انحای گوناگون متذکر این نکته می‌شوند که آن اثر برنده جایزه ابوالحسن نجفی شده است. برخی از مهم‌ترین دلایل اهمیت و اعتبار این جایزه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

اول این که جایزه نجفی طی این ۹ دوره همواره استمرار و مداومت داشته و غالباً مراسم پایانی خود را هر سال در بهمن‌ماه، یعنی ماه وفات استاد نجفی، برگزار کرده است. البته دوره چهارم و دوره حاضر (نُهم) در این میان استثنائاً با اندکی تأخیر برگزار شدند، اولی به علت همه‌گیری کرونا و دومی به علت بروز جنگ. دوم اینکه هیأت داورانِ این جایزه، همگی خود از مترجمان و نویسندگان صاحب‌نام جامعه روشنفکری ایران بوده‌اند. تنها با نگاهی به فهرست نام داوران این جایزه درمی‌یابیم که چرا این افراد نقش مهمی در اعتبار بخشیدن به جایزه نجفی داشته‌اند: موسی اسوار، مهستی بحرینی، منوچهر بدیعی، محمدرضا ترک تتاری، ابوالفضل حری، محمود حسینی‌زاد، مژده دقیقی، فرزانه دوستی، سعید رضوانی، امید طبیب‌زاده، نرگس قندیل زاده، عبدالله کوثری، آبتین گلکار، حسین معصومی همدانی و ضیاء موحد.

سوم اینکه دست‌اندرکاران جایزه نجفی توجه خاص به مترجمان جوان یا تازه‌کار داشته‌اند. گرچه در مراسم پایانی بسیاری از دوره‌ها از مترجمان قدیمی و پیشکسوت تقدیر به عمل آمده است، اما جایزه نجفی از ابتدا برای مترجمان جوان یا تازه‌کار طراحی شده است؛ مثلاً فهرست زیر شامل آثار برگزیده هشت دوره جایزه نجفی است که تمام مترجمان آنها جزو مترجمان جوان و تازه‌کار کشور بوده‌اند:

- **دوره اول (۱۳۹۵):** «آشیانه اشراف»، نوشته ایوان تورگنیف، ترجمه آبتین گلکار، نشر ماهی
- **دوره دوم (۱۳۹۶):** «مارش رادتسکی»، نوشته یوزف روت، ترجمه محمد همتی، نشر نو
- **دوره سوم (۱۳۹۷):** «زلیخا چشم‌هایش را باز می‌کند»، نوشته گوزل یاخینا، ترجمه زینب یونسی، انتشارات نیلوفر
- **دوره چهارم (۱۳۹۸ و ۱۳۹۹):** «استاد پترزبورگ»، نوشته جی.ام.کوتسی، ترجمه محمدرضا ترک تتاری، نشر ماهی
- **دوره پنجم (۱۴۰۰):** «هححه»، نوشته لوران بینه، ترجمه احمد پرهیزی، نشرماهی «بیداری»، نوشته کیت شوپن، ترجمه فرزانه دوستی، نشر بیدگل
- **دوره ششم (۱۴۰۱):** «دروازه خورشید»، نوشته الیاس خوری، ترجمه نرگس قندیل‌زاده، نشر نی
- **دوره هفتم (۱۴۰۲):** «در امریکا»، نوشته سوزان سانتاگ، ترجمه نیلوفر صادقی، نشر برج
- **دوره هشتم (۱۴۰۳):** «هم‌نوایی در پاییز»، نوشته باربارا پیم، ترجمه مزدک بلوری، نشر بیدگل

و چهارم این نهاد برگزارکننده جایزه یعنی «شهر کتاب»، نهادی است که در عمل نشان داده است وابسته به هیچ جناح و نهاد خاصی نبوده و در تصمیم‌گیری‌های خود برای انتخاب داوران و آثار مورد بررسی خود، همواره جانب بی‌طرفی را نگاه داشته و فقط به ارزش ادبی و زبانی آثار توجه داشته است. همان‌طور که گفتیم، برگزاری هر دوره جایزه نجفی با اعلام یک فراخوان آغاز می‌شود اما برخی ناشران یا مترجمان در این میان به هر دلیل مایل به شرکت در جایزه نیستند، یا گاه فراموش می‌کنند آثار خود را به‌موقع برای دبیرخانه جایزه ارسال کنند. بدیهی است که این آثار جایی در جایزه نجفی نداشته باشند، اما بارها شاهد بوده‌ام که در مورد برخی آثار خاص و برجسته که به دبیرخانه ارسال نشده، داوران خود نسبت به افزودن آن آثار به فهرست آثار مورد بررسی اقدام کرده و آن آثار را نیز در مسابقه شرکت داده‌اند. البته بدیهی است که این امر شامل حال آثار برخی ناشرانی نمی‌شود که مترجمان خود را از فرستادن آثارشان به دبیرخانه نهی می‌کنند؛ آثار این ناشران طبعاً در فرآیند داوری قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه مترجم خود جرأت کند و به‌رغم نهی ناشر کتابش را برای دبیرخانه ارسال کند که در این صورت آن کتاب قطعاً در فرآیند داوری قرار خواهد گرفت و بررسی خواهد شد!

اما در پایان بد نیست چند کلمه هم درباره معیار داوران در انتخاب آثار برگزیده و شایسته تقدیر بگوییم. تا آنجا که بنده دریافته‌ام، داوران جایزه نجفی همواره دو معیار اصلی و چند معیار فرعی را مد نظر داشته‌اند. معیارهای اصلی عبارتند از اولاً کیفیت ادبی اثر مورد بررسی در زبان اصلی و در جهان، و ثانیاً کیفیت زبانی آن در ترجمه فارسی. بنابراین آثار کلاسیک هیچ مزیتی بر آثار مدرن ندارند و آثار مدرن نیز برتر از آثار کلاسیک محسوب نمی‌شوند. هرچه کیفیت ادبی اثری در زبان مبدأ بالاتر و کیفیت زبانی ترجمه آن در فارسی بهتر و نزدیک‌تر به اصل باشد، امکان راهیابی آن اثر به دورهای بعد بیشتر و بیشتر می‌شود. اما چند معیار فرعی هم وجود دارد که در تعیین آثار برگزیده و شایسته تقدیر نقش مهمی دارند، مثلاً اینکه آیا کتاب ترجمه مجدد است؟ آیا ترجمه از زبان واسط (و نه اصلی) صورت گرفته است؟ آیا کتاب فاقد ویراستار حرفه‌ای بوده است؟ آیا کیفیت چاپ آن ضعیف است؟ و غیره. اگر پاسخ به هریک از سؤالات فوق مثبت باشد، خودبه‌خود از اهمیت و ارزش آن کتاب کاسته می‌شود و امکان راهیابی آن به دوره بعد کاهش می‌یابد.

امیدواریم به‌رغم تمام مشکلاتی که در راه برگزاری جایزه نجفی وجود دارد، هم مترجمان و ناشران بتوانند آثار ادبی مهم جهان را به فارسی ترجمه و منتشر کنند و هم «جایزه ابوالحسن نجفی» بتواند به رسالت خود در تعالی بخشیدن به زبان و ادبیات فارسی ادامه دهد و در کار خود مثمر ثمر باشد.

irannewspaper.ir

دوشنبه • ۲ شهریور ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۰۵
• اذان ظهر ۱۲/۰۷ • اذان مغرب ۱۹/۰۲ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۰۴/۰۲ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۳۱

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
خداوند، رحمت کند مردی را که قدر خویش را بشناسد و از حدّ خود درنگذرد!

غررالحکم و دررالکلم

نقل قول

تولید اندیشه در دل عسرت حیاتی‌ترین پیام زیست فکری ابن‌سینا

حیاتی‌ترین پیام زیست فکری ابن‌سینا برای ما، درس تولید اندیشه در دل عسرت و مشقت است. ابن‌سینا در عافیت و آسودگی کسب علم نکرد و قلم نزد؛ او در کانون ناامنی‌ها، جابه‌جایی‌های پرمخاطره و تنگناهای سیاسی روزگارش زیست؛ اما اجازه نداد هیچ آشوبی توان تولید فکر و عقلانیت او را متوقف کند. این تجربه، آینه‌ای راهگشا پیش روی امروز ماست. ایران عزیز در ماه‌های گذشته تکانه‌های سخت و جنگ‌های تحمیلی را پشت سر گذاشته است؛ گرداب‌هایی که می‌توانستند هر جامعه‌ای را به شوک، انفعال و تعلیق فکری بکشانند اما میراث ابن‌سینا به ما هشدار می‌دهد که توقف اندیشه‌ورزی در زمانه عسرت، آسیبی به مراتب سهمگین‌تر از ضربات میدانی وارد می‌کند. رسالت بنیادین اهالی فرهنگ، هنر و اندیشه در چنین روزگاری، نه کناره‌گیری و سکوت بلکه تولید معنا، صورت‌بندی رنج‌ها، تبدیل اضطراب به بینش عقلانی و گشودن افق‌های امید است.

بخشی از پیام سیدعباس صالحی
به مناسبت روز بزرگداشت ابوعلی سینا

«لیلا حاتمی» در تجربه‌ای متفاوت از «حمید نعمت‌الله»

فیلم سینمایی «بُت» به کارگردانی حمید نعمت‌الله که سال ۱۴۰۳ جلوی دوربین رفت، بالاخره پروانه نمایش گرفت و مهرماه ۱۴۰۵ اکران می‌شود. به گفته علی سرتیپی، این پروانه بدون ممیزی و حذفیات صادر شده است. «بُت» در ژانر درام اجتماعی ساخته شده و لیلا حاتمی، محمدرضا فروتن، لیلی رشیدی، کاظم سیاحی، الناز حبیبی، بانیپال شومون و نوید پورفرج در آن بازی کرده‌اند. این هفتمین همکاری نعمت‌الله با لیلا حاتمی پس از «بی‌پولی»، «رگ خواب» و «قاتل و وحشی» است. /ایران

«امیر جدیدی» از پرده سینما تا زمین پیکلبال

این روزها خبرهایی از اکران اولین همکاری امیر جدیدی با یوسف حاتمی کیا منتشر شده، همچنین تصاویری از حضور این بازیگر در اردوی تیم ملی پیکلبال برای اعزام به جام جهانی ۲۰۲۶ ویتنام بازنشر شده است.

«اسکورت» دومین ساخته یوسف حاتمی کیا با بازی امیر جدیدی، هدی زین‌العابدین، افشین هاشمی، مهدی زمین‌پرداز و رضا کیانیان قرار است از ۱۱ شهریور روی پرده برود. /ایران

«گنجینه ملی ۳» با «نیکلاس کیج» در راه است

جان ترتلتاب، کارگردان سری فیلم‌های «گنجینه ملی»، رسماً از آغاز ساخت قسمت سوم این مجموعه خبر داد و گفت فیلمنامه در حال نگارش است و تلاش می‌شود بازیگران قبلی نیز بازگردند. اولین فیلم این مجموعه در سال ۲۰۰۴ با بازی نیکلاس کیج و دایان کروگر اکران شد و ۳۴۷ میلیون دلار فروخت. دنباله آن، «کتاب اسرار» (۲۰۰۷)، به فروش ۴۵۹ میلیون دلاری رسید. دیزنی پلاس نیز در سال ۲۰۲۲ سریالی با نام «لبه تاریخ» از این مجموعه منتشر کرد که تنها یک فصل دوام آورد. /ایسنا

بررسی تبعات اقتصادی پروژه‌های بزرگ نمایشی در تهران

استقلال صحنه قربانی سرمایه‌های بزرگ می‌شود؟

تئاتر در مسیر سینما؛ چرخه معیوب سرمایه و ستاره

گزارش

حامد قریب
گروه فرهنگی

روزگاری را به خاطر می‌آوریم که خیلی دور نیست؛ می‌توانستیم با چند بازیگر، نمایشنامه، سالنی کوچک و مقداری سماجت تئاتر کار کنیم. نه اینکه تولید تئاتر ارزان باشد و همه‌چیز برای گروه‌های مستقل فراهم؛ اما دست‌کم فاصله میان «ایده داشتن» و «امکان اجرا کردن» آنقدر زیاد نبود که امروز به نظر می‌رسد.

اکنون در آستانه شهریور ۱۴۰۵، صحنه تئاتر تهران با منظره‌ای متفاوت روبه‌روست: چند پروژه بزرگ، با مضمون‌های ملی و اسطوره‌ای، بازیگران شناخته‌شده سینما، سالن‌های بزرگ، موسیقی و جلوه‌های بصری، و البته قیمت‌هایی که دیگر نمی‌توان آنها را صرفاً در چارچوب اقتصاد سنتی تئاتر توضیح داد. اتفاقی که بیش از هرچیز پرسش‌های بسیاری را در ذهن ایجاد می‌کند: اینکه چطور هنر نمایش در ایران به این نقطه رسیده است؟

«آرش» به کارگردانی علی سرابی و تهیه‌کنندگی علی محتشم قرار است از هفته دوم شهریور در رویال هال اسپیناس پالاس اجرا شود. ترکیب بازیگران آن شامل نام‌هایی چون نوید محمدزاده، طناز طباطبایی، مهدی پاکدل، علی شادمان و علیرضا شجاع‌نوری است و خود پروژه نیز عنوان «تئاتر-ارکسترال» را یدک می‌کشد.

«سیاوش» حسین پارسایی نیز به تهیه‌کنندگی سید محمود شبیری و جلیل کیا در حال آماده‌سازی است و بهرام رادان، شهرام حقیقت‌دوست، علی زندوکیلی، آزاده صمدی، الهام نامی و مهدی سلطانی از بازیگران معرفی شده آن هستند؛ پروژه‌ای که قرار است روایت سیاوش را با ترکیبی از نمایش، موسیقی و جلوه‌های بصری به صحنه ببرد. قیمت بلیت این اثر هنوز اعلام نشده اما قرار است، شهریورماه در باشگاه انقلاب روی صحنه برود.

و «پسران فریدون» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا معتمدی، از سوم شهریور در تالار وحدت روی صحنه می‌رود؛ نمایشی با بازی امیرآقایی، نازنین بیاتی، امیررضا دلاوری، پدرام شریفی، یسنا میرطهماسب و امیرکاوه آهنین‌جان. قیمت بلیت این اثر یک میلیون و چهارصد هزار تومان تعیین شده است.

سه اثر، سه روایت از شاهنامه؛ و شاید مهم‌تر از آن، سه نشانه از تغییری که باید اقتصاد تئاتر ایران را با دقت بیشتری زیر ذره‌بین ببرد.

بلیت پنج میلیون تومانی با چه متر و معیاری؟

اکنون قیمت بلیت پنج میلیون تومانی نمایش «سیاوش» همه نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرده است. خبر، در ظاهر ساده است: بلیت یک نمایش تئاتری به حدود پنج میلیون تومان رسیده است. اما مسأله فقط قیمت یک بلیت نیست. وقتی بلیت تئاتر به چنین عددی می‌رسد، پرسش طبیعی این است که این قیمت چگونه محاسبه شده است؟ هزینه تولید چقدر است؟ چه تعداد اجرا برای پروژه پیش‌بینی شده؟ ظرفیت سالن چقدر است؟ دستمزد بازیگران و عوامل اصلی چه میزان است؟ اجاره سالن، دکور، موسیقی، تبلیغات و تجهیزات چقدر هزینه برداشته‌اند؟ و نهایتاً پروژه برای بازگشت سرمایه به چه میزان فروش نیاز دارد؟

در مورد «پسران فریدون» دست‌کم اعداد اعلام شده برای بلیت روشن است: پیش‌فروش با قیمت‌هایی از ۵۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان آغاز شده است. این رقم نیز در مقایسه با اجرای قبلی تالار وحدت، «خون‌بس»، که بلیت‌هایش بین ۶۵۰ تا ۷۸۰ هزار تومان بوده، قابل توجه است. اما همین جا یک اتفاق عجیب‌تر رخ داده است: همزمان با آغاز پیش‌فروش، برخی بلیت‌های «پسران فریدون» در بازار غیررسمی «دیوار» با قیمت‌هایی تا چهار میلیون تومان آگهی شده‌اند.

این بازار غیررسمی البته الزاماً به پروژه یا تهیه‌کننده ارتباطی ندارد؛ اما یک چیز را عیان می‌کند: وقتی فاصله میان قیمت رسمی و ارزش بازاری یک بلیت تا این اندازه زیاد می‌شود، دیگر نمی‌توان اقتصاد بلیت را مسأله‌ای فرعی دانست.

مسأله فقط بالا رفتن قیمت بلیت تئاتر نیست، زیرا افزایش هزینه‌های تولید در شرایط تورمی، اتفاق عجیبی نیست. دستمزدها بالا رفته، اجاره سالن و تجهیزات افزایش یافته و تولید یک اثر نمایشی پیچیده‌تر از گذشته هزینه دارد. اما مسأله زمانی آغاز می‌شود که افزایش هزینه تولید، به تغییر مدل تولید منجر شود. تئاتر اگر به سمت پروژه‌هایی حرکت کند که برای آغاز شدن نیازمند سرمایه‌های بسیار بزرگ باشند، طبیعی است که شکل انتخاب هم تغییر می‌کند. سرمایه بزرگ، معمولاً بازگشت سرمایه می‌خواهد و برای بازگشت سرمایه، چه چیزی مطمئن‌تر از نام‌های شناخته‌شده؟ در نتیجه بازیگرانی که از سینما و تلویزیون آمده‌اند، سالن‌های بزرگ‌تر، تبلیغات گسترده‌تر، دکورهای پرهزینه‌تر و فرم‌های ترکیبی مانند کنسرت‌نمایش و تئاتر-ارکسترال، بیش از پیش به بخشی از منطق اقتصادی این پروژه‌ها تبدیل می‌شوند. این اتفاق ذاتاً بد نیست. حتی می‌تواند به رشد کیفیت فنی، حرفه‌ای‌تر شدن تولید و جذب مخاطب تازه منجر شود. مسأله از جایی آغاز می‌شود که این مدل، از یک امکان به تنها مدل قابل زیست تبدیل شود.

> مسأله فقط بالا رفتن قیمت بلیت تئاتر نیست، زیرا افزایش هزینه‌های تولید در شرایط تورمی، اتفاق عجیبی نیست. دستمزدها بالا رفته، اجاره سالن و تجهیزات افزایش یافته و تولید یک اثر نمایشی پیچیده‌تر از گذشته هزینه دارد. اما مسأله زمانی آغاز می‌شود که افزایش هزینه تولید، به تغییر مدل تولید منجر شود

تئاتر در مسیر سینما!

آیا تئاتر در مسیر راهی است که سینمای ایران طی کرد؟ این همان نقطه‌ای است که مقایسه با سینمای ایران اجتناب‌ناپذیر می‌شود. ورود سرمایه‌های بزرگ به سینمای ایران، فقط به معنای اضافه شدن چند تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذار تازه نبود. این نهادها بخشی از منابع مالی و امکانات تولید را وارد سینما کردند و در تولید آثار مختلف نقش گرفتند. درباره اوج، برای نمونه، کارنامه‌ای از تولید یا مشارکت در آثاری چون «ایستاده در غبار»، «بادیگارد»، «تنگه ابوقریب»، «به وقت شام» و «خروج» ثبت شده است. ورود این سرمایه‌ها را نمی‌توان به‌سادگی با عبارت «عامل نابودی سینمای مستقل» توضیح داد؛ واقعیت بسیار پیچیده‌تر است. اما یک پیامد اقتصادی را نمی‌توان نادیده گرفت: وقتی مقیاس تولید بالا می‌رود، هزینه ورود به میدان هم بالا می‌رود. فیلمسازی که زمانی می‌توانست با گروهی کوچک و سرمایه‌ای محدود فیلم بسازد، در برابر صنعتی قرار می‌گیرد که استانداردهای تولید، دستمزدها، تجهیزات و توقع مخاطب در آن رشد کرده است. به این ترتیب، سرمایه بزرگ فقط امکان ساخت پروژه‌های بزرگ را ایجاد نمی‌کند؛ به‌تدریج تعریف پروژه قابل ساخت را هم تغییر می‌دهد. همین نگرانی حالا درباره تئاتر قابل طرح است. اگر برای اجرای یک نمایش، سرمایه‌ای بزرگ لازم باشد، اگر برای بازگشت این سرمایه حضور ستاره ضروری شود، اگر برای جذب ستاره سالن بزرگ لازم باشد و اگر برای جبران هزینه سالن و ستاره و تولید، بلیت افزایش یابد، یک چرخه شکل می‌گیرد:

«سرمایه بیشتر ← تولید بزرگ‌تر ← هزینه بیشتر ← افزایش قیمت بلیت ← نیاز به مخاطب بیشتر ← نیاز به ستاره بیشتر.»

و بیرون از این چرخه چه کسی باقی می‌ماند؟ گروه جوانی که می‌خواهد یک متن تجربی را با چهار بازیگر روی صحنه ببرد. کارگردانی که ستاره ندارد. نمایشی که قرار نیست هزاران نفر را جذب کند و تئاتری که اساساً قرار نیست شبی چند صد میلیون تومان فروش داشته باشد.

تئاتر مستقل، قربانی ناگزیر؟

در اینجا باید میان دو مفهوم تفاوت گذاشت: افزایش قیمت بلیت تئاتر و از بین رفتن تئاتر مستقل. این دو الزاماً یکی نیستند. ممکن است پروژه‌ای با سرمایه سنگین ساخته شود و در کنار آن ده‌ها نمایش کوچک و مستقل هم به حیات خود ادامه دهند. اما اگر اقتصاد تئاتر به سمتی برود که سالن‌های مهم، تبلیغات، رسانه و مخاطب عمدتاً در اختیار پروژه‌های بزرگ قرار گیرد، تئاتر مستقل بدون اینکه رسماً ممنوع یا حذف شده باشد، ممکن است از نظر اقتصادی به حاشیه رانده شود. این شاید از حذف مستقیم هم پیچیده‌تر باشد. چون کسی نمی‌گوید «تئاتر مستقل حق اجرا ندارد.» فقط اجرای مستقل هرروز دشوارتر و پرهزینه‌تر می‌شود.

سرمایه این پروژه‌ها از کجا تأمین می‌شود؟

اینجا پرسش دیگری مطرح می‌شود که شاید از قیمت بلیت هم مهم‌تر باشد. اقتصاد پروژه‌های بزرگ تئاتری چقدر شفاف است؟ در خبرهای مربوط به این پروژه‌ها معمولاً نام تهیه‌کننده، کارگردان، بازیگران و سالن منتشر می‌شود. درباره محتوا، فرم اجرا و ستاره‌ها اطلاعات فراوانی وجود دارد. اما درباره اعداد اقتصادی، تقریباً هیچ. بودجه تولید چقدر است؟ سرمایه‌گذار چه کسی است؟ سرمایه‌گذاری به شکل خصوصی انجام شده یا نهادی؟ هزینه تولید دقیقاً چه میزان بوده؟ دستمزدها چگونه تعیین شده‌اند؟ چه میزان از فروش به سالن می‌رسد؟ چه میزان به تهیه‌کننده؟ چند درصد فروش بلیت صرف هزینه‌های جاری می‌شود؟ نقطه سربه‌سر پروژه کجاست؟ و بعد از پایان اجرا، آیا پروژه سودده بوده یا زیان‌ده؟ این پرسش‌ها درباره هر فعالیت اقتصادی بزرگی طبیعی است. اما در هنر، به دلیل حساسیت منابع مالی و در مواردی استفاده از زیرساخت‌ها و امکانات عمومی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. اگر پروژه‌ای کاملاً خصوصی است و تمام هزینه‌هایش از سرمایه خصوصی تأمین شده، باز هم شفافیت درباره اقتصاد آن برای تحلیلگران و سیاست‌گذاران فرهنگی ارزشمند است. اما اگر بخشی از منابع مستقیم یا غیرمستقیم از بودجه عمومی، امکانات دولتی، یارانه، تخفیف یا زیرساخت‌های عمومی تأمین شود، مطالبه شفافیت جدی‌تر می‌شود.

تئاتر برای چه کسی؟

تئاتر قرار است چه مخاطبی داشته باشد؟ اگر یک خانواده چهار نفره بخواهد به نمایشی با بلیت پنج میلیون تومانی برود، فقط باید بیست میلیون تومان هزینه خرید بلیت کند. با رفت‌وآمد و سایر هزینه‌ها، تماشای یک نمایش برای چنین خانواده‌ای دیگر یک تفریح معمول فرهنگی نیست؛ به یک خرید لوکس فرهنگی تبدیل می‌شود. این موضوع تغییر کوچکی نیست. تئاتر اگر فقط برای طبقه‌ای ساخته شود که توان پرداخت چنین مبالغی را دارد، بخشی از کارکرد اجتماعی خود را از دست می‌دهد. البته هیچ‌کس نمی‌تواند از یک پروژه خصوصی انتظار داشته باشد قیمتش را مطابق توان مالی همه جامعه تعیین کند. اما سیاست فرهنگی باید دقیقاً همین‌جا وارد شود: اگر هزینه تولید تئاتر افزایش یابد، چه برنامه‌ای برای حفظ دسترسی عمومی وجود دارد؟ اگر پروژه‌های بزرگ نیازمند سرمایه‌های بزرگ‌اند، چه حمایت‌هایی از تولیدهای کوچک‌تر می‌شود؟ اگر قیمت بلیت آزاد است، آیا نظام حمایتی یا یارانه‌ای برای مخاطبانی که توان پرداخت ندارند وجود دارد؟ و مهم‌تر از همه، آیا سیاست فرهنگی کشور فقط قرار است امکان ساخت پروژه‌های بزرگ را فراهم کند یا باید امکان زنده ماندن تئاتر کوچک و مستقل را هم تضمین کند؟

مسأله تنها نمایش «آرش» و قیمت بلیت این اثر نیست؛ ممکن است «آرش» یک استثنا باشد. ممکن است هزینه تولید آن واقعاً آن‌قدر بالا باشد که قیمت بلیت فعلی، از منظر اقتصادی پروژه، قابل دفاع باشد. ممکن است مخاطب نیز از آن استقبال کند و پروژه به سود برسد. ممکن است حتی برعکس، پروژه ضرر ده باشد. ما نمی‌دانیم و این «نمی‌دانیم» شاید مهم‌ترین مسأله این گزارش باشد زیرا تا زمانی که هزینه تولید و درآمد پروژه‌های بزرگ منتشر نشود، نمی‌توان درباره اقتصاد آنها قضاوت کرد. همین مسأله درباره «سیاوش» و «پسران فریدون» نیز صدق می‌کند. آنچه می‌دانیم، اندازه پروژه‌ها و قیمت بلیت است؛ آنچه نمی‌دانیم، اقتصاد آنهاست و شاید وقت آن رسیده باشد که به جای پرسیدن فقط از میزان فروش یک نمایش، از میزان هزینه آن هم بپرسیم. به جای اینکه فقط بگوییم «بلیت چند میلیون تومان فروخته شد»، بپرسیم: این نمایش چقدر هزینه داشته است؟ به جای آنکه فقط تعداد ستاره‌های یک پروژه را بشماریم، بپرسیم: سرمایه این ستاره‌باران از کجا آمده است؟ و به جای اینکه فقط درباره استقبال تماشاگران حرف بزنیم، بپرسیم: چه کسی از این اقتصاد سود می‌برد و چه کسی از آن بیرون می‌ماند؟ سینمای ایران یک بار تجربه کرده است که تغییر اقتصاد تولید، فقط حساب‌های تهیه‌کننده‌ها را تغییر نمی‌دهد؛ می‌تواند شکل سینما را عوض کند. به طوری که شاهد بودیم چطور سینمای مستقل تا مرز نابودی پیش رفته است.

اکنون شاید هنوز برای تئاتر دیر نشده باشد. پیش از آنکه «تئاتر مستقل» هم مثل سینمای مستقل، نه با یک تصمیم رسمی، بلکه با افزایش تدریجی هزینه‌ها، دستمزدها، قیمت سالن‌ها و سرمایه مورد نیاز برای تولید، به حاشیه رانده شود، باید درباره اقتصاد تازه تئاتر حرف زد. پنج میلیون تومان شاید فقط قیمت یک صندلی باشد. اما اگر این صندلی نشانه تغییر مدل تولید باشد، مسأله دیگر یک بلیت نیست. مسأله، آینده تئاتر ایران است.

برش

قیمت بلیت را چه کسی تعیین می‌کند؟

پرسش بعدی، به همان اندازه ساده و بنیادی است: قیمت بلیت تئاتر بر چه اساسی تعیین می‌شود؟ در عمل، امروز با طیفی بسیار گسترده از قیمت‌ها مواجهیم. برای مثال در سامانه تیوال، همزمان نمایش‌هایی با بلیت چندصد هزار تومانی و آثار گران‌تر دیده می‌شوند. این تفاوت البته می‌تواند طبیعی باشد؛ سالن، تعداد بازیگران، مدت اجرا، هزینه تولید و امکانات پروژه متفاوت است، اما آیا یک فرمول روشن، عمومی و قابل دسترس وجود دارد که به مخاطب بگوید سقف قیمت بلیت بر چه مبنایی تعیین شده است؟ اگر وجود دارد، چرا مخاطب آن را نمی‌بیند؟ اگر وجود ندارد، سقف قیمت کجاست؟ آیا یک تهیه‌کننده می‌تواند براساس هزینه تولید، قیمت بلیت را هرقدر که تشخیص می‌دهد افزایش دهد؟ اگر پاسخ مثبت است، مرز میان «قیمت اقتصادی» و «قیمت دلخواه» کجاست؟ این پرسش وقتی جدی‌تر می‌شود که پروژه در سالنی اجرا می‌شود که خود بخشی از زیرساخت فرهنگی کشور است.

در مورد «پسران فریدون» حتی افزایش سقف بلیت تالار وحدت از رقم‌های قبلی به یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، موضوعی است که در گزارش‌های اخیر محل پرسش قرار گرفته است.

تحلیل فرهنگی روز

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

نقدی به پدیده‌ای به اسم باج‌نیوزها

زنگ خطر برای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

رسانه قرار است آینه باشد، نه آینه‌ای که فقط زشتی‌ها را بزرگ‌نمایی کند، بلکه آینه‌ای که واقعیت را همان‌گونه که هست پیش روی جامعه بگذارد. مسأله اما از جایی آغاز می‌شود که رسانه، به جای آنکه ابزار کشف حقیقت و مطالبه‌گری عمومی باشد، به ابزار معامله تبدیل شود، جایی که خبر نه برای آگاهی‌بخشی، بلکه برای فشار آوردن تولید و منتشر می‌شود. اینجاست که پدیده‌ای به نام «باج‌نیوز» شکل می‌گیرد. گفت‌وگوی اخیر جلال خوش‌چهره از روزنامه‌نگاران پیشکسوت با خبرگزاری ایسنا درباره عوامل رشد باج‌نیوزها، فارغ از جزئیات مصادیق، از یک واقعیت مهم پرده برمی‌دارد؛ اینکه باج‌نیوزها را نمی‌توان صرفاً محصول انحراف اخلاقی چند خبرنگار یا مدیر رسانه دانست. این پدیده، بیش از آنکه یک استثنا باشد، نشانه بیماری در ساختاری است که در آن مرز میان رسانه حرفه‌ای، رسانه شخصی، کانال فشار و ابزار معامله روزبه‌روز کمرنگ‌تر شده است.

باج‌نیوز از خلأ تغذیه می‌کند. هرجا سازمانی شفاف نیست، هرجا انتصاب‌ها بر اساس تخصص و شایستگی انجام نمی‌شود، هرجا مدیران از پاسخگویی گریزان‌اند و هرجا اطلاعات در دسترس افکارعمومی قرار نمی‌گیرد، امکان شکل‌گیری بازار غیررسمی خبر بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، «اطلاعات» به جای آنکه کالایی عمومی برای افزایش آگاهی جامعه باشد، می‌تواند به اهرمی برای اعمال قدرت تبدیل شود.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین نکات بحث خوش‌چهره، رابطه متقابل میان ساختارهای بوروکراتیک و ساختار رسانه‌ای است. بوروکراسی ناکارآمد، رسانه ناسالم تولید می‌کند و رسانه ناسالم نیز به تداوم همان ناکارآمدی کمک می‌کند. مدیر غیرپاسخگو از یک‌سو به رسانه‌ای نیاز دارد که بتواند با آن معامله کند و رسانه غیرحرفه‌ای نیز از سوی دیگر به مدیرانی نیازمند است که در فضای غیرشفاف، امکان چانه‌زنی و فشار ایجاد کند. این رابطه، چرخه‌ای معیوب می‌سازد که خروج از آن آسان نیست. در این میان، نباید نقش مشکلات معیشتی اهالی رسانه را نادیده گرفت. روزنامه‌نگاری که امنیت شغلی ندارد، دستمزد کافی نمی‌گیرد و آینده حرفه‌ای‌اش مبهم است، بیش از گذشته در معرض وسوسه‌های بیرون از قواعد حرفه‌ای قرار می‌گیرد. البته مشکلات اقتصادی هرگز توجیه‌کننده باج‌گیری نیستند، اما نمی‌توان از تأثیر ساختار اقتصادی بر اخلاق حرفه‌ای چشم پوشید. حرفه‌ای که نتواند حداقلی از امنیت و منزلت برای نیروی انسانی خود فراهم کند، دیر یا زود با چالش سرمایه اجتماعی مواجه خواهد شد.

عامل مهم دیگر، تغییر معنای «افشاگری» است. افشاگری در ذات خود نه‌تنها مذموم نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه است. جامعه به رسانه‌ای نیاز دارد که فساد، تخلف و سوءمدیریت را آشکار کند. اما افشاگری زمانی از مسیر حرفه‌ای خارج می‌شود که هدفش دیگر منفعت عمومی نباشد. تفاوت میان روزنامه‌نگاری تحقیقی و باج‌نیوز دقیقاً همین‌جاست: اولی اطلاعات را برای روشن شدن حقیقت منتشر می‌کند؛ دومی از ابهام، ترس و تهدید انتشار اطلاعات برای کسب منفعت استفاده می‌کند.

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی نیز این مرز را پیچیده‌تر کرده‌اند. امروز انتشار یک ادعا به چند دقیقه زمان نیاز دارد، اما راستی‌آزمایی آن ممکن است روزها طول بکشد. در چنین فضایی، یک تیتر تحریک‌کننده یا یک ادعای تأییدنشده می‌تواند بسیار بیشتر از یک گزارش مستند دیده شود. اقتصاد توجه، گاهی به اقتصاد جنجال تبدیل می‌شود و جنجال، بهترین سوخت برای باج‌نیوزهاست.

مقابله با این پدیده نیز صرفاً با برخورد قضایی یا حذف چند رسانه ممکن نیست. راه‌حل پایدار، در شفافیت سازمانی، حرفه‌ای‌تر شدن مدیریت رسانه‌ها، تقویت امنیت شغلی روزنامه‌نگاران، دسترسی آزادتر به اطلاعات و مهم‌تر از همه، بازسازی اعتماد عمومی به رسانه‌هاست. رسانه‌ای که اعتبارش را از دست بدهد، حتی اگر حقیقت بگوید، شنیده نمی‌شود. شاید مسأله اصلی همین باشد. اینکه باج‌نیوزها فقط محصول رسانه‌های ناسالم نیستند، محصول جامعه‌ای هستند که در آن اطلاعات کمیاب، قدرت غیرشفاف و پاسخگویی ضعیف است. بنابراین اگر قرار است باج‌نیوزها کوچک شوند، باید بازار تولید و مصرف آنها نیز کوچک شود. رسانه حرفه‌ای نه تهدید می‌کند، نه معامله می‌کند و نه از ترس مخاطب و مسئول تغذیه می‌کند. کار رسانه، پرسیدن است، حتی پرسش‌های سخت. اما پرسش باج‌خواهانه با پرسش روزنامه‌نگارانه تفاوتی بنیادی دارد؛ یکی حقیقت را می‌خواهد و دیگری امتیاز را. شاید دفاع از رسانه، پیش از هر چیز، دفاع از همین مرز باشد.